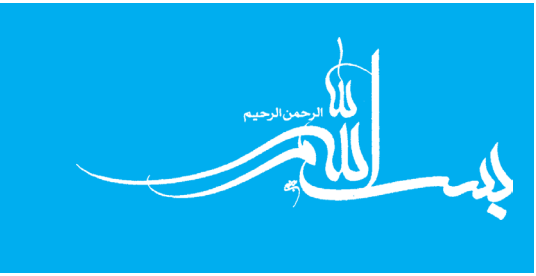
بسم الله الرحمن الرحیم

مسجد و سبک زندگی

محمدتقی فعالی

مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها

عنوان کتاب: مسجد و سبک زندگی

نویسنده: محمد تقی فعالی

تحقیق و نگارش اوّلیه: داود بشیرزاده

تایپ: علی محسنی

مقابله‌گر: سید محمد رفعتی‌پور

ویراستار: حسن رمضانی

صفحه‌آرایی: سیدمهدی حسینی

طرح جلد: محمدجواد زهادت

ناشر: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

نوبت چاپ: دوم، بهمن ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: چاپ اسراء

مراکز پخش

۱. قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی(ره)، ۲۰متری حضرت ابوالفضل(ع)، پلاک ۱۰۳، دفترمطالعات و پژوهش ها تلفن: ۳۶-۳۲۹۲۳۸۳۵-۰۲۵

۲. تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان لاله زار، بعد از چهار راه منوچهری، کوچه صفامنش، ساختمان محراب مرکز رسیدگی به امور مساجد تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴-۰۲۱

مقدمه **۱۵**
دیباچه **۱۹**
فصل اول: سبک زندگی و فرهنگ مسجد **۲۳**
اشاره **۲۵**
یک | سبک زندگی **۲۷**
یک) پیشینه ۲۷
دو) الگوها و محدوده‌ها ۲۹
سه) نقش دین در سبک‌دهی ۲۹
چهار) بیماری‌های سبک زندگی جدید ۳۱
پنج) چیستی ۳۲
شش) شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها ۳۴
الف) فردی و اجتماعی ۳٤
ب) نقش بینش‌ها و ارزش‌ها ۳۵
ج) تأثیر وضعیت جغرافیایی و اقلیمی ۳٦
د) رفتارهای درون‌زا ۳٦
ه) سبک زندگی پدیده‌ای تدریجی ۳۷

هفت) عوامل سبک‌ساز ۳۸
الف) عوامل فردی ۳۸
ب) عوامل خانوادگی ۳۹
ج) نهادهای اجتماعی ۴۰
دو | مسجد ۴۳
یک) معناشناسی ۴۳
دو) کاربرد در قرآن ۴۴
سه) جایگاه ۴۶
برگزیده خدا ۴۷
میزبان هدف‌آفرینش ۴۸
ملجأ و مأوی ۴۹
خانه خدا روی زمین ۵۰
بازار آخرت ۵۰
محبوب خدا ۵۲
بارگاه پادشاه بزرگ ۵۴
تسبیح گوی خدا ۵۵
زیر سایهٔ خدا ۵۷
جایگاه آرامش ۵۷
برکت‌خیز و رحمت‌گستر ۵۷
چهار) مساجد برگزیده و نفرین شده ۶۱
پنج) فرهنگ مسجدسازی ۶۵
الف) در صدر اسلام ۶۵
ب) در عصر امویان ۶۹
ج) در عصر عباسیان ۷۰
د) امامان شیعه و گسترش کیفی مساجد ۷۱

شش) اجزاء مساجد ۷۴
هفت) انواع مساجد ۷۵
الف) مسجد جامع ۷۶
ب) مسجد محله ۷۷
ج) مسجد بازار ۷۸
د) مسجد خانه ۷۹
هـ) مسجد بین راه ۸۰
و) مسجد وابسته ۸۱
ز) مسجد مجازی ۸۱

فصل دوم: نقش مسجد در سبک دهی به زندگی مسلمانان ۸۳
اشاره ۸۵
یک | کارکردهای مسجد در صدر اسلام ۸۷
یک) کارکرد عبادی و معنوی ۸۷
الف) نماز ۸۷
ب) یاد خدا ۹۵
ج) دعا ۹۶
د) اعتکاف ۹۸
هـ) قرائت قرآن ۹۹
و) توبه ۱۰۰
ز) تقرّب معنوی ۱۰۱
دو) کارکرد فرهنگی و تربیتی ۱۰۴
الف) آموزشی ۱۰۴
اول) مسجدالحرام ۱۰۵
دوم) مسجدالنبی ۱۰۷

سوم) استمرار حیات علمی مساجد توسط امامان شیعه ۱۰۸
ب) وعظ و خطابه ۱۱۱
ج) تربیت مبلّغ ۱۱۲
د) کتابخانه های مساجد ۱۱۳
اول) پیدایش کاغذ ۱۱۳
دوم) نگارش کتاب ۱۱۴
سوم) ظهور کتابخانه ها در مساجد ۱۱۵
ه) مسجد؛ کانون حفظ ارزش ها ۱۱۷
سه) کارکرد اجتماعی و سیاسی ۱۲۱
الف) نقش اجتماعی ۱۲۱
اول) توسعه و ترویج اسلام ۱۲۲
دوم) پناهگاه مسافران و غریبان ۱۲۳
سوم) جشن و مراسم ۱۲۵
چهارم) محل ازدواج و طلاق ۱۲۵
پنجم) برنامه شعرخوانی ۱۲۶
ششم) مکان خرید و فروش ۱۲۶
هفتم) عامل وحدت بخش ۱۲۷
هشتم) امنیت عمومی ۱۲۹
ب) نقش سیاسی ۱۲۹
اول) دیدار با هیئت های سیاسی ۱۳۰
دوم) روشنگری افکار عمومی ۱۳۲
سوم) انجام بیعت ۱۳۳
چهار) کارکرد نظامی ۱۳۳
اول) اردوگاه سپاه ۱۳۴
دوم) مداوای مجروحان ۱۳۴

سوم) مقرّفرماندهی ۱۳۴
پنج) کارکرد قضا ۱۳۵
دو | مسجد طراز ۱۳۸
یک) انسان‌سازی و رشد معنوی ۱۳۸
دو) فرهنگ‌سازی و توسعه ارزش‌های دینی ۱۴۰
سه) جامعه‌سازی و رشد سیاسی ۱۴۲
چهار) دادخواهی و عدل‌گستری ۱۴۵
کارکردها و بایسته‌های مسجد (مسجد طراز) ۱۴۶
کارکرد عبادی و معنوی ۱۴۶
کارکرد فرهنگی ۱۴۶
کارکرد اجتماعی و سیاسی ۱۴۶
نقش اجتماعی ۱۴۶
نقش سیاسی ۱۴۷
کارکرد نظامی ۱۴۷
کارکرد قضا ۱۴۷
سه | جایگاه مسجد در جهان امروز ۱۴۸
یک) مسجد در کشورهای غیراسلامی ۱۴۹
دو) مسجد در سرزمین‌های اسلامی ۱۵۱
چهار | نقش‌آفرینی مساجد ایران ۱۵۴
یک) ادوار پیشین ۱۵۵
دو) پیش از انقلاب ۱۵۶
سه) دوران انقلاب اسلامی ۱۵۷
پنج | آمارها ۱۶۱
وضعیت فعالیت ۱۶۲
وضعیت استقلال ۱۶۲

وضعیت وقف ۱۶۲
وضعیت اقامه نماز و برگزاری مراسم در ایام عادی ۱۶۳
وضعیت مراسم فوق در ایام خاص ۱۶۴
وضعیت بازبودن مسجد در طول شبانه روز ۱۶۵
مساجد برحسب دارا بودن فعالیت‌های آموزشی ۱۶۵
بررسی کارکردهای مسجد ۱۶۶
وضعیت مساجد از نظر دارا بودن ائمه جماعت ۱۶۷
سواد خادم و هیئت امنا ۱۶۷
کارکرد اجتماعی مسجد ۱۶۸
شش | آسیبها، زمینه‌ها و پیامدها ۱۶۹
یک) آسیب‌ها و زمینه‌ها ۱۷۰
الف) درونی ۱۷۱
اول) اهل مسجد ۱۷۱
امام جماعت ۱۷۱
هیئت امنا ۱۷۳
خادمان ۱۷۳
بانیان ۱۷۴
گروه‌های فعّال ۱۷۴
دوم) ضعف برنامه‌ها ۱۷۵
سوم) موقعیّت و فضا؛ سبک معماری ۱۷۶
گونه نخست) موقعیت مسجد ۱۷۶
گونه دوم) فضای فیزیکی ۱۷۷
گونه سوم) سبک معماری ۱۷۸
چهارم) کمبود اعتبارات مالی ۱۸۰
پنجم) مشکلات نمازگزاران ۱۸۰

ب) بیرونی ۱۸۰
اول) عدم تبیین درست جایگاه مسجد ۱۸۱
دوم) معضل جمعیّت ۱۸۲
سوم) وجود نهادهای موازی ۱۸۲
پنجم) عدم هماهنگی لازم ۱۸۵
دو) پیامدها ۱۸۵
هفت | نقش مسجد در سبک‌دهی به زندگی ۱۸۷
یک) عبادی و الهی ۱۸۸
دو) علمی و آموزشی ۱۹۰
سه) فرهنگی و تربیتی ۱۹۱
چهار) ارتباطاتی و رسانه‌ای ۱۹۳
پنج) اوقات فراغت ۱۹۵
الف) چیستی ۱۹۵
ب) کارکردهای اوقات فراغت ۱۹۷
ج) ویژگی‌های فراغت در عصر حاضر ۱۹۹
د) مبانی اسلامی اوقات فراغت ۲۰۰
ه) الگوی تجویزی گذران اوقات فراغت در مسجد ۲۰۳
عبادت ۲۰۳
تفکر ۲۰۳
دیدار با خویشان و دوستان ۲۰۵
کتابخوانی ۲۰۶
رایانه و اینترنت ۲۰۷
فعالیت‌های هنری ۲۰۷
شرکت در برنامه‌های کانون‌های فرهنگی و تربیتی ۲۰۸
فعالیت‌های علمی ۲۰۸

ورزش ۲۰۹
شش) مدیریت شهری ۲۰۹
هفت) اجتماعی و سیاسی ۲۱۰
الف) تقویّت اخوّت اسلامی ۲۱۰
ب) ایجاد همبستگی دینی ۲۱۰
ج) مقابله با فساد و انحراف ۲۱۱
د) مرکزقانون‌گرایی و نظم‌پذیری ۲۱۲
ه) رعایت حقوق دیگران ۲۱۳
و) ترویج فرهنگ مطالعه ۲۱۳
ز) رشد آگاهی‌های سیاسی ۲۱۴
هشت) امور اقتصادی ۲۱۵
الف) مرکزپخش کمک‌های مردمی ۲۱۵
ب) حفظ خزانه مملکت اسلامی ۲۱۶
ج) رشد تولید ملی ۲۱۶
د) آموزش حلال و حرام ۲۱۷
ه) بیان اصول اقتصاد مقاومتی ۲۱۸
و) ارائه خدمات مالی و اقتصادی ۲۱۸
نه) تحکیم نهاد خانواده ۲۱۹
ده) حلّ دعاوی و اختلافات ۲۱۹
یازده) امور دفاعی و جنگ ۲۲۰
دوازده) امور مخاطبان، نمازگزاران و فعّالان ۲۲۱
الف) کودکان ۲۲۱
ب) نوجوانان و جوانان ۲۲۲
ج) زنان ۲۲۳
د) بزرگسالان ۲۲۵

هـ) اصناف ۲۲۵
و) نمازگزاران ۲۲۶
شایستگی‌های مأمومین ۲۲۷
شایستگی‌های امام جماعت مسجد ۲۲۸
ز) امام جماعت ۲۳۰
گونه نخست) وظائف اهل مسجد ۲۳۰
گونه دوم) بایسته‌های امام جماعت ۲۳۱
ح) بانیان ۲۳۱
ط) متولّیان ۲۳۲
ی) خادمان ۲۳۳
ک) کانون‌ها ۲۳۴
سیزده) معماری و زیباسازی ۲۳۵
الف) اصول معماری ۲۳۶
اول) دسترسی آسان ۲۳۶
دوم) سادگی ۲۳۶
سوم) استحکام ۲۳۷
چهارم) تناسب جمعیّتی ۲۳۸
پنجم) زیبایی و آراستگی ۲۳۹
ب) فنون معماری ۲۳۹
اول) موقعیت در بافت شهری ۲۴۰
دوم) ابعاد کالبدی ۲۴۰
سوم) فضای مسجد ۲۴۱
چهارده) مدیریت مسجد ۲۴۳
الف) مدیریت پیام ۲۴۳
اول) عوامل جذابیّت پیام ۲۴۴

عامل نخست) بعد محتوایی ۲۴۴
عامل دوم) بعد قالبی ۲۴۴
عامل سوم) بعد پیرامونی ۲۴۵
گونه نخست) مربوط به فرستنده ۲۴۵
گونه دوم: مربوط به گیرنده ۲۴۵
گونه سوم) مربوط به زمینه‌های محیطی ۲۴۶
عامل چهارم) بعد روشی ۲۴۶
دوم) کارکردهای پیام ۲۴۷
ب) مدیریت تشکیلات ۲۴۷
اول) جذب جوانان ۲۴۸
دوم) بهره‌گیری از نخبگان ۲۴۹
سوم) مدیریت برنامه‌ها ۲۵۰
چهارم) پیشگیری از تعارضات ۲۵۱
پنجم) ارتباط با مسئولین منطقه ۲۵۲
نتیجه‌گیری ۲۵۳
کتابنامه ۲۵۶
کتب ۲۵۶
مقالات ۲۷۱
پایان‌نامه‌ها ۲۷۳

مقدمه

سالیانی است که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب با دوراندیشی و نگاه راهبردی خویش، موضوع سبک زندگی را به گفتمانی در فضای عمومی جامعه و به ویژه محافل عملی و فرهنگی تبدیل نموده‌اند. موضوعی که به جرأت می‌توان ادعا کرد، اولویت اول دشمن در جنگ نرم و مقابلهٔ همه جانبه با اسلام ناب است.

امروز نظام سلطه با بهره‌مندی از توان رسانه‌ای و شبکهٔ تبلیغی گسترده خویش در تلاش است سبک زندگی مورد نظر خود را به جوامع مختلف دیکته کند و با این روش بیش از گذشته دنیا را به کرنش در مقابل امپراتوری خود وادار سازد. سبکی که در آن مادی‌گرایی، لیبرالیسم و بی‌قیدی و پوچی موج می‌زند و خبری از کرامت انسانی، آموزه‌های دینی و معنویت نیست.

اما در نقطهٔ مقابل سبک زندگی اسلامی یعنی؛ جریان پیدا کردن توحید در همه حالات، ابعاد و همه آنات و لحظات زندگی، مراد و مطلوب آموزه‌های اسلام ناب و پرچمداران هدایت و سعادت بشریت، یعنی اهل بیت علیهم‌السلام است. اگر بعد از گذشت بیش از سه دهه انقلاب شکوهمند اسلامی به دنبال صدور آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و پافشاری بر راه روشن و پر فروز امام راحل رحمه‌الله‌علیه هستیم،

ناگزیر می‌بایست به دنبال تحقق الگویی درخشان از سبک زندگی اسلامی با مؤلفه‌های خاص آن باشیم. باید بتوانیم کارآمدیِ دین در مدیریت امور دنیوی و اخروی بشر را به رخ بکشانیم و نمایی روشن از تمدن نوین اسلامی را به دنیا ارائه دهیم.

در این میان و در مسیر تحقق سبک زندگی اسلامی، نقش بی بدیل و ویژهٔ مساجد قابل توجه است. اندکی تأمل در آیات، روایات، سیره معصومین علیهم‌السلام و تأکیدات علمای بزرگ به ویژه امام راحل و رهبری معظم انقلاب، جایگاه محوری مسجد را در ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی جلوه‌گر می‌سازد.

ابتدا، انتها و متن هر حرکت اجتماعی و فعالیت اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، نظامی، سیاسی و... به مسجد مرتبط می‌شود و هویت اجتماعی و دینی افراد در مسجد تعریف شده است. مدینه فاضله ای که نقطهٔ آرمانی تمدن اسلامی است، مسجد در متن زندگی مردم قرار دارد و تربیت به معنای واقعی کلمه در آن رقم می‌خورد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد، در راستای رسالت ذاتی خود می‌کوشد ضمن تبیین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی مسجدمحور، با استفاده از ظرفیت عظیم مساجد و ائمهٔ جماعات فاضل و اندیشمندگام‌هایی را هر چند کوچک در جهت اجابت رهبر حکیم انقلاب و ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه بردارد.

در این راستا، نوشتار حاضر که به همت فاضل گرانمایه و پژوهشگر حوزه سبک زندگی، جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی فعالی به رشته تحریر درآمده است، به حضور شما دغدغه‌مندان تقدیم می‌گردد.

امید است این اثر آغازی باشد برای حرکت ائمهٔ محترم جماعات، فعالان و متولیان تشکل‌های مسجدی در جهت دستیابی به اهداف بلند تمدنی نهضت اسلامی و در نظر مخاطبین فرهیخته مقبول افتد.

بی شک نظرات سازنده و پیشنهادات گران‌سنگ شما گرامیان، راه‌گشای ما

در ادامه مسیر خواهد بود.

بر خود فرض می‌دانیم از نویسنده گرانقدر و همکاران پر تلاشمان در دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز، صمیمانه قدردانی نمائیم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد
معاونت فرهنگی - اجتماعی

دیباچه

مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیم جدیدی است که در حوزه جامعه شناسی، روان شناسی و مطالعات فرهنگی به کار رفته است. اصطلاح سبک زندگی پیوندی نزدیک با مفاهیمی نظیر فرهنگ، شخصیت، سلیقه، سنّت، مد، معماری، دکوراسیون و رسانه های ارتباط جمعی دارد.

سبک زندگی ناظر به رفتار انسانهاست. امروزه دو رویکرد کلی در ارتباط با سبک زندگی وجود دارد؛ رویکرد جامعه شناسانه که بیشتر تحت تأثیر ماکس وبر است و نیز رویکرد روان شناسانه که متأثر از آدلر می باشد. تأکید بر عنصر رفتار در مفهوم سبک زندگی، عنصر مشترک هر دو رویکرد می باشد. سبک زندگی یا نحوه زیستن به مجموعه ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار اطلاق می گردد که از بینش ها و ارزش های آدمیان متأثر بوده در رفتار به صورت عینی متجلی می شود. هرگاه انسان می خورد یا می آشامد از الگوی خاصی تبعیت می کند و هرگاه آدمی پوششی را برمی گزیند الگوی خاصی را انتخاب کرده است. این الگوهای رفتاری، سبک زندگی آدمی را شکل می دهند.

سبک زندگی انسان ها به صورت تدریجی شکل می گیرد و نیز آهسته آهسته

تغییر می‌کند. عوامل مختلفی سبک‌سازی کرده نحوه زندگی را برای انسان ترسیم می‌نمایند. این عوامل می‌تواند فردی، خانوادگی یا اجتماعی باشند. بدون شک امروزه وسایل ارتباط جمعی به ویژه شبکه‌های اجتماعی نقشی شگرف در سبک‌دهی زندگی مردم دارند.

تاریخ جهان اسلام خصوصاً صدر اسلام به ما نشان می‌دهد که مهمترین عنصر سبک‌ساز در زندگی مسلمانان، مسجد بوده است. براساس آیات قرآن، احادیث معتبر و سیرهٔ عملی پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام، هیچ مکانی منزلت و رفعت مسجد را نداشته و ندارد. مسجد پایگاه ساجدان، جایگاه ذاکران و نور دل عارفان است. مسجد جایگاه نشر معارف اسلامی و تربیت مؤمنان و پرهیزگاران است. کانون اتحاد و انسجام مسلمانان، مسجد است. دفاع از تمام ارزش‌های دینی و اسلامی در مسجد محقّق می‌شود. خداوند به مسجد و اهل آن نظر دارد. مسجد بارگاه کبریایی خداوند بزرگ است. برکت‌های زمین از مسجد به دیگر سرزمین‌ها سرازیر می‌شود و حیات اسلام با مسجد پیوند خورده است.

مساجدی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنا نمود و در صدر اسلام شکل گرفتند نقش‌ها و کارکردهای مختلفی داشتند؛ مساجد سجده‌گاه و عبادتگاه مسلمانان بودند، مساجد به مثابهٔ دانشگاه عمل می‌کردند، مبلّغان از مساجد اعزام می‌شدند، مسجدها دارای کتابخانه‌های بزرگ و کوچک بودند، در مساجد جشن‌ها برگزار می‌شد، مساجد عامل وحدت‌بخش جامعه اسلامی بودند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هیئت‌های سیاسی را در مسجد برای دیدار می‌پذیرفت، مساجد اردوگاه سپاه مسلمانان بود و حلّ دعاوی و اختلاف‌ها در مسجد فیصله پیدا می‌کرد.

اسلام در آغاز ظهور نهادی اجتماعی و سیاسی را شکل داد. این نهاد در رشد معنوی انسان‌ها نقش‌آفرین بود. فرهنگ‌سازی و تربیت انسان‌ها از طریق مسجد هدایت می‌شد. آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در مساجد عرضه می‌شدند و مسجد محل دادخواهی مظلومان تلقّی می‌شد.

مسجد در صدر اسلام جایگاهی بس رفیع و بزرگ دارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این نهاد

اسلامی را بنا کرد و آن را جایگزین معابد دیگر نمود. پیامبر اکرم ﷺ مسجد سازی را فرهنگ عمومی کرد و از تمام قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این الگوی دینی بهره جست. در زمان‌های دور مسجد تمام امور فردی و اجتماعی مسلمانان را اداره می‌کرد. امت اسلامی تعلّقی شدید با این نهاد مقدس داشتند. مسجد مطلوب در زمان نبی خاتم ﷺ شکل گرفت و تمام نقش‌ها و رسالت‌های خود را ایفا کرد.

امروزه هر چند بسیاری از نقش‌ها و شئون مساجد تقلیل یافته‌اند و گاه رو به افول گذارده‌اند امّا می‌توان کارکردهای مسجد را ارتقاء بخشید. پرواضح است که امروزه مسجد در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد و نیز آفتابی است که مسجد طراز دارای بایسته‌ها و ویژگی‌هایی است که هم اکنون برخی از آنها موجود نیست. بر ما فرض است که با یک نگاه به وضعیت موجود و با نگاهی دیگر به وضعیت مطلوب، جهت انتقال از وضعیت موجود که مطلوب نیست، به سوی وضعیت مطلوب که موجود نیست، برنامه‌ریزی کنیم و طرحی نو دراندازیم.

جایگاه مسجد باید تا بدان پایه ارتقا یابد که بتواند برای تمام ابعاد زندگی ایرانیان الگوی دینی و سالم عرضه کند. تنها در این صورت است که مسجد هویّت خویش را بازخواهد یافت و به پایگاه حکومت اسلامی تبدیل خواهد شد. اگر امروزه سبک زندگی غربی در جای جای فرهنگ ما رسوخ کرده است، بدون شک احیای جایگاه مسجد می‌تواند راهکاری بسیار تأثیرگذار در مقابل هجوم این پدیده بیگانه باشد، می‌توان از مسجد، دانشگاه، رسانه‌ای مؤثر و مبلّغی شوق‌آفرین ساخت. مسجد می‌تواند و باید بیشترین نقش را بر سبک‌دهی مسلمانان و ایرانیان داشته باشد.

اثر حاضر در نظر دارد ضمن بررسی نقش کلیدی و سرنوشت‌ساز مسجد در صدر اسلام و نیز بررسی علل و عوامل کاهش نقش مزبور در جهان امروز، برنامه‌ای ارائه دهد تا جایگاه مسجد رفعت و ارتقاء یابد. مسجد می‌تواند در عین حال که بعد عبادی و آموزشی داشته باشد، اوقات فراغت نسل جدید را پر کند، شهر اسلامی را مدیریت نماید، با خرافات و انحرافات مقابله کند، مسلمانان را قانون‌گرا و

نظم‌پذیر سازد، به محلی برای حمایت مستمندان و نیازمندان درآید، عاملی برای تحکیم نهاد خانواده باشد، با جذب حداکثری مخاطبان نسل جدید را هدایت کند، پیام‌ها و ارزش‌های اسلامی را در جامعه و جهان منتشر سازد و مدیریت امور مسلمانان را برعهده گیرد.

مسجد می‌تواند مقرّ اصلی حکومت اسلامی باشد. مسجد می‌تواند مسلمانان را احیا کند. در مسجد ظرفیتی است که آن را برای بیشترین تأثیرگذاری‌ها مهیّا کرده است و این مرکز مقدس قادر است مشکلات جهان اسلام را کاهش دهد و از آلام مسلمانان بکاهد. به امید روزی که مسجد جایگاه آغازین خود را بازیابد.

سازمان‌دهی نگاشتهٔ حاضر در دو فصل انجام شده است؛ فصل اول به دو مسئله سبک زندگی و جایگاه مسجد می‌پردازد. در فصل دوم کارکردهای مسجد در صدر اسلام، مسجد معیار، نقش‌آفرینی مسجد در ایران، آسیب‌های مساجد و نقش مسجد در سبک‌دهی به زندگی مسلمانان برجسته شده است.

در این جا بر خود فرض می‌دانم از حمایت‌های بی‌دریغ و مشفقانهٔ حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد جواد حاج علی اکبری ریاست محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد تشکر نمایم. همچنین مساعی ارزشمند جناب حجت‌الاسلام آقای سعید کرمی موجب امتنان است. تلاش درخور جناب حجت‌الاسلام آقای داود بشیرزاده که در تهیه پرونده علمی مرا یاری داد، شایسته سپاس است.

فصل اول

سبک زندگی و فرهنگ مسجد

اشاره

مفهوم سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در عصر جدید پدید آمد و دامنه آن تا عمیق‌ترین لایه‌های وجود انسان و تمام ابعاد حیات بشر وسعت یافت. امروزه جهان غرب برای تمام رفتارهای بشر، الگوهایی طراحی و عرضه می‌نماید. بیشتر کشورهای جهان سوم عمدتاً مصرف کنندگان الگوهای بیگانه‌ها هستند. در عصر جدید دیگران برای سبک پوشش، تغذیه، معماری، تفریح، معاشرت و ازدواج الگوسازی و سبک‌دهی می‌کنند. این در حالی است که دین مبین اسلام الگوهای مشخص برای تمام ابعاد زندگی بشر دارد؛ فقط کافی است این الگوها را بشناسیم و آن را به زبانی زیبا به جهانیان عرضه نمائیم.

از سوی دیگر مسجد از منظر قرآن، روایات و سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان شیعه علیهم‌السلام جایگاهی رفیع و والا دارد. مسجد در صدر اسلام نقش‌های فراوانی اعم از عبادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کرد. می‌توان گفت مسجد در جامعهٔ اسلامی مهم‌ترین مرکز سبک‌ساز و فرهنگ‌زای دینی محسوب می‌شود.

یک | سبک زندگی

یک) پیشینه

مفهوم سبک زندگی (Lifestyle) از جمله مفاهیم جدیدی است که پژوهشگران حوزهٔ جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان رفتارشناسی انسان‌ها بیان می‌کنند. دامنهٔ بکارگیری این مفهوم تا بدان حدّ رواج یافته که امروزه جانشین بسیاری از مفاهیم و واژگان سنتی شده است. اصطلاح سبک زندگی پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از مفاهیم دارد نظیر فرهنگ، جامعه، ذهن، رفتار، معنا، شخصیت، محیط، وراثت، نیاز، سلیقه، مد، منزلت و سنت. مفهوم سبک زندگی از یک‌سو جزئی‌ترین رویدادهای مربوط به حیات بشر را شامل می‌شود و از سوی دیگر تا اعماق وجود آدمی را دربرمی‌گیرد، لذا هم شامل است و هم عمیق.

مسئله سبک زندگی در خلال دههٔ هشتاد میلادی در حوزهٔ علوم اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی مطرح شد. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی در این زمینه بیان عقیده نموده‌اند.[1] گیدنز اظهار می‌دارد که سبک زندگی را

---

۱. کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۷۰-۹۰.

می‌توان به مجموعه‌ای نسبتاً جامع از عملکردهایی تعبیر کرد که فرد آن را بکار می‌گیرد؛ زیرا که رفتارهای فرد نه تنها بیان‌گر نیازهای اوست بلکه روایت خاصی از اندیشه و هویت شخصی او دارد. رایزمن بر این اعتقاد است که فرد در گذشته کمتر حق انتخاب داشت و عملاً گزینشی در فرهنگ سنّتی وجود نداشت. این سنّت و رسوم گذشته بود که برنامه‌های از پیش تعیین شده را بر افراد تحمیل می‌کرد و در اجرا، نوعی جبرِ پنهان وجود داشت. اما با گذشت زمان و گذشتن از دورانِ درون‌راهبر، وارد دورانِ دگرراهبر شده‌ایم و در این مقطع دیگران یعنی وسایل ارتباط جمعی سعی دارند مخاطب را آگاه ساخته حق انتخاب او را شکوفا کنند و از این طریق تغییرات در جهان مدرن با سرعت و به صورت شگفت‌انگیزی در جریان است. لیزر سبک زندگی را از جنس رفتار دانسته ارزش‌ها و نگرش‌ها را از دایرهٔ این مفهوم بیرون قرار می‌دهد. از دیدگاه چینی سبک زندگی، سازمان اجتماعی مصرف است که راه الگومند مصرف یا ارج نهادن به فرهنگ مادی را بیان می‌کند.

سبک زندگی وابسته به انتخاب و انتخاب نیز وابسته به اطلاعات است. اطلاعات محصولی از فرایند ارتباطات است. ارتباطات می‌تواند میان‌فردی یا رسانه‌ای باشد. رابطه رسانه‌ها و سبک زندگی، چرخه‌ای به هم پیوسته و متقابل است. رسانه‌ها سبک‌های جدید حیات را پیش روی انسان قرار می‌دهند و انسان‌ها با خواسته‌ها و نیازهای جدید سبک‌های جدید را آشکار می‌سازند. رسانه‌ها از طریق بمباران اطلاعات، فرهنگ مصرف‌گرا و مصرف فرهنگ را برجسته ساخته حوزهٔ فرهنگ را فربه می‌کنند. امروزه رادیو، تلویزیون، ماهواره، موزه، سایت، وبلاگ، تالار گفتگو و دهها نوع دیگر محصولات فرهنگی، فضائی را فراهم آورده‌اند که همه پیرامون آنها می‌نشینند و بخش مهمی از عمر خویش را به آنها اختصاص می‌دهند و از این طریق سبک زندگی تا عمیق‌ترین لایه‌های خانواده‌ها نفوذ می‌کند.

دو) الگوها و محدوده‌ها

امروزه الگوهای متنوعی برای سبک زندگی وجود دارد؛ سبک زندگی دخترانه یا پسرانه، سبک زندگی روستایی یا شهری، سبک زندگی سنتی یا مدرن، سبک زندگی مصرف‌گرایانه یا تولیدی، سبک زندگی زاهدانه یا عاشقانه، سبک زندگی فردمحور یا جمعی، سبک زندگی ایرانی یا عربی یا غربی یا شرقی، سبک زندگی بالاشهر یا پایین‌شهر، سبک زندگی خشونت‌مدار یا عاطفی، سبک زندگی فمینیستی، سبک زندگی سیاسی، سبک زندگی پلیسی، سبک زندگی طبقاتی، سبک زندگی رفاه‌طلب، سبک زندگی جهان‌وطنانه، سبک زندگی بسیجی، سبک زندگی توده‌وار، سبک زندگی قوم‌گروانه، سبک زندگی مدگرا، سبک زندگی شیطانی، سبک زندگی ریسک‌پذیر، سبک زندگی مهاجران، سبک زندگی قدرت‌گرا، سبک زندگی در اوقات فراغت، سبک زندگی ارزش‌مدار و سبک زندگی توحیدی.

سبک زندگی در حوزه‌ها و محدوده‌های وسیعی نفوذ می‌کند؛ شاخص‌های شناختی، مدیریت تصمیم‌گیری، اخلاق اجتماعی، معاشرت، پوشش، آرایش، مد، غذا و تغذیه، آشپزی، معماری، دکوراسیون داخلی، طراحی صنعتی، تفریح و گردش، استفاده از جواهرات، تندرستی، ارتباطات گفتاری، محیط زیست، کسب و کار، روابط زناشویی، شغل، سخن گفتن، گذراندن اوقات فراغت، الگوی مصرف، سبک راه رفتن و مدیریت احساسات.

سه) نقش دین در سبک‌دهی

در عصر جدید بخش قابل توجهی از مطالعات دربارهٔ تکنیک‌های زیستن به نقش دین در مفهوم سبک زندگی بازمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین ابعاد مفهوم سبک زندگی این است که دین می‌تواند به عنوان نیروی برتر، نقش حیاتی در الگوی حیات و نحوهٔ زیستن آدمیان بر روی زمین ایفا کند. دین به عنوان نظامی از باورها، ارزش‌ها و رفتارها می‌تواند آدمی را برای دست‌یابی به سبکی الهی در زندگی مدد دهد.

دین مسیحیت به دلیل انحرافات متعدد و کاستی‌های فراوان هرگز نتوانسته است الگویی جامع و عمیق جهت نحوهٔ زیستن انسان ارائه دهد. در این میان، اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. براساس معارف عمیق اسلامی که ریشه در آیات قرآن، احادیث معتبر، مفاهیم مربوط به ادعیه و سیرهٔ بزرگان دارد، می‌توان الگویی برای سبک زندگی در این جهان تعریف نمود؛ به‌گونه‌ای که آدمی را آماده ورود به زندگی ابدی و زیستن بی‌پایان کند. مفاهیم مربوط به سبک زندگی در منابع اسلامی بسیار فراوان امّا به ندرت استخراج شده است.

دین به گونه‌های مختلف می‌تواند در سبک زندگی انسان‌ها تأثیرگذار باشد؛ دین حاوی آگاهی‌ها، بینش‌ها و نگرش‌های اصیلی است که در سبک‌دهی به زندگی انسان‌ها نقش‌آفرین است. دین شناخت‌ها و نگرش‌های اصیلی را در ارتباط با خدا، جهان دیگر و انسان به آدمی می‌دهد تا از این طریق او بتواند تصاویر روشن از جهان پیرامون و خویشتن داشته باشد. دین مجموعه ارزش‌ها و هنجارها را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا به وی کمک کند الگوی مناسب برای زندگی بیابد، رفتارهایش را تنظیم کند و مدلی برای کنش‌ها و شیوه‌های زیستن پیدا کند.

دین احساس‌هایی را نظیر احترام، رضایت‌مندی، گناهکاری، پشیمانی، ترس و عشق را درون انسان برمی‌انگیزد. این حالات می‌توانند احساسات دیگری نظیر اعتماد به نفس و اعتماد به خدا را در انسان‌ها تضعیف یا تقویت کنند و از این طریق منشأ شکل‌گیری الگوهای متفاوتی در انسان شوند.

دین قادر است بر خلاقیت فرد تأثیر گذارد و او را در مواجهه با محدودیتهای وراثتی یا محیطی توانا یا ناتوان سازد. یکی از الگوهای سبک زندگی، پدیده خلاقیت یا نوآوری است که بدون شک دین این بُعد انسانی را پرورش داده تقویت می‌سازد.

دین قادر است نهادهای اجتماعی کارآمدی را سامان بخشد، افرادی را حول محور این نهادها گردآورد و از این طریق شناخت فرد را از محیط افزایش دهد و

رفتارهای جمعی او را تحت تأثیر قرار داده شکل دهد.

اسلام و قرآن با ارائه بینش‌ها، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، احساسها و الگوهای اجتماعی توانسته است بیشترین تأثیر را بر نحوه زیستن انسان‌ها از خود نشان دهد. اسلام به عنوان برترین دین، کارآمدی خود را در بُعد فردی و اجتماعی نشان داده است. آخرین دین آسمانی برای تمامی نیازهای درونی و بیرونی راهکار نشان داده و با عرضه الگوهای رفتاری متنوع، انسان را به سر منزل مقصود رهنمون شده است.

چهار) بیماری‌های سبک زندگی جدید

در حال حاضر بشر با بیماری‌های مختلف سبک زندگی جدید مواجهه است؛ سبک زیستن نوین نحوه سخن‌گفتن انسان‌ها را تغییر داده است. شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک و ماهواره با عرضه امکانات نوین انسان‌ها را به رفتارهای نابهنجار سوق داده است. بسیاری از انحرافات اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، خودکشی، سرقت مسلحانه، خشونت، آدم‌ربائی، جرائم سازمان‌یافته، جرائم اینترنتی، قاچاق انسان و کودک آزاری معلول شیوه‌های نوین زندگی اجتماعی است.

امروزه خانواده با آسیب‌های گوناگونی همانند مشاجره، ضرب و شتم، فرزندآزاری، عدم رضایت‌مندی، مشکلات جنسی، خیانت و تجمل‌گرایی روبرو شده که بسیاری از آنها بر اثر اشتباه در اتخاذ الگوی نادرست زیستن به وجود آمده است.

شیوه‌های نادرست گذران اوقات فراغت از موارد دیگر بیماریهای سبک زندگی مدرن است. همچنین می‌توان به موارد دیگری اشاره کرد؛ مدگرایی، آرایش‌های نامشروع، بدپوشی، تغییر خوراکیها و آشامیدنی‌ها، ترویج فرهنگ فست‌فود، توسعه بیماریهای مقاربتی، کاستن از میزان کار مفید، کمبود کیفیت کار، ارائه الگوهای نامناسب معماری، پرخاشگری، آزاررسانی کلامی،

عیب جویی، محرومیت و حرمت شکنی.

الگوهای سبک زندگی مدرن علی‌رغم فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار بشر قرار داده، بیماریها و آسیب‌های متعددی را نیز به ارمغان آورده است. اسلام به عنوان آخرین و برترین دین الهی الگوها و مدلهای متعادل و جامعی را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا آدمی بتواند ضمن رهایی از تهدیدها و آسیب‌ها، به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.

پنج) چیستی

مسئله سبک زندگی با تمامی ابعاد حیات بشر ارتباط تنگاتنگ دارد. گستره مسئله مزبور به وسعت تمام شئون زندگی بشر است. امروزه مؤسسه‌ها و شرکتهای بین المللی سبک زندگی خدمات متنوعی را ارائه می‌دهند. برخی از این سرویس‌ها عبارتند از مشاورهای فردی، کارگاههای گروهی، ارائه آزمون‌های روان‌شناختی، انجام مطالعات گروهی، ارائه راهبردهایی برای برون‌رفت از مشکلات جسمی و بیان چالش‌ها و بحران‌های سبک زندگی مدرن.

با توجه به اهمیّت مسئله سبک زندگی و با نظر به اهمیّت دو رویکرد جامعه شناختی و روان‌شناختی ضروری است حقیقت و ماهیّت سبک زندگی مطرح و بررسی شود. در ارتباط با مسئله سبک زندگی تعریف‌های متعددی ارائه شده است.[۱]

وبلن پیش گام مسئله سبک زندگی در حوزه جامعه‌شناختی با تأکید بر مسئله رفتار، سبک زندگی را چنین تعریف کرده است:

سبک زندگی الگوی رفتار جمعی است. سبک زندگی فرد، تجلّی رفتار و سازوکار روحی و عادات فکری است.

زیمل با رویکرد جامعه‌شناختی تعریفی متفاوت از سبک زندگی ارائه می‌کند:

سبک زندگی تجسّم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود

---

۱. کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۹۵-۱۱۵.

در فرهنگ عینی.

از نگاه زیمل انسان براساس ارزش‌های بنیادی خود، فردیّت برتر و نیز صورتهای رفتاری خویش را برمی‌گزیند. این گزینش براساس سلیقه شکل می‌گیرد و در زندگی عینی به صورت الگوهای رفتاری بهم پیوسته نمود پیدا می‌کند:

ماکس وبر با تأکید بر این‌که سبک زندگی از جنس رفتار است تعریف ذیل را عرضه می‌کند:

سبک زندگی رفتاری است که تمایلات آن را هدایت می‌کند و فرصتهای زندگی بستر عروض آن را فراهم می‌نماید.

سبک زندگی از نظر بوردیو چنین است:

سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود.

از نظر او سبک زندگی بیشترین توانمندی برای ارائه الگوهای رفتاری دارد. سبک به مانند یک معادله، تمام فعالیت‌ها و تلاش‌های بشر را دربرگرفته از این طریق جنبه عینی و خارجی پیدا می‌کند و نیز به فرد هویّت بخشیده او را در میان اقشار اجتماعی متمایز می‌سازد.

گیدنز با طرح بحث سیاست زندگی، سبک زندگی را چنین توصیف می‌نماید:

سیاست زندگی، سبک زندگی است؛ سیاستی که با منازعات و کشمکش‌ها در باب یک سؤال پیوند دارد: چگونه ما باید در دنیایی زندگی کنیم که در آن، آنچه به وسیله طبیعت یا سنّت تثبیت شده بود اکنون موضوع تصمیم‌گیری انسان قرار گرفته است؟

با بررسی تعاریف پیش‌گفته به این نتیجه می‌رسیم که محورهای اصلی سبک زندگی در الگودهی، هویّت، عینیّت زندگی و رفتارشناسی خلاصه می‌شود. امروزه دو رویکرد کلی در ارتباط با سبک زندگی وجود دارد؛ رویکرد جامعه‌شناسانه که بیشتر تحت تأثیر ماکس وبر است و نیز رویکرد روان‌شناسانه که متأثر از آلفرد

آدلر می‌باشد. این دو بر عنصر رفتار در مسئله سبک زندگی تاکید اساسی دارند. بر این اساس، می‌توان تمامی تعاریف مزبور را خلاصه نمود و به شکل ذیل عرضه کرد:

سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری پایدار است که از بینش‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها و محیط متأثر بوده به صورت عینی تجلّی نماید.

تعریف اخیر به ما می‌گوید رفتارهای بشر از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر رفتارهای ناپایدار به مسئله سبک زندگی ارتباط پیدا نمی‌کند. بنابراین سبک زندگی به صورت دقیق و مشخص به الگوها و مدلهای رفتاری نظر دارد چنانکه رفتار و فعالیت باید نسبتاً پایدار نیز باشد.

هرگاه انسان راه می‌رود از الگوی خاصی پیروی می‌کند، هرگاه آدمی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند از الگوی خاصی تبعیت می‌کند، هرگاه انسان می‌خورد یا می‌آشامد از الگوی خاصی پیروی می‌کند و هرگاه پوششی را برمی‌گزیند الگوی خاصی را انتخاب کرده است. انسان‌ها به هنگام پوشش، خوردن، آشامیدن، آرایش، ارتباط، کار، گذران اوقات فراغت، دکوراسیون داخل منزل یا اداره و ازدواج از خود رفتارهایی نشان می‌دهند که تمامی آنها دارای الگوهای خاصی است. سبک زندگی چیزی جز همین رفتارهای نسبتاً پایدار نیست. سبک زندگی به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری اطلاق می‌گردد که تمام حیات بشر را دربرمی‌گیرد.

شش) شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها

مسئله سبک زندگی دارای مؤلفه‌ها و شاخصه‌های متعددی است که می‌توان آنها را به شرح ذیل بیان کرد:

الف) فردی و اجتماعی

بررسی سوژه‌های سبک زندگی به ما نشان می‌دهد که دو بُعد فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. اموری نظیر روابط اجتماعی، شیوه‌های گذران اوقات

فراغت، خوردن و آشامیدن، نحوه مصرف، روابط خانوادگی به بُعد اجتماعی انسان بازمی‌گردد. از سوی دیگر آدمی بُعد فردی نیز دارد. بیماری‌ها، علقه‌ها، سلیقه‌ها، افسردگی‌ها و احساسات درونی از دیگر ابعاد وجودی انسان است که با پدیده سبک زندگی ارتباط تنگاتنگی دارد.

ب) نقش بینش‌ها و ارزش‌ها

هر انسانی نگاه خاصی به خدا، جهان، حیات بعد از مرگ و اختیار بشر دارد. این بینش‌ها و نگرش‌ها، ارزش‌هایی را برای آدمی رقم می‌زند؛ مثلاً برای یکی مصرف ارزش است و برای دیگری تولید، برای یکی مال‌اندوزی ارزش است و برای دیگری بخشندگی، برای یکی خودپرستی ارزش است برای دیگری فداکاری، برای یک سرافرازی میهن ارزش است و برای دیگری بیگانه‌پرستی، برای یک رعایت سنّت‌ها ارزش است و برای دیگری مُد و برای یکی اعتماد به خدا ارزش است و برای دیگری اتکا به این و آن.

نکته مهم این‌که بینش‌ها، ارزش‌ها را شکل می‌دهند و ارزش‌ها، رفتارها را؛ مثلاً اگر سر چهارراه، چراغ راهنما نبود یا برای دقایقی خراب شد، دراین‌صورت، فردِ با گذشت دیگران را مقدّم داشته و به آنها راه عبور می‌دهد امّا انسان خودخواه فقط به این فکر می‌کند که چگونه پیش از دیگران عبور کند یا مثلاً کسی که پایبند به نظم باشد، اتاق یا محل کارش چیدمان منظمی دارد امّا کسی که نظم برای او ارزش محسوب نشود اتاق یا محل کارش به شکل دیگری است.

از آنجا که رفتارها تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌ها شکل می‌گیرند و ارزش‌های آدمی با نگرش‌ها و بینش‌های او در ارتباط است، می‌توان گفت سبک زندگی محصول باورها و ارزش‌های آدم است، از آنجا که نظام کلی بینشی یعنی نظام مؤمنانه و نظام غیرمؤمنانه وجود دارد، می‌توان گفت که دو الگوی اصلی سبک زندگی وجود دارد؛ سبک زندگی مؤمنانه و سبک زندگی غیرمؤمنانه.

ج) تأثیر وضعیت جغرافیایی و اقلیمی

یکی از عواملی که در سبک دهی به زندگی انسان ها نقش ایفا می کند، شرایط اقلیمی و جغرافیایی است.[۱] این شرایط می تواند طبایع، مزاج ها، حالات و سلیقه های انسان را شکل دهند. بدون شک فردی که در منطقه گرمسیری و خشک زندگی می کند به گونه ای خاص رفتار می کند امّا فرد دیگری که در منطقه معتدل و مرطوب زیست می کند رفتارهای متفاوتی خواهد داشت.

تنوع اقلیمی و آب و هوایی در پوشش، خوردنی ها، آشامیدنی ها، نحوه گذران اوقات فراغت، ازدواج و روابط اجتماعی تأثیرگذار است. پر واضح است که نحوهٔ پوشش در اقلیم ها و مناطق مختلف کاملاً متفاوت و متنوع است. مهم این است که بدانیم این تنوع از نظر اسلام و پیشوایان دین پذیرفته شده است جالب است که به نمونه تاریخی توجه کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسلمانان دستور داده بود که محاسن خود را رنگ کنند تا همرنگ یهودیان و مسیحیان نباشند.[۲] روزی فردی به حضرت علی علیه السلام اعتراض کرد که چرا شما محاسن خود را رنگ نمی کنید. امام در پاسخ به این نکته زیبا اشاره فرمود که نباید ظاهر و پوسته دین را گرفت بلکه باید روح دستورات دین را فهمید دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط به زمانی بود که تعداد مسلمان ها اندک بود و هر بار دشمنان از دور نگاه می کردند آنها را پیر و با ریش سفید می دیدند. این وضعیت می توانست موجب قوّت قلب دشمنان باشد امّا روزگاری که شرایط تغییر کرد و مسلمان ها زیاد شدند، هرکس می تواند هرگونه که دوست دارد رفتار کند.[۳]

د) رفتارهای درون زا

از آنجا که محور سبک زندگی رفتارهای آدمی است و انسان موجودی انتخاب گر و صاحب اختیار است. سبک زندگی ناظر به رفتارهای خودجوش و درون زا می باشد.[۴]

---

۱. شریفی، سبک زندگی اسلامی، ص ۲۰-۳۰.
۲. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۹۸.
۳. نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۷.
۴. شریفی، سبک زندگی اسلامی، ص ۳۰-۳۵.

سبک زندگی پدیده‌ای تحمیلی نیست بلکه اقناعی است. به تعبیری نمی‌توان مدل خاصی از رفتار را برای زمانی طولانی به فردی اجبار و تحمیل نمود بلکه او خودش باید آن رفتار را برگزیند و انتخاب نماید.

هر گونه تلاشی از سوی فرد، گروه یا حاکمیّت برای تغییر الگوهای رفتاری انجام می‌شود باید مبتنی بر این اصل مهم باشد: از زور و اجبار استفاده نشود بلکه شیوه‌های اتخاذ گردد تا انسان‌ها رفتارهای مورد نظر را خودشان برگزینند و آن را انتخاب نمایند. به عبارت دیگر نباید و نمی‌توان تلاش کرد تا دیگران را به اتخاذ رفتاری خاص و سبکی خاص وادار نمود بلکه باید کاری کرد تا دیگران خودشان برسند. تغییر الگوهای سبک زندگی با قانون گذاری یا استفاده از قوّه قهریه حاصل نمی‌آید بلکه باید درون‌زا و خودجوش باشد. ضروری است الگوهای سبک زندگی جامعه‌پذیر باشند و مخاطبین با اختیار خود آن الگوها را انتخاب نمایند.

هـ) سبک زندگی پدیده‌ای تدریجی

مدل‌های سبک زندگی به صورت ناگهانی ایجاد نمی‌شوند تا بتوان آن را به صورت دفعی و ناگهانی تغییر داد. اگر رفتاری پایدار در انسان به صورت ملکه و پایدار درآمده است این امر نشان از پیشینه‌ای نسبتاً طولانی دارد. نهادینه شدن یک رفتار و تثبیت نمودن یک فعالیّت، صبوری و تحمّل می‌طلبد.

اگر بخواهیم مثلاً جایگزینی برای فرهنگ فست فود بیابیم و آن الگو را جامعه‌پذیر نماییم، لازم است اولاً الگوی بدیل، جذّاب و پذیرفتنی باشد، ثانیاً با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مؤثر آن را در زمانی مناسب نهادینه ساخت. آمدن سبک زندگی جدید به مانند رفتن سبک زندگی قبلی، بردباری لازم دارد.

آن‌گاه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به اذن الهی اراده فرمود فرهنگ جاهلیت را تغییر دهد، آن انسان والا آنچنان از خود تحمّل، حوصله و شکیبایی نشان داد که خداوند به لحنی خاص به او فرمود:

لَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ أَلاَّ يَكُونُوا مُؤْمِنِين؛[1] شاید تو می‌خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی‌آورند، خود را از شدت اندوه هلاك کنی!

حاصل آن که سبک زندگی جنبه‌های فردی و اجتماعی را به صورت یکسان دربرمی‌گیرد، سبک زندگی از بینش‌ها و ارزش‌های انسان‌ها تأثیر می‌پذیرد، شرایط اقلیمی و جغرافیایی در سبک زندگی نقش‌آفرینند، سبک زندگی شامل رفتارهای درون‌جوش و درون‌زا است، سبک زندگی به صورت تدریجی حاصل می‌آید و مهم‌ترین نکته این‌که سبک زندگی عمدتاً ناظر به رفتارهای انسانی است؛ البته رفتارهای نسبتاً پایدار نه رفتارهای گذرا و موقتی.

هفت) عوامل سبک‌ساز

در موضوع سبک زندگی دو گونه می‌توان سخن گفت؛ گاهی سخن از سوژه‌ها و موضوعات سبک زندگی است و زمانی سخن از عواملی است که در سبک‌سازی نقش‌آفرینی می‌کنند. پیداست که سخن‌گفتن از سبک زندگی بدون التفات به عوامل سازنده آن، سخن کاملی نخواهد بود. عوالم سازنده سبک زندگی را می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

الف) عوامل فردی

برخی از عوامل سبک‌ساز جنبه فردی داشته به شرایط شخص بازمی‌گردد. این دسته از عواملِ تأثیرگذار جنبه‌های متنوعی دارند که برخی از آنها عبارتند از:

ظاهر فرد؛ شخصی که حقارت عضوی دارد و به نازیبایی عضو یا ناخوش‌اندامی مبتلاست به شکلی خاص زندگی می‌کند. در مقابل، کسی که از اندامی مناسب و ظاهری خوب برخوردار است و طبعاً از حمایت‌های دیگران برخوردار، اعتماد به نفس بالایی داشته زندگی متفاوتی را تجربه می‌کند.

سلامت و بیماری؛ انسانی که از سلامتی کامل برخوردار است نسبت به

---

۱. شعرا/ ۳.

فردی که مثلاً از بیماری ایدز یا دیابت رنج می‌برد، زندگی متفاوتی دارد.

جنسیت؛ دختر یا پسر بودن تأثیر مستقیم در سبک زندگی دارد. زن به لحاظ ساخت فیزیکی از برخی فعالیت‌ها مستثنی می‌شود. در حالیکه مرد به خاطر ویژگی جنسیتی در برخی مشاغل بهتر کار می‌کند. بدون شک زنانه یا مردانه زیستن و به طور کلی عنصر جنسیت در اتخاذ شیوه زیستن تأثیرگذار است.

طرز نگرش؛ انسان‌ها در ابعاد مختلف نگرش‌های گوناگونی دارند؛ هر فرد در ارتباط با خویشتن نگرش خودتحوّل یا تن‌پرور یا خودتخریب را انتخاب می‌کند، هر فرد در ارتباط با مشکلات نگرش فعّالانه یا منفعلانه را برمی‌گزیند، هر فرد در ارتباط با دیگران نگرش همکاری یا طرد را پیش می‌گیرد، هر فرد در ارتباط با زندگی نگرش بدبینانه و خوش‌بینانه را اتخاذ می‌کند و هر فرد در ارتباط با خدا نگرش مؤمنانه یا ملحدانه را انتخاب می‌کند. پر واضح است که هر یک از طرز تلقی‌ها و نگرش‌های مزبور در انتخاب شیوه زیستن تأثیرگذار بوده شکلی خاص از زندگی را عینیّت می‌بخشد.

ب) عوامل خانوادگی

خانواده در سبک زندگی فرزندان نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند.

وضعیت اقتصادی؛ اگر خانواده‌ای دارای وضعیت اقتصادی ضعیفی باشد مسیر زندگی به سختی خواهد گذشت و فرزندان زندگی آزاردهنده‌ای را تجربه خواهند کرد. امّا اگر خانواده دارای وضعیّت اقتصادی خوب و بالایی باشد فرزندان به‌گونه‌ای متفاوت رشد خواهند کرد و پرورش خواهند یافت. پس فقر و غنای خانواده در شیوه زندگی فرزندان تأثیرگذار است.

منزلت اجتماعی؛ اگر خانواده‌ای از منزلت و جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار باشد؛ مثلاً پدر یا مادر در حکومت پست بالایی داشته باشند، زندگی فرزندان در مسیری آسان و با منزلت می‌گذرد. در حالی که یک خانواده فرودست، شرایطی متفاوتی را برای فرزندان رقم می‌زند.

نگرش والدین؛ والدین می‌توانند طرز نگرش‌های متفاوتی نسبت به زندگی و فرزندان داشته باشند این طرز تلقی‌ها طیف وسیعی دارد و مواردی نظیر نگرش دموکراتیک، سلطه‌گرانه، سلطه‌پذیر، حمایت افراطی، رهاشدگی، تنبیهی، تشویقی، طردکننده، لوس‌مآبانه و کمال‌گرایانه را شامل می‌شود. هر کدام از نگرش‌های مزبور اثرات خاصی در پی خواهد داشت و ارزش خاصی را در خانواده حاکم می‌کند.

شکل صوری خانواده؛ خانواده هویت جمعی دارد. شکل صوری خانواده و قالب زندگی خانوادگی می‌تواند در نحوه زندگی فرزندان تأثیرگذار باشد. مواردی نظیر تک فرزند بودن، بزرگ‌ترین یا کوچک‌ترین فرزند بودن، یک دختر در میان پسران بودن، یک پسر در میان دختران بودن، کم جمعیت یا پرجمعیت بودن، فرزندخوانده داشتن یا نداشتن و اختلافات سنی می‌تواند موقعیت یا حسن یا عیب به حساب آید و تأثیری اندک یا شگرف بر زندگی خانواده داشته باشد.

ج) نهادهای اجتماعی

بدون شک سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، نقشی شگرف در سبک‌دهی به زندگی شهروندان دارند. این نهادها و شبکه‌ها طیف وسیعی را شامل می‌شوند:

- مدارس
- فرهنگسراها
- باشگاه‌های ورزشی
- تئاتر و سینما
- تشکل‌های اجتماعی
- دانشگاه‌ها
- حوزه‌های علمیه
- سپاه و بسیج
- پادگان‌ها

- مراکز مشاوره
- قهوه‌خانه‌ها
- مهد کودک‌ها
- زندان‌ها
- NGO
- نهاد امر به معروف و نهی از منکر
- وسایل ارتباطات جمعی نظیر رادیو، تلویزیون، مطبوعات، اینترنت، سایت‌های همسریابی و شبکه‌های کابلی
- انجمن‌های علمی و ادبی
- شبکه‌های اجتماعی مجازی (نظیر فیس‌بوک)، ماهواره‌ای (نظیر من و تو) و موبایلی (نظیر بازی پو)
- بازی‌های رایانه‌ای
- مساجد

هر کدام از موارد پیش‌گفته نقش‌های مختلف فردی و اجتماعی ایفا می‌کند؛ مثلاً اگر در جامعه آمار قتل‌های فجیع یا زورگیری‌های خیابانی افزایش یافت، این امر بدون شک با پدیده خشونت در سینما، فیلم و بازی‌های رایانه‌ای ارتباط مستقیم دارد. همچنین در صورتی که پدیده خانه‌های مجردی در کلان شهرها توسعه پیدا کند، این امر با طلاق و اعتیاد در خانواده‌ها مرتبط خواهد بود. بدون شک تک تک عوامل پیش‌گفته در فرهنگ‌سازی نقش‌آفرینی می‌کند و هر کدام سهمی خاص را بر عهده دارند.

لازم است بر این نکته تأکید نمود که مدیریت فرهنگی جامعه، جدای از مدیریت عوامل فرهنگ‌ساز نیست. مهندسی فرهنگی یعنی مدیریت هماهنگ تمام عوامل پیش‌گفته. بر مدیران و فعالان فرهنگی فرض است که مدارس، فرهنگسراها، باشگاه‌ها، سینماها، دانشگاهها، مراکز مشاوره، قهوه‌خانه‌ها، وسایل ارتباطات جمعی، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای و مساجد را

دریابند و برای تمام این نهادها و شبکه‌ها برنامه‌های عملیاتی هماهنگی را به اجرا گذارند. در غیر این صورت، ده‌ها بلکه صدها آسیب، و ناهنجاری اخلاقی و اجتماعی روی خواهد داد و در نهایت پدیده‌ای شوم به نام «ناکارآمدی دین» رخ می‌نماید. به عبارت دیگر با دست خودمان نشان داده‌ایم که دین توانایی تنظیم و تدبیر امور فرهنگی جامعه را ندارد؛ هر چند خداوند فرمود:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُون؛[1] همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم.

۱. حجر/ ۹.

دو | مسجد

یک) معناشناسی

واژه «مسجد» از ریشه «سجد» به صورت اسم مکان بکار رفته است و به معنای محل سجده یا عبادت و به تعبیر دیگر «سجدگاه» می‌باشد. مسجد به قطعه کوچک یا بزرگ از زمین اطلاق می‌گردد که پس از آماده‌سازی، جهتِ قبله در آن مشخص شده به عبادت و نماز اختصاص یابد.[1] این قطعه زمین می‌تواند دیوار داشته باشد یا نداشته باشد، می‌تواند با فرشهای گران قیمت یا حصیرهای ارزان مفروش گردد، می‌تواند واجد سقف و گنبد و مأذنه بزرگ باشد یا نباشد و نیز می‌تواند بنای عظیم داشته باشد یا کوچک و ساده بنا شود.[2]

---

۱. اگر مکانی به قصد قربت به عنوان مسجد وقف گردد و حدّاقل یک نفر با اجازه بانی در آن نماز بخواند، آن مکان، تبدیل به مسجد شده، احکام مربوط به مسجد بر آن مترتّب می‌گردد و براساس نظر بسیاری از فقیهان متأخّر، خواندن صیغه وقف نیز ضرورتی ندارد. (ر.ک: یزدی، العروة الوثقی، ج۱، ص۵۹۷، مسئله ۱۱؛ امام خمینی، **تحریرالوسیله**، ج۱، ص۱۵۲، مسئله۱۹).

۲. قرشی، **قاموس قرآن**، ج ۳، ص ۲۲۶؛ طریحی، **مجمع البحرین**، ج ۲، ص ۶۵؛ راغب اصفهانی، **المفردات**، ص ۳۹۷؛ ابن منظور، **لسان العرب**، ج ۳، ص ۲۰۵؛ فراهیدی، **کتاب العین**، ج ۶، ص ۴۹؛ مصطفوی، **التحقیق**، ج ۵، ص ۵۰.

مسجد پیوندی با سجده دارد و سجده از ارکان اصلی نماز است و نماز از مهم‌ترین عبادات به حساب می‌آید. خداوند اراده نمود تا مسلمانان مهم‌ترین عبادت خویش یعنی نماز را به صورت جمعی برگزار کنند. مسلمان‌ها باید روزانه گرد هم آیند و با یکدیگر در پیشگاه او به سجده افتند. در مسجد اطاعت، خضوع، خشوع، ستایش و تعظیم موج می‌زند. مسجد نماد اجتماع و هم‌گرایی مسلمانان است. خداوند می‌خواهد نام زیبایش در جایگاهی به نام مسجد بر زبان مسلمانان جاری شود. مسجد بدین معنا است که همگان در پیشگاه خدا برابرند.

در زبان عربی واژه دیگری برای مسجد وجود دارد. کلمه «جامع» که به معنای جمع‌شدن می‌باشد، در کشورهای اسلامی معادل مسجد به کار می‌رود. امروزه در مصر، جامع به مسجدی اطلاق می‌گردد که نماز جمعه در آن برگزار می‌گردد. در مساجدِ جامع مردم گرد یکدیگر جمع می‌گردند و نماز برگزار می‌کنند.

برخی اعتقاد دارند که مسلمانان در صدر اسلام عبادتگاهی به نام مسجد ساختند امّا با توسعه حکومت اسلامی، تعداد و شمارگان مساجد رو به فزونی گذارد و رفته رفته به بزرگترین مسجد هر شهر یا ناحیه جامع یا مسجد جامع گفته می‌شد. در برخی از نواحی رؤسای دولت‌ها یا حکومت‌ها مسجد جامع را پایگاه اصلی خود قرار می‌دادند و در آن مسائل حکومتی را مطرح می‌کردند.[۱]

دو) کاربرد در قرآن

واژه مسجد بصورت مفرد یا جمع در قرآن ۲۸ بار بکار رفته است. بررسی آماری کاربرد لفظ مسجد در قرآن به ما موارد ذیل را نشان می‌دهد:

- در ۱۵ مورد با پسوند «الحرام»؛
- در ۵ مورد با عنوان «مسجد»؛
- در ۱ مورد با پسوند «الأقصی»؛
- یک مرتبه به همراه لفظ «ضرار»؛

---

۱. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۲۱.

■ در ۶ مورد کلمه مزبور به صورت جمع «مساجد».

گفتنی این‌که لفظ «البیت» در بسیاری از موارد به معنای کعبه یا مسجدالحرام می‌باشد. لفظ مسجد در قرآن دارای معانی مختلفی می‌باشد.

سجدگاه؛ مرحوم علامه طباطبائی اظهار می‌دارد که مسجد در عرف قرآن به محلی اطلاق می‌شود که برای سجده مهیّا شده جایگاه عبادت است. قرآن مسجد را در برابر صومعه و سایر معابد به کار برده و بر آنها اطلاق مسجد نکرده است.[۱] (حج / ۴۰)

تفسیر تسنیم اعتقاد دارد که سرّ نامگذاری معبد به مسجد از جهت رعایت حالت عبادی سجود است؛ زیرا شرافت در تقرّب به خداست و بزرگترین حالت بنده به خدا در حالت سجود ظهور می‌کند.[۲] همین مضمون در تفسیر نمونه هم به چشم می‌خورد.[۳]

مواضع سجده؛ در قرآن گاهی لفظ مساجد به معنای هفت موضعی است که در حال سجده به زمین گذاشته می‌شود.[۴]

وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلّٰهِ فَلاتَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَدا؛[۵] و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید،

مسجدالحرام؛ مسجد در قرآن گاهی به معنای مسجدالحرام بکار رفته است.

هُمُ الَّذینَ کَفَرُوا وَ صَدُّوکُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ الْهَدْیَ مَعْکُوفاً أَنْ یَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَ لَوْ لا رِجالٌ مُؤْمِنُونَ وَ نِساءٌ مُؤْمِناتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَؤُهُمْ فَتُصیبَکُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَیْرِ عِلْمٍ لِیُدْخِلَ اللهُ فی رَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ لَوْ تَزَیَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلیما؛[۶] آنان

---

۱. طباطبائی، **المیزان**، ج ۱۴، ص ۳۸۵.
۲. جوادی آملی، **تسنیم**، ج ۶، ص ۲۳۹.
۳. مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، ج ۲۵، ص ۱۲۰.
۴. طبرسی، **مجمع البیان**، ج ۲۵، ص ۳۸۶.
۵. جن / ۱۸.
۶. فتح / ۲۵.

کسانی هستند که کفرورزیدند و شما را از [ورود به] مسجدالحرام بازداشتند و نیز نگذاشتند قربانی‌هایی که با خود آورده بودید به محل قربانی‌اش برسد، و اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی در میان مکه نبودند، تا جنگ شما سبب کشته شدن آن بی‌گناهان شود و در نتیجه امر ناملایم و مکروهی [چون دیه] گریبان شما را بگیرد [شما را از جنگ باز نمی‌داشتیم، ولی بازداشتیم] تا خدا هرکه را [مانند مردان و زنان مومنی که برای شما ناشناخته بودند] بخواهد در رحمتش درآورد. [و] اگر مؤمنان از کافران جدا بودند یقیناً کافران [از اهل مکه] را به عذابی دردناك عذاب می‌کردیم.

پرستش خدا؛ واژه مسجد در قرآن مجید کاربرد دیگری نیز دارد. کلمه مزبور در این استعمال معادل مساجد رسمی نیست بلکه به معنای مطلق پرستش خدا و خضوع در برابر اوست.[1]

لا تَقُمْ فيهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فيهِ فيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرينَ؛[2] هرگز [برای عبادت و نماز] در آن مسجد نایست، قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

بدست می‌آید که کاربرد کلمه مسجد در آخرین کتاب آسمانی همراه با خضوع و خشوع نسبت به خدا، سجده نمودن و پرستش کردن در برابر او است.

سه) جایگاه

مساجد از نظر قرآن و روایات از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در اسلام هیچ مکانی منزلت و رفعت مسجد را ندارد. مسجد پایگاه ساجدان، جایگاه ذاکران و نور عارفان است. مهبط مسجد طاهران و منزل سالکان است. مسجد جایگاه

---

۱. هاشمی رفسنجانی، **تفسیر راهنما**، ج ۵، ص ۵۱۴.

۲. توبه / ۱۰۸.

نشر معارف اسلامی و تربیت مؤمنان و پرهیزگاران است. مسجد کانون اتحاد و انسجام مسلمانان به حساب می‌آید. دفاع از تمام ارزش‌های دینی و اسلامی در مسجد محقّق می‌شود. مسجد به محلی اطلاق می‌گردد که در آن مرزهای اعتقادی و فرهنگی پاسداری می‌شود. جایگاه و رفیع مساجد در کتاب الهی و گفته‌های پیشوایان بیان شده است.

برگزیده خدا

در آخرین کتاب الهی کلمه مسجد به گونه‌های مختلف به خدا انتساب می‌یابد و این نسبت منزلتی رفیع و با شرافت به مسجد می‌دهد.[۱] کعبه در دوران جاهلیت به «بیت». معروف بود و لفظ «بیت» به «الله» اضافه شده (بیت الله) کسب شرافت می‌کند. برای کعبه همین بس که خداوند در کتابش فرموده است «خانه من».[۲] خداوند از زمین خودش، خانه خودش را برای خودش برگزید. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

خداوند سه چیز را محترم شمرده است به‌گونه‌ای که هیچ چیز مانند آن نیست؛ یک کتاب، دیگری عترت و سوم بیت اوست که راضی نیست احدی به غیر آن توجه کند.[۳]

خداوند اهل انتخاب است. اگر به آیات قرآن کریم رجوع کنیم می‌بینیم که خداوند از طبیعت، چیزهایی مثل آسمان‌ها. زمین و آب را برگزیده است. همچنین از گیاهان و درختان اموری نظیر زیتون، انجیر و خرما را برگزیده و از میان حیوانات به جانورانی مثل مورچه، زنبور عسل و شتر اشاراتی دارد. امّا مهم‌ترین گزینش خدا در باب انسان است.

پروردگار عالم از میان تمام مخلوقات و کائنات، انسان را برگزید و همه چیز

---

۱. جن / ۱۸.

۲. بقره / ۱۲۵.

۳. ابن بابویه، **معانی الاخبار**، ص ۱۱۸.

را مسخر او نمود و همه چیز را برای انسان آفرید. این انتخاب، اول خداست و از این روست که انسان‌ها لیاقت پیدا کردند تا مخاطب خدا باشند: (یا ایها الناس).

خداوند از میان انسان‌ها دست به انتخاب دومی زد و آنها مؤمنان هستند. مؤمنین مخاطبین خاص خدایند: (یا ایّها الذین آمنوا)؛ خداوند از میان انسان‌های مؤمن برگزیدگان دیگری هم دارد:

إِنَّ اللهَ اصْطَفى آدَمَ وَنُوحاً وَآلَ إِبْراهيمَ وَآلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمين؛[1] بی‌تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر شایستگی‌های ویژه‌ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید.

امّا خداوند انتخاب چهارمی هم دارد: او از میان انبیاء، رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله را برای خودش برگزید و از این رو او را ملقب به «مصطفی» نمود. حاصل آن که خدای سبحان از میان انسان‌ها، مصطفی را و از زمین، کعبه را برگزید.

میزبان هدف آفرینش

خداوند که جهان را آفرید و آن را برای نیل به غایت و هدفی والا خلق نمود. تمام ذرّات جهان تسبیح‌گو و حامد خداوند هستند. همه اجزای عالم شاغل‌اند و شغل آنها چیزی جز خضوع، خشوع و سجده نیست و بر این امر افتخار می‌کنند:

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ ما فِي السَّماواتِ وَما فِي الْأَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَالْمَلائِكَةُ وَهُمْ لا يَسْتَكْبِرُون؛[2] وآنچه در آسمان‌ها و زمین از جنبندگان و فرشتگان وجود دارد، فقط برای خدا سجده می‌کنند و تکبّر و سرکشی نمی‌ورزند.

انسان به عنوان موجودی ممتاز در میان آفریده‌های خدا، غایتی دارد. هدف از خلقت او تقرّب و دست یافتن به مقامات بلند معنوی است و این امر از طریق بندگی و معرفت حاصل می‌آید:

---

۱. آل عمران / ۳۳.
۲. نحل / ۴۹.

وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُون؛[1] و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم.

هدف از خلقت آسمان‌ها و زمین سجده است و غایت خلقت آدمی عبادت. و می‌دانیم که مهم‌ترین رکن عبادت سجده است. نیز می‌دانیم که مسجد سجده‌گاه قرب الهی است. مسجد محل عبادت سالکان و بارگاه معرفت عارفان است. عابد و عارف به میهمانی خدا می‌روند و مسجد میزبان آنهاست:

وَمَساجِدُ يُذْكَرُفيهَا اسْمُ اللهِ كَثيراً؛[2] و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود.

ملجأ و مأوی

اگر انسانی درمانده شد و احساس بیچارگی کرد، بهترین پناهگاه مسجد است. شایسته است بنده مضطر جهت برآورده شدن آرزوها و زائل گشتن اندوه‌ها به پناهگاهی ایمن و مطمئن دست یازد تا آلام روحی و جسمی وی درمان گردد و با استفاده از راهکارهای معنوی، دنیا و آخرتش تضمین شود. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

همانگونه که شخص بیمار نزد پزشک می‌رود و دستمزدی به او می‌دهد و همانطور که صاحب حاجتی نزد صاحب دولتی می‌رود و رشوه می‌پردازد، بهتر است نیازمند وضو بگیرد و صدقه بدهد و وارد مسجد گردد و نماز گزارد و به خداوند بگوید: پروردگارا! حاجت مرا برآورده ساز.[3]

در قرآن نیز می‌بینیم که انسان برای تأمین حاجات و نیازهایش به سمت بردباری و نماز دعوت می‌شود و مسجد، سجده‌گاه نمازگزار است.

---

۱. ذاریات / ۵۶.

۲. حج / ۴۰.

۳. کفعمی، **البلد الامین**، ص ۱۵۸.

وَاسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاةِ وَإِنَّها لَکَبیرَةٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِعینَ؛[۱] از صبر و نماز یاری بخواهید، و یقیناً این کار جز بر فروتنان، گران و دشوار است.

خانه خدا روی زمین

انوار تابناک الهی بر اهل مسجد نازل می‌شود. اهل مسجد عرش‌نشینانِ خاک نشینند که ستارگان آسمان بر آنها پرتوافکنی می‌کند. هر کس خانه‌ای دارد و خانه خداوند روی زمین مساجدند. کسی که به مسجد برود میهمان خانه خداست و خداوند با رزقهای معنوی و مادی از وی پذیرایی می‌کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

اَلا اِنّ بیُوتی فِی الارضِ المَساجِد تُضیء لِاَهلِ السماءِ کَما تُضیء النُّجوم لِاَهلِ الارضِ؛ همانا خانه‌های من در زمین مسجدها هستند که برای اهل آسمان نورافشانی می‌کنند همانگونه که ستارگان برای اهل زمین نورافشانی می‌کنند.[۲]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

خانه‌های من در زمین مساجدند که بسان درخشش ستارگان برای اهل زمین، بر آسمانیان نورافشانی می‌کنند.[۳]

بازار آخرت

انسان‌ها در این جهان کاسبند و کاسب، چیزی می‌دهد و چیز دیگر می‌ستاند و محل کسب و کار بازار نام دارد. خداوند بر روی زمین بازاری از جنس آخرت و بهشت قرار داده است تا آدمیان در این تجارت خانه عمر خویش بدهند و در عوض، تحفه‌های بهشتی دریافت کنند.

مسجد بازاری است که اهل ایمان در آنجا به عبادت و ادب در برابر خدا

---

۱. بقره / ۴۵.

۲. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج۱، ص۳۸۱.

۳. ابن بابویه، **ثواب الاعمال**، ص ۴۷؛ برقی، **المحاسن**، ج۱، ص۱۱۹؛ احسائی، **عوالی اللئالی**، ج۱، ص ۳۵۱؛ طبرسی، **مکارم الاخلاق**، ج ۲، ص ۶۰.

می‌ایستند و در مقابل، توشه‌های اخروی و رضوان الهی به دست می‌آورند. خداوند در مسجد، جان‌های مؤمنین را می‌خرد و بهشت به آنها ارزانی می‌دارد. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

المَساجِدُ سوقٌ مِنْ اَسواقِ الآخره، قِراها المَغْفرهُ و تُحْفَتُها الجنه؛ مسجدها بازارهای آخرت هستند که بارشان مغفرت است و هدیه‌شان بهشت.[۱]

بازارها دو قسم‌اند؛ دنیوی و اخروی. بازارهای دنیا کالاهای خاص خود را دارند، اما در بازارهای آخرت کالاهای دیگری عرضه می‌شود. مسجد از جمله کالاهایی است که در بازار آخرت عرضه می‌گردد و طبعاً مصرف‌کنندگان خاصی هم دارد. خداوند برای انسان‌ها به جز بازارها و کالاهای دنیوی، بازارها و کالاهای اخروی هم فراهم کرده است تا هر انسانی هر کدام را بخواهد برگزیند و مسیر فرا راه خود قرار دهد.

انسان‌ها اهل تجارت و داد و ستد هستند، لذا قرآن از واژه‌هایی نظیر اشتراء، تجارت، ربح، قرض و خسران استفاده کرده است. تجارت‌ها نیز دو گونه‌اند؛ گاه تجارت دنیوی است و طبعاً ویژگی‌های خاص خود را دارد. اما قرآن خرید و فروش، داد و ستد و معاملهٔ با خدا را مطرح می‌کند. سرمایه‌ای که انسان‌ها در اختیار دارند، عمر و وجود آنهاست. انسان‌ها عمر و وجود خود را می‌دهند و در قبال آن چیزهایی دریافت می‌کنند. اگر کالاهای دریافتی مال، شهوت، مقام و زخارف دنیا باشد، آن چه انسان به دست آورده، ارزشی کمتر از وجود و عمر وی دارد و زیان کرده است. تنها در صورتی انسان سود می‌برد که آنچه می‌ستاند دارای ارزشی بیش از چیزی باشد که می‌دهد یعنی ارزشمندتر از عمر و جان آدمی. چنین تجارتی و چنین بازاری سودآوری است.

مقایسه دو آیه ذیل جالب است؛ از یک طرف خدا انسان‌ها را به تجارتی سودآور دعوت می‌کند:[۲] (صف: ۱۰) در اینجا انسان، ایمان می‌دهد و در قبال

---

۱. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۳۶۱.

۲. صف / ۱۰.

آن بهشت دریافت می‌کند. از سوی دیگر خداوند تجارتی را سرزنش می‌کند که انسان‌ها عمر می‌دهند و ضلالت می‌ستانند:[۱] (بقره: ۱۶). بنابراین همه انسان‌ها کاسب‌اند و کارگر، تا کسب او چگونه باشد و در این کسب و تجارت چه چیز را داد و ستد کند. خوشا به حال کسی که در قبال این معامله، از خداوند آخرت الهی دریافت کند. چه سودآور است این تجارت و چه کریم است خدایی که انسان با او معامله می‌کند و چه زیباست کالاهایی که در بازار خدا دریافت می‌شود. مسجد مکانی است که انسان عمر خود می‌دهد و آخرت می‌خرد.

محبوب خدا

زمین دارای قطعه‌ها و بخش‌های مختلفی است و روی زمین خانه‌های فراوانی پدید آمده است. امّا تنها یک خانه محبوب خداست. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از جبرئیل پرسید: کدام زمینها نزد خدا دوست داشتنی‌تر هستند؟ جبرئیل در پاسخ فرمود: مسجدها.[۲]

نکته نغز دیگری وجود دارد و آن این‌که محبوب‌ترین و گرامی‌ترین مساجد نزد خداوند مسجدالحرام و خانه خداست. زراره از امام باقر علیه‌السلام حدیثی زیبا نقل می‌کند:

خداوند هیچ خانه‌ای را بر روی زمین محبوب‌تر و گرامی‌تر و بخشنده‌تر از آن [اشاره فرمود به سوی کعبه] نیافریده است. از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، در کتاب خویش ماه‌های حرام را به خاطر حرمت آن حرام ساخته است، سه ماه پیاپی برای حج: شوال، ذیقعده و ذیحجه و یک ماه جدا برای عمره رجب است.[۳]

اگر مسجد قطعه‌ای زیبا و دوست داشتنی از زمین است و خداوند به آنجا نظر

---

۱. بقره / ۱۶.
۲. کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۱۴.
۳. همان، ج ۴، ص ۲۳۹.

دارد، پس هر کس اهل مسجد باشد مورد نظر خداست[۱]. هر شخص که به سمت مسجد رود او راهیِ کوی دوست است و هر کس به مسجد درآید او زائر خداست.[۲] هر کس وضو گیرد و به مسجد درآید و در بارگاه الهی ادب حضور به جای آورد، او در زمره زائران خداست. به راستی راهیان نور، زائرین خانه خدا و زیارت‌کنندگان خدا هستند.[۳]

در قرآن خداوند دوستدار بعضی انسان‌ها معرفی شده است و برخی دیگر از دایره حب الهی خارج‌اند. خداوند دوستدار محسنین[۴]، توابین[۵]، پاکان[۶]، متقین[۷]، صابرین[۸] و اهل قسط و عدل[۹] است. از سوی دیگر گروهی از انسان‌ها محبوب خدا نیستند، نظیر اهل فساد[۱۰]، گناهکاران[۱۱]، کافرین[۱۲]، ظالمین[۱۳]، فخرفروشان[۱۴]، متجاوزین[۱۵] و مسرفین.[۱۶] لذا انسان‌ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ محبوب خدا و بیرون از قلمرو دوستی خدا. نکته جالب این‌که در تمامی موارد مربوط به دسته دوم خداوند می‌فرماید: «**إِنَّ اللهَ لایُحِبُّ...**»؛ «خداوند دوست ندارد» و به تعبیری حب خود را از آنها سلب می‌کند، ولی چیزی را اثبات

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۳، ص ۱۷.
۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷.
۳. ابن بابویه، **الفقیه**، ج ۱، ص ۷۲.
۴. بقره / ۱۹۵.
۵. بقره / ۲۲۲.
۶. همان، ج ۲، ص ۲۴۳.
۷. آل عمران / ۷۶.
۸. آل عمران / ۱۴۶.
۹. ممتحنه / ۸.
۱۰. بقره / ۲۰۵.
۱۱. بقره / ۲۷۶.
۱۲. آل عمران / ۳۲.
۱۳. آل عمران / ۱۴۰.
۱۴. نساء / ۳۶.
۱۵. مائده / ۸۷.
۱۶. اعراف / ۳۱.

نمی‌کند. یعنی نمی‌فرماید خداوند نسبت به عده‌ای بغض دارد. البته در آیاتی تعبیر «بُعد» آمده است؛ مثل: (فَبُعداً لِقَومٍ لایُؤمِنُونَ)[۱]، ولی به خدا نسبت داده نشده است.

واقعیت آن است که خداوند نسبت به تمامی آفریده‌های خود حب و دوستی دارد و اساساً هر آفریده‌ای محبوب خداست. ولی حبّی که در آیات مزبور بیان شد این حب نیست، بلکه حبّی خاص مراد است. حب خاص الهی مربوط به افراد خاص است. خداوند به تمامی انسان‌ها و تمامی مخلوقات با محبت می‌نگرد؛ اما بعضی انسان‌ها به دلیل اعمال نیکشان مورد توجه، عنایت و محبت خاص خدا قرار می‌گیرند. اگر این محبت شامل بعضی انسان‌ها نشود، طبعاً آنها از محبت خاص خداوند خدا دورند و بعید. لذا بعد و دوری بعضی انسان‌ها نسبت به محبت خاص مراد است نه محبت نوع اول که شامل تمامی موجودات و مخلوقات می‌شود.

بارگاه پادشاه بزرگ

مسجد خانه خداست و خداوند بارگاه کبریائی خویش را در آنجا بنا کرده است. بنده با ذلّت به آن سو می‌رود و هر گاه به مسجد رسد در حریم کبریائی پای نهاده است. او خود را آماده خدمت به پادشاهی بزرگ نموده که حرمتش والا و مهربانیش نامحدود است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

هنگامی که به در مسجد رسیدی، بدان که به خانه‌ی پادشاهی بزرگ رفته‌ای که جز پاکان هیچ کس نمی‌تواند پا در آن بگذارد و جز راستگویان را حضور در آن روا نباشد. خود را آماده‌ی خدمت به آن پادشاه کن که اگر حرمتش را پاس نداری، با خطری بزرگ روبرو خواهی شد و بدان که او می‌تواند با تو، به عدل و یا فضل رفتار کند. همچنین اگر بخواهد رحمت و عطوفت و مهربانی‌اش را در حق تو روا دارد.[۲]

---

۱. مؤمنون / ۴۴.

۲. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۸۰، ص ۳۷۳.

تسبیح گوی خدا

مسجد با تمام اجزایش حمد و تسبیح خدا می‌گوید. ناگفته پیداست که تمام اجزاء عالم تسبیح‌گوی خدایند.[۱] امّا در این میان مسجد جایگاه ویژه دارد. امام باقر علیه‌السلام فرمود:

هر گاه کسی سنگ‌ریزه‌ای را از مسجد بیرون برد، باید آن را به مسجد بازگرداند؛ زیرا این سنگ‌ریزه خدای را تسبیح می‌کند.[۲]

سنگ‌ریزه‌ها بخشی از مسجد به حساب می‌آیند و چون مسجد عبادتگاه خداست، سنگ‌ریزه‌هایش با خدا نسبت و پیوندی دارند. لذا شایسته نیست آنها را از جایگاهشان جدا ساخت و بیرون برد. سنگ‌ریزه‌هایی که عبادتگاه بشرند و سجده‌گاه انسان، جایگاهی رفیع پیدا می‌کنند و هر لحظه قداست و منزلت خدای را به جریان می‌اندازند. چه زیبا سخنی است کلامی که از امام صادق علیه‌السلام پدید آمد:

هر کس به سوی مسجد رود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نگذارد مگر این‌که تمام طبقات زمین برای او تسبیح گویند.[۳]

تسبیح در قرآن شأن و جایگاه رفیعی دارد. هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است به تسبیح خداوند عزیز و حکیم مشغول است (حدید/۱)، آسمان‌ها و زمین به تسبیح خدا مشغولند (اسراء/۴۴)، هنگامی که دو ابر به هم می‌خورند و صدای غرشی از آن متصاعد می‌شود به نام رعد، تسبیح خدا صورت گرفته است (رعد/۱۳)، هر کسی که در آسمان‌ها و زمین است تسبیح گوی خداست (حشر/۲۴)، کوه‌ها و پرندگان تسبیح خدا می‌کنند (انبیاء/۷۹)، تسبیح اختصاص به انسان‌ها ندارد، فرشتگان خدا هم تسبیح و حمد پروردگار می‌کنند (زمر/۷۵) و اگر تسبیح نبود پیامبری مثل یونس علیه‌السلام از دل ماهی نجات پیدا نمی‌کرد (صافات/۱۴۳).

---

۱. اسراء/۴۴.

۲. ابن بابویه، **الفقیه**، ج۱، ص۷۱.

۳. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج۵، ص۱۲۶.

به دست می‌آید که تسبیح امر عام و فراگیری بوده شامل فرشتگان، کوه‌ها، پرندگان، پیامبران و به طور کلی هر چیزی و هر کسی که در زمین و آسمان‌هاست می‌شود. پس تسبیح اختصاصی به انسان ندارد، بلکه جمادات، گیاهان و حیوانات را هم دربرمی‌گیرد.

از سوی دیگر تسبیح به دو قسم منقسم است؛ تسبیح تکوینی و تسبیح اختیاری. اگر آیات پیش‌گفته مرور شود به دست می‌آید تسبیحی که در قرآن مدّ نظر است بر دو قسم است؛ بعضی آیات شامل تسبیحات تکوینی می‌شوند و بعضی دیگر ناظر به تسبیح ارادی و اختیاری‌اند.

تسبیح از جنبه‌ای دیگر هم عمومیت دارد؛ موجودات صبح و شام تسبیح خدا می‌کنند (فتح/۹). تسبیح قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن مطلوب است (طه/۱۳۰)، هنگام ناپدید شدن ستارگان باید تسبیح گفت (طور/۴۹)، بعد از هر سجده تسبیح مناسب است (ق/۴۰) و به طور کلّی شب و روز بندگان خدا به تسبیح او مشغولند (فصلت/۳۸).

گذشته از این‌که قرآن برای تسبیح صبحگاهی و شامگاهی تعابیر مختلفی دارد. بکره و اصیل (فتح/۹)، غدوّ و آصال (نور/۳۶)، عشیّ و اشراق (ص/۱۸)، عشیّ و ابکار (آل عمران/۴۱)، آناءِ لیل و اطراف نهار (طه/۱۳۰) و ادبار نجوم (طور/۴۹).

در تسبیحات اربعه چهار جزء وجود دارد. امّا در میان آنها تسبیح اصل است؛ زیرا حمد خدا، تهلیل و تکبیر همراه با تشبیه است، لذا لازم است که همهٔ آنها با تسبیح آغاز شود تا حمد و تهلیل و تکبیری متناسب با شأن ربوبی صورت پذیرد. تسبیح، تنزیه خدا از عیوب و نواقص است. تسبیح، تنزیه از تحمید و تهلیل الهی است، تسبیح یکی از مقامات سیر و سلوک است. عبد سالک توان قیام به حق عبودیت ندارد، او نمی‌تواند عبد کامل باشد و تمامی مراتب اخلاص و ایمان را طی کند. لذا تمامی عبادات انسان‌ها آمیخته با شرک خفی است. کمال معرفت، وقوف به عجز در بندگی است. تسبیح نشان دادن عجز و ناتوانی در بندگی است.

تسبیح اعتراف به حجاب است. آن‌گاه که انسان به مقام کمّلین نائل می‌شود درک عجز می‌کند و این مقام تسبیح است. کمال انسانی این است که سمیع باشد و با سمع باطنی تسبیح موجودات را بشنوند و از این حقارت درآید که (وَلٰكِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبيحَهُمْ).[۱]

زیرسایهٔ خدا

پیامبر گرامی اسلامی در بیان نورانی به حقیقتی والا اشاره فرمود:

روزی که هیچ سایه‌ای نیست، هفت گروه زیر سایه لطف و عنایت خداوند قرار دارند که یکی از آنها فردی است که قلبش به مسجد تعلّق دارد و تا بازنگردد آرام نمی‌شود.[۲]

جایگاه آرامش

اگر کسی مسجد خانه‌اش باشد خداوند برای او ضمانتی کرده است و آن این‌که آسایش و آرامش را برایش به ارمغان آورد.[۳]

برکت‌خیز و رحمت‌گستر

آنان که به مساجد رفت و آمد کنند از رحمت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. خداوند به برکت مسجدیان عذاب خویش را نازل نمی‌سازد. آنان که مساجد را آباد کنند و سحرگاهان در آنجا به نماز ایستند مورد رحمت خدا خواهند بود و خداوند به برکت آنان از فرو فرستادن عذابش پروا می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

هر گاه خداوند بخواهد زمینیان را عذاب کند می‌فرماید: اگر نبودند کسانی

---

۱. اسراء/ ۴۴.

۲. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۵، ص ۱۲۳.

۳. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۱۸۰.

که به پاس عظمت من یکدیگر را دوست می‌دارند، مسجدهایم را آباد می‌کنند و سحرگاهان آمرزش می‌طلبند، عذابم را فرو می‌فرستادم.[۱]

امام صادق علیه‌السلام خطاب به فردی این گونه بیان داشت:

از هر قبیله‌ای، جز برگزیدهٔ آن، و از هر خاندانی، جز اصیل آن، رهسپار مسجد نمی‌شوند. ای فضل! کسی که مسجد رود، دست کم یکی از این سه چیز نصیبش می‌شود: یا دعایی می‌کند که خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی که به سبب آن، خداوند، بلای دنیا را از او دور می‌سازد، و یا برادری که در راه خدای عزوجل بهره‌اش می‌گردد.[۲]

یکی از مفاهیم جالبی که در قرآن (حدود سی آیه) یافت می‌شود، مفهوم «برکت» می‌باشد. قرآن گاهی برکت را به کوه نسبت داده (فصلت/۱۰)، گاهی به اطراف مسجدالحرام (اسراء/۱)، گاهی به ابراهیم علیه‌السلام (صافات/۱۱۳)، گاهی به موسی علیه‌السلام (نمل/۸)، گاهی به یک قوم (اعراف/۹۶)، گاهی به قرآن (انعام/۹۲)، گاهی به باران (ق/۹) و گاهی به شب (دخان/۳). لذا طیف گسترده‌ای از امور می‌توانند دارای برکت باشند؛ از کوه گرفته تا شب و از پیامبر گرفته تا باران. سؤالی که در اینجا به چشم می‌آید این‌که برکت در این گونه امور به چه معناست؟ وملاک و معیار وجود برکت چیست؟

کلمهٔ برکت در اصل از «البرک» به معنای سینهٔ شتر است.[۳] از آنجا که «برک البعیر» یعنی «شتر سینه خود را به زمین زد»، و این مستلزم یک نحوه قرار گرفتن و ثبوت شیء است، لذا کلمهٔ مزبور را در معنای «ثبوت» - که لازمهٔ معنای اصلی است - استعمال می‌کنند، همچنین به انبار آب برکت می‌گویند؛ زیرا آب در آن محل ثابت بوده، قرار گرفته است.

---

۱. ابن بابویه، **الفقیه**، ج۱، ص۴۷۳؛ مجلسی، **بحارالانوار**، ج۷۳، ص۳۸۲. اشعث کوفی، **الجعفریات**، ص۲۲۹.

۲. طوسی، **امالی**، ص۴۷؛ مجلسی، **بحارالانوار**، ج۷۸، ص۱۹۵.

۳. راغب اصفهانی، **المفردات**، ص۴۱.

برکت در قرآن به معنای ثبوت خیرات الهی است. اگر نعمت و خیر از آسمان در محلی قرار گیرد به آن برکت گفته می‌شود.

لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ؛[1] برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم.

خیرات الهی از مقام ربوبیت و الوهیتش نازل می‌شود. این خیرات و نعمتها قابل شماره نیست و بی‌حد و حصر بر زمین و زمینیان می‌بارد و آنها را دربرمی‌گیرد. خداوند رحمت بی‌کران خود را از در و دیوار برای انسان‌ها فرو می‌فرستد. از این رو به هر چیزی که دارای زیادهٔ محسوس یا نامحسوسی باشد می‌گویند دارای برکت است. روایات متعددی هم بدین مضمون نقل شده است که «مال با صدقه کم نمی‌شود».

بنابراین برکت به معنای خیر و نعمتی است که در چیزی استقرار داشته باشد مانند برکت در نسل که به معنای فراوانی اعقاب یا ماندگاری نام و دودمان است، یا برکت در غذا به معنای سیر کردن افراد بیشتری از مردم یا برکت در وقت به معنای گنجانیدن کارهایی در مقدار وقتی که به صورت معمول آن وقت گنجایش آن امور را ندارد.

برکت در هر امری به حسب اغراض متفاوت است؛[2] مثلاً غرض از خوردن غذا سیر شدن است لذا برکت در طعام به معنای این است که مقداری از غذا، افراد بیشتری را سیر کند. گاهی غرض از غذا شفاگیری است لذا برکت در طعام به معنای این است که خوردن آن باعث بهبودی و شفای افراد فراوانی بشود و گاهی غرض از طعام، تحصیل نورانیت در باطن برای عبادت خداست لذا برکت بر حسب این هدف معنای خاص خود را پیدا می‌کند. گفتنی این‌که نزول برکت الهی منافات با سیر عوامل دخیل ندارد. اگر خدا اراده کند در چیزی برکت قرار گیرد این امر بدین معنا نیست که سایر علل و عوامل را از تأثیرگذاری باز دارد؛ زیرا اراده و مشیت او در

---

۱. اعراف / ۹۶.

۲. طباطبائی، **المیزان**، ج ۷، ص ۲۸۰ – ۲۸۲.

طول اسباب است. اگر خداوند اراده کرد تا برکت در غذا یا وقت یا عمر کسی قرار گیرد بدین معناست که اسباب را به‌گونه‌ای ترتیب می‌دهد که نتیجهٔ مطلوب حاصل آید نه این‌که علل و عوامل طبیعی را از کار باز دارد.

به عبارت دیگر در یک محدودهٔ زمانی مشخص که به طور معمول چند عمل خاص انجام می‌شود، اگر خداوند اراده کند و به آن وقت و زمان برکت دهد، بر اثر ترتیب علل و عوامل در همان محدودهٔ زمانی، اعمال با آثار بیشتری محقق خواهد شد. طول زمان چندان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد عمق زمانی است. ممکن است کسی صد سال عمر کند امّا خدمت مهمی به خود و دیگران انجام ندهد امّا چه بسا فرد دیگری نصف این زمان عمر داشته باشد ولی آثار و برکات این عمر بسیار بیشتر و گسترده‌تر باشد. ممکن است سرمایهٔ هنگفتی برای انسان حاصل آید اما این سرمایه نفعی به حال او یا دیگران نداشته بلکه مصرف کارهای ناشایست یا بیماریهای مهلک شود، در حالی که سرمایه‌ای کوچک اگر محل برکت الهی باشد می‌تواند چنان نافع باشد یا در راه کارهای مفید خرج شود که نسلها و زمانهای مدید، آثار و منافعش باقی و برقرار باشد.

اگر مسجد برگزیده خداست، اگر هدف آفرینش انسان در این جایگاه تحقّق می‌یابد، اگر خانه خدا روی زمین سجدگاه بشر است، اگر مسجد بازار آخرت روی زمین است و اگر در مسجد تسبیح خدا با آرامش و برکت جاری و ساری است، بی‌شک مسجد ماجرایی جز عشق و شیدایی ندارد. اگر مسجد محبوب خداست پس اهل مسجد نیز محبوب خدا هستند و خداوند به آنان نظر مستقیم دارد.

عشق، مشوّق انسان برای حرکت به سوی آسمان است. زیبایی معشوق، عاشق را به سوی خود می‌کشد و او را به وصال می‌رساند. دل اگر به قرب، دیدهٔ جان باز کند کشف صفات و شهود ذات حاصل کند. کشف جبروت با عشق جمال پدید آید و کشف ملکوت با قدح شراب عشق در جام ناسوتی آدمی. بلبل جان در بستان مست ازل، گل حسن چیند. عاشق چون از عشق انسانی رفعت یافت و به نور افعال پیدا و بینا گشت، با عشق به شهود و کشف رسید.

محبت آتشی است در دل که هر چیز به جز محبوب را در دل می‌سوزاند. انسان عاشق چونان مستان، هوش از کف بدهد و تنها دیدارِ محبوب است که او را به هوش آورد.

در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللهُ واسِعٌ عَلیمٌ[1]؛ همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.

چهار) مساجد برگزیده و نفرین شده

بدون شک نخستین مسجدی که خداوند آن را انتخاب کرد و سبب برکت و هدایت برای آدمیان قرار داد، مسجدالحرام است. در این مکان مقدس آیات الهی روشن گردیده و هر کس بدآنجا وارد گردد در امن و امان خواهد بود:

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمینَ[2]؛ یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.

حضرت امیر علیه‌السلام چهار مسجد را قصرهای بهشتی و برترین مساجد روی زمین دانست: مسجدالحرام، مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، بیت المقدس و مسجد کوفه[3]. هر کس در این مکان‌های مقدس نماز گزارد هزاران فضیلت دریافت کرده است و خداوند فضلی عظیم به او ارزانی می‌دارد.

بی‌شک فضیلت و عظمت هیچ مسجدی در جهان به پایه مسجدالحرام نمی‌رسد. مسجدالحرام، محل عروج خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله است:

---

۱. مائده / ۵۴.
۲. آل عمران / ۹۶.
۳. طوسی، **امالی**، ص ۳۶۹؛ مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۱۰۲، ص ۲۷۰؛ شعیری، **جامع الاخبار**، ص ۱۷۷.

سُبْحانَ الَّذی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ؛[1] منزّه و پاك است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمّد صلی الله علیه و آله و سلم] را از مسجدالحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشی] از نشانه‌هایِ [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست

واژه «اسراء» به معنای سیر در شب است. این‌که چرا مجدداً واژه شب آمده است دو وجه دارد؛[2] یکی این‌که جهت تأکید است و دیگر آن که معراج در بخشی از شب انجام شد، نه در کل آن؛ از این رو تعبیر «لیلاً» آمده است.

نکته دیگر استفاده از تعبیر «عبد» می‌باشد. این تعبیر اشاره به علت عروج دارد؛ کسی که به مقام الوهیت معرفت پیدا کند، خود را مالک چیزی نبیند و تمام عزت و عظمت را در اختیار خدای سبحان ببیند و در یک جمله عبودیت، ذلت و وابستگی را در سراسر وجود خود احساس کند، لیاقت معراج پیدا می‌کند.

از سوی دیگر واژه «عبد» اشاره به نکته‌ای جالب‌تر دارد.[3] وصول به چنین مقامی و عروج و نیل به مقام «بندگی» و حریم قدس ربوبی، مقام بسیار شامخی است که برای هیچ انسانی روی زمین حاصل نشده است. دستیابی به این مقام بالا ممکن است برای انسان حالت عُجب و تکبر در پی داشته باشد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل نیل به مقام عبودیت، ذره‌ای احساس عجب و کبر نکرد، لذا عبودیت در آیه به دو امر اشاره دارد؛ یکی علت عروج و دیگری حالت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از عروج.

خداوند دربارهٔ میقات موسی علیه السلام فرمود:

وَ لَمَّا جاءَ مُوسی لِمیقاتِنا[4]؛ چون موسی به میعادگاه ما آمد.

اما دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

---

۱. اسراء / ۱.

۲. جزائری، **کشف الاسرار**، ج ۵، ص ۴۷۹.

۳. قشیری، **لطائف الاشارات**، ج ۲، ص ۳۲۳.

۴. اعراف / ۱۴۳.

اَسری بِعَبدِهِ؛ بنده‌اش را شبانه برد.

میان این دو، تفاوتی لطیف وجود دارد؛ موسی علیه‌السلام به میقات رفت، اما خداوند، خود، پیامبرش را برد؛ موسی علیه‌السلام مرید است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مراد و میقات موسی علیه‌السلام مقام تفرقه است و معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مقام جمع.[۱]

هدف از معراج رؤیت آیات الهی است. از یک سو قرآن می‌فرماید رؤیت ذات خدا ممکن نیست؛ زیرا موسی علیه‌السلام درخواست کرد و خداوند در پاسخ، آن را محال دانست:

قالَ رَبِّ أَرِنی أَنْظُرْ إِلَیْكَ قالَ لَنْ تَرانی؛[۲] گفت: ای پروردگار من! بنمای، تا در تو نظر کنم، گفت هرگز مرا نخواهی دید.

آنچه امکان‌پذیر است، رؤیت آیات الهی، وجه الله و ملکوت است. از سوی دیگر خداوند دربارهٔ ابراهیم علیه‌السلام یک بار برای او مقام رؤیت را بیان نموده است:

وَ کَذلِكَ نُری إِبْراهیمَ مَلَکُوتَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ؛[۳] بدین‌سان به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را نشان دادیم.

اما دربارهٔ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در چند مورد برای ایشان مقام رؤیت آیات به گونه‌های مختلف بیان شده است: **(لَقَدْ رَأی مِنْ آیاتِ رَبِّهِ الْکُبْری)**[۴] یا **(وَ لَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبینِ)**[۵] یا **(ما کَذَبَ الْفُؤادُ ما رَأی)**[۶] و نیز **(لِنُرِیَكَ مِنْ آیاتِنَا الْکُبْری)**.[۷]

یکی از وجوه عظمت و رفعت مسجدالحرام، کعبه است. کعبه جایگاهی بزرگ دارد.

می‌توان به نمونه‌ای از آن اشاره کرد. کعبه دارای مقام شفاعت است و بندگان خدا را شفاعت می‌کند. در کتاب مستدرک از شیخ ابوالفتوح رازی حدیثی زیبا

---

۱. قشیری، **لطائف الاشارات**، ج ۲، ص ۳۳۴.
۲. اعراف / ۱۴۳.
۳. انعام / ۷۵.
۴. نجم / ۱۸.
۵. تکویر / ۲۳.
۶. نجم / ۱۱.
۷. طه / ۲۳.

آمده است:[۱]

خداوند در روز قیامت هفتاد هزار ملک مبعوث می‌کند که همراه آنها زنجیرهایی از طلاست. آنها با این زنجیرها کعبه را به عرصات قیامت می‌آورند. در این لحظه ملکی به کعبه می‌گوید: ای کعبهٔ خدا به بهشت وارد شو. کعبه پاسخ می‌دهد تا حاجت من داده نشود نمی‌روم. می‌گویند: حاجت تو چیست؟ می‌گوید: شفاعت من دربارهٔ کسانی که اطراف من مدفونند قبول شود. خدا می‌گوید: حاجتت روا شد. در این هنگام مردگان از قبرهایشان مبعوث شده، در حالی که صورت‌هایشان سفید و با احرام دور کعبه می‌چرخند و ندای لبیک سرمی‌دهند. ملک می‌گوید: ای کعبه، به بهشت وارد شو. کعبه پاسخ می‌دهد: تا حاجت من داده نشود نمی‌روم. می‌گویند: حاجت تو چیست؟ می‌گوید: پروردگارا! بندگان گنهکار تو از راه‌های دور با صورت‌های غبارآلود به سوی من می‌آیند و همراه خود اهل و اولاد و خانه‌های خود را می‌آورند، به دوستان و نزدیکان خود وعدهٔ دعا و زیارت می‌دهند، پروردگارا! شفاعت من را برای آنها قبول کن تا تحت حمایت من قرار گیرند. ملک می‌گوید: در میان آنها کسانی اهل گناهان کبیره‌اند و بر گناه اصرار می‌ورزند. کعبه می‌گوید: من همان‌ها را شفاعت کردم. خدا می‌گوید: شفاعت تو را پذیرفتم و حاجت تو روا شد. ملک می‌گوید: ای اهل کعبه برخیزید. تمام حاجیان برمی‌خیزند در حالی که صورت‌هایشان سفید و گرداگرد کعبه طواف می‌کنند و ندا می‌دهند. لبیّک. ملک می‌گوید ای کعبهٔ خدا به بهشت وارد شو. در این حال کعبه به سمت بهشت می‌رود و این را ندا می‌دهد: «لَبَّیکَ اللهُمَّ لَبَّیک» و اهل او به دنبالش به سوی بهشت می‌روند.

از این حدیث به دست می‌آید که از یک سو کعبه دارای مقام شفاعت است و از سوی دیگر هر کس زائر کعبه باشد، روز قیامت در امان است. همچنین جایگاه بلند کعبه هم نزد خدا آشکار می‌شود.

ناگفته نماند که در روایات، مساجد نفرین شده‌ای هم وجود دارد که به دو

---

۱. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۲، ص ۹.

نمونه از آن می‌توان اشاره کرد. امام باقر علیه‌السلام فرمود:

در کوفه، مسجدهایی نفرین شده و مسجدهایی با برکت وجود دارد؛ مساجد نفرین شده عبارتند از: مسجد ثقیف و مسجد اشعث و مسجد جریر و مسجد سیماک و مسجدی واقع در خَمراء که بر گور یکی از فراعنه ساخته شده است.[۱]

آن امام همام نیز اشاره فرمود:

چهار مسجد در کوفه، به قصد شادمانی از کشته شدن حسین علیه‌السلام بازسازی شد؛ مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سیماک و مسجد شَبَث بن رِبعی.[۲]

ورود به مسجد احکام و آدابی نظیر اخلاص، طهارت، دعا و نماز خواندن دارد که شرح و بسط آن مجال دیگری می‌طلبد.[۳]

پنج) فرهنگ مسجدسازی

الف) در صدر اسلام

مسلمانان صدر اسلام اشتیاق زیادی برای ساختن مسجد از خود نشان می‌دادند. این علاقه و شوق وافر ناشی از سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از ظهور اسلام اقدامات فراوانی انجام داد که یکی از مهم‌ترین آنها تشویق به مسجدسازی بود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از هجرت نخستین اقدامی که انجام داد ساختن مسجد بود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هر کس مسجدی بنا کند خداوند خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد.[۴]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در اوائل هجرت دو مسجد با دست مبارک خود بنا کرد. این دو مسجد عبارتند از مسجدالنبی و مسجد قبا. مسجدالنبی، به منزله مسجد جامع

---

۱. کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۴۸۹؛ طوسی، **تهذیب الاحکام**، ج ۳، ص ۲۴۹؛ صدوق، **الخصال**، ص ۳۰۰؛ ابن مشهدی، **المزار**، ص ۱۱۹.

۲. طوسی، **تهذیب الاحکام**، ج ۳، ص ۲۵۰؛ ابن مشهدی، **المزار**، ص ۱۱۸؛ مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۴۵، ص ۱۸۹.

۳. ر.ک: ری شهری، **فرهنگ‌نامه مسجد**، ص ۹۳-۱۲۵؛ نوبهار، **کوی دوست**، ص ۱۰۱-۱۲۰.

۴. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۲، ص ۴۸۱.

شهر مقدس مدینه بود و روزهای جمعه در آنجا به امامت پیامبر ﷺ نماز برگزار می‌شد. بعد از آن دو مسجد، به سرعت نه مسجد دیگر در محل‌های مختلف قبایل با یاری و همراهی رسول خدا ﷺ ساخته شد. در این مساجد نماز جماعت اقامه می‌شد و با اذان بلال نماز برپا می‌گردید. کتّانی مساجد نه‌گانه صدر اسلام را به این ترتیب بیان می‌کند؛ مسجد راتج، مسجد بنی عبدالاشهل، مسجد بنی عمرو بن مبذول، مسجد جمینه، مسجد بنی سلمه، مسجد بنی رزیق، مسجد غفار، مسجد اسلم و مسجد بنی عمرو بن النجار.[۱]

پیامبر خدا ﷺ به ساخت مساجد در میان قبایل و تیره‌های عرب کمک می‌نمود. ایشان برای ساخت مسجد در آن مکان حضور می‌یافت، مکان مسجد را دقیقاً تعیین می‌نمود و قبله آن را مشخص می‌کرد. جابر بن اسامه اظهار می‌دارد که روزی نبی خدا ﷺ را با عده‌ای از اصحاب در بازار مدینه دیدم. از همراهان پرسیدم پیامبر ﷺ از کجا می‌آید؟ گفتند: از محلهٔ تو. گفتم: برای چه کاری؟ گفتند: به آنجا رفته بود تا محل مسجد و قبله آن را تعیین کند. آنگاه که به محل خود بازگشتم دیدم که حضرت رسول ﷺ محل مسجد را مشخص نمودند و چوبی را به عنوان علامت قبله نصب نمودند.[۲]

ابن اثیر نیز نقل می‌کند که روزی پیامبر ﷺ به اصحابش فرمود: برای احوال‌پرسی به قبا برویم. وقتی به قبا رسیدند و از حال مردم جویا شدند، پیامبر ﷺ دستور داد تعدادی سنگ آوردند و مسجد و قبله آن را با سنگ‌ها تعیین نمود.[۳]

رسول اکرم ﷺ به محلات مختلف مدینه می‌رفت و مساجد را معیّن می‌کرد یا قبله آن را نصب می‌نمود یا اولین نماز را در آنجا اقامه می‌کرد و بدین صورت «مراسم افتتاح مساجد» را برگزار می‌کرد؛ هر چند محل دائمی نماز مسجدالنبی

---

۱. کتّانی، **التراتیب الإداریه**، ج ۱، ص ۷۷.

۲. ابن شبّه، **تاریخ المدینة المنورة**، ج ۱، ص ۶۳.

۳. ابن اثیر، **اسد الغابة**، ج ۴، ص ۲۲۴.

بود. مردم محله‌های مختلف به آمدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسجدشان تبرّک می‌جستند و علاقه داشتند از این طریق آن مسجد رسمیّت پیدا کند.

آن حضرت به مسجد قبا زیاد می‌رفت و می‌فرمود: نماز در مسجد قبا اجر عمره دارد.[۱] مسجد ابن ابی کعب محل رفت و آمد و اقامه نماز آن حضرت بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به جهت خدمات سعد بن معاذ در راه پیشرفت اسلام به مسجد محله سعد عنایت داشت و گاهی نماز عصر را در آنجا اقامه می‌کرد.[۲]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در سفرها، غزوه‌ها و نبردهای اسلام مکان‌هایی را برای نماز اختصاص می‌داد. این مکانها توسط مسلمانان حفظ شد و به عنوان مسجد رسمیت پیدا کرد. ایشان در راه حرکت به سوی خیبر در کنار کوهی به نام «عصر» مسجدی بنا کرد.[۳] نقل شده است که در راه حرکت به سوی طائف در محله‌ای به نام «لیه» در نزدیکی طائف، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با یارانش نماز گزاردند.[۴] ابن هشام از مساجدی یاد می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در راه تبوک بنا کرد یا در آنجا نماز گزارد. برخی از آنها عبارتند از: مسجد تبوک، مسجد ثنیه مدران، مسجد ذات الرّراب، مسجد اخضر، مسجد ألاء، مسجد صدر حَوضی، مسجد صعیر، مسجد وادی القری، مسجد مروه و مسجد ذی خشب.[۵]

نکته جالب این‌که اولاً پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به جز این‌که در شهرها فرهنگ مسجدسازی را رواج داد، در مسیر راه‌ها و اردوگاه‌ها نیز اقدام به بنای مساجد و ترویج فرهنگ مسجدسازی می‌نمود. ثانیاً هرگاه به نحوه ساختن مساجد در صدر اسلام، خصوصاً مساجدی که شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنا می‌کرد مراجعه کنیم، به دست می‌آید که مسجدسازی تنها با تعدادی سنگ انجام می‌شد. آن حضرت دستور می‌داد تعدادی سنگ بیاورند، آنها را کنار یکدیگر قرار می‌داد و قبله نیز با

---

۱. بخاری، ال **صحیح**، ج ۲، ص ۷۳.
۲. سمهودی، **وفاء الوفاءِ**، ج ۳، ص ۸۵۳.
۳. ابن هشام، **السیرة النبویة**، ج ۳، ص ۳۰۳.
۴. همان، ص ۴۸۲.
۵. همان، ص ۵۳۰.

سنگ یا چوب مشخص می‌شد. هنگام سخن گفتن از مساجد در صدر اسلام هرگز نباید ذهن به سمت دیوار، سقف، ستون، مناره و بناهای مجلّل برود. آن بزرگوار مساجدی را که در راه بنا می‌کرد با استفاده از مصالح اولیه‌ای بود که در مسیر فراهم می‌نمود و این مصالح چیزی جز تعدادی سنگ و چوب نبود؛ زیرا که در بیابانهای سوزان و خشک حجاز جز چوب و سنگ چیزی یافت نمی‌شد.

اگر ساختمان مسجدالنبی را در نظر گیریم، در آغاز تعدادی سنگ به همراه چند دیوار کوتاه بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در خیبر دستور داد اطراف محلی را سنگ‌چین کردند و آن محل به صورت مسجد درآمد.[1] عبدالله بن عمیر نقل می‌کند که جدش خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به وی مشک آبی داد و به او دستور داد که این آبها را در فلان مکان بریز و در آن جا مسجدی بساز.[2] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در نامه‌ای به اهل عمان چنین نگاشت:

از محمد رسول خدا به اهل عمان؛ سلام علیکم، امّا بعد، گواهی دهید که خدایی جز خدای یگانه نیست و من فرستاده او هستم. زکات بپردازید و برای خود مساجدی بسازید.[3]

حاصل آن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مساجد فراوانی را با دست مبارک خویش بنا کرد یا تعیین قبله نمود یا در آنجا نماز گزارد یا دستور داد تا آن را بنا کنند و از این طریق اهتمام ویژه خویش را به فرهنگ مسجدسازی نشان داد. ایشان مساجد زیادی را در اقصی نقاط جزیره العرب به وجود آورد و رفته رفته مسجدسازی فرهنگ عمومی شد. هر جا پای سپاه اسلام می‌رسید مسجد هم به وجود می‌آمد. کسانی که به اسلام گرویدند اولین اقدامی که در قبیله خود می‌کردند، ساخت مسجد بود. بدین ترتیب، مسجد مشخصهٔ اصلی اسلام شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به اصحاب خویش دستور داد:

---

۱. سمهودی، **وفاء الوفاءِ**، ج ۳، ص ۱۰۲.
۲. کتّانی، **التراتیب الإداریه**، ج ۲، ص ۷۷.
۳. ابن اثیر، **اسد الغابة**، ج ۲، ص ۱۶۳.

هر گاه مسجدی دیدید، در آنجا به نماز بایستید و با اهل آن قبیله نجنگید.[۱]

پیامبر صلی الله علیه و آله سعی داشت هر چه سریعتر مساجد را در قلمرو اسلام گسترش دهد و مسلمانان سیره عملی آن حضرت را دریافتند و به توسعه مساجد همّت گماردند. انصار که ساکنان اصلی مدینه بودند تعداد زیادی مسجد ساختند. برخی از آنها توسط سمهودی بیان شده است: مسجد جمعه، مسجد فضیح، مسجد بنی‌قریظه، مسجد شربه ام‌ابراهیم، مسجد فتح، مسجد ذوقبلتین، مسجد سُقیا، مسجد ابوذر غفاری، مسجد بنی‌جدیله، مسجد مصلّی، مسجد ذوالحلیفه، مسجد مقهّل، مسجد ابی‌بن‌کعب، مسجد بنی‌ظفر و مسجد اجابه.[۲]

ب) در عصر امویان

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان با علاقه و اشتیاق فراوان فرهنگ مسجدسازی را پی‌گرفتند و در شهرهای فتح شده مساجدی به وجود آوردند. اگر سرزمینی فتح می‌شد اوّلین اقدام مسلمانان ساختن مسجد بود و اگر شهری ایجاد می‌شد، ابتدا مکان مسجد جامع تعیین می‌شد و سپس کوچه‌ها و خیابانها مشخص می‌گردید. چنانکه مسجدالنبی در وسط شهر واقع شد و شهر پیامبر صلی الله علیه و آله آن مسجد را چون نگینی دربرمی‌گیرد. مسجد فضای بازی بود که فقط با چند سنگ و چوب تعیین حدود می‌گشت و مسلمانان به سمت خانه خدا در آن نماز می‌گزاردند. مشخصه اصلی مساجد عصر پیامبر صلی الله علیه و آله دو چیز بود؛ یکی سادگی و بی‌آلایشی و دیگری مرکزمحور بودن. مساجد با سادگی تمام تأسیس می‌شد و شهرها با محوریّت مساجد بنا می‌شد یا توسعه می‌یافت. در بلاد مسجد به‌گونه‌ای ساخته می‌شد که رفت و آمد به آن از هر سو آسان باشد و مرکزیّت مسجد در آن شهر محفوظ بماند. در جهان اسلام شهرها «مسجد محور» بودند.

مهم‌ترین تغییری که مساجد در عهد امویان پیدا کردند این بود که از سادگی

---

۱. همان، ج ۵، ص ۱۵۲.

۲. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۸۱۹.

خارج شدند و به اشکال زیبا و بدیع درآمدند. ستونهای نخل به رخام (سنگ سفید)، دیوارهای سنگی کوتاه به دیوارهای بلند آجری یا گچی و مساجد بی‌سقف به مساجد پوشیده از چوب تبدیل شد. برای مساجد گنبد، گلدسته و مناره بنا شد و پولهای فراوانی در ساخت مساجد صرف گردید.

امرای مسلمانان سعی داشتند مساجد را توسعه دهند و بسیار شکوهمند سازند. شاید توجه به انگیزه آنان جالب باشد. آن چه حاکمان اموی را به تزیین و شکوهمندسازی مساجد واداشت در نقل ذیل آمده است. مقدسی اظهار می‌دارد:

روزی به عموی خود گفتم ولید کاری نیکو نکرد که همه دارائی مسلمانان را برای ساخت مسجد جامع دمشق هزینه کرد. اگر آن را مصرف راه‌سازی، کارخانه و مصالح عمومی می‌کرد بهتر بود. عمویم گفت: این را مگو! ولید خواستِ بزرگی داشت؛ زیرا شام پایگاه نصاری بود و در آنجا کلیساهای زیبایی با شهرت فراوان یافت می‌شد. ولید خواست برای مسلمانان مسجدی بنا نهد که چشم و دل آنان را از آن کلیساها سیر کند و منصرف گرداند. لذا مسجد جامع دمشق را یکی از عجایب جهان ساخت.[۱]

ج) در عصر عباسیان

در دوران عباسیان شمار فراوانی مسجد بنا شد. تا پیش از آن در شهرهای بزرگی نظیر مدینه، بصره، کوفه و دمشق فقط یک مسجد جامع بزرگ وجود داشت که به آن مسجد اعظم یا اکبر می‌گفتند و در آنجا نماز جماعت و نیز نماز جمعه برگزار می‌شد؛ هر چند در محله‌ها مساجدی کوچک نیز وجود داشت.

این وضع تا زمان عباسیان استمرار داشت امّا در عهد آنان تعداد مساجد رو به فزونی گذارد. به عنوان نمونه می‌توان از شهر بغداد یاد کرد. تا اواخر قرن سوم در بغداد دو مسجد جامع منسوب به خلفا وجود داشت تا این‌که تعداد نمازگزاران افزایش یافت و صف‌های نماز به خارج از مساجد کشیده شد. لذا مساجد جامع

---

۱. مقدسی، **احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم**، ج۱، ص ۲۲۴.

دیگری نیز ساخته شد.[۱] ابن جبیر نقل می‌کند که در بغداد یازده مسجد جامع دیده است.[۲] همچنین ناجی بیان می‌کند که در زمان مغولان سی و شش مسجد جامع در آن جا بوده است.[۳] در زمان دیدار ناصرخسرو از قاهره چهار مسجد جامع در آن جا وجود داشته است.[۴] همچنین در بصره سه مسجد جامع، در اسکندریه دو مسجد جامع و در مرو نیز دو مسجد جامع وجود داشته است.[۵]

به جز مساجد جامع، مساجد دیگر نیز در همین مقیاس توسعه یافت. یعقوبی می‌نویسد که فقط در بصره عراق هفت هزار مسجد وجود داشته است.[۶] ابن رسته تعداد مساجد بغداد را سی هزار می‌نویسد.[۷] ابن جبیر مساجد مصر را آن چنان پرتعداد بیان می‌کند که تنها در اسکندریه رقم مساجد به دوازده هزار می‌رسید.[۸]

امرای مسلمین در ساخت مساجد شرکت داشتند و هر کدام سعی داشتند در کنار مساجد جامع، مساجد کوچکی را بسازند آنان در تعمیر، نوسازی یا تکمیل مساجد مهم نیز مشارکت داشتند. مسجدالنبی طی قرون متمادی تجدید بنا شد مساجد خراسان توسط والیان تکمیل و توسعه یافت خلیفه نیشابوری برای مسجد جامع مناره ساخت و آن را تذهیب و زینت نمود و چنان عمارت آن را بنا نمود تا ساعات روز و شب و نماز معلوم گردد.[۹]

د) امامان شیعه و گسترش کیفی مساجد

مسجد سازی فرهنگی اسلامی است که از ارکان اصلی سیرهٔ عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. آدام متز، **تمدن اسلامی در قرن چهارم**، ترجمه علیرضا ذکاوتی، ج ۲، ص ۱۱۷.
۲. ابن جبیر، **سفرنامه**، ترجمه پرویز اتابکی، ص ۲۷۳.
۳. ناجی، **المدخل فی تاریخ الحضارة العربیة**، ص ۱۹۸.
۴. ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۵۴.
۵. مقدسی، **احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم**، ج ۲، ص ۴۵۳.
۶. یعقوبی، **البلدان**، ص ۲۲.
۷. خطیب بغدادی، **تاریخ بغداد**، ج ۱، ص ۱۱۷.
۸. ابن جبیر، **سفرنامه**، ص ۲۷۳.
۹. خلیفه نیشابوری، **تاریخ نیشابور**، ص ۱۴۱.

بود. ریشه فرهنگ مسجد به قرآن بازمی‌گردد:

فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ؛[۱] خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابند و نامش در آنها یاد شود.

مسئله این بود مساجدی که در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ساخته شد و آن حضرت در ساختنش مشارکت نمود، بسیار ساده و بی‌آلایش بود. در آنها نقش و نگار و زینتی به کار نمی‌رفت. امّا در دوران تمدن اسلامی که صنعت و هنر توسعه یافت مساجد شکوه، جلال و زینت فراوانی یافت. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایات متعددی وارد شده است که همگی مضمون واحد دارند؛ مساجد را تزیین نکنید:

مساجد را با طلا زینت نکنید چنانکه یهود و نصاری معابد خود را با طلا زینت نمودند.[۲]

آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هنگامی که دیدید قرآن‌ها و مساجد را تزیین نمودند، مأذنه‌ها را بلند بنا کردند و مساجد را راه عبور قرار دادند، مؤمنان خالص کمیاب شوند. مساجد آنان تزیین شده و دل‌هایشان آلوده است.[۳]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

کسانی که در آتش جاودانه‌اند تنها ظاهری از دنیا می‌دانند، قصرها برپا می‌کنند و مساجد را با طلا زینت می‌نمایند.[۴]

مساجد در عهد خلفا، امویان و عباسیان توسعه کمّی و پرتعدادی یافت. امّا در کنار آن و به انگیزه شکوهمندسازی مساجد، آنها را تزیین نمودند، مطلاّ کردند، مناره‌ها و مأذنه‌های بلند بر آنها ساختند و نقاشی‌های ذی‌روح بر در و دیوار پدید آوردند. این امر با روح اسلام سازگار نبود.

ائمه اطهار علیهم‌السلام مواضع جالبی اتخاذ نمودند؛ آن بزرگواران از یک سو نسبت به

---

۱. نور/ ۳۶.

۲. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۳۷۲.

۳. فتال نیشابوری، **روضة الواعظین**، ص ۳۰۷.

۴. طبرسی، **مکارم الاخلاق**، ص ۴۴۹.

توسعه و تزیین مساجد حساسیّت نشان نمی‌دادند و معمولاً اظهار می‌داشتند که در این مساجد نماز بخوانید. علی بن جعفر علیه‌السلام از امام کاظم علیه‌السلام درباره خواندن نماز در مساجدی که دیوارهایش نقش دارد سؤال کرد. امام علیه‌السلام فرمود: نماز در این نوع مساجد اشکال ندارد.[1] شخصی از امام صادق علیه‌السلام درباره اقامه نماز در مساجد نقش‌دار پرسید. امام علیه‌السلام در جواب فرمود:

من این گونه مساجد را دوست نمی‌دارم ولی اکنون اشکال ندارد. هنگامی که قائم عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قیام کند، می‌داند که با این مساجد چکار کند.[2]

حدیث مزبور به ما می‌گوید که اولاً اولیاء خدا با مساجد نقش‌دار و طلادار موافق نبودند امّا طبق مصالحی حساسیّت نشان نمی‌دادند و ثانیاً در آن زمان که اسلام نوپا بود مصلحت را در مخالفت شدید نمی‌دیدند.

امامان شیعه از سوی دیگر به هنگام بروز انحراف آن را تذکر می‌دادند. چنانکه حضرت علی علیه‌السلام دستور داد مناره بلند مسجدی را در کوفه خراب کردند.[3]

بنابراین امامان شیعه به دلیل نوپابودن اسلام حساسیت شدیدی از خود نشان نمی‌دادند و از سوی دیگر اگر انحرافی جدّی می‌دیدند تذکر می‌دادند. نکته دیگری نیز وجود دارد و آن این‌که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله براساس امکاناتی که در اختیار بود مساجد شکل می‌گرفت. امّا اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله امکانات بیشتر و وسیع‌تری در اختیار داشت، شاید از آنها برای توسعه مساجد بهره می‌برد. آن چه را از سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اولیاء شیعه به دست می‌آید، می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: سادگی آری امّا تجملات خیر.

می‌توان مساجد را هم به لحاظ کمّی و نیز به لحاظ کیفی توسعه داد و آنها را شکوهمند بنا کرد امّا باید مراقبت نمود که مساجد قصر نشوند، مساجد همانند کاخ‌های فراعنه تزیین نگردند و مساجد از سادگی و بی‌آلایشی خارج نشوند.

---

۱. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۳، ص ۴۹۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۰۵.

شش) اجزاء مساجد

مساجد در صدر اسلام گرچه شکلها و مساحتهای مختلفی داشتند امّا به تدریج اجزاء و عناصری پیدا کردند. مسجد الگوی دینی است و تا عصر حاضر به حیات خود ادامه داده است. ولی با گذشت زمان و علی‌رغم تغییرات و تحولات گوناگون روح خود را حفظ کرده است. مساجدی که در صدر اسلام و نیز در دوره های حاکمان مسلمان ساخته شد دارای اجزای مختلفی بود.

حجره؛ در قسمت شرقی حیاط مسجدالنبی، اتاق های کوچکی به نام حجره برای زنان پیامبر ﷺ ساخته شد که همگی مشرف به حیاط بود.

صحن؛ داخل مسجد فضای بزرگ و ساده‌ای وجود داشت که پناهگاه مؤمنان و نمازگزاران بود. سطح آن از شن یا حصیر پوشیده می شد.

رواق؛ در بسیاری از مساجد قسمتی از حیاط را رواق ها احاطه می‌کردند. گاهی رواق ها از بخش های کوچک تری تشکیل می شد. افراد درون رواق ها دایره وار می نشستند و با یکدیگر گفت وگو می‌کردند. گاهی رواق ها را پرده می‌کشیدند تا زنان بتوانند در آنها به راحتی حضور یابند. به این گونه رواق ها مقصوره گفته می شد.

محراب؛ در طول نماز امام و دیگر نمازگزاران باید رو به خانه خدا بایستند. لذا جهت قبله در مسجد نقشی اساسی داشت و مسلمانان دیواری را که رو به کعبه بود، محراب قرار می دادند. طبق سنت رایج، محراب چند ذرع عرض داشت و به شکل مستطیل یا چند ضلعی بود. با گذشت زمان محراب به محلی تبدیل شد که امامان جماعت، پیشاپیش مردم می ایستادند.

منبر؛ در طرف راست محراب، محل بلندی به نام منبر قرار می‌گرفت. منبر که شبیه سکو یا مکان مرتفع بود به هنگام سخنرانی توسط خطیب استفاده می شد. خطبا برای آگاه سازی مردم از مسائل دینی و دنیوی از منبر استفاده می‌کردند. قدمت منبر به زمان پیغمبر ﷺ برمی‌گردد. رسول خدا ﷺ از محلی بلند و مکانی مرتفع برای وعظ و سخنرانی استفاده می‌نمود. البته در دوره های بعد منابر

کارکردهای دیگری پیدا کردند.

مناره؛ برای مسلمانان اوائل اسلام، مناره شناخته شده نبود. یکی از صحابی پیغمبر ﷺ یعنی بلال از بلندترین قسمت مسجد برای گفتن اذان استفاده می‌کرد. حتی نقل شده است که وی بر بام خانه‌ی بلندی ایستاد و سخنان و پیام‌های پیامبر ﷺ را به گوش مردم می‌رساند[۱]. بدین ترتیب ساختن محلی برای فراخواندن موحدین به نماز و دینداری پایه‌گذاری شد. ولی ساختن مناره تا زمان خلافت امویان به طول انجامید. گفته می‌شود آغاز ساختن مناره و گفتن اذان از بالای آن در زمان خلافت ولید (۸۶ ـ ۹۶ ه‍ـ.ق) تحقق یافت و بعد از او مرسوم گشت.[۲]

وضوخانه؛ یکی از اجزاء مساجد، محلی برای شستن قسمت‌هایی از بدن یا گرفتن وضو بود. معمولاً وضوخانه‌ها در وسط حیاط مسجد یا نزدیکی محل ورود به مسجد ساخته می‌شد.

البته به مرور مساجد ارکان و اجزاء دیگری نیز پیدا کردند؛ دکّا برای دعوت مردم به نماز جمعه، محلی برای قرائت قرآن و صندوقچه‌هایی که در آنجا نسخه‌هایی از قرآن نگه‌داری می‌شد.

مسجد به عنوان محلی که در آنجا مراسم دینی و اعمال عبادی انجام می‌شد، برای مسلمانان از احترام و اهمیت خاص برخوردار بود. این مکان وابسته به خدا و دارای قداست و عظمت بود. مساجد در عین سادگی، توسعه یافتند و تا به امروز جایگاه و عظمت خویش را حفظ نمودند.

هفت) انواع مساجد

می‌توان برای مساجد از جهات مختلف تقسیم‌بندی‌هایی نشان داد. به عنوان نمونه برترین مساجد عبارتند از مسجدالحرام، مسجدالنبی، بیت

---

۱. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۲۶.
۲. همان، ص ۲۷.

المقدس و مسجد کوفه. انجام هر گونه نماز در این مساجد اجرهای فراوان دارد. همچنین مساجدی نظیر سهله، قبا و خیف از شرافت بالایی برخوردارند. مشاهد مشرفه و حرم اهل بیت علیهم‌السلام از مکانهای مقدس شمرده شده قداست ویژه‌ای دارند. از سوی دیگر مکان‌های مثل مسجد ضرار، در روایات مسجد ملعون به حساب آمده از جایگاه مسجد بودن خارج شده‌اند؛ زیرا نیت سازندگان و حامیان آن ضربه‌زدن به کیان اسلام بود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از بازگشت از تبوک در حالی که هنوز وارد مدینه نشده بود، مخاطب وحی قرارگرفت و از این طریق حقیقت را دانست و از نمازگزاردن در آن محل نهی فرمود و دستور داد مسجد ضرار را به آتش کشند، بقایای آن را ویران کنند و آن جا را محل زباله قرار داد.[۱]

مسجد ملعون نمونه دیگری هم دارد؛ افرادی از سپاه یزید در کوفه و شام به خاطر پیروزی لشکر وی، مساجدی ساختند. امامان شیعه آنها را مساجد ملعون نامیدند و از نمازگزاردن در آنجا منع نمودند. روایات این مساجد مزبور را به این شرح اعلام کرده‌اند؛ مسجد ثقیف، مسجد اشعث، مسجد جریر و مسجد سماک.[۲]

به جز این‌که می‌توان مساجد را به مساجد برتر و مساجد ملعون دسته‌بندی کرد، رتبه‌بندی دیگری نیز در باب مسجد رواست. مساجد بر حسب میزان تأثیرگذاری در جامعه امروز درجه‌بندی دیگری دارند. امروزه شهرها توسعه یافته‌اند، شبکه‌های شهری متفاوت شده‌اند و عوامل تأثیرگذار در زندگی انسان‌ها به‌گونه‌ای دیگر شده‌اند، مساجد را در جامعه جدید می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی نمود.

الف) مسجد جامع

مساجد جامع بیشترین تأثیر را در شهرها ایفا کرده و می‌کنند. این مساجد

---

۱. مکارم شیرازی، **تفسیرنمونه**، ج ۸، ص ۱۳۴.

۲. قرائتی، **تفسیرنور**، ج ۵، ص ۱۴۳.

می‌توانند تمام شهر را تحت پوشش قرار دهد. بالاترین مقام روحانیت در این مساجد نماز برقرار می‌کند و در آن جا مهم‌ترین مسائل مربوط به شهروندان مطرح می‌شود. مسجد جامع عمومیت داشته در بالاترین سطح سبک دهی به زندگی مردم قرار دارد. بی‌شک این مسجد می‌تواند منشأ تصمیمات جدی و مهم برای تمام شهر باشد. اگر مسجد جامع کارکرد واقعی خود را داشته باشد، قادر است هویت شهر و شهروندان را ترسیم نماید و ساختار شبکه‌ای شهروندان را تغییر دهد.

مسجد جامع ظرفیت دیگری نیز دارد؛ این گونه مساجد می‌توانند مساجد کوچک دیگر شهر را تحت تأثیر قرار داده و به آنها نیز جهت دهند. در این مساجد معروف‌ها معلوم و منکرها مشخص می‌گردند، الگوی شهر و شهرنشینی در مساجد جامع ترسیم می‌گردد. مصلحت مسلمین در نماز جمعه بر زبان جاری می‌گردد. و انواع مشکلات جامعه اسلامی در این مکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌شود. جایگاه مساجد جامع تا بدان پایه است که عبادت و نماز در آن جا ارزش بیشتری دارد.[۱]

ب) مسجد محله

بعد از مسجد جامع، مسجد محله جایگاه مهمی دارد. امامان جماعت با الهام از خط مشی‌ها و راهبردهای مساجد جامع، مدیریت سبک زندگی اهالی محله را به عهده می‌گیرند. هرگاه محله‌ای جدید شکل گرفت و مسجدی در آنجا مرکزیت یافت، اهالی محله به آن جا رفت‌وآمد خواهند کرد و امور دین و دنیای خویش را بر حسب الگوهای مساجد شکل خواهند داد.

گفتنی این‌که شیوه درست این است که مسجدی ساخته شود و سپس گرداگرد آن محله شکل گرفته ساخته شود. امّا امروزه در ابتدا محله‌ها و شهرک‌هایی ساخته می‌شوند سپس در گوشه‌ای مسجدی هم بنا می‌گردد. سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. رستگار، **مسجد در روایات و اخبار**، ص ۳۹.

این بود که شهرها را با مرکزیّت مسجد بنا می‌کرد و آنها را آباد می‌نمود. باید گفت اسلام طرفدار شهرهای مسجدمحور است نه مساجد حاشیه‌نشین.

در مساجد محله، اهالی جمع می‌شوند، با یکدیگر آشنا می‌گردند، به مشکلات یکدیگر واقف می‌شوند و در این مساجد مشکلات عمومی شهرک‌ها و محله‌ها رصد و بررسی و برای حل آنها راهکار اندیشیده می‌شود. جالب این است که برای پایش و حل مشکلات، تمام اهالی با یکدیگر مشارکت و همیاری می‌کنند.

ج) مسجد بازار

تا پیش از امروز رویه این بود که بازاریان، بازار را اطراف مسجد بنا می‌کردند یا اگر بازاری وجود داشت در مرکز آن مسجد احداث می‌نمودند. آنان به هنگام نماز دست از کار شسته نماز اول وقت را با یکدیگر در مسجد برگزار می‌نمودند. امام جماعت با توجه به شرایط بازار نماز اقامه می‌نمود و میان دو نماز به صورت خلاصه چند مسئله‌ی را درباره کسب و کار بیان می‌کرد.

در مساجد بازار، بیشتر شرکت‌کنندگان بازاریان بودند. در مسجد بازار به جز نماز و عبادت، بازاری‌ها از مشکلات یکدیگر خصوصاً مشکلات مربوط به کسب و کار آگاه می‌شدند و اگر کسی می‌توانست، در حل آن معضل اقدام می‌نمود. بازاریان در مسجد از اخبار بازار آگاه می‌شدند. معمولاً در این‌گونه مساجد مرکز خیریه‌ای دایر می‌شد و به صورت محدود و با مدیریت مسجد به افراد نیازمند مساعدت و یاری می‌شد.

مهم‌ترین نقش مسجد بازار این بود که به کسب و کار، هویّت عبادی و الهی می‌بخشید و بازاریان با الهام از مسجد و با حفظ روح بندگی به کار خویش مشغول بودند. مسجد به اهالی بازار صداقت می‌آموخت، به آنان امانت‌داری یاد می‌داد و آنها را از کم‌فروشی پرهیز می‌داشت، برخی از بازاری‌ها چنان مسئله‌دان و شریعت‌شناس بودند که یک روحانی تمام عیار به حساب می‌آمدند و در یک کلام مساجد، به بازار هویّت دینی می‌بخشید.

د) مسجد خانه

در روایات با نکته‌ای جالب مواجه می‌شویم. احادیث به مسلمانان توصیه کرده‌اند که مسلمانان در خانه مکانی را تمییز و پاک نگه دارند و به نماز اختصاص دهند. خانه فرد مسلمانان هم نیازهای مادی او را تأمین می‌کند و هم نیازهای معنوی و آسمانی وی را. آشپزخانه به نیاز مادی اهل خانه پاسخ می‌دهد و مکان مسجد خلأ عبادی یک مؤمن را جبران می‌سازد. البته نماز خانه منزل، مسجد رسمی نیست و احکام مسجد در باب آن جاری نمی‌شود و نیز هرگز جانشین مساجد رسمی نمی‌گردد. به مسلمان‌ها توصیه شده است که نمازهای واجب را به جماعت و در مساجد محله یا جامع برگزار کنند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

کَانَ علیٌّ علیه‌السلام قَد جَعَلَ بَیتاً فی دَارِهِ لیس بالصَّغیرِ و لا بالکَبیرِ لِصلاته؛[1] علی علیه‌السلام در منزل خود اتاقی را که نه کوچک بود و نه بزرگ، مخصوص نمازش قرار داده بود.

امام صادق علیه‌السلام خطاب به مسمع نوشت:

دوست دارم که یکی از اتاق‌های منزلت را نمازخانه قرار دهی و سپس دو جامه فرسوده زبر بپوشی و آنگاه از خداوند مسئلت کنی که تو را از آتش رهایی دهد و به بهشت بَرَد و هیچ سخن باطل یا ظالمانه‌ای به زبان نیاوری.[2]

سنن ابی داود از عایشه نقل می‌کند:

أمَرَرسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بِبَناء المَساجِدِ فی الدّورِ و أن تُنَظَّفَ و تُطَیَّبَ؛[3] پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، به ساختن مسجدهایی در درون خانه‌ها و پاکیزگی و خوشبو کردن آنها فرمان داد.

در روایتی است که یکی از اصحاب می‌گوید:

کانَ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله یأمُرُنا أن نَصنَعَ المساجِدَ فی دورِنا و أن نُصلِحَ صَنعَتَها و نُطَهِّرها؛[4] پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، همواره به ما فرمان می‌داد تا مسجدهایی در خانه‌های خود بسازیم و آنها را نیکو بنا کنیم و پاکیزه گردانیم.

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۷۳، ص ۱۶۱.

۲. همان، ص ۱۶۲.

۳. ابی داود، **سنن ابی داود**، ج ۱، ص ۱۲۴؛ ترمذی، **سنن الترمذی**، ج ۲، ص ۴۹۰.

۴. ابن حنبل، **مسند ابن حنبل**، ج ۹، ص ۵۲.

روایات مزبور و توصیه‌های امامان شیعه به ما می‌گویند طراحی خانه باید به‌گونه‌ای باشد که بیشترین تأثیرگذاری را در فرهنگ خانواده داشته باشد. بخشی از فرایند تربیت در خانه به نقشه و طراحی خانه بازمی‌گردد. اگر بنای خانه به‌گونه‌ای طراحی گردد و نیز دکوراسیون و معماری درون خانه به شکلی باشد که مسجد در آن جا تعبیه شده باشد، تأثیری مطلوب بر اهل خانه و به ویژه کودکان خواهد داشت. مسجد خانه باید پاکیزه، ساده و مکانی غیرمزاحم باشد تا بیشترین تأثیرات را بر سبک‌دهی اهل منزل داشته باشد. شایسته است مسئله مسجد خانه در معماری منازل پیش‌بینی شود تا فضای منزل دارای روح عبادت و بندگی گردد.

هـ) مسجد بین‌راه

از دیرباز در بین راه‌ها مساجدی احداث می‌شده است. قبل از آنکه کاروان‌سراها دائر شوند، مساجد بین‌راهی احداث می‌شد. همراه با پدید آمدن شهرها و توسعه راه‌ها، مسلمانان به فکر ساختن نمازخانه‌ها یا مساجد بین‌راهی افتادند تا برای اقامه نماز در دسترس همگان باشد. این نمازخانه‌ها به جهت داشتن امکانات می‌تواند به عنوان استراحت‌گاه بین‌راهی در اختیار مسافران قرار گیرد و رفاهی نسبی برای آنان به ارمغان آورد معاویه بن وهب می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام درباره خوابیدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی سؤال نمودم آن حضرت علیه‌السلام فرمود:

نَعَم فَأَینَ یَنامُ النّاس؛[1] می‌توانند بخوابند، پس مردم کجا بخوابند؟

مساجد بین‌راه در بازشناسی جهت قبله نقش مهمی ایفا می‌کنند، چنان‌که محلی برای عبادت و بندگی به حساب می‌آیند. البته نکاتی شایان ذکر است؛ اولاً با توجه به توسعه فراوان راه‌های برون‌شهری و کمبود محسوس نمازخانه‌ها و مساجد بین‌راه، لازم است همتی مضاعف صورت گیرد و این خلأ مهم جبران شود. چه زیبا است که خیّرین مسجدساز، نگاهی به این کمبود کنند. ثانیاً بسیاری

---

۱. کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۳۷۰.

از مساجد میان راه از نظافت و بهداشت خوبی برخوردار نیستند و در صورتی که این امر ادامه یابد در روحیه استفاده‌کنندگان تأثیری نامطلوب باقی خواهد گذارد و ثالثاً غالب نمازخانه‌ها و مساجد فرش‌هایی کثیف یا مندرس دارند، دیوار آنها سیاه است، مفاتیح و قرآن‌ها مخدوش و پاره‌اند، مهرها چرک گرفته‌اند، تجهیزات سرمایشی و گرمایشی ندارند، گاه فضایی کوچک و آزاردهنده دارند، درها و پنجره‌ها شکسته‌اند و حتّی محلی برای زندگی حیوانات شده‌اند. رسیدگی به این امور عزمی ملی و همتی والا می‌طلبد.

و) مسجد وابسته

مسجد وابسته به مکان‌هایی اطلاق می‌گردد که در فضایی خاص برای افراد فراهم می‌شود. نمازخانه‌های ادارات، سازمان‌ها، ارگان‌ها، دانشگاه‌ها، باشگاه‌ها، پادگان‌ها و مدارس مساجد وابسته تلقّی می‌شوند. در اغلب موارد مساجد وابسته، حکم مسجد شرعی ندارند و فقط به عنوان نمازخانه در نظر گرفته می‌شوند.

در این رابطه نکاتی قابل ذکر است؛ اولاً هر چند برخی از این مساجد نظیر نمازخانه هتل‌ها و برخی ادارات تمییز نگه‌دری می‌شوند امّا برخی از آنها از بهداشت لازم برخوردار نیستند؛ ثانیاً در پاره‌ای مواقع مسجد وابسته در مکانی ایجاد می‌گردد که در دسترس همگان نیستد و رفت و آمد به آن جا آسان نمی‌باشد و تنها کسانی از آنها استفاده می‌کنند که در آن بنا یا آن طبقه باشند. بهتر است مساجد ارگان‌ها و سازمان‌ها به‌گونه‌ای طراحی گردد که در دسترس همگان قرار گیرد و از کمترین محدودیت‌ها برخوردار باشند.

ز) مسجد مجازی

با توجه به شکل‌گیری فضای مجازی و توسعه شبکه‌های اجتماعی می‌توان از پدیده‌ای جدید سخن به میان آورد. اگر فعالیت‌ها و نقش‌های مساجد در

فضای مجازی تعریف گردند، به آن مسجد مجازی اطلاق می‌شود. مسجد مجازی حاوی تمام پیام‌های مسجد حقیقی است. مسجد در فضای مجازی می‌تواند برای تمام اهل مسجد در سراسر گیتی پیام‌های عبادی و فرهنگی ارسال نماید تا تمام مسجدهای جهان بتوانند با یکدیگر تشریک مساعی کنند، از احوال یکدیگر باخبر شوند و مشکلات جهان اسلام را با یکدیگر به شراکت گذارند.

مسجد مجازی می‌تواند باورها، گرایش‌ها و انگیزش‌های اهل مسجد را در فضای اینترنت به مشارکت گذارد. فضای مجازی می‌تواند مسجد را همگانی و جهانی کند. از این طریق می‌توان پیام مسجد معیار و مطلوب را به گوش جهانیان رساند. امروزه فضای مجازی، چه به صورت اینترنت و چه به صورت ماهواره، امکانات و قابلیت‌های فراوانی را در اختیار قرار می‌دهد، اهل مسجد می‌توانند با استفاده از این قابلیت‌ها مسجد را جهانی کنند و معارف دینی را نشر داده تعمیق بخشند.

البته توجه به نکته‌ای ضروری است؛ نباید هر کسی اجازه ایجاد مسجد مجازی داشته باشد. لازم است فضای وب به‌گونه‌ای تعریف گردد که مشرکان و کافران چنین اجازه‌ای نیابند؛ زیرا که خداوند فرمود:

ما كانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَساجِدَ اللهِ شاهِدِينَ عَلى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولئِكَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خالِدُونَ؛[1] و مشرکان در حالی که بر ضد خود به کفر [و انکار حقایق] گواهی می‌دهند، صلاحیت آباد کردن مساجد خدا را ندارند؛ اینانند که اعمالشان تباه و بی‌اثر است و در آتش جاودانه‌اند.

---

۱. توبه / ۱۷.

فصل دوم

نقش مسجد در سبک دهی به زندگی مسلمانان

اشاره

مسجد در صدر اسلام دارای کارکردهای عبادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و قضایی بود. براساس نگاه اسلام مسجد معیار، مسجدی است که انسان‌ساز، جامعه‌ساز و فرهنگ‌ساز باشد. مساجد موجود دارای آسیب‌ها و تهدیدهایی است که می‌توان آنها را به فرصت‌هایی مغتنم تبدیل نمود. بدون شک مسجد مهم‌ترین عنصر سبک‌ساز در جهان امروز به حساب می‌آید. می‌توان نقش‌های مختلف مسجد را در سبک‌دهی در ابعاد مختلف بررسی نمود.

یک | کارکردهای مسجد در صدر اسلام

مسجد نقش‌ها و کارکردهای متنوع و وسیعی در صدر اسلام داشته است. مسجد نه تنها مرکز عبادت و نمازگزاردن مردم بود بلکه کانون تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی به حساب می‌آمد. مطالعه مستندات دینی و سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام به ما نشان می‌دهد که مسجد مهم‌ترین عامل نقش‌آفرین در انتقال فرهنگ دینی و جاری ساختن ارزش‌های والای اسلامی بوده است. مسجد بینش‌های اصیل را به مسلمانان القا می‌نمود و مسجد فعال‌ترین مرکز سبک‌ساز در صدر اسلام بوده است. کارکردهای اصلی مسجد عبارتند از عبادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی.

یک) کارکرد عبادی و معنوی

الف) نماز

عبادت خدا و گفتگوی با او از نقش‌های مهم مسجد است. مسجد به معنای سجدگاه می‌باشد و می‌دانیم که سجده مهم‌ترین رکن نماز و عبادت است. یاد خدا در نماز ظهور پیدا می‌کند و ذکر او غایت نماز است:

إِنَّنِی أَنَا اللهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاعْبُدْنِی وَ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی؛[۱] همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من برپا دار.

بر همسایگان مسجد لازم است به هنگام شنیدن اذان از خانه‌های خود خارج شوند و به سمت مسجد سرازیر گردند تا در آنجا نماز را به جماعت برپا کنند. همسایه مسجد محدوده‌ای است که چهل خانه اطراف مسجد را شامل شود. حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

از همسایگان مسجد نماز جز در مسجد پذیرفته نیست مگر این‌که عذری داشته باشند.[۲]

روزی به امیر مؤمنان علیه‌السلام خبر دادند که عده‌ای از همسایگان مسجد از شرکت در نماز جماعت امتناع می‌ورزند، آن بزرگوار فرمود:

آنها یا با ما در نماز جماعت حاضر شوند یا این‌که از همسایگی مسجد چشم بپوشند و تغییر مکان دهند.[۳]

امام صادق علیه‌السلام ضمن تشویق مسلمانان و ترغیب آنان به نماز جماعت اعلام نمود که اگر کسی از جماعت مسلمانان در مسجد دوری کند و غیبت ناروا داشته باشد از عدالت ساقط شده باید امام مسلمین وی را بیم دهد.[۴]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

اَلْجُلوسُ فِی المَسْجِدِ بِانْتِظارِ الصَّلاةِ عِبادَةٌ؛[۵] نشستن در مسجد به جهت انتظار نماز، عبادت است.

اگر کسی به مسجد رود و به انتظار نماز بماند او مهمان خداست و خداوند از میهمانانش پذیرایی کرده بهشت خویش را پیشکش وی خواهد نمود. او در قیامت در زمره خالصان درگاهش درآمده همنشین خوبان خواهد شد. هر کسی و

---

۱. طه / ۱۴.
۲. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۸۰، ص ۴۷.
۳. همان، ج ۸۵، ص ۲۵.
۴. همان، ج ۸۰، ص ۷۷.
۵. همان، ج ۷۲، ص ۱۷۰.

هر چیزی حقی دارد. حق مسجد نمازگزاردن در آن است.[۱]

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مسجد برگزاری نماز جماعت و جمعه در آن جا است. مسجد مهم‌ترین مکانی است که نمازگزاران را جمع می‌کند تا در آن جا اقامه نماز کنند. اگر اسلام نماز را واجب نمود و اگر جماعت را تشویق فرمود، طبعاً تشکیل شدن این جماعت و گرد هم آمدن نمازگزاران نیازمند مکانی بود و این امر منجر به فرهنگ مسجدسازی شد. زمانی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به قبا رسید در آنجا استراحت نمود. عمار یاسر عرض کرد: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! نیازمند مکانی برای اقامه نماز جماعت هستیم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور داد سنگ جمع کنند و با آن مسجد قبا را تأسیس کرد و عمار یاسر کسی بود که برای ساخت مسجد سنگ جمع نمود.[۲]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از آن که در مدینه مسجد ساخت در آن جا نماز جماعت برپا نمود. معمولاً یکی از همسران ایشان سجاده آن حضرت را به مسجد می‌برد و روی خاک یا حصیر پهن می‌نمود. سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسجد تشریف می‌برد و نماز جماعت را اقامه می‌کرد.[۳] زمانی که آن بزرگوار در مدینه نبود شخصی را به جای خود معرفی می‌کرد. در بیشتر مواقع ابن ام مکتوم که نابینا بود به جای آن حضرت نماز می‌گزارد.[۴]

اصحاب برای حضور در نماز جماعت اهتمام ویژه‌ای داشتند. مردم عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سختی‌ها را بر خود هموار می‌نمودند تا نماز خویش را با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برگزار نمایند. مردم قبیله بنی‌سلمه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اجازه خواستند تا خانه‌های خویش را بفروشند تا در نزدیکی مسجد ایشان ساکن گردند.[۵]

در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به غیر از مسجدالنبی در نه مسجد دیگر همزمان نماز برگزار

---

۱. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۳۳.
۲. حلبی، **السیرة الحلبیة**، ج ۲، ص ۵۵.
۳. الکتّانی، **التراتیب الاداریه**، ج ۱، ص ۸۱.
۴. واقدی، **المغازی**، ج ۱، ص ۸.
۵. بخاری، **الصحیح**، ج ۱، ص ۱۳۸.

می‌شد. پیامبر ﷺ شخصی به نام مصعب بن عمیر را به عنوان امام جماعت به مدینه فرستاد و بعد از او سعد بن زراره برای مردم مدینه امامت می‌کرد.[۱]

معمولاً انتخاب امامان جماعت را خود رسول الله ﷺ به عهده داشت، ایشان در محله‌های مختلف مدینه برای مساجد بزرگ و نیز مساجد محله امام جماعت برمی‌گزید تا در آن جا نماز جماعت و نماز جمعه برگزار کنند.[۲]

حضور زنان در نماز جماعت پیامبر ﷺ چشمگیر بود. نوشته‌اند زنی به نام عاتله پیوسته در نماز جماعت مسجدالنبی حاضر می‌شد. روزی عمر از او خواستگاری کرد و عاتله پذیرش خود را مشروط به این نمود که از حضور در نماز جماعت وی را منع نکند و عمر با نارضایتی آن را پذیرفت.[۳]

امامان معصوم علیهم‌السلام مانند جدشان رسول خاتم ﷺ به نماز جماعت اهمیت ویژه‌ای می‌دادند حضرت امیر علیه‌السلام امامت مسجد کوفه را بر عهده داشت تا این‌که در صبحگاهی به هنگام برگزاری نماز ضربت خورد و به شهادت رسید. مسئله نماز جماعت تا بدان پایه اهمیت داشت که امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

حسن و حسین پشت سر مروان نماز خواندند. ما نیز با آنها نماز می‌خوانیم.[۴]

واژه جمعه و روز جمعه بعد از ظهور اسلام رایج شد و در عصر جاهلیت این روز را با نام «یوم العروبه» می‌شناختند.[۵] در اولین نماز جمعه‌ای که نماینده پیغمبر ﷺ یعنی مصعب بن عمیر در مدینه برگزار نمود دوازده نفر حضور داشتند.[۶] نخستین نماز جمعه پیامبر اکرم ﷺ زمانی بود که آن حضرت از قبا عازم مدینه بود و در محلی به نام وادی رانوناء نماز جمعه برگزار شد.[۷] پس از ساخته شدن مسجدالنبی رسول خدا ﷺ در آن جا نماز جمعه برگزار می‌نمود و مردم مدینه و حتی کسانی که

---

۱. ابن سعد، **الطبقات الکبری**، ج ۳، ص ۶۰۹.
۲. ابن خلدون، **مقدمه**، ص ۲۱۹.
۳. ابن اثیر، **اسد الغابة**، ج ۷، ص ۱۸۵.
۴. حرّ عاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۵، ص ۳۸۱.
۵. شرّاب، **المدینة النبویه**، ج ۱، ص ۴۵۷.
۶. ابن سعد، **الطبقات الکبری**، ج ۳، ص ۱۱۸.
۷. ابن هشام، **السیرة النبویه**، ج ۲، ص ۴۹۴.

خارج از مدینه بودند در نماز جمعه شرکت می‌جستند.

در یکی از جمعه‌هایی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشغول خواندن نماز جمعه بود کاروانی به مدینه آمد و طبل و دهلش را برای جمع‌شدن مردم به صدا درآورد و مردم به خاطر وابستگی اقتصادی که به چنین کاروان‌هایی داشتند، از پای خطبه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برخاستند و به سوی کاروان رفتند و بیش از ده نفر همراه آن حضرت نماندند. خدای تعالی آنان را به خاطر این عمل توبیخ کرده مورد مذمت قرار داده است.[1] شأن نزول آیات سوره جمعه مربوط به این مورد بوده است، نه این‌که نماز جمعه از هنگام نزول این آیات مشروع شده باشد.

اگر مسجد برای نماز و عبادت است لازم است به نکاتی توجه شود؛ تمام شرایط آرامش نمازگزاران فراهم گردد، در مسجد خرید و فروش صورت نگیرد، ملزومات نماز تمییز و پاکیزه باشد، نظم در صفوف رعایت گردد، نمازگزاران آراسته به نماز بایستند، نمازگزاران از بوی خوش استفاده کنند و بوهای بد را از خود دور سازند، عواملی که موجب تشویش افکار ذاکران است از بین برود، به مسجد ضرر نرسانند، از خوردن غذا در مسجد بپرهیزند، از کلاس‌های ورزشی و آموزش‌های نظامی در داخل مسجد پرهیز نمایند[2] و در یک کلام داخل مسجد را فقط برای نمازهای واجب و مستحبی فراهم نمایند. البته می‌توان در غیر از اوقات نماز، فعالیت‌های مجاز دیگری هم در مسجد انجام داد.

ناگفته پیداست که ثواب اقامه نماز در هیچ مسجدی به مانند مسجدالحرام نیست. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هر کس در مسجدالحرام یک نماز واجب بخواند، خداوند همه نمازهایی را که از روز وجوب نماز خوانده است و همه نمازهایی را که تا زمان مرگ می‌خواند، به برکت این نماز از او قبول می‌کند.[3]

---

۱. بخاری، **الصحیح**، ج۱، ص۲۲۵.

۲. برای ملاحظه فتاوی خصوصاً فتوای امام رحمه‌الله‌علیه ر.ک نوبهار، **سیمای مسجد**، ج۲، ص۵۱.

۳. ابن بابویه، **الفقیه**، ج۱، ص۲۲۸.

نماز دو بعد دارد؛ صورت ظاهری و روح باطنی. ظاهر آن ارکان، حرکات و اذکار است، اما روح باطنی آن نیت، اخلاص و حضور است. نمازی که از اینها خالی است، نماز بی‌روح است و نماز بی‌روح نماز مرده‌ای بیش نیست. نمازی که از جان خاشع و متواضع برخیزد، آدمی را به کعبهٔ معنا می‌رساند و کعبهٔ معنا چیزی جز مقام قلب نیست. چنانکه در حدیث قدسی می‌خوانیم:

لَمْ یَسَعْنِی سَمَائِی وَ لاَ أَرْضِی وَلکن یَسِعَنِی قَلْبُ عَبْدِی الْمُؤْمِنِ[1]؛ زمین و آسمان جای من نیست بلکه قلب بندهٔ مؤمن جای من است.

نماز یاد خداست و یاد خدا آرام‌بخش دلها و جانهاست. قرآن از یک طرف فرمود: غایت نماز یاد حق است: أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی[2] و از سوی دیگر فرمود: با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد أَلا بِذِکْرِاللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.[3] بنابراین نماز روح و آدمی را به آسایش و آرامش واقعی نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند. نماز نردبان سلوک به عالم نور و پلکان صعود به بام بهجت و سرور است. قیام در عالم ملکوت از قامت بندگی و رهایی است. نماز دست‌های نیاز را به دامن کبریایی حق پیوند می‌زند. نماز قد خمیده در رکوع را در قیامت راست می‌کند. نماز سرهای به سجده را در آخرت در میان خلایق عزیز و بزرگ می‌کند. تشهد نماز قلب آدمی را به شهود می‌رساند. نماز بارش ابر برکات بر کویر تشنهٔ جان آدمی است و نماز دیوانی از عالم وجود است که هر برگ آن کلید سرّی از اسرار عالم هستی است.

خدا بشارت بهشت را در نماز قرار داده است. زنجیرهای معصیت و اوج بندگی با نماز گره خورده است. نماز پرندهٔ جان را از قفس طبیعت می‌رهاند و انسان را تا اوج قلهٔ هستی به پرواز درمی‌آورد. نماز قلب را حاضر می‌کند. با نماز پیمانهٔ جان آدمی با شراب پاک لبریز می‌شود و نماز زیباترین زمزمهٔ هستی است.

انسان با غرور زنده است. آدمی معمولاً متکبر و خودبزرگ‌بین است. اما این نماز است که انسان را به سجده می‌برد و قد آدمی را در برابر عظمت کبرایی خدا

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۵۵، ص ۳۹.

۲. طه / ۱۴.

۳. رعد / ۲۸.

خم می‌کند و با همین ذلت و فروافتادن، پرده‌های غفلت و نسیان را از پیش چشمان آدمی فرومی‌اندازد. نماز بت‌های نفسانی را می‌شکند. نماز تخریب‌گر طاغوت درون و نماز تماشاگه راز است. نماز آدمی را در دریای بیکران هستی غرق می‌کند و در جوار حرمت الهی قرار می‌دهد. نماز گذرگاه عبور از دنیا به عالم معناست. نماز سفری معنوی است و نماز فرصت حضور است. مرحوم امام راحل رحمه‌الله به حدیثی نورانی از امام صادق علیه‌السلام درباره حضور قلب در نماز اشاره می‌کند:

«لَأُحِبُّ لِلرَّجُلِ المُؤمِنِ مِنكُمْ اِذا قامَ فِی صَلاةٍ فَریضَةٍ اَنْ یُقَبِلَ بِقَلْبِهِ اِلَی اللهِ وَلایُشْغِلَ قَلْبَهُ بِأَمرِالدُّنیا. فَلَیْسَ مِنْ عَبدٍ یُقبِلُ بِقَلْبِهِ فِی صَلاتِهِ اِلی اللهِ تَعالی اِلاّ اَقْبَلَ اللهُ اِلَیهِ بِوَجْهِهِ وَأَقْبَلَ بِقلُوبِ المُؤمِنینَ اِلَیْهِ بِالمَحَبَّةِ بَعْدَ حُبِّ اللهِ اِیّاهُ؛[1] همانا من دوست می‌دارم از شما، مرد مؤمنی را که وقتی به نماز واجبی ایستاد، اقبال و توجه قلب او به سوی خدای تعالی باشد و قلبش را به کار دنیا مشغول نکند. بنده‌ای که در نمازش به سوی خدا با قلبش توجه کند خداوند به سوی او به وجهش رو می‌کند، و قلوب مؤمنان را به سوی او متوجه می‌کند.»

سپس امام راحل رحمه‌الله مراتب حضور قلب در نماز را بیان می‌کند؛[2] اولین مرتبه حضور قلب این است که نمازگزار به طور اجمالی توجه کند که نماز سرای معبود است، نماز توسل به اسماء الهی است، مثل این‌که شخصی قصیده‌ای در مدح یک نفر بسراید و آن را کودکی بخواند. کودک از این قصیده همین اندازه می‌فهمد که در وصف و ثنای شخصی است. مرتبهٔ دوم، حضور قلب تفصیلی در نماز است. بدین معنا که نمازگزار باید به معانی ارکان و اذکاری که در نماز می‌گوید واقف باشد و در حین نماز به آنها توجه کند. سوم، حضور قلب در معبود است چه به صورت تجلیات افعالی و چه به گونه تجلیات اسمائی و صفاتی و چه به نحو تجلیات ذاتی؛ یعنی عابد سالک بداند و شهود کند که تمام افعال، صفات و ذوات پرتو تجلی اوست.

---

۱. امام خمینی رحمه‌الله، **چهل حدیث**، ص ۴۳۱.
۲. همان، ص ۴۳۴-۴۳۷.

نماز حقیقی چیزی جز وصال به محضر ربوبی نیست. اگر در نماز قلب خاشع باشد و دل انسان حاضر، نماز وصال حاصل می‌آید. حضور قلب در نماز، انسان را تا وصال حق بالا می‌برد. اهل حقیقت نماز شهود محبوب اقامه می‌کنند. اهل کشف، حضور معشوق را در نماز می‌چشند. اگر نماز نور چشم است، باید با چشمان عیان سراغ آن رفت و به‌گونه‌ای نمازگزارد که گویا انسان مخاطب خویش را می‌بیند. بندهٔ نمازگزار با قوت ایمان ویقین به بصیرت رسیده جلوه‌های رحمانی را در نماز به شهود می‌نشیند. بندهٔ سالکی که قلبی همیشه حاضر دارد، در نماز به مقام جمع الجمعی رسیده و تا حضرت احدیت رفعت یافته است. او در این مقام از ماسوای حق خالی شده و به حق بقا یافته است. او قیامش، رکوعش و سجودش همراه با وصل و فناست. شواغل و شوائب دنیوی نمی‌توانند حضور قلب را از او بستانند. نور عرفان همیشه در جان او روشن است و اشارات معنوی نماز او را به سر منزل مقصود می‌رساند.

عارفان گاهی به این درجه، مقام غرق می‌گویند. اگر سالک در ارتباط با خدا به مرتبه‌ای دست یابد که تنها متوجه محبوب خویش باشد و از هر چیز دیگری منصرف، او غرق معشوق شده است. خواجه عبدالله انصاری برای اشاره به این رتبه به آیه ذبح اسماعیل استناد می‌کند:[1]

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ؛[2] پس چون هر دو تسلیم شدند ابراهیم، اسماعیل را به پیشانی بر زمین افکند.

آن‌گاه که حالت استغراق بر عبدی غالب شد، دیگر از خود سخن نمی‌گوید. او به مقام اشاره رسیده است. جلوهٔ اسم «هادی» شده از تمام نام‌ها و نشانه‌ها گذشته است. غریق شهود حق، محل واردات و اشارات حق است. چشمانش به نگرش فروغ ازلی بینا شده با تجلیات سرمدی به تماشای حقایق نشسته است. در این حالت سیر بنده، سیر خداست و سلوکش با قدمهای حق امکانپذیر است.

---

۱. انصاری، **منازل السائرین**، ص ۲۱۶.

۲. صافات / ۱۰۲.

عبد نمازگزار یک غریق شاهد است که درون اقیانوس هستی غوطه می‌خورد و با غواصی به اعماق بحر حقایق می‌رود و با هر جستنی حقیقتی را کشف می‌کند. نماز او نماز وصل، قیام او، قیام شهود، رکوع او، رکوع کشف و سجده‌اش، سجدهٔ غرق و فناست؛ تو گویی او دو رکعت نماز وصال و فنا می‌خواند.

شرایط نماز، طهارت ظاهری از نجاست و طهارت باطنی از شهوت است. نماز طهارت جامه ظاهری از نجاست و جامهٔ باطنی از معصیت است. نماز استقبال ظاهری به کعبه و استقبال باطنی به سمت عرش خداست. نماز قیام ظاهری به ایستادن و قیام باطنی به ایستادن در روضهٔ قرب، خلوص نیت به اقبال حضرت حق، تکبیر در مقام هیبت، قرائت به عظمت، رکوع به خشوع، سجده به خضوع، تشهد به اجتماع و سلام به فناء اسماء و صفات است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چون به نماز می‌ایستاد، در دلش جوششی بود همچون جوشش دیگی که زیر آن آتشی افروخته باشند.[1]

ب) یاد خدا

مسجد کانون پالایش روح و طهارت نفس است و آدمی با یاد خدا به این غایت والا دست می‌یابد انسان‌ها به مکانی و زمانی نیاز دارند تا در آن به گفتگوی با خدا بپردازند، وابستگی‌ها و تعلقات را کم کنند و ارتباط و اتصالی با یگانه‌ی هستی برقرار نمایند یاد خدا دل را نورانی می‌سازد و گرد و غبار حجاب از وجود آدمی برمی‌دارد قرآن کریم هر جا سخن از مسجد به میان آورده جنبه عبادی و ذکر خدا را برجسته نموده است:

وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلّٰهِ فَلاتَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً؛[2] و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید.

وَ أَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ؛[3] به هر مسجدی روی

---

۱. هجویری، **کشف المحجوب**، ص ۳۸۶.
۲. جن / ۱۸.
۳. اعراف / ۲۹.

آوردید و خداوند را از سر اخلاص بخوانید.

مسجد محل تجمع مردان و زنانی است که صبح و شام در آن جا یاد خدا را زنده می‌کنند، تسبیح و ثنای حق می‌گویند و هیچ تجارتی آنها را از یاد خدا بازنمی‌دارد. منطق قرآن این است: مسجد برای نماز و یاد خداست.[۱]

جوهر عبادت ذکر خداست و ذکر قلبی مهم‌ترین درجه ذکر است. یاد خدا انسان را با بی‌نهایت متصل می‌کند، قرب الهی برای آدمی به ارمغان می‌آورد و جوهر بندگی را در انسان به ظهور می‌رساند. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

مردی به حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و پرسید: در میان اهل مسجد، برترین آنها چه کسی است؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آنان که بیش از دیگران به یاد خدایند.[۲]

ج) دعا

یکی از جنبه‌های عبادی دعاست. دعا راز و نیاز با خداست، دعا نجوا کردن با اوست و با دعا دل به مقام حضور می‌رسد. دعا از دغدغه‌ها و تشویش‌های بشر می‌کاهد و آدمی را به ساحل آرامش می‌رساند. مسجد مهم‌ترین مکان برای نجوا و مناجات با خداست. معاویه بن عمار از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد اگر دو نفر در مسجد وارد شوند و یکی قرآن تلاوت کند و دیگری دعا کند، کدام یک برترند؟ امام علیه‌السلام برای عمل هر دو فضیلت قائل می‌شود امّا راوی با اصرار می‌خواهد بداند کدام یک برتر است. امام علیه‌السلام فرمود:

دعا برتر است. سوگند به خدا دعا برتر و مهمتر است. آیا سخن خداوند را نشنیده‌ای: دعا کنید تا خواسته‌هایتان اجابت گردد.[۳]

امام صادق علیه‌السلام به نکته جالب اشاره می‌فرماید؛ هرگاه پدران ما حاجتی داشتند نخست چیزی در راه خدا صدقه می‌دادند، بوی خوش بکار می‌بردند

---

۱. بقره / ۱۱۴؛ حج / ۴۰؛ نور / ۳۶.

۲. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۴، ص ۱۱۸۲.

۳. حلی، **السرائر**، ج ۵، ص ۵۵۱.

آن‌گاه به سوی مسجد می‌رفتند و حاجت خویش را از خدا طلب می‌نمودند.[۱] آن زمان که آن امام همام در شبی از شبهای قدر بیمار شد، دستور داد وی را به مسجد ببرند تا در خانه خدا دعا و عبادت کند.[۲]

وقتی فشارهای سیاسی امویان بر پیروان امام سجاد علیه‌السلام شدّت یافت، آن حضرت، فرزند گرامی‌اش، امام باقر علیه‌السلام را فرمان داد تا به مسجد برود و برای رفع گرفتاری‌های شیعیان دعا کند. امام باقر علیه‌السلام به مسجد رفت، دو رکعت نماز گزارد، گونهٔ خود را بر خاک نهاد و برای گرفتاری‌ها دعا کرد و دعای او کارگر افتاد.[۳]

از شواهدی استفاده می‌شود که مسلمانان صدر اسلام، بر این باور بودند که به هنگام بروز حوادث سخت باید در مسجد حاضر شوند و دعا کنند. آنان، مسجد را محضر خاص حق تعالی و جایگاه فرود آمدن رحمت گستردهٔ او می‌دانستند. ماجرای پناه آوردن ابولبابه به مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، به خوبی این باور مسلمانان را روشن می‌کند.[۴]

در زمان امام سجاد علیه‌السلام روزی در مدینه زلزله رخ داد. والی مدینه از امام علیه‌السلام تقاضا کرد تا آن حضرت به مسجد بیاید و برای رفع گرفتاری‌ها دعا کند.[۵]

دعا می‌تواند فردی یا جمعی باشد. امّا بهتر آن است که جلسات دعا به صورت دسته جمعی برگزار گردد. تشکیل مجالس دعا عبادت بوده نیکو و پسندیده است. این مجالس از یک طرف آدمی را با خدا آشنا می‌کند و زمینه برقراری اُنس با او را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر مساجد را پررونق می‌سازد.

خوشبختانه فرهنگ تشکیل مجالس پر فیض دعا رایج شده و هم اکنون مجالسی برای برگزاری دعای توسل، کمیل، ندبه و سمات برقرار می‌شود. امّا شایسته است اولاً با تهیه برنامه‌هایی بر جذابیت آنها افزوده شود، ثانیاً جلساتی

---

۱. حرّ عاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۴، ص ۱۱۶.
۲. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۴۷، ص ۳۴۷.
۳. همان، ج ۴۶، ص ۲۶۰.
۴. واقدی، **المغازی**، ص ۳۸۳-۳۸۴.
۵. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۴۶، ص ۲۷۸.

برای بیان معارف دعا و مضامین عمیق عرفانی آن برقرار گردد و ثالثاً برخی ادعیه و مناجات‌ها نظیر مناجات شعبانیه به فرهنگ عمومی دعا تبدیل شوند.

د) اعتکاف

از دیگر جلوه‌های عبادی، اعتکاف است. واژه اعتکاف به معنای اقامت و درنگ نمودن در مسجد است تا آدمی به خداوند تقرب جوید. یکی از نیازهای روحی انسان، پیوند با خداست و اعتکاف به بهترین وجه این نیاز را جبران و این خلأ را ترمیم می‌نماید. اعتکاف به پالایش روح مدد می‌رساند، زنگارها را از دل می‌زداید و از غفلت آدمیان می‌کاهد. آیه‌ای از سوره بقره به ما می‌گوید که خداوند پیامبر خود را مأمور طهارت مسجد نمود تا برای طواف‌کنندگان، نمازگزاران و معتکفان آماده شود.[1] همچنین قرآن کریم ضمن برشمردن فضیلت بسیار برای اعتکاف و قراردادن آن در کنار طواف خانه خدا، حفظ حدود مسجد و اعتکاف را لازم می‌شمارد.[2]

روزه شرط اعتکاف است وبرای تسویه روح و پالایش نفس امری است ضروری. روزه به همراه اعتکاف در مسجد عبادتی است که از شهوات می‌کاهد و آدمی را از وابستگی‌ها می‌رهاند. اعتکاف یعنی حضور در مسجد، روزه‌داری برای خدا و نمازگزاردن در خانه خدا. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد معتکف می‌شد و بدین منظور دستور می‌داد خیمه‌ای از مو می‌بافتند و مکانی در مسجد مهیا می‌نمودند تا آن حضرت در آن جا معتکف شود.[3] در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

جنگ بدر در ماه رمضان انجام گرفت. ازاین‌رو، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله موفق به اعتکاف نشد. آن حضرت در (ماه رمضان) سال آینده، یک دهه به عنوان همان

---

۱. بقره/ ۲۵۱.

۲. بقره/ ۱۸۷.

۳. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۱۰، ص ۱۴۰.

سال اعتکاف نمود و یک دهه نیز به عنوان قضای سال قبل.[۱]

نگاشته‌اند که محل اعتکاف رسول خدا ﷺ پشت ستون توبه بود. شخصی به نام سعید بن عبدالله می‌گوید: پشت ستون توبه نماز می‌خواندم که محمد حنفیه از کنارم گذشت و از من پرسید: درباره فضیلت این مکان چیزی شنیده‌ای که اینجا نماز می‌خوانی؟ گفتم: نه. گفت: پس بدان که اینجا محل نماز شب پیامبر اکرم ﷺ بوده است.[۲]

به راستی چه زیبا است که امروزه اعتکاف به عنوان یک فرهنگ عمومی رایج شده و هر روز بر جذابیت و شکوه آن افزوده می‌شود. اعتکاف پدیده‌ای است که جوانان را با مسجد، با خدا، با دعا، با نماز و با دین آشنا می‌کند و به نحوی بازگشت به خدا به حساب می‌آید.

هـ) قرائت قرآن

یکی از نمودهای عبادت، تلاوت آیات قرآن کریم است. مطالعه سیره نبوی و رفتار مسلمانان در صدر اسلام به ما نشان می‌دهد که تلاوت قرآن در مسجد مورد اهتمام بوده است. مسجد با قرآن پیوندی دیرینه دارد و این دو یار قدیمی بوده‌اند. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است.

مَن أحَبَ القرآن فَلیُحِبَّ المساجِدَ؛[۳] دوستدار قرآن، دوستدار مسجد نیز هست.

عبدالله بن عباس نقل می‌کند که مردی از رسول خدا ﷺ درباره برترین اعمال سؤال کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: برترین اعمال کدام است؟ پیامبر ﷺ فرمود: به یاد خدا بودن و این پاسخ را سه بار تکرار نمود. آنگاه فرمود: هر گروهی که در خانه‌ای از خانه‌های خدا گرد هم آیند تا کتاب خدا را فراگیرند و دربارهٔ دانش‌های

---

۱. همان، ج ۷، ص ۳۹۷.

۲. سمهودی، **وفاء الوفاء**، ج ۲، ص ۴۵۰.

۳. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۳۵۵.

قرآن با یکدیگر به بحث و گفتگو پردازند، تا آنگاه که به این کار مشغولند، میهمان خدا به شمار می‌آیند. فرشتگان با بالهای خود بر چنین کسانی سایهٔ رحمت می‌افکنند.[۴]

یکی از جلوه‌های زیبایی که امروز در مساجد بزرگ و جامع با آن روبرو هستیم برگزاری مجالس با شکوه تلاوت قرآن کریم است. شایسته است اولاً این پدیده مبارک به مساجد دیگر هم توسعه یابد و ثانیاً در کنار تلاوت قرآن، تدبّر در آیات عمق گیرد.

و) توبه

مسجد محل انس با خدا و آشتی با او است. مسلمانان می‌توانند در مسجد از خدا طلب بخشش نمایند و آمرزش او را طلب کنند. مسجد محل توبه‌کنندگان است و خطاکاران می‌توانند آنجا را محلی امن و پناهگاهی والا برای مناجات و توبه به حساب آورند. ملاحظه نمونه‌ای تاریخی جالب است؛ در مسجدالنبی ستونی معروف به ستون توبه وجود دارد این ستون ماجرایی دلنشین دارد:

در پایان جنگ احزاب ابولبابه اوسی، به عنوان نماینده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و لشکر اسلام، در میان یهودیان شکست خورده بنی قریظه حاضر شد. اما غلبه احساسات و علائق شخصی مانع از انجام وظیفه و حفظ اسرار نظامی از سوی او گردید و به افشای نقشه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به صورت اشاره، دست زد. ابولبابه از این‌که به مصالح عالی اسلام و مسلمانان خیانت ورزید و اسرار آنها را فاش ساخت سخت پشیمان شد. با بدنی لرزان و چهره‌ای رنگ پریده از دژ آنها بیرون آمد و یکسره به مسجد رفت و خود را به یکی از ستون‌ها بست و با خدا پیمان بست که اگر خداوند از تقصیر وی نگذرد تا پایان عمر به همین حالت به سر برد. این خبر به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید. آن حضرت فرمود: اگر قبل از این عمل پیش من می‌آمد، من برای او از خداوند طلب آمرزش می‌کردم و خداوند نیز او را می‌بخشید. ولی اکنون باید بماند

---

۴. همان، ج ۳، ص ۳۶۳.

تا مغفرت خدا شامل حال او گردد. همسروی در اوقات نماز می‌آمد، گره طنابی را که با آن خود را به ستون بسته بود باز می‌کرد و پس از انجام فریضه بار دیگر او را به ستون می‌بست. شش روز بعد فرشته وحی با نزول آیه ۱۰۲ سوره توبه، خبر قبولی توبه ابولبابه را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داد. بشارت به ابولبابه رسید. مردم ریختند که بندها را باز کنند. ابولبابه گفت: باید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این بندها را باز کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای اقامه نماز صبح وارد مسجد گردید و با دست‌های مبارک خود، بندها را باز کرد.[۱]

ز) تقرّب معنوی

مسجد مکان مقدسی است که می‌توان با کمک آن به سوی خدا رفت و به بارگاهش تقرّب جست. مسجد عروج‌گاه مؤمن و پناهگاه مسلمان است. مسجد می‌تواند دست آدمی را به دست ملائکه گذارد و انسان را تا مقام شهود حقایق بالا برد. مسجد تا بدان پایه جایگاه رفیع دارد که عروج‌گاه پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله شد. معراج رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از مسجدی آغاز شد که مبارک بود و ختم رسل را با مشاهده آیات الهی رفعت بخشید:

سُبْحانَ الَّذی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ؛[۲] منزّه و پاك است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمّد صلی الله علیه وآله و سلم] را از مسجدالحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشی] از نشانه‌هایِ [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست.

قرآن کریم داستان زن پارسایی را پیش می‌کشد که خداوند به او نظر خاص دارد. هر گاه زکریّا علیه‌السلام بر آن زن در محراب عبادتش وارد می‌شد رزق او را در آنجا آماده و مهیّا می‌دید. خداوند روزی بی‌حساب به وی عطا می‌نمود. مفسّران بیان کرده‌اند[۳] که در آن جا میوه‌های غیر فصل به مریم علیهاالسلام داده می‌شد و این کرامتی

---

۱. سبحانی، **فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام**، ص ۳۵۰.

۲. اسراء / ۱.

۳. طبرسی، **مجمع البیان**، ج ۲، ص ۷۴۰.

بزرگ به حساب می‌آمد:

فَتَقَبَّلَها رَبُّها بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَها نَباتاً حَسَناً وَ كَفَّلَها زَكَرِيّا كُلَّما دَخَلَ عَلَيْها زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً قالَ يا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِساب؛[1] پس پرودگارش او را به صورت نیکویی پذیرفت، و به طرز نیکویی نشو و نما داد، و زکریا را کفیلِ [رشد و تربیت معنوی] او قرار داد. هر زمان که زکریا در محراب [عبادت] بر او وارد می‌شد، رزق ویژه‌ای نزدش می‌یافت. [روزی در کمال شگفتی] گفت: ای مریم! این رزق ویژه برای تو از کجاست؟! گفت: از سوی خداست، یقیناً خدا هر کس را بخواهد، رزق بی‌حساب می‌دهد.

خداوند بشارت تولد عیسی علیه‌السلام را به صورت معجزه‌آسایی در مسجد به مریم علیهاالسلام داد. زمانی که آن بانوی بزرگوار جدایی از خانواده‌اش را برگزید و در گوشه‌ای از بیت‌المقدس اقامت جست و در آن جا به راز و نیاز با خدا پرداخت، خداوند مژده فرزندی به نام عیسی علیه‌السلام را به او داد و برای تولدش رمز و علامتی را بروی گشود.[2]

آخرین کتاب آسمانی داستان مردی را پیش می‌کشد که در بارگاه الهی مقامی خاص یافت. زکریّا علیه‌السلام از خدا درخواست نمود به او فرزندی پاک عطا کند و خداوند دعایش را اجابت نمود؛ درحالی که زکریّا علیه‌السلام کهنسال و فرتوت بود و همسرش نازا:

هُنالِكَ دَعا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ فَنادَتْهُ الْمَلائِكَةُ وَ هُوَ قائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرابِ أَنَّ اللهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيى مُصَدِّقاً بِكَلِمَةٍ مِنَ اللهِ وَ سَيِّداً وَ حَصُوراً وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ؛[3] در آنجا بود که زکریا [با دیدن کرامت و عظمت مریم] پروردگار خود را خواند، گفت: پروردگارا! مرا از سوی خود فرزندی پاك و پاکیزه عطا کن، یقیناً تو شنوای دعایی. پس فرشتگان، او را در حالی که در محراب

---

۱. آل عمران / ۳۷.

۲. مریم / ۱۶ـ۲۱.

۳. آل عمران / ۳۸ و ۳۹.

عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند که: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد، که تصدیق کننده کلمه‌ای از سوی خدا [یعنی مسیح] است و سرور و پیشوا، و [از روی زهد و حیا] نگاهدار خود از مُشتهیات نفسانی، و پیامبری از شایستگان است.

البته کسانی می‌توانند از قداست و عظمت مسجد بهره برند که دلی پاک و روحی آسمانی داشته باشند؛ اگر روح و جان آدمی از سموم و رذائل پاک گردد و آلودگی‌ها از وجودش رخت بربندند می‌توان به دریافت رزق الهی امید داشت و رضایت او را در مسجد خرید. خداوند انسان‌های پاک را دوست دارد و این‌گونه می‌پسندد که با طهارت در مکان مقدس به عبادت ایستند و با او راز و نیاز کنند:

لا تَقُمْ فیهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فیهِ فیهِ رِجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا وَاللهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرینَ؛[1] هرگز [برای عبادت و نماز] در آن مسجد نایست، قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

مسجد جایگاه افراد آلوده نیست مگر آن که برای رفع آلودگی به مسجد درآیند. قرآن با صراحت از آدمی می‌خواهد در حال مستی به نماز نزدیک نگردد و طبعاً در این حالت از رفتن به مسجد باید اجتناب جست.[2] مسجد جای حضور و شهود است و با مستی نمی‌توان حضور خدا را دریافت نمود. مسجد مکان تسبیح و حمد است و با حالت مستی نمی‌توان تسبیح و حمد آگاهانه گفت.

خداوند بارها در آخرین کتابش مسجد را به خود نسبت داده و از این طریق لطف و عنایت ویژه خود را به مسجد نشان داده است: «مساجد الله».[3] اگر مسجد را خداوند رفعت بخشید، اهل آن به برکت ارتباط با خالق هستی رفعت خواهند یافت:

---

۱. توبه / ۱۰۸.

۲. نساء / ۴۳.

۳. بقره / ۱۱۴؛ توبه / ۱۷؛ حج / ۴۰؛ جن / ۱۸.

فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ...؛[۱] خانه‌هایی که خداوند اذن داده که عظمت و منزلت رفیع یابند.

دو) کارکرد فرهنگی و تربیتی

از دیگر نقش‌های مسجد را می‌توان در امور فرهنگی و تربیتی جستجو نمود. مساجد به لحاظ فرهنگی و تربیتی کارکردهای مهمی در ابعاد مختلف و متنوع داشته‌اند.

الف) آموزشی

یکی از ابعاد مهم نقش‌های مسجد، جنبه تعلیم و تعلّم بوده است. مساجد توانسته‌اند در صدر اسلام نقش آموزش و تعلیم را به خوبی ایفا کنند؛ زیرا که قرآن کریم برای علم و فراگیری دانش اهمیّت و جایگاه بالایی قائل بود. اولین آیه قرآن که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد وی را به خواندن دعوت نمود و در ادامه سخن از تعلیم خدا و تعلّم انسان سخن به میان آورد.[۲] قرآن کریم پیوسته پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را مأمور آموزش دادن انسان‌ها معرفی می‌کند و از او می‌خواهد این رسالت مهم را بر دوش گیرد:

هُوَالَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ؛[۳] اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند.

از سوی دیگر احادیث بی‌شماری در ارتباط با فراگیری علم در هر زمان (تا گور)، در هر جا (تا چین) و بر هر فرد (بر هر مسلمان) وجود دارد که مسلمانان را به تعلیم و تعلّم فرامی‌خواند. هرگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جمعی را می‌دید که در مسجد

---

۱. نور/ ۳۶.
۲. علق/ ۱ـ۵.
۳. جمعه/ ۲.

تشکیل شده مشغول درس بودند کنار آنها می‌نشست و می‌فرمود: من به این امر مأمور شده‌ام.[۱]

شخصی از اصحاب پیامبر ﷺ به نام صفوان بن عسّال مرادی می‌گوید: از قبیله خود مسافرت کرده و در مسجد خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و دیدم آن حضرت به دیوار مسجد تکیه داده و نشسته، عرض کردم: یا رسول الله ﷺ برای فراگیری علم آمده‌ام. فرمود: آفرین بر طالب علم که فرشتگان با بالهایشان او را احاطه می‌کنند.[۲] عبدالله بن عمر نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ دو گروه در مسجدش دید که یک گروه عبادت و دعا می‌کردند و گروهی به بحث و درس مشغول بودند، آمد و در کنار گروه دوم نشست و فرمود: خدا مرا معلّم مبعوث کرده است.[۳]

رسول خدا ﷺ بزرگترین آموزگار مکتبی شد که تا ظهور قیامت برپا است. ایشان در اجرای این رسالت سنگین زمان و مکان نمی‌شناخت و از هر فرصتی برای آموزش و تعلیم انسان‌ها بهره می‌جست. مسجد در سراسر زندگی پیامبر ﷺ مهم‌ترین مکان آموزش و یاد دادن بوده است. در سالهای آغاز بعثت که شرایطی سخت بر پیامبر ﷺ و مسلمانان حاکم بود، سنگر اصلی تعلیم دین منزل ایشان بود و با اسلام آوردن ارقم، خانه او به عنوان محل آموزش مسلمانان در نظر گرفته شد. این خانه که در کنار کوه صفا واقع شده بود به بسیاری از مسلمان‌ها آموزش دین می‌داد و اندیشه‌های قرآنی را به آنان منتقل می‌نمود. امّا آهسته آهسته یاران رسول خدا ﷺ مکان دیگری را برای اهداف دینی و فرهنگی یافتند.

اول) مسجدالحرام

مسجدالحرام از دیرباز محل اجتماع مردم بود. مشرکان قریش، بازرگانان و

---

۱. ابن اثیر، **اسدالغابه**، ج ۵، ص ۲۷۷.
۲. همان، ج ۳، ص ۲۴.
۳. کتّانی، **التراتیب الإداریه**، ج ۲، ص ۲۱۹.

مسافران به این مکان می‌آمدند و برای طواف یا پرستش بت‌ها در مسجدالحرام حضور می‌یافتند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بارها در کنار حجر اسماعیل می‌ایستاد و به تلاوت آیات نورانی قرآن می‌پرداخت و مردم را به اسلام دعوت می‌نمود.[۱]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجدالحرام برای یاران خویش از معارف قرآن می‌گفت، واجبات و محرمات را برای آنان آموزش می‌داد و به سؤالات مسلمانان پاسخ می‌داد.[۲] سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نه تنها کسل‌کننده نبود بلکه برای یاران بسیار پرجاذبه و باطراوت می‌نمود. این جلسات هر روز برگزار نمی‌شد تا مبادا شنوندگان خسته شوند. نوشته‌اند که برگزاری جلسات سخنرانی بعد از نماز صبح و شام منعقد می‌شد؛[۳] زیرا مردم مدینه برای انجام کارهای کشاورزی و دامپروری به خارج از شهر می‌رفتند و نمی‌توانستند به هنگام ظهر و عصر در نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حضور یابند.

گاهی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از حضور در مسجد، همگان را برای نماز دعوت می‌نمود. در این‌گونه موارد اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یکدیگر را برای ثبت و ضبط سخنان آن حضرت سفارش می‌کردند تا کلمات آن بزرگوار از دست نرود.[۴]

در مجالس سخنرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله زنان نیز حضور داشتند. جالب آن که گاهی زنان درخواست می‌نمودند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای آنها مجلس جداگانه‌ای برگزار کند و آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله با این پیشنهاد موافقت می‌نمود و مجلسی زنانه برپا می‌شد.[۵]

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله معاذ بن جبل را برای آموزش قرآن در مسجدالحرام نصب نمود.[۶] در دوران امویان و بخشی از عصر عباسیان جلسات قرآن در آن جا فعّال

---

۱. ابن جوزی، الوفاء **بأحوال المصطفی**، ج ۱، ص ۱۸۲.
۲. طبرسی، **احتجاج**، ص ۲۲.
۳. کتّانی، **التراتیب الإداریه**، ج ۲، ص ۲۳۲.
۴. همان، ص ۲۳۶.
۵. بخاری، ال **صحیح**، ج ۱، ص ۱۷۸.
۶. ذهبی، **تذکرة الحفاظ**، ج ۱، ص ۹۸.

بود. معروف‌ترین مدرّسانی که در مسجدالحرام جلسات درس برقرار می‌کردند عبارت بودند از ابن عبّاس، عطابن ابی‌رباح، ابن جریح و مسلم بن خالد.[۱]

دوم) مسجدالنبی

اولین معلّم مسجدالنبی، پیامبر اکرم ﷺ بود. یاران آن حضرت ﷺ همچون شاگردانی با وفا آن حضرت ﷺ را چون نگینی دربرمی‌گرفتند و با آن حضرت ﷺ به بحث و گفتگو می‌نشستند. تاریخ نشان می‌دهد که شاگردان این مدرسه در سراسر بلاد اسلامی پراکنده شدند و اسلام را به اقصی نقاط قلمرو آیین محمدی ﷺ رساندند.[۲]

معاذ بن جبل جوان انصاری بود و در فراگیری قرآن تلاش زیادی کرده بود و بعد از فتح مکه، رسول خدا ﷺ او را برای تعلیم قرآن به اهل مکه در مکه گذاشت و خود به سوی حنین رهسپار شد. هنگام رحلت پیامبر ﷺ همین معاذ در یمن مشغول ترویج اسلام بود و بعد از رحلت پیامبر ﷺ به سوی شام رفت و در آن جا برای مردم فقه و قرآن می‌گفت. شخصی به نام ابو بُحریه می‌گوید: وارد مسجد حمص شدم، جوانی را دیدم که مردم اطرافش نشسته‌اند و او سخن می‌گوید مثل این‌که از دهانش نور خارج می‌شود. بالاخره معاذ در سال هجده هجری در سن سی و پنج سالگی بر اثر طاعون در شام درگذشت.[۳]

هر چند محور فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در مسجدالنبی، شخص پیامبر ﷺ بود امّا در زمان عدم حضور آن حضرت ﷺ، اقدامات آموزشی و دینی تعطیل نمی‌شد. در این شرایط افرادی از سوی پیامبر ﷺ نصب می‌شدند و به این امر خطیر گمارده می‌شدند. تاریخ نشان می‌دهد که فردی به نام عبدالله بن ام مکتوم که نابینا و از جنبه‌های فرهنگی شاخصی برخوردار بود از سوی

---

۱. همان، ص ۹۸ و ۲۵۵.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۲۰ و ۲۱.

پیامبر ﷺ امامت نماز را در مسجدالنبی بر عهده داشت و در آن جا برای مردم سخنرانی می‌کرد.

از نکات جالب توجه این‌که پیامبر ﷺ سخنان خویش را متناسب با شنوندگان تنظیم می‌نمود امام صادق علیه‌السلام در این رابطه فرمود:

پیامبر ﷺ هرگز با مردم بر پایهٔ عمق اندیشه و عقل خویش سخن نگفت. آن حضرت، خود فرمود: ما گروه پیامبران مأموریم تا با مردم به فراخور عقل و اندیشهٔ آنان سخن بگوییم.[۱]

رسول خدا ﷺ همواره در سخنرانی‌ها اموری را مد نظر قرار می‌داد با منطق و استدلال سخن می‌گفت، متناسب با میزان اندیشه مستمعین سخنرانی می‌کرد و معمولاً سخنرانی‌های آن حضرت ﷺ از چند دقیقه تجاوز نمی‌کرد.

گفتنی این‌که برگزاری جلسات سخنرانی و کلاس‌های آموزشی بعد از پیامبر ﷺ استمرار یافت و در مساجد دیگر نیز برقرار می‌شد. مکان‌هایی چون مسجد الاقصی، مسجد بصره، جامع اموی دمشق، جامع منصور بغداد و مساجد مصر از جمله مساجدی بودند که کانون فرهنگی و آموزشی به حساب می‌آمدند.[۲]

سوم) استمرار حیات علمی مساجد توسط امامان شیعه

کلاس‌های که در مسجدالحرام و مسجدالنبی تشکیل می‌شد تنها توسط پیامبر ﷺ اداره نمی‌شد. گاهی علی علیه‌السلام به فرمان پیامبر ﷺ از منبر آن حضرت بالا می‌رفت و یک پله پایین‌تر از مکان رسول خدا ﷺ می‌نشست و برای مردم سخن می‌گفت.[۳] همگان این حدیث پیامبر ﷺ را شنیده بودند که رسول خدا ﷺ شهر علم است و دروازه‌اش علی علیه‌السلام.[۴] لذا اصحاب پیامبر ﷺ از دروازه

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج۱، ص۸۵.

۲. ابن خلدون، **مقدمه**، ص۳۵۵؛ غنیمه، **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی**، ترجمه نوراکسائی، ص۶۶؛ ابن جبیر، **سفرنامه**، ترجمه پرویز اتابکی، ص۳۲۳؛ ابن بطوطهٔ، رحلهٔ، ص۱۱۱.

۳. مجلسی، **بحارالانوار**، ج۴۰، ص۴۵.

۴. همان، ج۳۱، ص۴۳۶.

علم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد می‌شدند و از محضر علی علیه‌السلام فیض می‌بردند. حضرت علی علیه‌السلام از هیچ سؤالی روی‌گردان نبود و هرگاه کسی از آن امام علیه‌السلام سئوالی می‌کرد، بی‌جواب بازنمی‌گشت. ابن ابی الحدید از عمر نقل می‌کند که گفت خدا روزی را نیاورد که معضلی پیش آید و ابوالحسن پیش ما نباشد.[۱] همچنین عمر دائم می‌گفت: هرگاه علی علیه‌السلام در مسجد است کسی جز او حقّ فتوا ندارد.[۲]

بعد از امیر مؤمنان علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام به سرنوشت پدر دچار شد و از صحنه سیاست کناره‌گیری کرد امّا حرکت حضرت علی علیه‌السلام را استمرار بخشید. بلاذری نقل می‌کند که امام حسن علیه‌السلام وقتی نماز صبح را در مسجدالنبی به جای آورد تا طلوع آفتاب مشغول ذکر می‌شود. آن‌گاه به یکی از ستون‌های مسجد تکیه می‌دهد و می‌نشیند. هر کس مسجد باشد می‌آید و از او استفاده می‌کند تا این‌که آفتاب بالا می‌آید، پس او برمی‌خیزد و دو رکعت نماز می‌خواند و به خانه‌های همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رود و از احوال آنان جویا می‌شود و بعد به منزل خود رهسپار می‌شود. دوباره هنگام عصر به مسجد می‌رود و برنامه نماز و رجوع مردم به او تکرار می‌شود.[۳]

شکوفایی دانش اسلامی در عهد امام صادق علیه‌السلام به اوج رسید. در زمان آن حضرت؛ مسجدالنبی بسان زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چونان خورشیدی درخشید و به کانون نشر معارف دینی تبدیل شد. در عصر امام صادق علیه‌السلام معارف اسلامی تدریس می‌شد و دانش پژوهان و دانشمندان گرداگرد آن امام علیه‌السلام حلقه می‌زدند و از محضر درسش فیض می‌بردند. نقل شده است که شمار شاگردان جلسات درس امام صادق علیه‌السلام تا چهار هزار نفر برآورد شده‌اند.[۴] آن حضرت شاگردان ممتاز خویش را برای تدریس و مناظره در رشته‌های مختلف علمی آموزش می‌داد. در آن زمان بازار علم و فرهنگ چنان رونق گرفت که دیگر مساجد نیز جایگاه

---

۱. ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، ج ۱، ص ۱۸.
۲. همان.
۳. بلاذری، **انساب الاشراف**، ج ۳، ص ۲۱.
۴. اسد حیدر، **الامام الصادق علیه‌السلام والمذاهب الاربعه**، ج ۲، ص ۲۸.

فرهنگی خویش را به دست آوردند. امام رضا علیه‌السلام درباره جلسات درس خویش در مسجدالنبی فرمود:

من در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نشستم؛ با آن که شمار عالمان در مدینه زیاد بود، ولی هرگاه در مسئله‌ای با مشکل مواجه می‌شدند، همگان معتقد بودند که بایستی مسئله را با من در میان بگذارند. آنان همچنین مسایل و مشکلات علمی خویش را به سوی من می‌فرستادند و من بدانها پاسخ می‌گفتم.[۱]

حاصل آن که مسجد نقش مهمی در برگزاری جلسات درس و آموزش داشت. گسترش مراکز آموزشی و فرهنگی مرهون ساختار مسجد است. مسلمانان بسیاری از دانش‌ها و آگاهی‌های خویش را در مساجد فراگرفتند و از حضور در این مکان مقدس بدست آوردند. مسجد نه تنها «عبادتگاه» است بلکه «دانشگاهی بزرگ» به حساب می‌آید که شور و نشاط علمی و فرهنگی را پی‌ریزی کرد. بر متولیان مسجد است که این مکان را به پایگاه علم و دانش تبدیل کنند، در آنجا برنامه‌های مختلف فرهنگی وارد نمایند و مسجد را پایگاه فعّال آموزش و فرهنگ قرار دهند. در این مسیر لازم است معارف دینی و مباحث اعتقادی اولویت یابند و سکان‌داران فرهنگی مساجد مباحثی نو و با زبانی مخاطب‌فهم، عقائد دینی و دانش‌های اسلامی را برای قشرهای مختلف طراحی و ارائه نمایند تا جان تشنگان از زلال معارف قرآن سیراب گردد. گرمی بازار «علم دینی» باید در مساجد باشد، جایگاه ارتقا «رشد اخلاقی» جامعه مسجد است و در این مکان باید فضائل اخلاقی ترویج و برجسته شوند. امروزه خوشبختانه شاهدیم که بسیاری از درس‌ها در حوزه‌های علمیه در مساجد برگزار می‌شود. ضروری است مسئله آموزش و فرهنگ را در مساجد جدی گرفت و آن را به یکی از ابعاد اصلی مسجد تبدیل نمود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هر کس همواره به مسجد رفت و آمد نماید، این هشت خصلت را به دست آورد: نشانی استوار، فریضه‌ای انجام یافته، سنتی به پا داشته شده، علمی

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

جدید، دوستی مفید، سخنی که او را به راه راست هدایت کند یا از هلاکت برهاند و نیز ترک گناه به جهت بیم از خدا یا شرم از مردم.[۱]

مبالغه‌آمیز نیست اگر بگوییم قرآن کریم سنگ بنای سوادآموزی برای مسلمانان اولیه بود. از همان ابتدا، مسلمانانی که خواندن و نوشتن می‌دانستند، افتخار ثبت و ضبط مطالب وحی را پیدا کردند. قرآن در اوائل نزول برای مسلمانان زبان رسمی و متن معتبر به حساب می‌آمد. قرآن اولین کتابی بود که در دسترس تمام مسلمان‌ها قرار گرفت. جالب این‌که بدانیم واژه «قرآن» به معنای «خواندن» است. گذشته از این‌که این کتاب آسمانی بیشترین مشوّق برای کسب علم توسط مسلمانان بوده است. براین اساس، آموزش علوم مختلف قرآن، تدبّر در آیات و فهم عمیق مضامین وحی باید در مساجد توسعه فراوانی یابد؛ به‌گونه‌ای که قرآن اصلی‌ترین موضوع در مساجد باشد.

ب) وعظ و خطابه

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سخنرانی‌های خویش با استفاده از آیات قرآن و نقل‌های تاریخی مسلمانان را موعظه می‌کرد آموزش معارف دین و ایراد خطابه‌های آتشین از دیگر بخش‌های مجالس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجدالحرام و مسجدالنبی بود. سخنرانی‌های آن بزرگوار فقط جنبه آموزشی نداشت بلکه عنصر موعظه و پرهیزدادن مردم از گناه در آن موج می‌زد. از همین رو، اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گاهی جلسات آن بزرگوار را مجلس وعظ نام می‌نهادند.[۲]

هر وقت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گناهکاری را مشاهده می‌کرد آنان را دعوت به مسجد می‌نمود و به پند و اندرز آنان همت می‌گماشت. آن حضرت علیه‌السلام چنان با جدیّت و قاطعیّت به انذار می‌پرداخت که آثار خشم در چهره تابناکش هویدا می‌گشت. عبداله بن عباس نقل می‌کند:

---

۱. همان، ج۸۱، ص۳.

۲. غزالی، **احیاء علوم الدین**، ج۲، ص۳۹۹.

خداوند متعال به موسی علیه‌السلام وحی کرد که امّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باغهایی دارند که گیاه و درخت آن، آمرزش است. موسی علیه‌السلام گفت: اینها چگونه باغ‌هایی است؟ خداوند متعال فرمود: جلسه‌های یاد خدا؛ در این جلسه‌ها، گویندگانی آنان را به سوی من فرا می‌خوانند. پرچم و نشان آنان همچون پرچم و نشان پیامبران است. بندگانم را به کارهای نیک تشویق می‌کنند، آنان را به گریه وامی‌دارند و روح زهد و گرایش به خدا را در جانشان می‌دمند. این گویندگان، بندگانم را چنان پرورش می‌دهند که من دوست می‌دارم. رحمت، آمرزش و خشنودی والای من از آنِ چنین بندگانی است.[1]

ج) تربیت مبلّغ

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به امر تبلیغ دین اهتمام ویژه‌ای داشت. اسلام از طریق فعالیت‌های خالصانه مبلِّغین در صدر اسلام در تمام جزیره‌العرب و دیگر بلاد توسعه یافت. آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله مبلّغان فراوانی را تربیت و به مناطق مختلف اعزام می‌نمود تا قرآن، احکام و معارف بیان کنند و اسلام را ترویج دهند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از هر سفری شخصی را جهت واگذاری مناصب به عنوان جانشین خود برمی‌گزید. همچنین یک نفر به عنوان امام جماعت عهده‌دار امر نماز جماعت می‌شد و نیز فرد دیگری به عنوان بیان‌کننده و معلِّم معارف دین انتخاب می‌شد. این مناصب حتی برای یک بار معطّل و رها نشد. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در هیچ شرایطی اجازه نمی‌داد در این امور مسامحه و سوءاستفاده شود. به نمونه‌ای تاریخی توجه کنیم: در غزوه تبوک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به خوبی می‌دانست که منافقان و برخی از افراد قریش به دنبال فرصت می‌گردند تا در غیاب ایشان وضع را دگرگون سازند و حکومت نوبنیاد اسلامی را واژگون نمایند. او با این‌که محمد بن مسلمه را جانشین خود در مدینه قرار داده بود به علی علیه‌السلام فرمود: تو سرپرست اهل بیت و خویشاوندان من و گروه مهاجر هستی، و برای این

---

۱. ابن اخوه، **معالم القربة فی احکام الحسبة**، ترجمه جعفر شعار، ص ۲۷۲.

کار جز من و تو کسی دیگر شایستگی ندارد.[۱]

پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله با اعزام مبلّغین و حتّی گروه‌های تبلیغی به مناطق مختلف، قلوب آنان را به سمت اسلام و معارف آن جلب می‌نمود. مبلّغان از جان گذشته دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را لبیک گفته عقاید ناب قرآنی را با بیان واضح و صریح به گوش مردم می‌رساندند. امّا در بسیاری از موارد کفّار و بت‌پرستان آنها را با وضعیّت فجیعی به قتل می‌رساندند. نخستین مبلّغ اسلام مصعب بن عمیر بود که قبل از هجرت و به فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جهت تعلیم قرآن به مدینه اعزام شد.

برخی از گروه‌های تبلیغی که به مناطق مختلف اعزام شدند و به دست قبایل مدعو به شهادت رسیدند[۲] عبارتند از: اعزام یک گروه شش نفره (و بنا به قولی ده نفر) از مبلغین به منطقه رجیع، یک گروه چهل نفره به منطقه نجد، سپاه تبلیغ اسلام به دو قبیله عضل و قاره، کعب بن عمیر غفاری و یک گروه پانزده نفره از مبلغین ورزیده به منطقه ذات اطلاح.

د) کتابخانه‌های مساجد

علم و دانش مسلمانان ریشه در قرآن دارد. اعراب مسلمان در داخل و خارج از مکه از مسائل مختلفی نظیر پوست، لوح‌های سنگی، برگ خرما و کاغذ پاپیروس استفاده می‌کردند. گرچه شرایط آب و هوایی برای حفظ و حراست نگاشته‌ها چندان مناسب نبود امّا برخی از این نوشته‌ها باقی ماند و از این طریق، کتاب‌های فراوانی شکل گرفت. واقعیت مهم و جالب این‌که بسیاری از این کتاب‌ها در مساجد نگه‌داری می‌شد و بسیاری از مساجد بخش مهمی به نام کتابخانه داشتند.[۳]

اول) پیدایش کاغذ

گرچه اغلب اعراب جاهلیّت بی‌سواد بودند امّا تعداد اندکی از آنها توان

---

۱. سبحانی، **فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام**، ص ۲۲۲.

۲. یعقوبی، **تاریخ یعقوبی**، ج ۲، ۷۲؛ واقدی، **المغازی**، ج ۱، ص ۳۵۴ و ج ۲، ص ۷۵۲.

۳. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۹۵-۲۹۰.

خواندن و نوشتن داشتند و آنان با استفاده از خط حبشی قراردادها و پیمان‌های خود را ثبت می‌کردند.

آیات آسمانی قرآن که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل می‌شد برروی پوست حیوان، لوح‌های استخوانی و کاغذ پاپیروس نگاشته می‌شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اولین کسی بود که در عربستان نوشته‌های خود را مهر می‌نمود. قرآن نیز از مسلمانان خواست معاملات و میراث نامه‌های خویش را ثبت و ضبط نمایند.[۱]

رویداد مهم در گسترش علم در میان مسلمانان آشنایی آنان با صنعت کاغذسازی بود. هرچند ساخت و تولید کاغذ حدود صد سال پس از میلاد مسیح در کشور چین آغاز شد امّا کاغذ چینی بوسیله تجّار عرب به حجاز وارد شد، گفته می‌شود اواخر قرن اول هجری لشکریان اسلامی از نواحی آسیای مرکزی گذشتند و به شهر سمرقند رسیدند. مسلمانان در این شهر با کاغذ مصری آشنا شدند. همچنین برخی از اسیران جنگی در سمرقند که چینی بودند با صنعت کاغذسازی آشنا بوده هنر خود را در اختیار مسلمانان قرار دادند. آهسته آهسته کاغذ در میان مسلمانان رواج داد و جای خود را به پوست و لوح استخوانی بخشید. جالب این‌که بدانیم اوّلین کارخانه کاغذسازی در بغداد در سال ۱۷۷ هـ.ق ساخته شد.

دوم) نگارش کتاب

اوّلین نسخه قرآن که به دست زید بن ثابت نگاشته شد صفحه‌هایی بود که به کتابت شباهت داشت. در اوائل کتاب‌ها به صورت اوراق جدا از هم تنظیم می‌شد. امّا در اواسط سدهٔ دوم هجری به دلیل علاقه زیاد به نویسندگی و شاعری کتابت رشد یافت. در این دوره نویسندگان متعددی پدید آمدند و با نگارش داستان‌ها و سرودن اشعار بازار کتابت را رونق بخشیدند. در این عصر کتاب‌شناسی و کتاب‌خوانی شکوفا شد. در رشته‌های ادبی و شعر و علوم حرکت عظیم آغاز شد. کمک فراوان مالی در اختیار دانشمندان قرار گرفت. هم‌نشینی با

---

۱. بقره/ ۲۸۲.

دانشمندان ارزشمند تلقّی شد. کتاب ها با دقت تکثیر و تزیین می شد و کتاب به عنوان میوه‌ای ارزشمند تلقّی شد.

یکی از مسائل جالب که دلالت واضح بر فرهنگ دوستی مسلمانان می کند این‌که مجموعه هایی از کتاب فراهم آمد. تاریخ موارد فراوانی را نشان می دهدکه اتاق ها تا سقف از کتاب ها پر بود. این کتاب ها در موضوعات مختلف نگاشته یا گردآوری می شد. ارزش کتاب تا بدان حدّ اوج گرفت که برخی از شاهان و خلفا کتابخانه های شخصی تشکیل دادند و در آنها کتاب هایی درباره تاریخ، زبان، کیمیا، نجوم، رمان، قانون، حساب و الهیّات نگه داری می کردند. البته خبر تأسف بار این‌که بسیاری از این کتاب ها و کتابخانه ها به آتش کشیده شد و سوخت.

سوم) ظهور کتابخانه ها در مساجد

بسیاری از مساجد جامع و بزرگ که دارای فضای وسیعی بودند قسمتی را به کتاب خانه قرآن اختصاص می دادند. این قرآن ها از طریق هدیه یا وقف در آنجا نگه داری می شد. مسلمانان امن ترین مکان را برای نگه داری نسخ قرآن، مساجد می دانستند. برخی از این مساجد که به لحاظ تأسیس کتابخانه های قرآنی شاخص بودند عبارتند از مسجد قرویین در منطقه فاس، مسجد صنهاجی وابسته به حاکم تونس، مسجد بزرگ مصر متعلّق به الحاکم بامرالله و مسجد این تونون در ناحیه خطایی در حومه قاهره که در آن هشتصد و چهارده جلد قرآن نگه داری می شد.

به تدریج کتابخانه های مساجد رشد یافت و در بلاد مختلف اسلامی رو به گسترش گذارد. اولین گروه از کتابخانه های مساجد در بخش مسلمان نشین اسپانیا و آفریقای شمالی قرار داشت. مسلمانان بعد از اشغال این منطقه نام اندلس بر آن نهادند و در آنجا مساجد زیادی برپا نمودند. یکی از مهم ترین مساجد اندلس، مسجد بزرگ قرطبه بود که در آن هزاران جلد کتاب خطی و نسخ قرآنی

نگه‌داری می‌شد.

تونس یکی از بلاد مهم اسلامی بود که در آن دو مسجد بزرگ به همراه کتاب‌خانه عظیم به چشم می‌آمد. کتاب‌خانهٔ مساجد قیروان و زیتونه مدت‌ها پیش از مسجد الازهر در قاهره ساخته شد و به یکی از مراکز عمده فرهنگی جهان اسلام بدل گشت.

مصر سومین کشور بزرگ آفریقای شمالی بود که در آن مسجدها و کتابخانه‌های فراوانی پدید آمد. اولین و مهم‌ترین کتاب‌خانه مسجد در این کشور فرهنگی، مسجد و کتاب‌خانه شیخ ابراهیم پاشا است که در آن کتاب‌های ارزشمندی نگه‌داری می‌شد و بیش از ششصد طلبه در آنجا به تحصیل دانش مشغول بودند.

از سوی دیگر در کشورهای عربی کتابخانه‌های مساجد بزرگ ساخته شد. کتاب‌خانهٔ مسجد الاقصی، کتاب مسجد عکا و کتاب‌خانه مسجد حلب از جمله آنهاست. نگاشته‌اند که مسجدالحرام یکی از اولین مساجدی بود که کتاب‌خانه‌ای دارای چندین قفسه کتاب داشت و آهسته آهسته در آنجا چندین کتاب‌خانه به نام شرابیّه، کتبغا، شروانی و سلیمانیه وجود داشت. مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه کتاب‌خانه عظیمی به نام مکتبة‌الحرم النبوی داشت.

رفته‌رفته کتاب رو به اوج گذارد، دانشمندان کتاب‌ها را از کتابخانه‌های مساجد به امانت می‌بردند، کتابخانه‌های مساجد یک به یک نامگذاری شد، در ساختمان مساجد محلی مناسب برای کتاب‌خانه در نظر گرفته می‌شد، فرهنگ هدیه‌دادن یا وقف‌نمودن کتاب به کتابخانه‌های مساجد پدید آمد، تعداد و حجم کتاب‌ها رو به فزونی گرفت، کتاب‌ها در موضوعات مختلف رده‌بندی شد، کتابخانه‌های مساجد سازماندهی مناسبی به خود گرفت، کتاب‌ها فهرست‌نویسی شد، سالن و اتاق‌های مطالعه پدید آمد، دسترسی‌ها به کتاب تسهیل گردید، کتابخانه‌ها دارای مخازن یا کتابدار شد و کتابخانه‌ها مرکز حلقه‌های درس و آموزش شدند. به راستی این همه، مرهون تشویق‌ها و

ترغیب‌های قرآن نسبت به فرهنگ و دانش بود و از این رهگذر تمدن اسلامی در قرون متمادی پدید آمد و چشم جهانیان را خیره کرد.

امّا امروزه با کمال تأسف با پدیده‌ای شوم مواجهیم. کتابخانه‌های مساجد رو به افول و زوال گذارده‌اند، دانش و دانشمندان از مساجد بیرون رفته‌اند، علوم مختلف از مسجد فاصله گرفته است و فرهنگ علم و آموزش جای خود را به بیرون از مساجد برده است. البته عوامل مختلفی در روزگاران قدیم و جدید در این پدیده تأسف‌بار نقش داشته‌اند امّا می‌توان با احیا کتابخانه‌های مساجد، این مکان مقدس را به مرکزی بزرگ برای علوم و فنون اسلامی تبدیل نمود.

هـ) مسجد؛ کانون حفظ ارزش‌ها

عده‌ای از جوانان یکتاپرست که جور و ستم زمان و بیدادهای پادشاه آنها را به ستوه آورده بود، دست از علائق شستند و با ترک خانه و کاشانهٔ خویش غارنشینی را برگزیدند. آنان در غار ماندند و برای سالهای طولانی به خواب فرو رفتند. آن‌گاه که اهالی منطقه به وجود آنها پی بردند، حقیقتی دیگر از آیات الهی آشکار شد و آیتی بر امکان معاد ظاهر گشت:

وَكَذٰلِكَ أَعْثَرْنا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ لا رَيْبَ فيها إِذْ يَتَنازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْياناً رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قالَ الَّذينَ غَلَبُوا عَلى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً؛[1] و این‌گونه [مردم آن شهر را به وسیله آن سکه قدیمی] از حال آنان آگاه کردیم تا بدانند که وعده خدا [در برانگیختن مردگان در روز قیامت] حق است و در برپا شدن قیامت هیچ تردیدی نیست. هنگامی که [کاشفانِ غار] میان خودشان در کار آنان نزاع و ستیز داشتند، پس [یك گروه] گفتند: ساختمانی به روی [جایگاه] آنان بنا کنید [تا از دیده‌ها پنهان بمانند] البته پروردگارشان به آنان داناتر است. ولی آنان که بر کارشان [نسبت به اصحاب کهف] پیروز شدند، گفتند: به یقین مسجدی بر روی [جایگاه] آنان بنا خواهیم کرد.

---

۱. کهف/ ۲۱.

پادشاه موحّد دستور داد مسجدی در آن محل برپا کنند تا یاد و خاطرهٔ آن جوانان خداپرست و مجاهد زنده بماند و روح زندگی در زائران مرقد شریفشان زنده بماند. بدست می‌آید که ساختن مسجد بر مزار اولیاء خدا ریشه قرآنی دارد. از هر فرصتی برای حفظ ارزش‌ها می‌توان استفاده کرد. ساختن مسجد در کنار غار یکتاپرستان مجاهد ارزشی ماندگار شد.[۱]

به گواهی تاریخ در هر عصری که پیامبر، امام یا عارفی بزرگ از دنیا می‌رفت یا به شهادت می‌رسید، مردم بنایی برای تجلیل بر آن شخصیت الهی در آنجا می‌ساختند تا هم خاطره‌ای از آنها به یادگار بماند و هم نشانه‌ای برای تقرّب به درگاه خداوند آشکار گردد.

آمده است[۲] که عده‌ای از مردم نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و درخواست نمودند تا در بالای مسجد بنشینند تا فقرایی نظیر سلمان و ابوذر را از خود دور کند و آنها در کنار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشند؛ زیرا حضور این افراد و هم‌نشینی آنان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مانع از مجالستشان با آن حضرت می‌شد. در این حالت آیه‌ای نازل شد که می‌فرمود شکیبایی پیشه کن و چشم از زینت‌های دنیا بربند:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلا تَعْدُ عَيْناكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَياةِ الدُّنْيا وَلا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنا وَاتَّبَعَ هَواهُ وَكانَ أَمْرُهُ فُرُطاً؛[۳] با کسانی که صبح و شام، پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که همواره خشنودی او را می‌طلبند، خود را پایدار و شکیبا دار، و در طلب زینت و زیور زندگی دنیا دیدگانت [از التفات] به آنان [به سوی ثروتمندان] برنگردد، و از کسی که دلش را [به سبب کفر و طغیانش] از یاد خود غافل کرده‌ایم و از هوای نفسش پیروی کرده و کارش اسراف و زیاده‌روی است، اطاعت مکن.

مسجد جایگاه اصیلی دارد که آن حفظ و بقای ارزش‌های دینی و اخلاقی

---

۱. طبرسی، **مجمع البیان**، ج ۱۵، ص ۳۶؛ قرشی، **احسن الحدیث**، ج ۶، ص ۱۹۷.
۲. طبرسی، **مجمع البیان**، ج ۶، ص ۷۱۸.
۳. کهف / ۲۸.

است. ارزش‌های از یاد رفته در مساجد احیا می‌شوند. پیامبر اسلام ﷺ با سخنرانی‌ها و خطابه‌های خویش ارزش‌های والای قرآنی را به مردم گوشزد می‌کرد و آنها را با زبانی مناسب به سوی حفظ ارزش‌ها فرامی‌خواند. در مساجد ارزش‌هایی نظیر توحید، عبودیت، ایثار و گذشت ارائه می‌شود و مسجد یادمان حفظ ارزش‌های دینی بوده و هست. بر واعظان و خطبا فرض است تا هنجارها و ارزش‌های مقدس دینی را با زبانی ساده و همراه با مثال برای مخاطبان بازگویند و در دل آنها انگیزه ایجاد کنند. می‌توان نمونه‌ای از قرآن را نشان داد: مالک عالم، خالق عالم است و خداوند خالق هر چیزی است:

اللهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَعَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكيلٌ؛[1] خدا آفریننده هر چیزی است و او بر هر چیزی نگهبان و کارساز است.

اگر او آفریننده هر شی در عالم است، پس هر شی و کل ماسوی مخلوق اوست. مالکیت با خالقیت نسبتی مساوی دارد. لذا آفریننده عالم، حق تصرف در تمام اجزاء عالم دارد. پس تنها او مالک است و یکی از شئون توحید، توحید ربوبیت و مالکیت می‌باشد:

«وَ للهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ إِلَيْهِ الْمَصيرُ؛[2] فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی اوست.

توحید مالکیت به ما می‌گوید فقط او مالک است و غیر او در عالم کسی توان مالکیت ندارد مگر به اذن او. هر گونه مالکیتی چه به صورت تکوینی و چه به صورت اعتباری، ظهور و توسعه مالکیت خداست. مظاهر مالکیت در عالم اصالت، حقیقت و استقلال ندارند.

نتیجه مهمی که از این مطلب حاصل می‌آید این‌که ما مالک هیچ چیز نیستیم. بهره ما در این عالم فقط سعی و تلاش است و سعی و کوشش ما از توان

---

۱. زمر/ ۶۲.
۲. مائده/ ۱۸.

ما ناشی می‌شود و توان‌مندی انسان‌ها نیز از خداست.[۱] از سوی دیگر فعالیتی که انجام می‌دهیم طبعاً به نتیجه‌ای می‌انجامد و نتیجه بخش در عالم خداست یعنی اوست که به دنبال فعل ما نتایجی پدید می‌آورد؛ معنای «توکل» دقیقاً همین است.

حال اگر براساس تلاش و فعالیتی چیزی بدست آمد، آن امر مملوک و «داشتهٔ ما» نیست بلکه «دادهٔ خداست». در اینجا مفهومی جالب شکل می‌گیرد: تمام داشته‌های ما داده‌های خدا و مملوک اوست نه مملوک ما.

اگر چنین است که چنین است پس ما نباید نسبت به هرآنچه در اختیار ما گذارده شده است، «احساس مالکیت» داشته باشیم. توحید مالکیت نسبت به خدا با احساس مالکیت ما نسبت به اشیاء قابل جمع نیست. لذا به میزانی که حس تملک داریم از ایمان دوریم. اجازه بدهید دو مثال بزنیم:

مثال اول: اگر همسایه شما یکی دو روزی قصد سفر کرد و خانه و فرزند خود را به شما سپرد تا از آنها نگهداری کنید، پرسش این است که احساس شما نسبت به آن منزل، امکاناتش و فرزند همسایه چیست؟ آیا نسبت به آنها احساس مالکیت دارید یا احساس امانت؟ اگر فرش آن خانه زیلو باشد یا فرش گران‌قیمت، برای شما تفاوتی می‌کند؟ و اگر هم تفاوتی کند، نسبت به کالای ارزشمندتر بیشتر احساس نگهداری خواهید داشت؟ آیا احساس شما نسبت به فرزند همسایه با فرزند خودتان یکسان است؟ واقعیت آن است که حس ما نسبت به داشته‌های خود باید همانند احساس ما نسبت به خانه و فرزند همسایه باشد و نسبت به همه «احساس امانت» داشته باشیم.

مثال دوم: اگر روزی شلوغ به شعبه مرکزی بانکی سر بزنیم و دو ساعتی نظاره‌گر عملکرد صندوق‌دار بانک باشیم، مشاهده می‌کنیم که وی میلیون‌ها ریال اسکناس می‌گیرد، می‌شمارد و به دیگری واگذار می‌کند. صندوق‌دار بانک هرگز نسبت به اسکناس‌های زیر دستش، احساس تملک ندارد، در حالی که او

---

۱. کهف/ ۳۹.

هم تلاش می‌کند. اگر درون ما چنین احساسی نسبت به خانه، فرزند، امکانات، پول درون جیب و حتی جسم خود شکل گیرد، این حس با توحید سازگار است.

شخص موحد و انسان مؤمن درون خود حس تملک نسبت به امکاناتی که در اختیار او گذارده‌اند، ندارد. مؤمن باید تمرین کند و بکوشد روز به روز از حس تملک خویش و منافع شخصی بکاهد و خداوند را به صحنه حیات خویش بیاورد. بهترین تمرین برای کاهش احساس تملک‌گرایی، توجه به هم‌نوعان، خدمت به آنان و بخشش به دیگران است.

اگر فکر کنیم که چگونه نیاز دیگران را تأمین کنیم یا دیگران را شاد سازیم یا جهانی بسازیم که همنوعان در آن راحت‌تر زندگی کنند، این فکر ارزشمند و الهی است. جهانی که خداوند ساخته است بدین صورت عمل می‌کند که هر چه بیشتر به دنبال خواسته‌ها و منافع شخصی باشیم، کمتر به آن می‌رسیم، در عین حال که احساس تملک خویش را فربه ساخته‌ایم.

جهان این گونه ساخته شده است که اگر احساس مالکیت به آن نداشتیم و آن را برای دادنِ به دیگران خواستیم و برای خود نخواستیم، بیشتر خود را در اختیار خواهد گذاشت و در این صورت، هر کجا رویم ما را تعقیب می‌کند و خودش را در اختیار می‌گذارد.

سه) کارکرد اجتماعی و سیاسی

الف) نقش اجتماعی

مسجد نه تنها جنبه عبادی، معنوی، فرهنگی و آموزشی داشت امّا این نهاد مؤثر کارکردهای دیگری هم در صدر اسلام داشته است. مسجد به عنوان نهادی پرتحرک و با نشاط در جامعه اسلامی، دارای مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی بوده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دو مسجد بزرگ صدر اسلام یعنی مسجدالحرام و مسجدالنبی را به پایگاه بزرگ اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد و از گلبانگ‌های این دو مسجد شاخص، ندای اسلام را به بلاد دیگر و به گوش جهانیان رساند.

رسول خدا ﷺ نقشی بزرگ در جنبه اجتماعی به مسجد داد و آن را در سیره خویش نمایان کرد.

اول) توسعه و ترویج اسلام

یکی از مهم‌ترین وظائف مسجد این بود که محل نشر شریعت اسلامی و ترویج فرهنگ قرآنی بود. هرگاه مجاهدان مسلمان سرزمینی را فتح می‌کردند، نخستین اقدام این بود که در آنجا مسجدی بنا کنند تا تبلیغ اسلام شروع شود. در مورد مسجد جامع بخارا نوشته‌اند که قتیبه بن مسلم در بخارا مسجد جامع بنا کرد و دستور داد هر کس در هر آدینه جمع شود و به نماز آدینه حاضر گردد دو درهم گیرد.[۱]

همچنین عبدالله بن عامر بعد از فتح نیشابور مسجد جامع ساخت و از پیروان مسلمان دعوت نمود به آنجا بیایند و احکام و معارف دینی فراگیرند.[۲]

گفتنی این‌که مسلمانان به همراه فتوحات جدید و توسعه مرزهای جهان اسلام، در آخرین حد مرزها مسجد می‌ساختند و به این ترتیب ندای اسلام به داخل مرزهای کفر راه می‌یافت. واقعیت آن است که مسیر اصلی گسترش اسلام در دوران نخستین بدین وسیله محقّق می‌شد؛ چنانکه اسلام بیشتر سرزمین‌ها را با دل و نه با شمشیر فتح کرد.[۳]

عبدالله بن سعد بن ابی سرح کارگزار مصر در سال ۳۱ هـ.ق به سرزمین نوبه لشکر کشید و در محلی به نام دمقله با آنان جنگید و شکستشان داد. وی با رئیس ناحیه نوبه عهدنامه‌ای نوشت و با او پیمانی امضاء کرد که به موجب این پیمان مردم نوبه هم‌پیمان مسلمانان شدند. پس از آن عبدالله مسجدی ساخت تا طلیعه اسلام در سرزمین نوبه باشد. در متن پیمان‌نامه آمده شما باید مسجدی

---

۱. نرشخی، **تاریخ بخارا**، ص ۶۷.

۲. خلیفه نیشابوری، **تاریخ نیشابور**، ص ۱۴۱.

۳. ابن فقیه، **مختصر البلدان**، ترجمه ح مسعود، ص ۱۵۰.

را که مسلمانان در کنار شهرتان ساخته‌اند، حفظ کنید. هیچ نمازگزاری را از رفتن به آن بازندارید، باید آن را جارو کنید، روشناییش را تأمین نمایید و آن را گرامی دارید.[۱]

هنگامی که منطقه شام در قلمرو حکومت فاطمیان مصر قرار گرفت، رومی‌ها با جنگهای ایذایی خود، مسلمانان را مورد هجوم قرار می‌دادند تا این‌که در یک جنگ دریایی و زمینی رومی‌ها از فاطمیان شکست سختی خوردند و تن به صلح دادند. در پیمان صلح قید شده بود که باید مسجد قسطنطنیه تجدید بنا شود و در معابد روم به خلیفه فاطمی دعا کنند که این صلح بعدها شکسته شد.[۲]

اهتمام به امر توسعه مسجد و نشر معارف دینی از سوی مجاهدان و حاملان فرهنگ اسلامی پی‌گیری می‌شد؛ چنانکه تاجران و بازرگانان مسلمانان نیز در این مسیر حرکت می‌کردند. شیوه بازرگانان مسلمان در شرق هندوستان چنین بود که اگر کاروانِ مسلمان در یک محل چندین بار فرود می‌آمد در آنجا مسجدی می‌ساختند تا از این طریق دیگران به آیین اسلام دعوت شوند و زمینه رشد و توسعه فرهنگ اسلام فراهم گردد.[۳]

دوم) پناهگاه مسافران و غریبان

مسجد جایگاه غریبان، دورافتادگان و بی‌پناهان بود. هر گاه شخصی در راه می‌ماند یا به غربت مبتلا می‌شد مسجد مأوی و ملجأ او بود. در صدر اسلام مسلمانانی که به مدینه آمدند و مکانی برای سکونت نداشتند در ایوانی مسقف کنار مسجدالنبی گرد آمدند و به عنوان اصحاب صفّه در آنجا سکنی گزیدند.

شاید فرهنگ پناه‌دادن به بی‌پناهان از این پدیده مهم تاریخی نشأت گرفته باشد.

---

۱. مونس، **المساجد**، ص ۴۲.

۲. جعفری، **مسلمانان در بستر تاریخ**، ص ۸۲.

۳. مونس، **المساجد**، ص ۴۲.

یکی از مورخان نگاشته است که در هیچ شهری جز به مسجد جامع نرفت تا در آنجا دورافتادگان و جهانگردان همانند خود را ملاقات نماید و با آنان انس بگیرد. او می‌گوید هرگاه پس از نماز عشاء بیرون می‌رفتند مردان زیادی را می‌دیدند که کاسه‌های غذا می‌بردند. این غذا را مردمان خیّر برای غریبه‌ها می‌فرستادند. به هیچ شهری وارد نشدم، مگر این‌که این خصلت لطیف را از ویژگی‌های مسلمانان آن شهر یافتم.[۱]

ابن جبیر سیاح قرن ششم دراین‌باره می‌گوید میان دو شهر مصر و قاهره مسجدی است بزرگ منسوب به ابوالعباس احمد بن طولون که از مساجد جامع کهن با بنایی زیبا و شالوده‌ای وسیع است و سلطان، آن مسجد را پناهگاه غریبان مغرب قرار داده که در آن سکونت می‌کنند و حلقه‌های دایر می‌نمایند و خوراک مقرری هر ماهه به آنان داده می‌شود.[۲]

تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد[۳] که مساجد مرکز زندگی اجتماعی مسلمانان بوده است. مسافران تهیدست در مسجد پناه می‌گرفتند. هرگاه اهل اسلام مبتلا به جنگ یا بلای طبیعی می‌شدند پناهگاهی جز مسجد نداشتند. در مواقع خشکسالی و بروز امراض مسری، مردم به مسجد روی می‌آوردند. پیامبر ﷺ از نمایندگان قبیله ثقیف در مسجد پذیرایی کرد. بسیاری از فقراء مدینه در حیات مسجد پیامبر ﷺ چادر و خیمه برپا می‌کردند. بسیاری از فقرا و پناهجویان شب‌ها را در مسجد به سر می‌بردند، چنانکه روزها در آنجا به درس مشغول می‌شدند و در یک کلام مسجد «نقش هتل» را برای درراه ماندگان، بی‌پناهان، مددجویان و تهی‌دستان ایفا می‌کرد.

---

۱. همان، ص ۳۹.

۲. ابن جبیر، **سفرنامه**، ترجمه پرویز اتابکی، ص ۸۴.

۳. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۲۸-۳۱.

سوم) جشن و مراسم

مسجد به علّت در دسترس بودن برای همگان، محل مناسبی جهت برگزاری مراسم و همایش‌های مختلف بود. در اسلام دو جشن بزرگ به نام‌های عید قربانی (اضحی) و عید فطر (پایان ماه مبارک رمضان) وجود دارد که از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا به امروز در مساجد برگزار می‌شود. برنامه‌های دیگری که معمولاً تاریخ مسجد آنها را به خود دیده است عبارتند از روز میلاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، روز مبعث، روز عاشورا و ایام اعتکاف. در این مواقع، مساجد برای برنامه‌های شاد یا غمناک آماده شده در آنها خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها فراهم می‌گشت.

رسم مسلمانان از زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که هنگام بروز حادثه‌ای مهم منادی ندا می‌داد: «الصلاة جامعه»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم معنای خاصی داشت. هرگاه خبر مهمّی یا پیامی الهی مطرح بود جمله مزبور از زبان منادی شنیده می‌شد و مسلمانان مطّلع می‌شدند که امر خطیری در راه است.[1]

محمد الوالی نقل می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به گروهی از سودانی‌ها اجازه داد با سپر و نیزه در مسجد نمایش اجرا کنند. همچنین مراسم تشییع جنازه و نماز میت در مسجد انجام می‌شد و در آنجا به بازماندگان اعلام تسلیت می‌گشت.[2] لذا از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد محل برگزاری همایش‌ها، جشن‌ها و مراسم متنوع بود و انجام چنین برنامه‌هایی به مسجد هویّت اجتماعی فعّال می‌بخشید.

چهارم) محل ازدواج و طلاق

از دیگر ابعاد مسجد این بود که جشن‌های ازدواج و نیز برنامه‌های طلاق معمولاً در مسجد رخ می‌داد. در بعضی از نقل‌ها آمده است که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. ابن سعد، **طبقات الکبری**، ج ۱، ص ۱۹۰؛ بیهقی، **سنن الکبری**، ج ۲، ص ۴۳۹.
۲. الوالی، **المساجد فی الاسلام**، ص ۱۱۴.

ازدواج‌ها و طلاق‌ها در مسجد انجام می‌شد و توسط افرادی ثبت می‌گشت.[۱] همچنین شیخ طوسی آورده است که سفره ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیهاالسلام در مسجد گسترانده شد.[۲]

پنجم) برنامه شعرخوانی

در برخی از مساجد مراسم شعرخوانی اجرا می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان از مسجدی در بغداد نام برد که در آنجا قسمتی مخصوص به نام قبه الشعراء داشت. شعرای بغداد در آنجا اجتماع می‌کردند و به خواندن اشعار مذهبی مشغول می‌شدند. گاهی شعرها و شعرخوانی‌ها چنان جذاب یا سوزناک بود که عابران را به خود جلب می‌کرد و در آن جا ساعاتی را می‌گذراندند.[۳]

گاهی در مسجد مدینه سخن‌سرایان بزرگ ادب گرد یکدیگر می‌آمدند و سروده‌های جدید خود را که جنبه اخلاقی و تربیتی داشت، در حضور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قرائت می‌نمودند. به عنوان نمونه می‌توان از قصیده معروف کعب بن زهیر یاد کرد که اشعار خویش را در مدح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و در حضور آن حضرت خواند و از دست مبارک خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله جایزه بزرگی دریافت نمود. همچنین حسَّان بن ثابت با اشعار خود در حرم نبوی از حریم اسلام دفاع می‌نمود.[۴] مسجد در صدر اسلام و دوره‌های بعد نقش ادبی نیز ایفا کرد و آوردگاه بزرگ شعر و ادب دینی شد.

ششم) مکان خرید و فروش

مساجد در آغاز ظهور اسلام بسیار پررفت‌وآمد بود و در آنجا کارهای متنوع و قابل ملاحظه‌ای می‌شد.[۵] یکی از مسئولیت‌های مسجد آموزش حِرَف و برگزاری

---

۱. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۳۰.
۲. طوسی، **امالی**، ص ۴۹.
۳. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۳۰.
۴. الوالی، **المساجد فی الاسلام**، ص ۲۲۰.
۵. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۳۲.

انواع مختلف داد و ستد بود. نان و آب در مسجد فروخته می‌شد. دوخت و دوز به عنوان شغل پررونق در مسجد انجام می‌گرفت. انجام شغل آرایشگری در مسجد کاری نامتعارف نبود. زن‌ها در مسجد می‌نشستند و به فروش نخ می‌پرداختند. کودکان علاقمند در این مکان مقدس به یادگیری شغل‌های مختلف مشغول بودند. گاهی عطر، ادویه، شمع و ظروف در مسجد برای فروش عرضه می‌شد.

در دوره‌های بعد گاهی مساجد برای خرید و فروش سازماندهی می‌شد. نگاشته‌اند که در مسجد بزرگ اندلس بیش از هزار کارمند مشغول کار بودند و بخشی از آنها در امور حرف اشتغال داشتند.[1]

هفتم) عامل وحدت‌بخش

سراسر تاریخ اسلام خصوصاً در آغاز ظهور اسلام، نشان از حقیقتی والا دارد و آن این‌که همیشه مسجد محل تجمع مسلمانان بود. مسلمین صدر اسلام در مسجد تشکّل می‌یافتند، گرد یکدیگر می‌آمدند و بسان امّتی واحد استمرار حیات اسلام را تضمین می‌نمودند.

از مهم‌ترین مکان‌های وحدت‌آفرین مسجدالحرام بود. در سال دوم هجرت که قبله مسلمانان تغییر کرد و پیروان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به سوی کعبه نماز گزاردند، مسجدالحرام و مکه پایگاه اصلی اسلام شد. این اقدام علاوه بر پیروزی فرهنگی بر قوم یهود، پیروزی بر قریش نیز بود؛ زیرا تا پیش از این کعبه در انحصار عقائد شرک‌آلود کفار قریش بود. با این حرکت آیین توحیدی ابراهیم علیه‌السلام احیا شد، مکه موقعیتی ممتاز یافت و تمام مسلمان‌ها رو به قبله‌ای واحد نماز گزاردند:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذى بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمينَ؛[2] یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پربرکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.

---

۱. همان، ص ۳۲.

۲. آل عمران / ۹۶.

کعبه نخستین خانه توحید بود که به سوی آن نیایش و پرستش پروردگار انجام می‌شد و نیز نخستین نقطه‌ای شد که به صورت مرکز اجتماع مبارک مسلمان‌ها درآمد. خداوند از این طریق به امت اسلامی هویّت بخشید، وحدت آنها را تضمین نمود و از آنها دعوت نمود تا اختلاف‌ها و تفاوت‌ها را کنار نهند و اجتماعی بزرگ و واحد تشکیل دهند.[۱]

اگر کسی از بالا به صفوف نمازگزاران مسلمان بنگرد دایره‌های متعددی را خواهد دید که یکی درون دیگری قرار گرفته تا به کانون اصلی خویش یعنی کعبه برسد. جهان اسلام یعنی دایره‌های متداخلی که مرکز واحدی دارد و یکپارچگی و وحدت خصیصه اصلی آنهاست براین‌اساس، مسجد یعنی محل اجتماع مسلمانان که تا در این مکان با شکوه گرد یکدیگر آیند، تضارب آراء نمایند، با یکدیگر تعامل فرهنگی نمایند و برّ و تقوی را به اشتراک گذارند.[۲]

قرآن کریم نماز، قبله و کعبه را براساس حکمتی والا تشریع نمود. این حکمت چیزی جز این نیست که مسلمانان ید واحده باشند. تفرقه در میان آنان نباشد. مرکزی وحدت‌بخش آنها را گرد یکدیگر جمع کند و با یکدیگر پرستش خداوند یگانه کنند.[۳]

نقل کرده‌اند که مرد نابینایی به محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و اظهار داشت که من نابینا هستم، چه بسا صدای اذان را می‌شنوم ولی کسی نیست مرا به نماز جماعت مسجد آورد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

از منزل خود تا مسجد ریسمانی ببند و به جماعت حاضر شو تا از اجتماع مسلمین دور نمانی.[۴]

---

۱. سید قطب، **فجر ظلال القرآن**، ج ۱، ص ۱۳۴.
۲. مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، ج ۱، ۴۹۵؛ جوادی آملی، **تسنیم**، ج ۶، ص ۵۶۳.
۳. مطهری، **خدمات متقابل اسلام و ایران**، ص ۲۵۱.
۴. طوسی، **تهذیب الأحکام**، ج ۳، ص ۲۵.

هشتم) امنیت عمومی

در مساجد امنیت حاکم بود. مسجد محلی امن برای مسلمانان به حساب می‌آمد و این مکان منزّه نماد امنیت اجتماعی محسوب می‌شد. امنیت اجتماعی از مسجد به جامعه تسرّی می‌نماید. خداوند امنیت را در مسجد قرار داد:

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ؛[1] و [یاد کنید] هنگامی که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گردهمایی و جای امن وامان قرار دادیم، و [فرمان دادیم:] از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید. و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که: خانه‌ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع کنندگان وسجده‌گذاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید.

کعبه و مسجدالحرام مکان امنی برای مسلمانان به حساب می‌آمد. خداوند به آنجا برکت بخشید و آن مسجد را فضای امن و آرام قرار داد. در سایه امنیت و آرام مسجد، برکت امکان‌پذیر است. مسجد نقشی بازدارنده در ناهنجاری‌ها، نزاع‌ها و ستم‌ها دارد؛ به‌گونه‌ای که در آنجا مسلمانان تمرین عدل‌ورزی و مهرورزی می‌کنند. در مسجد مسلمان‌ها با تمام اختلافات قومی، نژادی، زبانی و مذهبی جمع می‌شوند و با یکدیگر از فیض الهی بهره‌مند می‌گردند. مسلمان‌ها در مسجد یاد می‌گیرند تا خصومت‌ها را کنار گذاشته و سیر تعامل و امنیت پیش گیرند.

ب) نقش سیاسی

بسیاری از امور سیاسی در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد انجام می‌شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد را به بزرگ‌ترین پایگاه سیاسی حکومت تبدیل کرد و در آنجا امور حکومتی را به اجرا می‌گذارد.

---

۱. بقره / ۱۲۵.

اول) دیدار با هیئت‌های سیاسی

سران قبائل و نیز نمایندگان و فرستادگان آنان برای آشنایی با اسلام و مذاکره با شخصیت اول جهان اسلام به مدینه می‌آمدند و رسول خدا ﷺ آنها را در مسجد به حضور می‌پذیرفت. آنها سؤالات خویش را مطرح می‌کردند و پاسخ‌های منطقی و روشن از رسول خاتم ﷺ دریافت می‌نمودند. گاهی در حیات مسجد، چادرهایی برپا می‌شد تا از میهمان‌های حضرت محمد ﷺ پذیرایی شود.

آورده‌اند که انس ابن مالک می‌گفت[1] ما در مسجد نشسته بودیم که مردی شترسوار وارد مسجد شد و شترش را در مسجد بر زمین خواباند، سپس پایش را بست و از افراد مسجد که رسول خدا ﷺ نیز در میان آنان نشسته بود، پرسید کدامیک از شما محمد هستید؟ (راوی) می‌گوید: این مرد سفیدپوست که تکیه داده است. آن مرد به پیامبر ﷺ گفت: ای فرزند عبدالمطلب! پیامبر ﷺ فرمود: تو را اجابت نمودم. آن مرد به پیامبر ﷺ گفت: ای محمد ﷺ مرا از تو پرسش‌هایی است که در گرفتن پاسخ آنها سخت پافشاری می‌کنم. مبادا از این بابت بر من خشم‌گیری. پیامبر ﷺ فرمود: هرچه می‌خواهی بپرس. آن مرد به پیامبر ﷺ گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار پیشینیانت سوگند می‌دهم آیا خداوندی تو را به سوی همه مردمان فرستاده است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آری. گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا خداوند تو را امر نمود تا نمازهای پنجگانه را در روز و شب به جای آوری؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آری. گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا خداوند تو را فرمان داد که این ماه از سال را روزه بگیری؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آری. گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم، آیا خداوند تو را امر کرد که این صدقه را از ثروتمندان بگیری و بین فقرایمان تقسیم کنی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آری. آن‌گاه آن مرد گفت: به آن چه آوردی ایمان آوردم و من فرستاده کسانی از قوم خود هستم که در پی من می‌آیند. من ضمام بن ثعلبه از قبیله بنی سعد بن بکر هستم.

---

۱. ابن ماجه، **سنن ابن ماجه**، ج ۱، ص ۴۴۹.

در آغاز اسلام رویه پیامبر ﷺ این بود که در مسجد می‌نشست و افراد مختلفی یا هیئت‌های سیاسی با ایشان ملاقات می‌کردند و با یکدیگر به بحث و گفتگو می‌پرداختند. پیامبر ﷺ از مسجد به عنوان مرکز عبادت و نیز دیدار با نمایندگان استفاده می‌نمود. رسول خدا ﷺ به جز این‌که فرستادگان سیاسی را در مسجد می‌دید، از مسجد نمایندگانی به نقاط دوردست می‌فرستاد و با آنها به بحث و گفتگو می‌پرداخت.

ابن اسحاق نقل می‌کند[1] پس از این‌که رسول خدا ﷺ از تبوک برگشت، ماه رمضان بود. هیئت ثقیف خدمت آن حضرت رسیدند و پیامبر ﷺ برای آنها در گوشه مسجد خیمه‌ای به پا داشت و در آن می‌زیستند و بلال از خانه پیامبر ﷺ برای آنان غذا می‌برد و رسول خدا ﷺ هر شب بعد از شام نزد آنان می‌رفت و با ایشان حرف می‌زد.

ابن سعد می‌نویسد که پیامبر اکرم ﷺ به هنگام استقبال از هیئت‌های خارجی بهترین لباس‌هایش را می‌پوشید و به بزرگان اصحاب دستور می‌داد که چنین کنند.[2]

در مسجدالنبی مکانی به نام استوانة الوفود وجود دارد که تا به امروز جایگاه آن معلوم است. رسول خدا ﷺ در کنار این ستون می‌نشست و به گفتگو با هیئت‌های سیاسی و فرستادگان اعزامی از سوی قبائل و طوایف مختلف می‌پرداخت. همزمان با رشد و توسعه اسلام و ظهور اقتدار و عظمت مسلمانان، حضور این هیئت‌ها رو به فزونی گذارد و مباحث آنان از مسائل سیاسی، جنبه اعتقادی و ایمانی نیز گرفت. این مذاکرات گاهی به انعقاد عهدنامه منجر می‌شد.[3]

---

۱. کتانی، **التراتیب الاداریه**، ج۱، ص ۴۴۷.
۲. ابن سعد، **طبقات الکبری**، ج ۴، ص ۳۶۴.
۳. واقدی، ال**مغازی**، ص ۷۳۴.

دوم) روشنگری افکار عمومی

از دیگر رسالت‌های مسجد این بود که مبارزات با کج‌روی‌ها و انحرافات فکری در این مکان پاک انجام می‌شد. سیره حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که به هنگام مشاهده ناهنجاری یا کج‌روی در مسجد حضور می‌یافت و ذهن و فکر مسلمانان را روشن می‌نمود.

گفتنی این‌که نقش روشنگرانه مسجد بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به تدریج رنگ باخت و با فشار اختناق حاکمان اموی و عباسی، مسجد نتوانست این رسالت بزرگ خود را آن‌گونه که باید ایفا کند. اما گاهی این نقش عمده مسجد توسط اولیای حق احیا می‌شد. به نمونه‌های تاریخی در این زمینه می‌توان توجه نمود؛ خواندن خطبه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام پیرامون مسئله فدک، سخنرانی ابیّ بن کعب در نماز جمعه پیرامون فضایل اهل بیت علیهم‌السلام،[۱] سخنرانی امام حسین علیه‌السلام در حضور خلیفه دوم.[۲] زمانی که به امام سجاد علیه‌السلام خبر رسید عدّه‌ای در مسجدالنبی به ناسزاگویی دربارهٔ امیرمؤمنان علیه‌السلام زبان گشوده‌اند، امام علیه‌السلام به مسجد شتافت و آنان را اندرز نمود.[۳]

آنگاه که معاویه در مسجد بزرگ دمشق پیروزی خود را بر اهل بیت علیهم‌السلام، پیروزی بر دشمنان خدا برشمرد، صعصعه بن صوحان با شجاعت برخاست و به یاوه‌سرایی‌های او پاسخ گفت.[۴]

امام صادق علیه‌السلام روزی به مسجد درآمد و مشاهده نمود که فرماندار منصور به بدگویی از حضرت علی علیه‌السلام مشغول است. آن امام علیه‌السلام از جای برخاست و سخنانی عالمانه و شجاعانه بر زبان جاری کرد. این عمل چنان تأثیرگذار بود که نماینده منصور مسجد را ترک کرد.[۵]

---

۱. طبرسی، **احتجاج**، ص ۹۲.
۲. همان، ص ۲۹۲.
۳. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۴۶، ص ۱۴۳.
۴. همان، ج ۴۴، ص ۱۳۲.
۵. همان، ج ۴۷، ص ۱۶۵.

سوم) انجام بیعت

در صدر اسلام رسم بر این بود که تازه مسلمانان به جهت وفاداری خود به آیین اسلام به مدینه می‌آمدند، در مسجد حاضر می‌شدند و با حضور مسلمانان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیعت می‌نمودند. این عمل پایبندی آنها را به آیین جدید و فرامین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نشان می‌داد؛ چنانکه برای تازه‌گروندگان به آیین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جنبه سیاسی نیز داشت.[۱]

حاصل آن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چه در مکه و چه در مدینه، از مسجد به عنوان یک سنگر سیاسی و اجتماعی برای هویت‌بخشی به کیان جامعه اسلامی بیشترین بهره‌ها را برد. آن حضرت این نهاد مقدس را برای حیات سیاسی و تشکل اجتماعی در جامعه آن روز همچون قلبی تپنده درآورد. انجام مراسم، برنامه‌ها، دیدارها و روشنگری‌ها همه و همه، جهت اقتدار سیاسی و اجتماعی حکومت اسلامی بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم رییس حکومت اسلامی بود و هم عهده‌دار امور مسجدالنبی بود و از این رهگذر پیوند مبارکی میان مسجد و حاکمیت برقرار نمود. همراه با گسترش اسلام در مناطق و بلاد مختلف، مسجد به عنوان پیام‌آور حاکمیت اسلامی توسعه یافت و محلی امن برای مسلمانان شد. بیشترین حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مساجد بود و همواره کارگزاران و نمایندگان خویش را دعوت می‌نمود تا مسجد بسازند و فرهنگ دینی را در مساجد برپا دارند و در یک کلام خلاصه می‌توان گفت مسجد مهم‌ترین نهاد حکومت نبوی به حساب می‌آمد.

بسیار زیبنده است که این نقش مسجد امروزه احیا گردد. مسجد خانه خدا و مکانی مناسب برای طرح مسائل عمومی مسلمانان است. لازم است نقش سیاسی و اجتماعی مسجد به رسمیّت شمرده شود و این رسالت بزرگ به مسجد بازگردد.

چهار) کارکرد نظامی

از دیگر نقش‌ها و عملکردهای مسجد این بود که جنگ و نیز صلح از مسجد

---

۱. واقدی، ال **مغازی**، ص ۵۶۸.

آغاز می‌شد. مسجد پایگاه اصلی حکومت در امور نظامی به حساب می‌آمد.

اول) اردوگاه سپاه

در عصر رسول خاتم ﷺ سپاهیان و مجاهدان اسلام در مسجد تجمع می‌نمودند و از آنجا به سمت جبهه‌های جنگ گسیل می‌شدند. در جنگ احد مردم مدینه از هر سو به طرف مسجد پیامبر شتافتند و در آنجا اجتماع نمودند. فرماندهان شب را در مسجد سپری کردند و صبح با سپاهیان عازم احد جهت جنگ با سپاهیان قریش شدند.

دوم) مداوای مجروحان

بعد از جنگ، مجروحان زیادی را به سمت مدینه یا مکه می‌آوردند و آنان را در مسجد قرار داده مشغول مداوا می‌شدند. سعد بن معاذ بعد از آن که در جنگ خندق مجروح شد در مسجد بستری گشت و زنی از قبیله خودش مشغول مداوای او شد. نام این زن رفیده بود که خود را وقف خدمت به مجروحان و بیماران نموده بود.

نوشته‌اند اولین شخصی که در عالم اسلام بیمارستان ساخت ولید بن عبدالملک در سال ۸۸ هـ.ق بود. او این بیمارستان را در مسجدی بزرگ برپا نمود و اطبایی را به آنجا دعوت کرد. وی دستور داد در این مکان برای جذامیان، کودکان و کوران مکانی را تهیه دیدند و از بیت‌المال مخارج آنجا را تأمین می‌نمود.[۱]

سوم) مقرّ فرماندهی

رسول خدا ﷺ در مسجد با ایراد خطابه‌های آتشین مردم را برای اعزام به جهاد و مقابله با کفر و الحاد آماده می‌نمود. مقدمات جنگ‌ها و غزوه‌ها در مسجد

---

۱. ابن بطوطه، **رحلة**، ص ۲۰۸.

تدارک دیده می‌شد و مسجد پایگاهی مهم برای بسیج عمومی مسلمان‌ها برای جهاد به حساب می‌آمد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد را مقرّ فرماندهی جنگ و صلح قرار داده بود.

روزی سپاه اسلام اطراف قلعه بنی‌نضیر را محاصره کرد، آنان شروع به تیراندازی و سنگ زدن کردند. شبانگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام را به فرماندهی سپاه گماشت و به مدینه بازگشت. قبّه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله که از چوب و مو بود مورد اصابت قرار گرفت. این مسجد تا به امروز پابرجاست و از مساجد مهم شیعیان قبا به حساب می‌آید.[۱]

مسلمانان پس از امضا صلح حدیبیه در سال ششم توانستند در سال هفتم هجرت (یک سال پس از تاریخ قرارداد) وارد مکه شوند و پس از سه روز اقامت در مکه و انجام اعمال عمره شهر مکه را ترک گویند. آنان می‌باید در این مدت جز سلاحِ مسافر که همان شمشیر است سلاح دیگری همراه نداشته باشند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از مسجد مدینه احرام بست و دیگران نیز از وی پیروی نمودند. دو هزار نفر لبیک‌گویان با لباس‌های احرام راه مکه را پیش گرفتند. این کاروان آنچنان شکوه و جلالی داشت که بسیاری از مشرکان را به معنویت و حقیقت اسلام متوجه ساخت. این سفر تبلیغی بود و این افراد در حقیقت سپاه تبلیغ اسلام بودند.[۲]

پنج) کارکرد قضا

هرگاه اختلافی میان دو مسلمان پیدا می‌شد، آنها دعوای خود را نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌بردند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد می‌نشست و نزاع‌ها و کشمکش‌های آنان را حلّ و فصل می‌نمود. اگر به تاریخ صدر اسلام بنگریم به دست می‌آید که اولین قاضی در اسلام وجود مبارک نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. آن حضرت اشخاصی را هم

---

۱. جعفریان، **تاریخ سیاسی اسلام**، ص ۵۴۳.

۲. سبحانی، **فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام**، ص ۲۶۰.

برای داوری به مکان‌های دور یا نزدیک می‌فرستاد، چنانکه حضرت علی علیه‌السلام را برای قضاوت به یمن فرستاد. امیر مؤمنان علیه‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: من جوانم و سن کمی دارم و علمم برای قضاوت کم است. آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

خدا قلبت را هدایت می‌کند و زبانت را ثابت می‌گرداند. وقتی که دو نفر برای قضاوت نزد تو آمدند و مقابلت نشستند، داوری نکن مگر این‌که سخن هر دو طرف را بشنوی. آن‌گاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: بعد از آن هیچ‌گاه در قضاوتی نلرزیدم.[۱]

گفتنی این‌که کار قضات در آغاز عمدتاً پرداختن به شکایت و حلّ دعاوی مسلمانان بود. امّا رفته‌رفته با توسعه جهان اسلام، دامنه امور قضاوت گسترش یافت و اموری نظیر مجانین، ایتام، مفلسین، مهجورین و اوقاف به عهده قاضیان گذارده شد.[۲]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد به امر قضاوت می‌پرداخت، چنانکه امیر مؤمنان علیه‌السلام در مسجد کوفه مکانی به نام دکه القضا ساخت و در آنجا اختلافات مسلمانان را فیصله می‌داد. امر قضاوت بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضور اهل بیت علیهم‌السلام استمرار یافت و از رویه‌های عمومی مسلمین گشت. مقدسی نقل می‌کند که از رسم‌های نیکوی نیشابوری، به داوری نشستن سپهسالار با وزیر اوست که با کمک قاضی و رئیس و چند تن از دانشمندان و بزرگان، روزهای دوشنبه و پنجشنبه در مسجد رجا حکم صادر می‌کنند و این در کشور اسلام بی‌مانند است.[۳]

البته گاهی منازعات مسلمانان در حدّ شکایت و قضاوت نبود و تنها مشاجره‌ای ساده و اختلافی کوچک شکل می‌گرفت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به هنگام بروز اختلاف کوچک، طرفین را به مسجد فرا می‌خواند و با گفتگو و به صورت مسالمت‌آمیز آنها را با یکدیگر آشتی می‌داد تا نزاع و دلخوری کاملاً از بین برود.

---

۱. ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، ج۱، ص۱۸.

۲. ابن خلدون، **مقدمه**، ص۲۲۰.

۳. مقدسی، **احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم**، ج۱، ص۲۲۳.

مسجد نهادی بود که قسط و عدل را برپا می‌کرد، مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی از مسجد آغاز شد، مسجد داد مظلومان را می‌ستاند و مسجد فصل الخطاب بود. به زبان دیگر مسجد در آن روزگار جایگاه قوّه قضائیه و شورای حل اختلافات را بر عهده داشت و امور دادخواهی و دادگستری برای عموم در آنجا انجام می‌شد. در این میان مسجدالنبی جایگاه ویژه‌ای داشت و بارها شاهد استغاثه مظلومان و شکایت ستم‌دیدگان بود.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره یاور و پشتیبان ستم‌دیدگان بود و هرگاه اختلافی میان دو نفر یا دو قبیله پدید می‌آمد با عدل میان آنان قضاوت می‌کرد و فتوا می‌داد. برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قبیله، نژاد، جنسیت و جایگاه فرد اهمیّت نداشت بلکه ایشان تنها براساس قانون خدا و عدالت داوری می‌نمود.

دو | مسجد طراز

قرآن، سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام سیمای مسجد ایده آل را در اختیار ما قرار می‌دهد. مسجدِ مطلوب دارای کارکردها و نقش‌های فراوانی در ابعاد وسیع است. مسجدِ آرمانی به اندازه تمام ابعاد اسلام و تمام جنبه‌های حکومت اسلامی رسالت و وظیفه دارد. ارکان اصلی حکومت نبوی مسجد تلقّی می‌شد. سیره اهل بیت علیهم‌السلام به ما نشان می‌دهد که مسجد جهت فرهنگ‌سازی و نیز انسان‌سازی مهم‌ترین پایگاه بوده است. مسجد تمام حمله‌های دشمنان را خنثی می‌کرد. گسترش دین و توسعه فرهنگ اسلامی از طریق مسجد شکل گرفت و در یک سخن خلاصه مسجد مقرّ حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. مسجد معیار دارای ویژگی‌ها و ابعاد متنوعی است که توجه به آنها می‌تواند در بازشناسی مساجد موجود و احیا آنها تأثیرگذار باشد.

یک) انسان‌سازی و رشد معنوی

مساجد انسان‌ها را با خدا آشنا می‌کنند. از آنجا که مسجد خانه خداست و عبادتگاه مسلمانان محسوب می‌گردد، انسان‌سازترین مکان، مسجد به حساب

می‌آید. دعا، راز و نیاز با خدا، نماز، اعتکاف، یاد خدا و تمام عبادت‌ها مکانی اصیل به نام مسجد دارند و انسان از طریق این امور به خدا نزدیک شده به درگاه الهی بار می‌یابد.

مسجد کانون تربیت و هدایت انسان‌هاست. نظارت بر سیر و سلوک عرفانی در مسجد انجام می‌شود. تربیت الهی محصول ارتباط با مساجد است. مسجد در رساندن آدمیان به قرب خدا نقش مهمی ایفا می‌کند. دین می‌تواند نیاز معنوی بشر را تأمین نماید و این امر در سایه‌سار هدایت مسجد امکان‌پذیر است.

عبادت پروردگار یکی از حقوق الهی است. بر آدمیان فرض است این حق را به شایسته‌ترین وجه تحقق بخشند. معنویت و عبادت باعث رشد روحی و جسمی انسان می‌شود. عبادات تکامل‌بخش انسان‌ها بوده آدمی را تا مبدأ عالم بالا می‌برند. رشد آدمی جز از رهگذر عبادت و پرستش ممکن نیست و مسجد تنها مرکزی است که نمایان‌گر رابطه انسان با خالق جهان است.

مسجد کانون ذکر و مرکز رابطه مستقیم با خداست. حضور شکوهمند انسان برای عبادات جمعی در این مکان مقدس محقق می‌گردد. اهل مسجد همواره به ذکر، تسبیح، یاد آخرت، خودسازی و تهذیب نفس مشغولند. مسجد خلوتگاه راز و نیاز با معبود است و بندگی انسان در مساجد ظاهر می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

اهل مسجد به داشتن این نعمت مفتخرند که هر گاه دعایی خوانند، خداوند بهشت ارزانی آنان نماید و به سبب دعایشان بلای دنیا از آنان بگرداند.[۱]

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره فرمود:

مادامی که انسان در مسجد نشسته باشد خدای تعالی به ازای هر نفس یک درجه در بهشت به او عطا کند، ملائکه به او درود فرستند، ده حسنه برایش بنویسند و ده گناه از نامه اعمالش محو کنند. اگر در حال رفتن به مسجد بمیرد

---

۱. حرّ عاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۵، ص ۱۹۴.

خداوند بهشت را برای او ضمانت گرداند.[۱]

امام صادق علیه‌السلام در مناقب امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

پنج تن در محراب بشارت‌هایی را به دست آوردند: سلیمان علیه‌السلام تا یک سال پس از مرگش همچنان پادشاه بود (سبأ/۱۴)، داود علیه‌السلام عفو خدا را بدست آورد (ص/۲۴)، مریم علیهاالسلام را طعام بهشتی نصیب شد (آل عمران/۳۷)، یحیی علیه‌السلام را به زکریّا علیه‌السلام بشارت دادند (آل عمران/۳۹) و علی علیه‌السلام به امامت رسید (مائده/۵۵).[۲]

دو) فرهنگ‌سازی و توسعه ارزش‌های دینی

یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های مسجد نشر معارف قرآنی و فرهنگ‌سازی است. مسجد به دلیل جایگاه رفیعی که دارد می‌تواند فرهنگ عمومی را بازسازی نماید و سبک زندگی انسان‌ها را اصلاح کند. نقش جامعه‌شناختی مسجد به ما می‌گوید ایجاد تغییرات اجتماعی با مسجد امکان‌پذیر است.

در مسجد مردم با آموزه‌های دینی آشنا می‌شوند. مسجد انسان را با پاکان و نیکان همنشین می‌نماید. هدایت الهی در مسجد توزیع می‌شود و هدایت‌یافتگان در این مرکز آسمانی به سوی پروردگار عالم رهنمون می‌گردند.

اصلاح مفاسد اخلاقی و نابهنجاری‌های اجتماعی از طریق ارتباط با مساجد تحقّق می‌یابد؛ زیرا که یکی از مهم‌ترین کارکردهای مسجد این است که مأمن نمازگزاران بوده انسان نمازگزار را از منکرات و زشتیها دور سازد:

اتْلُ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتابِ وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُاللهِ أَكْبَرُوَاللهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ؛[۳] آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می‌دارد؛

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۸۰، ص ۳۰.

۲. ابن شهرآشوب، **مناقب**، ج ۳، ص ۲۶۳.

۳. عنکبوت/ ۴۵.

و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است، و خدا آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند.

مشاهده صالحان و هدایت‌یافتگان، شنیدن داستان‌های زیبای قرآن، برگزاری دعاها و زیارات، مشاهده اماکن مشرفه، ذکر خدا و همنشینی با صالحان می‌تواند ارزش‌های دینی را در ذهن اهل مسجد زنده نگه داشته زشتی‌ها را از آنان دور نماید.

مسجد می‌تواند در تبیین مسائل اعتقادی و معارف دینی کمک نماید. مسجد می‌تواند به دفع شبهات دینی و پاسخ دادن به سؤالهای اعتقادی مدد رساند و مسجد همواره توانسته است مرکز تعلیم و تربیت باشد. آموزش معارف اسلامی چنان با مساجد عجین شده است که هر کس با دیدن مسجد به یاد دین و نام خدا می‌افتد. برگزاری کلاس‌های آموزشی و کرسی‌های اعتقادی در کنار عبادت، نقش مسجد را کامل می‌کند. اهل مسجد باید بیشترین اطلاعات را نسبت به احکام، ارزش‌های اخلاقی و مسائل اعتقادی داشته باشند. از آنجا که نیازهای دینی مردم توسعه یافته متنوع گردیده است، مسجد باید با مدیریتی فعال به امر تربیت و نشر آموزه‌های دینی بپردازد تا در جذب مخاطبین خصوصاً جوانان موفق ظاهر گردد.

پایداری و حفظ ارزش‌های دین در گرو حفظ مساجد است. مسجد در هر کوی و برزن یادمان ارزش‌های ناب بوده پایگاه جوانمردان است. هر کس به حریم دین، مقدسات و ارزش‌ها تجاوز کند خود را رودرروی مسجد می‌بیند. پیروزی در جهاد اکبر و حفظ ارزش‌های اخلاقی برای کسانی است که در مسجد پرورش یافته‌اند. حفظ ارزش‌ها تنها از طریق آشنایی با آنها امکان‌پذیر است و آگاهی به هنجارها و ارزش‌های الهی از طریق آموزش‌گاه‌های مساجد حاصل می‌آید.

سنت‌های دینی می‌توانند فراموش شوند و حتی جای خود را به خرافات و ارزش‌های ناروا دهند. این مسجد است که سنت‌های الهی را زنده نگه داشته و مانع فراموشی آنها می‌گردد. با زنده نگه داشتن سنت‌های دینی و آداب قرآنی می‌توان نسل جدید را نجات داد و آنان را سمت حقیقت رهنمون شد.

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که همواره دین دستخوش تحریف و ورود خرافات بوده است. فرصت‌طلبان و حاکمان ظالم با انگیزه‌های گوناگون بدعت‌ها و انحرافات مختلفی را به دین وارد می‌کردند و آنها را به عنوان دین به مردم نشان می‌دادند. مهم‌ترین مکانی که می‌تواند برای مقابله با بدعت‌گران و خرافه‌سازان خطرناک باشد مسجد است. مساجد می‌تواند با سازماندهی مناسب و انجام آموزش‌ها و اقدامات مؤثر تحریفات و خرافات را از دین بیرون کند و در این راستا روشنگری نمایند.

مسجد مکان مناسبی برای پاسداشت مکتب است. همواره آزادی‌خواهان و جان‌برکفان مسجد را پایگاه خویش قرار می‌دادند تا آرمان‌های بزرگ اسلامی و انقلابی را از مأذنه‌های مساجد فریاد می‌زدند. همواره مساجد بودند که جوامع و گروه‌های اجتماعی را به حرکت درآورده‌اند و آنها را به سوی اهداف مقدس پیش برده‌اند. مسجد منادی ارزش‌های دینی، محل نظر معارف الهی، یادمان فرهنگ اسلامی و سنگر حفظ نسل جوان است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هر کس به مسجد رفت و آمد نماید، هشت خصلت را به دست آورد: نشانی استوار، فریضه‌ای انجام یافته، سنتی به پا داشته شده، علمی جدید، دوستی مفر، سخنی که او را به راه راست آورد، آباد کردن مساجد و ترک گناه.[1]

سه) جامعه‌سازی و رشد سیاسی

مسجد کانون حل اختلافات مردم است. محور انسجام مسلمانان مسجد است. کسانی که با مسجد در ارتباطند، به وحدت و همدلی با یکدیگر پایبند بوده خواهان اقتدار اسلامند. اقامه نماز جماعت و تشکیل صفوف منظم، درس یکپارچگی و هماهنگی می‌دهد. اگر برای حضور در مساجد تشویق بسیار شده است، این امر به دلیل حفظ اتحاد مسلمین و تحقق یکدلی آنان است. وحدت اسلامی تا بدان پایه اهمیّت دارد که امامان معصوم علیهم‌السلام فرموده‌اند:

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج۸۱، ص۳.

هر کس با ایشان (اهل تسنن) در صف اوّل نماز بخواند، همانند کسی است که در راه خدا جهاد کند.[۱]

مسلمانان عوامل وحدت‌زای فراوانی دارند و تفاوت‌ها و اختلاف‌های آنها بسیار کمتر از اشتراکات آنهاست. لذا باید به ریسمان الهی چنگ زنند و از عوامل تفرقه‌افکن بپرهیزند تا نفاق از میان آنان برچیده شود و به ویرانی دین نینجامد خداوند به مسلمانان امر فرمود:

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ؛[۲] این کتاب را تدریجاً به حق و راستی بر تو نازل کرد، که تصدیق کننده کتاب‌های پیش از خود است؛ و تورات و انجیل را.

مساجد توده مسلمانان را با امام و پیشوا مرتبط می‌کنند. این ارتباط مستمر می‌تواند آنان را با مسائل سیاسی و اجتماعی زمان آگاه سازد. مسجد هماره بزرگترین پایگاه اعلان مسائل حکومتی بوده است. هنوز طنین خطبه‌های آتشین فاطمه زهرا علیهاالسلام در دفاع از ولایت و نیز خطبه رسواکننده امام سجاد علیه‌السلام پس از فاجعه کربلا به گوش می‌رسد و از این طریق اسلام در عالی‌ترین شکل خویش به حیات خود ادامه داد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مبارزه با بت‌پرستی را از مسجدالحرام آغاز کرد؛ چرا که به حکم قرآن بایست مسجد را برای طواف، اعتکاف و نماز پاک می‌کرد:

وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفينَ وَ الْعاكِفينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ؛[۳] و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.

زائران خانه خدا که در ماه‌های حرام به مکّه می‌آمدند به دیدار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌شتافتند و تحت تأثیر تبلیغات آن حضرت قرار می‌گرفتند. آنان پس از بازگشت

---

۱. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۸، ص ۳۰۱.
۲. آل عمران / ۳.
۳. بقره / ۱۲۵.

به میان قبایل خویش، حامل پیام اسلام و پیامبر اکرم ﷺ بودند. از این طریق پیام اسلام و قرآن در میان قبایل و طوایف پیچید و ضربه‌ای شکننده به بت‌پرستی و شرک وارد شد. رسول خدا ﷺ به جز این‌که خود به تبلیغ دین می‌پرداخت، یاران خویش را برای تبلیغ دین به اطراف و اکناف گسیل می‌کرد.

پیامبر خاتم ﷺ هیئت‌های نمایندگی دیگر اقوام و بلاد را در مسجد به حضور می‌پذیرفت و با آنان به گفتگو می‌پرداخت. همچنین نمایندگانی از سوی خود را در مسجد تعیین می‌نمود و آنان را برای تبلیغ و ارسال پیام الهی به میان قبایل و طوایف می‌فرستاد تا ندای توحید را گسترش دهند و مردم را به آیین محمدی ﷺ دعوت نمایند.

پس از سقوط هبل از بام کعبه آن را در کناب باب بنی‌شیبه دفن کردند و رفت و شد موحدان در اینجا به معنای کوبیدن شرک و بت پرستی است. استحباب ورود از این در به مسجد به همین دلیل است. در سمت شمالی مسجدالحرام افزون بر درهای متعدد، مهم‌ترین دری که در امتداد کوه مروه قرار دارد، باب‌الفتح است که ورودی آن بسیار بزرگ می‌باشد. این همان دری است که رسول خدا ﷺ در فتح مکه (۲۰ رمضان سال هشتم هجرت) از آن وارد گردید.[۱]

اسلام دینی کاملاً سیاسی است. بدون شک سیاست با قدرت قرین است و پیداست که قدرت نظارتی نیرومند را لازم دارد. مسجد از مهم‌ترین عوامل کنترل سیاسی به حساب می‌آید. رسول خدا ﷺ مسجد را پایگاه حکومت خویش قرار داد و از آنجا امور سیاسی را نظارت می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ و نیز امیر مؤمنان علیه‌السلام افرادی را به عنوان «عیون» یا ناظر بر اعمال حاکمان و والیان تعیین می‌نمود. ایشان همواره از مردم می‌خواست بر صاحبان قدرت و ثروت نظارت داشته باشند تا از حدود الهی تخطی نکنند. مسجد محل بسیج همگانی مؤمنین و مؤمنات است و ضامن و کنترل‌کننده قدرت.

---

۱. جعفریان، **آثار اسلامی مکه و مدینه**، ص ۱۰۴.

چهار) دادخواهی و عدل گستری

اقامه قسط و عدل از فرامین مهم قرآن است و مسلمانان به اجرای حدود الهی دعوت شده‌اند. خداوند ارسال رسل را با هدفی مهم انجام داد:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَديدَ فيهِ بَأْسٌ شَديدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزيزٌ؛[1] همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردم نشان داد که مسجد در اجرای عدالت و دادخواهی نقش مهم دارد. اجرای حدود الهی و اصلاح کژی‌های اجتماعی در مسجد انجام می‌شد. آغاز حرکت اصلاحی مصلحان از مسجد بود. مساجد کانون حل اختلافات مردم و مهم‌ترین نهاد امر به معروف و نهی از منکر بود. بهترین تشکّل‌های مردم جهت مبارزه با پلیدی‌ها و مفاسد اجتماعی با مسجد گره می‌خورد.

فساد با مسجد رابطه‌ای ندارد. فاسدان و مفسدان با مسجد بی‌ارتباطند. مسجد ناهنجاری‌ها و ضدارزش‌ها را برنمی‌تابد. مسجد حامی ستم‌دیدگان و پشتیبان مظلومان است. شیوه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که در صورت بروز اختلافات خانوادگی، قبیله‌ای و همسایه‌ای به حکمیت می‌پرداخت و بدین منظور از معتمدین محل در مسجد استفاده می‌کرد و از این طریق خصومت‌ها و کشمکش‌ها را فیصله می‌داد.

حاصل آن که مسجدِ معیار، کارکردها و بایسته‌های متنوعی دارد. امروزه این نقش‌ها باید احیا گردد و باید مساجد موجود رسالت‌های خود را تا حد مساجد صدر اسلام توسعه داده تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند.

---

۱. حدید / ۲۵.

کارکردها و بایسته‌های مسجد (مسجد طراز)

کارکرد عبادی و معنوی

- نماز
- یاد خدا
- دعا
- اعتکاف
- قرائت قرآن
- توبه
- همنشینی با پاکان
- تقرب معنوی

کارکرد فرهنگی

- آموزشی
- وعظ و خطابه
- تربیت مبلغ
- کتابخانه‌های مساجد
- پاسخ به سؤالات و شبهات
- مسجد کانون حفظ ارزش‌ها
- مبارزه با تحریف‌ها و خرافات

کارکرد اجتماعی و سیاسی

نقش اجتماعی

- توسعه و ترویج اسلام
- پایگاه مصلحان اجتماعی
- پناهگاه مسافران و غریبان
- جشن و مراسم

- بسیج همگانی
- محل ازدواج و طلاق
- برنامه شعرخوانی
- مکان خرید و فروش
- عامل وحدت‌بخش
- امنیت عمومی

نقش سیاسی

- دیدار با هیئت‌های سیاسی
- روشنگری افکار عمومی
- انجام بیعت
- کنترل سیاسی
- پایگاه حکومت

کارکرد نظامی

- اردوگاه سپاه
- مداوای مجروحان
- مقر فرماندهی

کارکرد قضا

- قضاوت
- حل اختلاف

سه | جایگاه مسجد در جهان امروز

امروزه مساجد در غرب و نیز جهان اسلام از جایگاه مطلوبی برخوردار نیستند. البته ممکن است جایگاه مسجد در منطقه‌ای نسبت به منطقه دیگر متفاوت باشد امّا با یک نگاه کلی می‌توان دریافت که مساجد کنونی با مسجد در صدر اسلام فاصله زیادی دارند.

امروزه از یک سو تهدیدهای دشمنان علیه اسلام فراوان و روزافزون است؛ اسرائیل سرزمین‌های قدس شریف را به اشغال درآورده و تخریب مسجد الاقصی را در سرمی‌پروراند، آمریکا با دخالت‌های فراوان در کشورهای اسلامی و ظلم‌ها و فشارهای روزافزون نسبت به آنان شروع مجدد جنگهای صلیبی را فریاد می‌کشد، تمام امکانات و تجهیزات استکبار جهانی علیه اسلام فعّال شده هجمه فرهنگی به صورت وسیع در جریان است و نیز اختلافات شدید میان کشورهای اسلامی دل هر مسلمانی را پر از اندوه می‌سازد.

از سوی دیگر ظرفیت‌ها و امکانات جهان اسلام بسیار چشمگیر می‌باشد؛ جهان اسلام بخش عظیمی از آسیا، آفریقا و اروپا را در دست خویش دارد، امکانات اقتصادی جهان اسلام به‌گونه‌ای است که جهان غرب را به خود وابسته کرده

است و مهمتر این‌که گستردگی مساجد در جهان اسلام و پراکندگی آن در اقصی نقاط عالم، سنگری مستحکم و پایگاهی قدرتمند برای برون‌رفت از مشکلات و مقابله با توطئه‌های دشمنان در اختیار حاکمان مسلمان قرار داده است و بر ماست از این سنگر ارزشمند و ظرفیت والا به نحوی شایسته استفاده کنیم.

یک) مسجد در کشورهای غیراسلامی

شاید بتوان گفت که جایگاه مسجد در میان غیرمسلمانان بهتر از جایگاه آن در جهان اسلام است؛ زیرا که به لحاظ کارکردی و نقش‌آفرینی به مسجد معیار و مطلوب اسلام نزدیک‌تر است. شاید بتوان علّت را در نکته‌ای جالب جستجو کرد. تجربه نشان داده است که هرگاه مسلمانان تحت فشارهای حکومت‌های خود قرار گیرند سعی می‌کنند خود را به یکدیگر نزدیک ساخته انسجام و هماهنگی پیدا کنند.

برخی از گروه‌های اسلامی جهت دفاع از حقوق مسلمانان و کمک به آنان اقدام به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد می‌کنند. گستردگی و پراکندگی چنین سازمان‌هایی در کشورهای غیرمسلمان فراوان است. به عنوان نمونه می‌توان به صندوق‌های قرض‌الحسنه، ایجاد کشتارگاه‌های گوشت حلال، راه‌اندازی آشپزخانه‌های پخت غذای حلال و تشکیل گروه‌های ازدواج اسلامی اشاره کرد. نکته جالب این‌که محور انسجام اسلامی و فعالیت‌های گروه‌های مسلمان، مسجد است.

مخاطبین اصلی مساجد در کشورهای غیر اسلامی دارای مذاهب و سلائق متفاوتی هستند. امّا دو عامل دین و مسجد آنها را به یکدیگر گره زده است. عمده فعالیت‌های مساجد در ممالک غیراسلامی عبارتند از: برگزاری مراسم نماز به صورت دسته جمعی، توزیع و آموزش قرآن کریم، راه اندازی کتابخانه، ایجاد مدرسه، اطعام نیازمندان، برگزاری جشن‌های اسلامی، دادن افطاری در ماه مبارک رمضان، برگزاری مراسم سخنرانی و مدیحه سرایی، تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه و راه‌اندازی سفرهای زیارتی.

مساجد در کشورهای غیراسلامی عموماً از طریق کمک های مردمی و خیّرین اداره می‌شوند. متولیّان مساجد علاوه بر جمع‌آوری کمک های مسلمانان، اعانه نیز می‌پذیرند. برخی از مساجدی که توسط اقوام یا ملیّت خاص ایجاد شده‌اند به کمک امکانات اهدایی مردم کشور متبوع خود اداره می‌شوند. در این میان کمک های برخی دول اسلامی را نمی‌توان نادیده گرفت. این‌گونه مساجد از سوی دولت های اسلامی حمایت می‌شوند و طبعاً وضع بهتری دارند.

حکومت ها و دولت های غیراسلامی معمولاً فعالیت های مساجد را کنترل و گاه محدود می‌کنند. در کشورهای اروپایی و آمریکایی مساجد اجازه فعالیت های عمومی و خارج از محدوده مسجد را ندارند. به بهانه مبارزه با تروریسم ورود و خروج نمازگزاران به مسجد کاملاً کنترل می‌شود. مسلمانان اجازه فعالیت سیاسی ندارند و از برگزاری مراسم باشکوهی نظیر راهپیمایی روز قدس منع شده یا با مشکلات اساسی مواجه می‌شوند.

مسلمانان مقیم کشورهای غیراسلامی در رابطه با امور مساجد با چند مشکل اساسی مواجه هستند.[۱]

ممنوعیت ساخت مسجد؛ در برخی از کشورهای اروپایی مسجدسازی با موانع قانونی یا سیاسی روبروست. براساس طرحی ساختن مسجد در اروپا محدود شده و تحت کنترل دولت درآمده است. براین‌اساس، مساجدی مجوز ساخت می‌گیرند که در فاصله یک کیلومتری کلیسا ساخته شوند. شرط دیگر این‌که از اهالی آن محل نظرسنجی مثبت به دست آید. همچنین حزب راست‌گرای افراطی ایتالیا با ارائه لایحه‌ای به پارلمان این کشور خواستار ممنوعیت ساخت مسجد شد. ممنوعیت ساخت مسجد در اتریش به تصویب قانونی رسیده است. گذشته از این‌که اقلیّت مسلمان با پدیده‌ای جدید مواجه شده‌اند و آن تخریب مساجد است. آلیسون رائوف یکی از اعضای شورای عمومی کلیسا به عنوان هیئت حاکم کلیسا خواستار ممنوعیت ساخت مسجد در بریتانیا شد تا چهره این کشور اسلامی نشود.

---

۱. جهانگیری، **مسجد مجازی**، ص ۱۱۲-۱۲۳.

محدود بودن مساجد؛ مساجد در کشورهای غیر اسلامی برای مسلمانان روز به روز با محدودیت بیشتری مواجه می‌شوند. به عنوان نمونه در کشور گویان ۱۳۰ هزار نفر مسلمان زندگی می‌کنند. نسبت جمعیت مسلمانان به کل جمعیت کشور ۱۷ درصد است، در حالی که در این کشور فقط ۱۳۰ مسجد وجود دارد. در کشور سورینام که ۲۵ درصد از جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، تنها حدود ۱۵۰ مسجد وجود دارد. در کشور برزیل، بیش از ۴۰۰ هزار مسلمان و در کشور آرژانتین نیز بیش از ۴۰۰ هزار مسلمان زندگی می‌کنند که بی‌شک از مساجد به میزان کافی برخوردار نیستند. در نیویورک آمریکا، برای یک میلیون مسلمان، تنها صد مسجد وجود دارد. از دیگر محدودیتهای مساجد کمبود امام جماعت است. برای نمونه در کشور بلغارستان بیش از ۱۵۰۰ مسجد وجود دارد امّا تنها ۹۰۰ امام جمعه تحت پوشش دارالفتوا به عنوان عالی‌ترین مقام دینی اسلامی فعالیت دارند. کمبود امام مساجد، حدود دویست مسجد در سراسر بلغارستان را در طول ماه رمضان تعطیل کرده است.

مسلمانان و هویت فرزندان؛ خانواده‌های مسلمان مقیم کشورهای اروپایی و آمریکایی همواره با نگرانی شدیدی مواجهند. این نگرانی و دغدغه چیزی جز انحراف یا فراموش شدن فرهنگ اسلامی و آداب و رسوم اصیل کشور اسلامی توسط فرزندان نیست. از یک سو والدین به فرهنگ اصیل اسلامی پایبند هستند و از دیگر سو فرزندان با فرهنگ غربی انس گرفته همرنگ جوانان کشور مقیم می‌گردند. مسجد در هویت بخشی به گروه‌های اسلام و تقویت انسجام دینی آنان نقش بسزایی دارد و کمبود یا محدودیت مساجد آنها را با تهدید جدّی مواجه کرده است.

دو) مسجد در سرزمین‌های اسلامی

خوشبختانه مسجد در چند دهه اخیر در جهان اسلام به صورت شایسته‌ای تکریم شده است. امروزه نسبت به امر مسجد در جوامع اسلامی توجه جدّی

می‌شود. بسیاری از تحولات اجتماعی و سیاسی که در سرزمین‌های مسلمانان روی می‌دهد خاستگاهی جز مسجد ندارد. خیزش عظیم اسلامی و بیداری مسلمانان پیوندی عمیق با احیا مسجد دارد.

با تصویب پیشنهاد ارزشمند جمهوری اسلامی ایران[1] در اجلاس سی‌ام وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی در تهران مبنی بر نامگذاری هفته جهانی مساجد در ۲۱ آگوست (۳۰ مرداد)، انتظار می‌رود اقداماتی اساسی در راستای توسعه ارزش‌های اسلامی در تحکیم مسجد انجام گیرد.

باید دانست که حفظ جایگاه مسجد در جهان اسلام به تنهایی با صدور قطعنامه یا برگزاری چندین همایش صورت نمی‌گیرد بلکه شایسته و بایسته است سردمداران کشورهای اسلامی حرکتی جدّی و اقدامی عملی در این راستا بردارند.

امروزه با پدیده‌های جدیدی روبرو هستیم؛ استقبال و گرویدن روز افزون اندیشمندان و جوانان جهان به سمت اسلام، ظهور بیداری اسلامی، تهاجم فرهنگی شدید علیه اسلام و مسلمانان، بروز مقاومت عظیم اسلامی، تعمیق آموزه‌ها و اندیشه‌های اسلامی و شکل‌گیری پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی.

این همه مسلمانان را وادار می‌کند تا به نقش محوری مساجد واقف گردند، وحدت و تحرک خویش را بر پایه مسجد قرار دهند، حرکت فرهنگی عظیمی برای احیاء مساجد انجام دهند، از ظرفیت‌های بسیار وسیع مسجد استفاده کنند، ارتباط معنوی مردم با جوانان را گسترش دهند، روح هم‌گرایی و اخوت را میان مسلمانان افزایش دهند، روابط دوسویه یا چندسویه را میان مسلمانان و از طریق مساجد برقرار نمایند و بر شکوه و عظمت این نماد اصیل دینی بفزایند.

بدین منظور لازم است متفکران جهان اسلام از طریق سازمان کنفرانس

---

۱. این پیشنهاد در ۳۱ می ۲۰۰۳ توسط سازمان کنفرانس اسلامی به تصویب رسید و از روز ۲۱ آگوست که مصادف با به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی توسط صهیونیست‌ها بود، هفته جهانی مسجد اعلام شد. (به نقل از سایت سازمان کنفرانس اسلامی www.oic-oci.org).

اسلامی هم‌اندیشی کنند و با دلسوزی به احیاء مسجد فکر کنند، برای آن برنامه‌ریزی نمایند و فرصتهای طلایی موجود را از دست ندهند. می‌توان به کشور سنگاپور به عنوان یک کشور لائیک اشاره کرد با مسلمانان این کشور با برنامه‌ریزی اصولی و منظم توانسته‌اند یکی از بهترین الگوهای مدیریت مسجد را طراحی و اجرا نمایند. این در حالی است که این کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیست و لذا نمی‌توان در قالب این سازمان الگوی مدیریت بهینه مسجد را تعمیم و توسعه داد. همچنین مناسب است مساجد بزرگ و موفق در جهان اسلام شناسایی شده و به عنوان الگو معرفی کردند تا هم شکوه آنان آشکار شود و هم گستره جهان اسلام به رخ جهانیان کشیده شود. در این میان استفاده از قالب‌های هنری مخصوصاً معماری مساجد بلاد اسلامی چشمگیر است.

چهار | نقش‌آفرینی مساجد ایران

از زمانی که ایرانیان به افتخار تشرف به دین مبین اسلام نائل آمدند، مسجد جایگاهی مهم در میان آنان پیدا کرد. تاریخ ایران نشان می‌دهد که همآره نام زرین مساجد در تحکیم ایمان دینی، نقشی بی‌بدیل ایفا کرده است. مسجد در صفحات تاریخ ایران چون نگینی می‌درخشد. کارکردهای متنوع مسجد در ایران بسیار فراتر از کشورهای دیگر بوده است. مساجد نقشی مهم در تحولات اجتماعی ایران ایفا کرده‌اند و نقش‌آفرینی آنها بر سبک زندگی مردمان این مرز و بوم بی‌بدیل است.[1]

---

۱. **دایره المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی**، ص ۱۲۳؛ عبد الغافر، **تاریخ نیشابور**، ص ۱۷۰؛ رزاقی، **مسجد پایگاه توحیدی و تقوی**، ص ۲۵ و ۲۶؛ مافروخی، **محاسن اصفهان**، ترجمه ابی‌الرضا آوی، ص ۶۲ و ۶۳؛ جمعی از نویسندگان، **جلوه‌های هنر در اصفهان**، ص ۲۲۸؛ ابو نعیم اصفهانی، **ذکر اخبار اصفهان**، ص ۳۰؛ هدایت، روضـهٔ الصفـای ناصـری، ج ۸، ۵۸۵؛ مهدوی، **تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر**، ج ۳، ص ۳۰۴؛ سعیدی رضوانی، **بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی**، ص ۴۰؛ مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۳۴؛ ابراهیم حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۴۵۰؛ فتحی، **منبر یک رسانه عمومی در اسلام**، ترجمه قاسم هاشمی‌نژاد، ص ۲۱ و ۲۲؛ الول ساتن، رضا شاه کبیر یا ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، ص ۴۳۲، مستوفی، **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**، ج ۳، ص ۲۴۴.

یک) ادوار پیشین

با نگاهی گذرا به تاریخ ایران در دوره‌های دور و نزدیک می‌توان نقش بی‌نظیر مسجد را مشاهده کرد. مسجد در صدر اسلام در ایران بنا شد و همیشه کانون آموزش، تهذیب و ایجاد تحولات اجتماعی بوده است. می‌توان در این راستا نمونه‌هایی را برشمرد.

- مسجد آدینه در قرن اول هجری در سیستان بنا شد. این مسجد توسط عبدالرحمن سمره پایه‌گذاری شد و در آنجا محافل درس برگزار می‌گردید.
- در اواخر سده اول هجری مسجد جامع بخارا پایه‌گذاری شد.
- نیشابور که مهم‌ترین مرکز علمی ایران به شمار می‌رفت دارای مساجد فراوانی بود. برخی از آنها عبارتند از مسجد مطرزی، مسجد قدیم، مسجد عقیل، مسجد خان، مسجد خبازی، مسجد نوقانی و مسجد جامع منیعی. جالب این‌که مسجد جامع منیعی دارای کتابخانه بزرگ و معتبری بود. چنانکه حلقه درس شیخ ابوعبدالله محمد جوینی و نیز ابوتراب عبدالباقی مراغی در این مسجد برگزار می‌شد.
- در منطقه بردسیر کرمان مسجد توران‌شاهی پایه‌گذاری شد و در آن کتابخانه‌ای بزرگ جای گرفت.
- علاء الدوله امیر از امراء سلجوقی مسجد جامع قدیم یزد را ساخت.
- مسجد جامع شیراز که در آن ابن‌بطوطه به تدریس حدیث مشغول بود.
- یکی از مساجد بزرگ ایران مسجد جامع عتیق اصفهان بود که در آنجا هر روز بیش از ۵ هزار نمازگزار گرد می‌آمد. این مسجد از مراکز مهم عهد آل بویه بود و در آنجا کتابخانه‌ای بزرگ نگه‌داری می‌شد که در حمله شاه مسعود غزنوی ویران شد.

- مسجد جامع ری از مراکز مهم آموزش اسلامی بوده است.
- در زمان آل بویه مسجد جامع جورجیر در اصفهان بسیار پررونق بود.

بهره‌گیری از مساجد در دوران فاطمیان مشهود بود. حمله مغول و ویرانگری های آنها موجب از بین رفتن مرکز خلافت و تضعیف علمای دین شد. انزواجویی شدید مردم، تقیّه عالمان و تعطیلی حکومت مذهبی، حضور مردم را در مساجد تحت تأثیر قرار داد و مساجد را به صورت موقّت از رونق انداخت.

هجوم ویرانگر تیموریان موجب شد که آنان بر سرزمین های اسلامی مستولی گردند. امّا بدلیل گرایش فرزندان تیمور به اسلام، مجدداً قلمرو تحت نفوذ آنان شاهد رشد و شکوفایی علم و مذهب شد و در این دوره مساجد بسیاری بازسازی شد. بنای مسجد بزرگ گوهرشاد و گسترش بارگاه حریم رضوی در این دوره انجام شده است.

مسجد در حکومت صفویه کانون توجه پادشاهان بود. در این زمان مساجد با معماری حیرت‌انگیزی ساخته شدند امّا نقش آنها در ابعاد سیاسی و اجتماعی کمرنگ شد. فعالیّت مساجد در عهد صفویه به انجام برخی مراسم رسمی و دولتی خلاصه شد.

کمرنگ شدن نقش مساجد در دوره قاجار استمرار یافت و فعالیت های مذهبی در این مرکز اسلامی تنها به بیان احکام شرعی محدود گشت.

دو) پیش از انقلاب

رضا شاه که فردی وابسته بود سیاست راهبردی مذهب‌ستیزی را پیش گرفت. او در بسیاری از موارد به شئون دینی و عبادی مردم و مسجد بی حرمتی کرد. مذهب و آداب دینی تحت تأثیر برنامه های تجددمآبانه از رونق افتاد. با محدود ساختن نقش علما و روحانیون و تبعید و کشتن برخی از آنان، سعی شد دین از جامعه حذف گردد. رضا شاه از هیچ اقدامی نظیر تهدید، تحقیر، تمسخر،

تخریب، سخت‌گیری، ممنوع‌سازی و حذف صرف نظر نکرد. مرحوم امام رحمه‌الله‌علیه با دریافتی عمیق از شرایط در پیامی اوضاع را چنین توصیف نمود:[۱]

در این میان از همه اسف‌بارتر وضع ایران است که رژیم آن مأموریت دارد با چاپ قرآن، تظاهر به اسلام، به اسم سپاه دین، سازمان اوقاف و به عناوین فریبنده دیگر، یکباره اسلام را ریشه کن سازد. ملت اسلام را بیش از پیش به ذلت و خواری بکشد، مسجد و محراب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را به صورت بنگاه تبلیغاتی دربار ضد اسلامی خود درآورد و برای اجرای نقشه‌های شوم، به کمک و مساعدت روحانی‌نماهای خودفروخته و سرسپرده نیاز کامل دارد و با همکاری آنها می‌خواهد مساجد و دیگر محافل اسلامی را قبضه کند. مراسم مذهبی را تحت نظارت و مراقبت خود درآورد و به حوزه‌های علمیه دست یابد.

توجه به این نکته ضروری است که مسجد در ادوار مختلف ایران هرچند فراز و فرود داشته است امّا هرگز نقش‌آفرینی‌های تأثیرگذار و آگاهی‌بخش خود را از دست نداده است. آنگاه که حاکمان دین‌ستیز، توده‌های مسلمان را منزوی می‌ساختند، مسجد به پایگاهی جهت شکل‌گیری مبارزات مردم و حرکت‌های سازماندهی شده قرار می‌گرفت. ادوار پیشین ایران نشان می‌دهد که قیام‌های بزرگ از مسجد نشأت گرفت و در مسجد رونق پیدا کرد؛ قیام سربداران مسجد جامع سبزوار را مرکز خود قرار داد، نهضت تحریم تنباکو ریشه‌ای در مسجد داشت، در انقلاب مشروطیت علماء و مردم مسجد را کانون فعالیت خویش قرار دادند، مخالفت با قانون منع حجاب در صحن مطهر حضرت رضا علیه‌السلام به اوج رسید و نهضت اصفهان یا تبریز یا مشهد که از سوی مراجع بزرگ هدایت می‌شد پایگاهی جز مسجد نداشت.

سه) دوران انقلاب اسلامی

از آن زمان که مبارزات مردم ایران علیه شاه با هدایت روحانیت و رهبری

---

۱. امام خمینی، **صحیفه نور**، ج ۲، ص ۴۸۷.

مرحوم امام رحمه‌الله‌علیه آغاز شد، مسجد نقطه آغاز و مرکز فعالیت بود. روشن‌گری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، خطابه‌های آتشین و تظاهرات با مسجد پیوند داشت. ایران اسلامی پیروزی خود را مرهون مسجد است. به همین دلیل معمار انقلاب اسلامی این گونه فرمود:

مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است، حرب است. در این دو سه سال اخیر یک محلی بود که مردم را به نهضت و قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد.[1]

مأموران شاه با احساس خطر، به سوی مساجد حمله‌ور می‌شدند، در آنجا دست به کشتار مردم بی‌گناه می‌زدند و به حریم مسجد تعرض می‌کردند. این تجاوزها گاهی منجر به آتش‌زدن مساجد نیز می‌شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد چونان بنیانی مرصوص به اصل خویش بازگشت، شکوفا شد و نقشی بسیار تأثیرگذار و کم‌نظیر در تاریخ ایران را به عهده گرفت. در ایّام دفاع مقدس مسجد اولین پایگاهی بود که به بسیج نیروها، جمع‌آوری کمک‌ها و دفاع از کیان اسلامی پرداخت. مسجد در دوران بعد از ظهور جنبش عظیم اسلامی و شیعی در ایران با تمام قد به صحنه آمد و نقش خود را در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران ایفا کرد. می‌توان دهه اول انقلاب را دوران طلایی مسجد در ایران دانست. رهبر معظم انقلاب درباره جایگاه مساجد فرمودند:

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لااقل سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته‌ی رژیم طاغوت شد. در دوره‌ی مشروطیت هم همینطور بوده است؛ در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت

---

۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۶۲.

هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که در این مسئله، به حد اعلی رسید.[۱]

کارکردها و نقش‌های مسجد در دوران انقلاب اسلامی را می‌توان در تصویر ذیل دید.[۲]

۱) سیاسی
- ۱) ایجاد تشکل‌های مخفی زیرزمینی جهت مبارزه با رژیم
- ۲) ارتقای آگاهی‌های سیاسی جامعه
- ۳) ایجاد ارتباطات چهره به چهره بین مردم و دست‌اندرکاران
- ۴) تقویت روحیه حق‌طلبی و مبارزه‌جوئی مردم
- ۵) تشکیل نهاد تعیین شایستگی مکتبی جهت گزینش افراد

۲) اجتماعی
- ۱) ایجاد ارتباطات اجتماعی میان افراد جامعه
- ۲) تشکیل نهادهای همکاری و همیاری و دگریاری
- ۳) ایجاد و ارتقای سطح همبستگی و تعاون بین مردم
- ۴) تشکیل گروه‌های متعدد «کار» جهت ساماندهی امور

۳) فرهنگی
- **۱) تبلیغی**
  - ۱) تکثیر نوارهای سخنرانی امام و شخصیت‌ها و توزیع آن بین مردم
  - ۲) تهییج و تحریک مردم به وسیله سخنرانی‌ها و خطابه‌های مؤثّر
  - ۳) ارائه آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی بوسیله تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها
- **۲) آموزشی**
  - ۱) تشکیل کلاسهای مختلف (پنهانی و آشکار) جهت ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی مردم
  - ۲) آموزش عملی جهت نهادینه‌کردن ارتباطات و برخوردهای اجتماعی مردم

---

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم قم: ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

۲. ر.ک: پایان نامه سطح ۳ آذر انجمن شعاع، «نقش مساجد ایران پس از انقلاب اسلامی»، ص ۱۴۸ (با اندکی تصرف).

۴) عاطفی
- ۱) ایجاد ارتباط عاطفی در میان افراد جامعه
- ۲) حمایت و پشتیبانی روحی و عاطفی از مردم در مقابل هجوم ایادی رژیم شاه به مساجد و محلات
- ۳) تقویت نهادهای عاطفی ایثار و گذشت میان مردم

۵) نظامی
- ۱) نظارت بر تدارکات نظامی برای نیروهای مردمی و داوطلب
- ۲) مدیریت و نظارت جهت سازماندهی نیروهای داوطلب

۶) اقتصادی
- ۱) رسیدگی به امور معلول و از کارافتاده
- ۲) رسیدگی به امور کم‌بضاعت و مستحق
- ۳) رسیدگی به امور آسیب دیده از انقلاب
- ۴) رسیدگی به افراد بدون سرپرست
- ۵) توزیع برخی اجناس و کالاهای ضروری و کم‌یاب در دوران انقلاب بی
- ۶) تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و کمک به مردم به صورت نهادینه

۷) پشتیبانی
- ۱) پناه‌دادن به مردم در مقابل حملات دژخیمان رژیم شاه
- ۲) برنامه‌ریزی جهت تشکیل نهادهای بازدارنده
- ۳) برنامه‌ریزی جهت حمایت و حفاظت از شخصیتهای مذهبی و مبارز
- ۴) اعزام افراد با تجربه و متبحّر جهت حفاظت از شخصیتهای مبارز و مذهبی

۸) ایدئولوژیکی
- ۱) ارائه جهان‌بینی دینی و اسلامی
- ۲) ارتقای شناخت دینی
- ۳) تحریک و تهییج احساسات دینی

پنج | آمارها

طبق آخرین آمار گزارش شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) در سطح کشور تعداد ۵۹۳۲۰ مسجد گزارش شده است که ۷۲/۵٪ از آنها در مناطق روستایی قرار دارند.[۱]

وضعیت فعالیت ۸۸٪ از مساجد کشور فعال مستمر گزارش شده است. در بین مساجدی که فعال غیر مستمر اعلام شده‌اند، ۸۹٪ در ایام محرم، ۸۸٪ در ایام ماه رمضان، ۵۱٪ در ایام ماه صفر، ۴۲٪ در اعیاد و وفیات، ۱۱٪ در ایام دهه فجر به فعالیت می‌پردازند.

۳/۵٪ از مساجد وضعیت خود را غیرفعال اعلام کرده‌اند. ۷۶٪ از مساجد غیرفعال در میان مساجد مناطق روستایی قرار دارند. سال شروع فعالیت ۳۹/۵٪ از مساجد سطح کشور از سال ۱۳۵۸ به بعد گزارش شده است.

غیرفعال: واحدی که در ۱۲ ماه پیش از هنگام آمارگیری به هر دلیل از قبیل مشکلات مالی، کمبود یا نداشتن ابزار کار و نیروی انسانی و تعمیرات اضطراری ساختمان یا تجهیزات فعالیت نداشته است.

---

۱. فضاهای فرهنگی ایران: آمارنامه محصولات فرهنگی، طرح‌های ملی وزارت ارشاد اسلامی، ص ۱۹.

فعال غیرمستمر: مکان‌های فرهنگی در ۱۲ ماه پیش از آمارگیری، به طور غیرمستمر فعال بوده‌اند.

فعال مستمر: واحدهای که در زمان مذکور به طور مستمر به فعالیت فرهنگی مشغول بوده‌اند.

وضعیت فعالیت

مساجد کل کشور	فعال مستمر	فعال غیرمستمر	غیرفعال
۵۷۰۵۱	۵۰۲۲۳	۴۸۷۵	۱۹۶۳

وضعیت حقوقی ۹۰/۵ از مساجد کشور مستقل اعلام شده است.

استقلال حقوقی: اگر واحد مورد مراجعه، تابع واحد دیگر نباشد، وضعیت آن از نظر حقوقی مستقل تلقی می‌شود. و چنانچه تابع واحد دیگری باشد، وضعیت آن وابسته محسوب می‌شود.

وضعیت استقلال

تعداد کل مساجد	مستقل	وابسته	نامشخص
۵۷۰۵۱	۵۱۶۰۲	۵۲۵۵	۱۹۴

وضعیت وقف

کل کشور	وقفی	سایر
۵۷۰۵۱	۵۶۹۹۵	۵۶

وضعیت اقامه نماز و برگزاری مراسم در ایام عادی

عنوان	تمام ایام	برخی از ایام	رمضان	محرم
مساجد کل کشور	۵۵۵۷۲	۵۵۳۷۴	۵۵۲۳۸	۵۵۱۸۲
جماعت صبح	۱۳۵۴۶	۲۰۲۳۴	۳۴۴۸۸	۲۸۷۵۱
جماعت ظهر و عصر	۱۸۴۰۱	۲۴۷۶۰	۴۲۶۳۵	۳۷۹۳۸
جماعت مغرب و عشاء	۲۲۴۶۲	۲۵۳۷۰	۴۴۰۰۷	۴۰۹۸۲
سخنرانی مذهبی	۳۷۹۳	۳۲۱۷۶	۴۰۶۸۱	۳۶۴۸۶
دعا و نیایش	۴۰۱۸	۲۸۰۹۶	۳۱۰۰۱	۲۷۹۹۷
سوگواری	۱۹۳۸	۲۵۹۲۶	۳۱۸۷۹	۳۵۵۳۵
مراسم ترحیم	۴۴۸۳	۳۷۰۱۱	۲۳۷۸۱	۲۳۱۸۸
سایر مراسم	۱۸۸۱	۱۶۸۲۰	۱۲۲۵۱	۱۱۲۳۴

از مجموع فعالیت‌های عبادی انجام شده در ۱۲ ماه قبل از آمارگیری، در ایام عادی «نماز جماعت مغرب و عشا» که فقط در ۴۹٪ مساجد برگزار می‌شود، بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده است. در مقابل، نماز عید و جشن و مولودی هر یک با ۱٪ از کمترین نسبت برخوردارند. نماز جماعت ظهر و عصر فقط در ۴۰٪ مساجد و نماز صبح فقط در ۲۹/۵٪ مساجد برگزار می‌گردد. با این حال، از جمله پرشمارترین فعالیت‌های عبادی انجام شده در مساجد محسوب می‌شوند. طبق آخرین آمار گزارش شده در سال ۱۳۸۵، در ۲۳٪ مساجد کل کشور، نماز جماعت صبح؛ ۳۱٪، نماز جماعت ظهر و ۳۸٪، نماز جماعت شب اقامه می‌گردد.

وضعیت مراسم فوق در ایام خاص

نماز صبح	۲۴۹۸۴
نماز ظهر و عصر	۳۰۸۸۲
نماز مغرب و عشاء	۳۲۲۶۷
نماز عید	۳۲۰۸۹
سخنرانی مذهبی	۳۱۵۱۳
سوگواری	۲۶۸۹۲
جشن و مولودی	۲۲۸۲۹
دعا ونیایش	۲۸۲۱۱
ترحیم	۲۹۰۸۶
سایر مراسم	۱۸۱۷۱
جمع	۵۵۳۹۰

۱٪ از مساجد کشور برگزارکننده‌ی جشن و مولودی در ایام خاص بوده‌اند که این میزان، کمترین نسبت در عملکرد مساجد بوده است. ۶۵٪ از جشن‌ها و مولودی‌های برگزار شده در ایام خاص در مساجد مناطق روستایی کشور برگزار شده است.

بیشترین نسبت فعالیت‌های عبادی انجام شده در مساجد کشور در برخی از ایام عادی مراسم ترحیم با ۶۷٪ گزارش شده است. سخنرانی مذهبی ۵۸٪ و مراسم دعا و نیایش ۵۱٪ از جمله فعالیت‌های پرشمار دیگر مساجد است.

وضعیت بازبودن مسجد در طول شبانه روز

کل کشور	۵۵۴۱۷
قبل از نماز صبح	۳۱۰۳۷
بعد از نماز صبح	۳۰۲۰۶
قبل از نماز ظهر	۳۹۴۷۱
ظهر تا مغرب	۳۳۹۵۲
بعد از نماز مغرب	۳۴۴۲۸
شب تا صبح	۱۲۶۴۶

۷۶/۵٪ مساجدی که قبل از نماز صبح مفتوح بوده‌اند در مناطق روستایی قرار دارند.

۶۷/۵٪ مساجد کشور، زمان مفتوح بودن خود در ایام عادی را قبل از نماز صبح اعلام کردند و ۲۷/۵٪ مساجد نیز شب تا صبح باز هستند.

مساجد برحسب دارابودن فعالیت‌های آموزشی

فعالیت‌های آموزشی	تعداد مساجد تحت پوشش	تعداد افراد آموزش‌گیرنده
کل کشور	۵۵۷۱۸	---
قرآن	۲۲۳۴۹	۲۹۹۰۹۵۰
دروس حوزوی	۱۰۹۳	۱۱۰۴۵۱
احکام	۱۰۰۸۳	۲۱۹۹۳۴۱
معارف اسلامی	۳۸۱۴	۹۲۷۹۵۶
بهداشتی و کمک‌های اولیه	۸۰۹	۶۸۰۰۸

فعالیت‌های آموزشی	تعداد مساجد تحت پوشش	تعداد افراد آموزش‌گیرنده
عکاسی	۱۸۳	۱۰۹۱۷
نقاشی	۱۰۱۳	۶۶۵۲۹
خطاطی	۱۳۸۷	۷۷۴۲۱
سوادآموزی	۲۳۵۷	۱۱۸۹۰۳
فنی و حرفه‌ای	۵۴۱	۳۵۳۱۷
کلاس تقویتی	۱۴۱۸	۱۱۴۵۴۵
رایانه	۴۴۵	۲۱۹۶۸
نظامی	۲۷۱۵	۲۸۲۸۱۲
زبان خارجی	۶۵۳	۳۵۸۴۰

در فعالیت‌های آموزشی مساجد در ۱۲ ماه گذشته (زمان آمارگیری) بیشترین نسبت ۴۰٪ به آموزش قرآن اختصاص دارد. آموزش احکام با ۱۸٪ و معارف اسلامی با ۷٪ از دیگر فعالیت‌های آموزشی مساجد به شمار می‌روند که از نسبت بالایی برخوردار هستند. این همه در حالی است که جمعیت کل کشور در زمان آمارگیری (۱۳۷۹) (۶۰۰۵۵۴۸۸) نفر بوده است. در کل کشور، مساجد برگزار کننده فعالیت‌های ذیل چنین گزارش شده‌اند.

بررسی کارکردهای مسجد

مسابقات حفظ و قرائت	سخنرانی	نمایش فیلم	تئاتر	مسابقات ادبی و علمی	برگزاری نمایشگاه	امور خیریه
۸۲۹	۱۸۰۶۱	۴۱۷۵	۱۶۲۰	۹۰۴	۱۵۴۱	۹۳۵۰

از تعداد ۵۹۱۲۹ باب مسجد، ۸۰۸ مسجد یعنی ۱/۴٪ دارای مدرسه یا حوزه

علمیه می‌باشند. ۶/۵٪ از مساجد دارای کانون فرهنگی یا دارالقرآن می‌باشند. از سال ۱۳۶۳ تا آخر سال ۱۳۸۳ تنها ۶٪ از کلاسهای نهضت سوادآموزی در مساجد تشکیل گردیده است.

براساس آمار موجود ۳۰٪ از امامان جماعت دارای تحصیلات عالیه و ۴۰٪ سطح متوسطه دارند. ۷۰٪ از مساجدکشور امام راتب ندارند و متوسط سنی امامان کنونی با نظری خوشبینانه، بالای ۴۸ سال در کشور می‌باشد.

وضعیت مساجد از نظر دارا بودن ائمه جماعت

مساجد دارای امام جماعت راتب	مساجد بدون امام جماعت راتب	مساجد دارای امام جماعت نایب
۱۷۲۳۲	۴۱۸۹۷	۳۶۰۲

از تعداد ۵۹۱۲۹ باب مسجد در سطح کشور ۵۹٪ مساجد دارای خادم و ۴۱٪ بدون خادم می‌باشند. از طرفی ۱۲٪ مساجد دارای محل اقامت خادم می‌باشند. ۶۴٪ اعضاء هیئت امناء مسجد باسواد و ۶۳٪ آنها بی‌سواد می‌باشند. همچنین ۳۵٪ خادمین باسواد و ۶۵٪ بی‌سواد هستند.

سواد خادم و هیئت امنا

	تحصیلات حوزوی			تحصیلات جدید		
	مقدمات	سطح	خارج	ابتدایی	راهنمایی متوسطه	عالی
خدام	٪۱	٪۱	ـ	٪۶۷	٪۲۹	٪۲
امنا	٪۴	٪۱	٪۲	٪۴۷	٪۴۵	٪۱

امروز پس از گذشت ۳۶ سال از تأسیس اولین صندوق قرض‌الحسنه در مسجد لرزاده بنام صندوق قرض‌الحسنه جاوید، تنها ۴٪ از مساجد کشور به احیاء این سنت حسنه پرداخته‌اند.

کارکرد اجتماعی مسجد

تعداد مساجد کشور	قرض‌الحسنه مسجد	درصد
۵۹۱۲۹	۲۴۳۴	٪۴/۱

شش | آسیبها، زمینه‌ها و پیامدها

زمانی مسجد سکّان دار اصلی تحوّلات و تحرکات اجتماعی بود. مسجد در صدر اسلام جایگاه رفیع داشت. در دوران نخستین مسجد قلب تپنده ی جامعه اسلامی بود. مقرّ حاکمیت اسلام مسجد بود. حضور بزرگ ترین فرستاده خدا در مسجدسازی و درون مسجدها، این مرکز مقدس را به کانون توجه مسلمان ها و فعالیت های حاکمیت تبدیل نمود. تمام مسلمانان سرنوشت خویش را با مسجد گره زده بودند.

امّا بعد از ارتحال نبی اکرم صلی الله علیه و آله هر چند گاهی مساجد رشد کمّی داشتند امّا آهسته آهسته از نظر کیفیت تضعیف شدند. حاکمان ظالم و بی لیاقت اموی و عباسی مسجد را به مرکز فعالیت های خود تبدیل کردند و کار را به جای رساندند که در آن به خلیفه راستین پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام لعن می فرستادند. براین اساس، مسجد از مرکزیّت جامع اسلامی به حاشیه رانده شد و اهم نقش ها و کارکردهای خود را از دست داد. علی رغم تلاش های پراکنده و دوران های زرّین کوتاه (نظیر دوران انقلاب اسلامی)، مسجد بیشترین نقش های خویش را از دست داد و رو به افول گذارد و هم اکنون ما وارث مسجدی کمرنگ هستیم.

یک) آسیب‌ها و زمینه‌ها

برای درک درست از دوران افول مسجد کافی است به آمار ساده ذیل توجه کنیم. در این اواخر حدود شصت هزار مسجد در کشور ما شناسایی شده که بیش از نیمی از آنها کاملاً غیر فعّال هستند. در بین مساجد فعّال نیز سی هزار مسجد دارای نماز جماعت مغرب و عشا بوده و از آن سی هزار، هفده هزار دارای نماز جماعت ظهر و عصر و از آن هفده هزار فقط دو هزار مسجد دارای برگزاری نماز جماعت صبح است.[۱]

در گذشته شهرها و روستاها با محوریت مسجد به وجود می‌آمد، تمام برنامه‌های آموزشی در مسجد برگزار می‌شد، مبلّغین در مسجد پرورش می‌یافتند و به بلاد اعزام می‌شدند، مساجد حاوی کتابخانه‌های بزرگ و رسمی بود، مسافران و در راه ماندگان به مسجد پناه می‌آوردند، مسجد محل برگزاری جشنها و برنامه‌های شاد بود، هیئت‌های خارجی به مسجد رفت‌وآمد می‌کردند، مساجد مقرّ فرماندهی و محل اردوگاه نظامی بود، شوراهای حلّ اختلاف و دستگاه قضاوت در مسجد برگزار می‌شد، مسجد تفریح‌گاه مردم بود و مسجد مهم‌ترین پایگاه حکومت اسلامی تلقّی می‌شد. امّا امروزه از بیشترین فعالیت‌ها و رسالت‌های مسجد خبری نیست. نکته اینجاست که بسیاری از این وظایف و کارکردها به مراکزی دیگر واگذار شده و مسجد امروزه رقبای فراوانی یافته است.

پس از ظهور انقلاب اسلامی به یک باره مساجد جان گرفتند و حیاتی جدید یافتند. ضرورت‌ها و فعالیت‌های دهه اول انقلاب سبب شد تا مسجدها به سوی ایفاء نقش نخستین بازگردند. امّا این امر چندان دوام نیافت و در ادامه مساجد تا حدّی کارکردهای بازیافته خود را از دست دادند. مسجد در دو دهه ۸۰ و ۹۰ چندان وضعیت مناسبی ندارد و از نظر عبادی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و مدیریتی از آسیب‌های مختلفی رنج می‌برد. افول جایگاه مسجد بسیاری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این مکان مقدس را به تعطیلی

---

۱. قرائتی، **مدیریت مسجد**، ص ۱۶۵.

کشانده و عملاً خاصیّت «سبک دهی» را تا حدی از مسجد گرفته است.

مسجد در دوران ما به برگزاری نماز جماعت، انجام مراسم دعا و مجالس ترحیم تبدیل شده چنانکه از نظر موقعیت، فضا و بهداشت در معرض تهدید قرار گرفته است. مناسب است اهمّ تهدیدها و آسیب های مسجد را از نظر بگذرانیم تا با بصیرت زمینه ها و عوامل را شناخته راهکارهای مناسب ارائه دهیم.

الف) درونی

برخی از آسیب ها و تهدیدهای مسجد به پدیده های درون آن بازمی گردند. اگر مسجد را دارای سه لایه کلان، میانه و خرد بدانیم،[1] بخش مهمی از ضعف و کاستی های مربوط به امور مساجد، در درون این مرکز اسلامی شکل می گیرد. مسجد مکانی است که آبادانی آن به منزله آبادانی جامعه و حکومت است؛ چنانکه ضعفهای آن نشان از ضعف جامعه اسلامی دارد. آسیب ها و ضعف های درونی مسجد را می توان در بخش هایی رصد نمود.

اول) اهل مسجد

بخش مهمی از کم رونقی مساجد به ناتوانی اهالی و فعّالان درون مساجد بازمی گردد. آسیب های درونی، عامل اصلی ضعف کارکردهای مسجد می باشد. اگر بر مسجدی مدیریت ناکارآمد حاکم گردد بخش های مسجد رو به افول گذاشته این مرکز مقدّس کارآیی خویش را از دست می دهد.

امام جماعت

یکی از ارکان اصلی مسجد، امام جماعت است. بسیاری از مساجد امام جماعت ثابت و دائمی ندارند، بیشتر امامان جماعت تمام فعالیت های خود را در یک یا دو بار اقامه نماز خلاصه کرده اند و در امور فرهنگی مسجد دخالت

---

۱. کرم اللهی و کاشانی زاده، **تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی وضعیت مسجد در ایران**، ص ۳۱ـ۴۸.

فعّالی ندارند، در برخی از مساجد نقش خادم از امام جماعت بیشتر است، ضعف حضور امام جماعت موجب می‌شود عوامل دیگر مدیریت اصلی مسجد را به دست گیرند، امام جماعت نیازمند دوره‌های آموزشی و پژوهشی ضمن خدمت می‌باشد، امام جماعت باید مخاطب‌شناس باشد، لازم است وی از امکانات و تکنولوژی روز آگاه باشد و از آنها به درستی استفاده کند.

همچنین ائمه جماعت فرصت چندانی برای مطالعه ندارند، بسیاری از مباحث منابر کاربردی نیست، برخی از مسائلی که در سخنرانی‌ها ارائه می‌شود تکراری و کلیشه‌ای است، ائمه جماعات گاهی کم‌حوصله‌اند و در ارتباط با سال‌خوردگان، جوانان و کودکان کم تحمّل‌اند، آنها به شبهات و سؤالات روز کم‌تر آشنا هستند، اختلافات اندک یا گسترده میان آنها و دیگر عوامل درون مسجد بر معضلات مسجد می‌افزاید، کم‌آشنایی با مسائل روز و تحلیل‌های سیاسی از دیگر آسیب‌هاست، برخی از روحانیون به دلیل اشتغال به امور اجرایی فرصت لازم را برای تمشیت امور نمازگزاران ندارند، تبلیغ دین دارای تکنیک‌های مختلفی است که باید به ائمه جماعات آموزش داده شود.

شاید مهم‌ترین تهدید در ارتباط با روحانیون جماعات، مربوط به حوزهٔ روابط اجتماعی است؛ آنها باید در تهذیب نفس الگو باشند، با تهدیدی از میدان به در نروند، با نگاهی عنان از کف ندهند، پول و ثروت آنها را از یاد خدا دور نسازد، صداقت را دستمایه اصلی گفتار و رفتار قرار دهند، در روضه‌خوانی منابع مستند را مد نظر قرار دهند، ساده زیستی را پیشه خود قرار دهند و با مردم با حسن معاشرت و رفتاری خوش با چهره‌ای باز تعامل نمایند.

البته در این نکته باید تاکید کرد که بسیاری از امامان جماعت واجد لیاقت‌ها و شایسته‌های فراوانی هستند؛ آنان نفسی مهذب دارند، انسان‌هایی اخلاقی هستند، در ارتباط با مردم دارای رفتاری مناسب می‌باشند، اهل مطالعه و باسوادند و از شرایط مناسب برای این رسالت والا بهره‌مند می‌باشند. به راستی می‌توان بسیاری از ائمه جماعات را الگوی اخلاق، تهذیب و اسلامی معرفی نمود.

هیئت امنا

برخی هیئت امنا به دورکاری مبتلا شده‌اند و امور مسجد را دورادور مدیریت و کنترل می‌کنند، آنان محلی غیر از مسجد را به مدیریت مسجد اختصاص می‌دهند، هیئت امنا چندان در جذب کمک‌های مردمی توفیق دارند و برخی مشکلات مالی مسجد لاینحل باقی می‌ماند. آنان باید به مسائل بهداشتی، سیستم صوتی، سرویس بهداشتی، وضوخانه، کتابخانه و دیگر اجزاء مسجد اهتمام لازم را داشته باشند. اگر هیئت امنا حضور جدّی در تدبیر مسجد داشته باشند درب مساجد همواره باز می‌ماند. درواقع، بیشتر مساجد به نمازخانه‌های می‌مانند که روزانه یکی دو بار باز می‌شوند و گاه صرفاً کارکرد بهداشتی دارند.

هیئت امنا می‌تواند با خلاقیّت، جوانان و کودکان را با مساجد آشنا سازند، در کار جدیّت داشته باشند، مشورت با امام جماعت و مردم را سرلوحهٔ مدیریت خود قرار دهند، اختلافات را کنار گذارند، تمام اهل مسجد را پیکر واحد ببینند، از نیروهای متخصص استفاده کنند، به جناح‌بندی و سیاست‌زدگی دامن نزنند و با شناخت دقیق از مسئولیت خطیر خود سطح مسجد را ارتقاء بخشند. البته لازم است سازمان‌های مربوط نظارت دقیق‌تر نسبت به هیئت امنا مساجد داشته باشند.

گفتنی این که در بسیاری از مساجد هیئت امناء به صورت فعال و خلّاق ظاهر می‌شوند، در کارها جدی هستند و با شناختی دقیق از رسالت خویش مسجد را پایگاهی مناسب برای مؤمنان و جوانان قرار می‌دهند.

خادمان

برخی از خدّام مساجد بی‌سوادند و طبعاً با وظایف خود در ارتباط با مسجد و اهالی آن آگاهی لازم را ندارند. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های خادمان در مساجد این است که با نمازگزاران خصوصاً کودکان و نوجوانان حسن معاشرت نداشته این تازه‌واردان را با خشونت و تندی از مسجد که خانه خداست، می‌رانند و برای

همیشه ذائقه آنها را نسبت به مسجد، ذکر، عبادت و خدا تلخ می‌سازند.

خادم نباید کم حوصله باشد. براوست که در تمامی اوقات روز به خدمت به مسجد و اهالی آن مشغول باشد و این مکان تقدیس‌شده را پاکیزه و زیبا نگه دارد. خادم باید به خوبی مراقب اموال مسجد باشد و از بروز تخریب در اموال آن پیشگیری نماید. چه زیباست که درب‌های مساجد توسط خادمان در اغلب اوقات روز باز و آنان با چهره‌ای گشاده و خندان از مردم استقبال کنند.

بانیان

در برخی از مساجد که قدمت زیادی دارند، معمولاً مشکلی به نام بانی وجود ندارد امّا بعضی از مساجد جدیدالتأسیس که بانی یا وارث آن زنده است، مشکلی به نام احساس مالکیّت آنها وجود دارد و آنان خود را صاحب اختیار تمام امور مربوط به مسجد می‌دانند. آنها احساس می‌کنند تعیین امام جماعت و نحوه مدیریت هیئت امنا و خدّام به دست آنهاست و اجازه دخالت را به کسی نمی‌دهند. ورّاث معمولاً افراد خودشان را بر امور مسجد می‌گمارند و هر جا به صلاحشان نباشد خود را به عقب می‌کشند. این درحالی است که وقف نمودن مسجد به معنای خریداری رضایت خداست و بانی و وارث آن می‌تواند پاداش کار خود را از خدا طلب کند و در صورت تمایل به دخالت در امور مسجد، هم‌گرایی و مشورت را پیشه سازد.

گروه‌های فعّال

امروزه در درون مساجد گروه‌هایی نظیر پایگاه مقاومت، کانون‌های فرهنگی و دارالقرآن‌ها و شوراهای حلّ اختلاف فعالیّت می‌کنند. آسیب مهم در این زمینه مدیریت جزیره‌ای آنهاست. از یک سو بخش‌های مزبور با هیئت امنا و امامان مساجد هماهنگ نیستند و از سوی دیگر هر یک از کانون‌های پیش‌گفته از نهادها و سازمان‌های خود دستور می‌گیرند.

در برخی از مساجد اختلافات فعّالان تا حدّی گسترش می یابد که مسجد را به ضد مسجد تبدیل ساخته مردم را از دین و خدا منزجر می کنند. بخشی از آسیب هایِ نهادهای فرهنگی داخل مساجد عبارتند از عدم هماهنگی یا اختلافات ریز و درشت، فقدان مدیریت قدرتمند، تداخل برنامه ها، موازی کاری ها، اقدامات خودسرانه، فقدان نظارت و ارزیابی مستمر و کمبود آموزش های کارآمد.

البته حضور نهادهای فرهنگی بویژه بسیج در مسجد امری ضروری و گریزناپذیر است اما مناسب است این نهاد پربرکت در کنار حضور فعال خویش و با هماهنگی بیشتر بر نشاط و پویایی مسجد می افزاید.

دوم) ضعف برنامه ها

ضعف برنامه های مربوط به مسجد را می توان به شرح ذیل فهرست نمود:

- تعطیلی برخی از مساجد مگر در ایام خاص
- عدم اقامه نماز جماعت در پنج نوبت روزانه
- بسته بودن درب مساجد جز در وقت نماز
- عدم برنامه مستمر برای دعا و قرآن آموزی
- عدم اجرای برنامه های جذّاب برای جوانان، نوجوانان و کودکان
- عدم اطلاع رسانی صحیح در مساجد
- کوتاهی در غنی سازی کتابخانه های مساجد
- عدم استفاده از امکانات هنری، رایانه ای و نرم افزاری
- عدم حضور خادم جوان و فعّال و خوشرو
- ضعف کیفی سخنرانی ها و منابر
- عدم هماهنگی عوامل مساجد
- ضعف برنامه ها نسبت به بانوان
- تداخل برنامه ها
- حاکمیّت مجالس ترحیم

- عدم تنوع در برنامه‌ها و کسالت‌آور و خسته‌کننده بودن آنها
- استفاده از روش مدیریتی خشک
- عدم ملاحظه شاخص‌های بومی در برنامه‌ها
- ضعف استفاده از اندیشمندان و متخصصین حوزوی و دانشگاهی
- طولانی شدن برخی از برنامه‌های مساجد نظیر سخنرانی‌ها، نماز جماعت و مراسم دعا
- عدم انطباق برنامه‌ها با نیازهای مردم
- رابطه‌های افراطی یا تفریطی مساجد با حاکمیّت
- افراط در مناسبت‌گرا بودن مساجد
- انحصارطلبی مدیران در برنامه‌ریزی
- اشاعه خرافه‌گرایی در برخی از برنامه‌ها
- عدم وجود الگوهای تربیت

سوم) موقعیّت و فضا؛ سبک معماری

امروزه برخی از مساجد به لحاظ موقعیّت، فضای درونی و کالبد ظاهری وضعیت مناسبی ندارند. احداث مساجد بدون توجه به معماری اصیل اسلامی پیامدهای ناگواری خواهد داشت. آسیب‌های فیزیکی و کالبدی مساجد به ضعف معماری و موقعیت مساجد بازمی‌گردند.

گونه نخست) موقعیت مسجد

امروزه شهرها بر مدار مسجدها بنا نمی‌شوند بلکه این مساجد هستند که با محوریت شهرهای جدید به وجود می‌آیند. احداث مساجد در شهرها و اماکن جدید معمولاً بعد از طراحی شهر صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر ابتدا شهر یا شهرکی ساخته می‌شود و بعد از آن که ساکنان احساس نیاز به مسجد کردند، این مکان بنا می‌گردد. در این صورت، در گوشه‌ای مکانی نامناسب در نظر گرفته

می‌شود و مسجدی بدقواره شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر پراکنش و گستردگی ناموزون مساجد معضلی دیگر در موقعیّت مساجد جدید الاحداث است. به عنوان نمونه در شهر تهران برخی از مناطق مساجد زیاد دارد امّا در بخشهای دیگر کمبود مسجد احساس می‌شود.

امروزه بسیاری از مساجد موقعیت مناسبی ندارند، مرکزیت خود را از دست داده‌اند، نسبت به ساختمانهای اطراف در شرایط خوبی به سر نمی‌برند و جایگاهی در خور اسلام و نظام اسلامی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود.

گونه دوم) فضای فیزیکی

برخی از مساجد به لحاظ فضای فیزیکی و کالبدی از آسیب‌های مختلف رنج می‌برند. می‌توان برخی از اهم موارد را به شرح ذیل برشمرد:

- برخی مساجد آشپزخانه استاندارد ندارند.
- کفشداری‌های برخی از مساجد کثیف، شکسته با نمایی زننده است. در آنجا امنیت وجود ندارد. البته گاهی اصولاً جاکفشی وجود ندارد که در این صورت، مردم کفش‌های خود را روی پنجره یا بخاری یا آب سردکن یا داخل پلاستیک گذاشته یا اساساً قبل از ورود آنها را رها می‌کنند و شاید بعد از بازگشت اثری از آن نباشد.
- مسجد محل پاکی و پاکیزگی است. امّا گاه مشاهده می‌شود که فرش‌ها کثیف است، تکه تکه و پاره پاره شده است، شیشه‌ها به دلیل کثیفی دیده نمی‌شوند یا بعضاً شکسته شده‌اند، برخی از ورودی‌ها یا خروجی‌های مساجد با کارتن یا نایلون کهنه پوشانده شده‌اند، جا قرآنی‌ها شکسته شده یا آویزانند و قرآن‌ها یا مفاتیح‌ها رها شده بی‌نظمند و گرد و خاک روی طاقچه‌ها و فرش‌ها نشسته است.
- مساجد کمتر از امکانات برودتی یا حرارتی مناسب بهره‌مندند.
- در عموم مساجد جایی برای مهد کودک دیده نمی‌شود.

- گاهی دیوارهای مساجد با عکس‌های نامناسب یا غیرمستند تزیین و نقاشی می‌شوند. همچنین دیوارنوشت‌هایی که با جملاتی ناخوانا و نامناسب همراه است، دیده می‌شود.
- به لحاظ جایگاه رفیع قرآن و ادعیّه لازم است همواره موقعیت آنان بررسی و کنترل شود. در برخی موارد پاره‌گی، کهنگی، بی‌نظمی و کثیفی به جایگاه آنها لطمه وارد می‌کند. می‌توان به این مجموعه افزود بی‌نظمی، نبود آمار دقیق و فقدان مسئول رسیدگی کننده.

برخی از جامهری‌ها وضعیت مطلوبی ندارند. گاهی مهرهای کثیف یا شکسته نمازگزار را آزرده خاطر می‌کند و چهره‌ای نامناسب به مسجد می‌بخشد. مطلوب است جامهری در مکان مناسب قرار گیرد و مهرها به اندازهٔ کافی خریداری شوند.

- برخی از در و پنجره‌ها از سلامت کافی برخوردار نیستند. استفاده از در و پنجره‌های کج، با لولاهای خراب و شیشه‌های شکسته شایسته این مکان مقدّس نیست.
- آبخوری‌ها چندان وضعیت جالبی ندارد. مناسب است آبخوری‌ها مکانی مناسب داشته از آب سالم برخوردار باشند و در کنار آنها لیوان به اندازه کافی قرار گیرد.
- سقف‌ها و دیوارها نقشی مهم در نمای ظاهری مسجد دارند. نباید گچ‌ها خراب شوند چنانکه لازم است در کتیبه‌ها، رنگ‌ها و خطوط دقت لازم به عمل آید.

گونه سوم) سبک معماری

تاریخ نشان می‌دهد که همواره مساجدی با شکوه و بزرگ در جهان اسلام و در ایران اسلامی پدیده آمده‌اند. گستره ایران زمین گواه دینداری و اسلام‌دوستی مردمان این مرز و بوم است. اکنون که بیش از سه دهه از ظهور انقلاب عظیم اسلامی می‌گذرد و حکومت دینی برای ایرانیان سدها، نیروگاه‌ها، جاده‌ها،

کارخانجات ساخته است، شایسته است ساخت مساجد با معماری اصیل اسلامی در اولویت قرار گیرد. مساجد با عظمت، منحصر در حرم رضوی علیه‌السلام و حضرت معصومه علیهاالسلام و حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام نیست بلکه باید با نگاهی وسیع و همتی والا در ساخت مساجد شکوهمند اقدام نمود.

سبک معماری می‌تواند زنده‌کننده اصل توحید و عبودیّت باشد. جهان‌بینی اسلامی، خود را در معماری مساجد نشان داده است. مساجدی که در ادوار مختلف ایران طراحی و ساخته شده‌اند فرهنگ گران‌سنگ اسلامی و ایرانی را به ظهور رسانده‌اند. بر ما فرض است معماری اصیل اسلامی را در قالب مساجد استمرار بخشیم تا ندای یکتاپرستی و الگوی ارزش‌های الهی مداومت یابد.

متأسفانه امروز شاهدیم که مساجد از نقشه و طراحی اسلامی چندان برخوردار نیستند. برخی از نقشه‌ها از جهان غرب و عصر مدرنیته می‌آید. به همین دلیل پیامدهای ناگواری را به ارمغان آورده است.

- فضای مساجد کم است و با جمعیّت محیط اطراف سازگار نیست.
- مسجدِ مطلوب دارای حیاتی است که در وسط آن قرار دارد.
- مسجد باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نه مشرف باشد و نه مشرف داشته باشد.
- مسجد می‌تواند با فضای سبز و گلهایی زیبا آراسته گردد تا فضایی آرام‌بخش را برای نمازگزاران به ارمغان آورد.
- اجزای مسجد باید به‌گونه‌ای طراحی گردد که مبتنی بر الگوی اسلامی باشد.
- معنویت و آرامش در طراحی مساجد باید نقش اول را ایفا کند.
- درعین حال که می‌توان از ابزار هنر در معماری مساجد به خوبی استفاده کرده اما لازم است به این نکته مهم توجه کرد که مسجد قصر نیست و نباید به صورت کاخ‌ها آذین‌بندی گردد. زرق و برق‌های مسجد نباید توجه نمازگزاران به خود مشغول سازد و آنان را از معنویت تهی کند.

چهارم) کمبود اعتبارات مالی

هر چند ادعا می‌شود سالانه میلیاردها به مسجد اختصاص می‌یابد امّا آنچه واقعیت دارد این است که برخی از مساجد به لحاظ مالی تأمین نمی‌شوند. به همین دلیل مدیران مساجد مجبورند دست نیاز به سمت نمازگزاران و توده مردم دراز کنند و همین امر دلیلی بر کم‌رونقی مساجد شده است. لازم است مدیریت کلان مساجد این مسئله را به صورت جدّی مدّ نظر قرار دهد و بدین منظور از طریق بودجه‌های رسمی، کمک‌های مردمی، هدایا، نذورات و وقف اقدام نماید.

پنجم) مشکلات نمازگزاران

بی‌تردید بخشی از مشکلات و آسیب‌های مساجد به مأمومین بازمی‌گردد:

- اهمیت ندادن نمازگزاران به خواسته‌های به حق مدیریت مسجد
- بی‌نظمی در مسجد اعم از کفشداری‌ها، جامهری‌ها، قفسه‌های قرآن یا صفوف نماز جماعت
- استفاده از تلفن همراه در فضای روحانی مساجد
- سخن‌گفتن با یکدیگر با صدای بلند به هنگام سخنرانی
- دخالت‌های نابجا در امور مربوط به مدیریت مسجد
- اظهار انتقادهای پی‌درپی و با لحنی تند و خشن
- حضور طلبکارانه در مسجد
- عدم رعایت اصول اخلاقی نظیر صداقت و حسن خلق

ب) بیرونی

بخشی از تهدیدهایی که به مساجد آسیب می‌رساند بیرونی بوده توسط عواملی خارج از مسجد شکل می‌گیرد. این نقص‌ها و آسیب‌ها دارای ابعاد مختلفی می‌باشند.

اول) عدم تبیین درست جایگاه مسجد

مسجد فقط محل عبادت و نماز نیست. از منظر دین بسیاری از امور فردی، اجتماعی و خانوادگی می‌تواند در مسجد تحقق یابد. آیات قرآن کریم و نیز سیره نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام با وضوح تمام به ما نشان می‌دهد که مسجد نقش‌ها و رسالت‌های متعددی داشته است. مسجد مکانی چند منظوره است و برای اجرای تمامی ابعاد دین طراحی شده است. بسیار ضروری است که جنبه‌های مختلف مسجد و نقش‌های متعدد آن تبیین و تشریح شود تا جایگاه واقعی مسجد آشکار گردد. تأکیدهای فراوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به نقش بی‌بدیل مسجد را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد:

باید اسلام بین مردم قدرت داشته باشد. هرچه قدرت اسلام پیش مردم زیادتر باشد مسجدها بهتر می‌شود و منبرها بهتر، یعنی اجتماع برای خداست و هرچه قدرت الهی در یک منطقه‌ای بیشتر باشد مساجد آبادتر است و هرچه این قدرت بیشتر باشد منابر رواجش بیشتر است.[۱]

ارتش اسلام هرجا رفته است و سردارهای اسلام هرجا پا گذاشته‌اند همان جایی که پا گذاشته‌اند اول مسجد درست کرده‌اند. وقتی به قاهره رسیدند اول خط کشیدند برای مسجد و هرجا این طور بود مسجد مطرح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آبادکردن مساجد، محراب، کوشش می‌کردند.[۲]

لازم است به قدرت افکار عمومی توجه داشت و برای هدایت آن برنامه‌ریزی کرد. اگر فرهنگ عمومی مردم به صورت صحیح جهت‌دهی شود می‌توان از این ظرفیت بزرگ در راستای تحقق اهداف اسلام و حکومت دینی بهره جست. امّا گاهی عوامل متعدد آن را دستخوش تغییرات منفی می‌سازند که اهم آن عبارتند از ورود خرافات، خمودگی و کسالت، گذشته‌گرایی افراطی، رواج رسانه‌های همگانی و غلبه ارزش‌های مادی در میان مردم. اگر جایگاه رفیع مساجد

---

۱. امام خمینی، **صحیفه نور**، ج ۹، ص ۴۷۸.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۷۶.

به‌گونه‌ای صحیح و شفاف تبیین گردد، بسیاری از آسیب‌ها تقلیل یافته به فرصت تبدیل می‌شوند.

دوم) معضل جمعیّت

از دیگر مشکلات مساجد، بحران جمعیّت است. امروزه شاهدیم که توسعه و گسترش مسجد و دیگر اماکن مذهبی متناسب با جمعیت نیست؛ گاهی در یک محله چندین مسجد برپا می‌شود در حالی‌که در محله‌ای دیگر از کمبود مسجد رنج می‌برند، در بعضی از مناطق مساجد در فاصله بسیار کمی از یکدیگر ساخته می‌شوند در صورتی‌که در مناطق دیگر بسیار از یکدیگر دورند و گاهی مسجد در منطقه خاص با جمعیّت آن محله تناسبی ندارد. در اینجا سؤال مهمی پدید می‌آید و آن این‌که آیا رشد کمّی مساجد در تهران و شهرهای دیگر با رشد تعداد کسانی که به تکلیف رسیده‌اند، تناسب دارد؟

سوم) وجود نهادهای موازی

امروزه در جامعه ایران نهادها و سازمان‌هایی شکل گرفته‌اند که همه در حوزه دین و فرهنگ اسلامی فعالیّت می‌کنند، فعالیت بسیاری از این نهادها در عرض مسجد بوده کارکردی مشابه نقش مسجد پیدا کرده‌اند. فعالیت این مراکز با رسالت‌های مساجد هم‌پوشانی داشته نهادهای موازی تلقّی می‌شوند.

چون نیک بنگریم تشکیلات موازی با نهادهای رقیب نسبت به مسجد کم نیست. می‌توان برخی از آنها را برشمرد؛ حسینیه‌ها، فاطمیه‌ها، مهدیه‌ها، زینبیه‌ها، عباسیه‌ها، فرهنگسراها، خانه‌های محلّه، نمازخانه‌های ارگان‌ها، مصلّی‌ها و رسانه‌های ارتباط جمعی. با این‌وجود آیا می‌توان سخن از مسجد طراز و پررونق به میان آورد؟

حال اگر نگاهی وسیع به کارکردهای مسجد داشته باشیم و مسجد را همانند مقرّ حکومتی در صدر اسلام ببینیم، سازمان‌ها و نهادهای موازی وسعت

بسیار گسترده‌ای خواهند داشت که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد؛ دار القرآن، جامعة‌القرآن، سازمان مردم‌نهاد، کانون قرآن، کانون فرهنگی هنری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد، امور اجتماعی استانداری، مرکز فرهنگی هنری شهرداری، محافل خانگی و ادارات فرهنگی وزارت خانه‌ها.

اگر بگوییم انجام فعالیت‌های دینی و فرهنگی منهای مسجد، یک انحراف است گزافه نگفته‌ایم. اگر به دنبال اتحاد اسلامی و ملی هستیم، مهم‌ترین مرکز وحدت‌آفرین مسجد است و اگر به دنبال حیات مجدد دین و ظهور تمدن بزرگ اسلامی هستیم، راهی جز احیا مسجد در پیش نداریم. معمار کبیر انقلاب رحمه‌الله‌علیه این‌گونه فرمود:

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وضعش این طور بود که مجلسش در مسجد و همه کارهای بزرگ دنیا را هم در مساجد انجام می‌دادند و ما امیدواریم حالا هم مساجد برگردد به آن وقتی که مسجد محل حل و عقد امور باشد و مسجد محل نقشه‌های جنگ باشد، همه چیز باشد و مسجدی‌ها باشند که بتوانند کارها را بخوبی انجام بدهند.[۱]

چهارم) ظهور دینداری فردگرایانه

یکی از ویژگی‌های دینداری جدید که در جهان و تا حدّی در ایران رخ داده است، این‌که مردم بیشتر مایلند دینداری فردی پیشه کنند. البته این جریان ریشه در فرهنگ غرب، دوران رنسانس و فعالیت‌های متفکرانی نظیر لوتر، شلایر ماخر و ویلیام جیمز در قالب جریان تجربه‌گرایی دینی دارد.[۲] این جریان بزرگ ایمان را به درون انسان‌ها برد و دین شخصی و خصوصی فراهم آورد. امروزه نگاه فردگرایانه به دین و ایمان وارد جهان اسلام هم شد است. در این صورت، مسجد آهسته‌آهسته کارکرد اجتماعی خود را از دست داده به محلی انحصاری برای

---

۱. امام خمینی، **صحیفه امام**، ج ۱۷، ص ۲۳۳.

۲. ر.ک، فعّالی، **تجربه دینی و مکاشفه عرفانی**.

عبادت تبدیل خواهد شد.

شاید بتوان گفت که توده مردم ایران خصوصاً جوانان در لایه‌های عمیق درون خویش دیندارند و حتی شاید بتوان گفت که دیندارتر شده‌اند امّا نکته قابل توجه این‌که میل به دینداری فردی نیز افزایش یافته است.

نویسنده کتاب **مسجد مجازی**[1] به نکته جالبی اشاره می‌کند؛ نکته قابل توجهی که در مقایسه مساجد داخل با مساجد خارج کشور به دست می‌آید این است که بین دو مقوله «میزان تحصیلات جوانان» و «میزان حضور در مسجد» بین مساجد خارج کشور و داخل، رابطه متضاد وجود دارد. یعنی در ایران هرچه افراد دارای تحصیلات بیشترند، حضور کمتری در مسجد دارند؛ ولی در خارج، هر چه افراد دارای تحصیلات عالیه هستند، از حضور بیشتری در مساجد برخوردارند. حاصل تحقیقِ سال ۱۳۷۶ نیز نشان از این دارد که افزایش تحصیل جوانان با میزان کاهش حضور آنان در مساجد، رابطه دارد. نگارنده با تأمل در این پدیده به این نتیجه دست یافت که مساجد خارج کشور دارای تنوع و تعدد کارکردی متناسب با نیاز مخاطبان بوده که مساجد داخل کشور از این بی‌بهره‌اند. این مطلب مورد اذعان نویسنده کتاب «مساجد نیویورک» نیز هست. نویسنده کتاب «مساجد نیویورک» سعی در شناساندن این نکته دارد که مساجد نیویورک، فقط محلی برای برگزاری نماز نیستند، بلکه دارای اهمیت فوق العاده‌ای در زندگی عامه مردم مسلمانان نیویورک می‌باشد. لذا اکثر مساجد دارای کتابخانه، محل فروش کتب، سالن کنفرانس، مدارس دینی ـ اسلامی، اماکن تفریحی و اتاق‌هایی برای سکونت هستند. چاپ کتاب، مجلات و نشریات گوناگون، برپایی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها، برپایی دوره‌های آموزشی و تربیت کادرهای متخصص وتهیه فیلم‌های آموزشی از اقدامات جالب این مساجد بودند که بعد از هجوم تبلیغاتی بر ضد مسلمانان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ضرورت آنها احساس می‌شد.

---

۱. جهانگیری، **مسجد مجازی**، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

پنجم) عدم هماهنگی لازم

بخشی از آسیب‌ها و مشکلات مساجد به نهادهای مدیریتی و متولیان امور مساجد ارتباط پیدا می‌کند. این معضلات ابعاد گوناگونی دارند که بخشی از اهم آنها عبارتند از عدم نظارت بر تمام مساجد، عدم کنترل تمام فعالیت‌های مساجد، عدم پشتیبانی مالی از هیئت امنا، فقدان شبکه ارتباطی میان مساجد، ضعف سازوکار گزینش، عدم برنامه‌ریزی برای فعّالان و مدیران مساجد و ضعف هماهنگی میان بخش‌های مختلف یک مسجد.

دو) پیامدها

هر چند مسجد دارای جایگاه بلند و ارزشمندی در جهان اسلام بوده است امّا کم توجهی یا بیگانگی با نقش فرهنگ‌ساز مسجد ما را با پیامدهای هولناکی مواجه خواهد ساخت، مسجد پایگاه فرهنگی اسلام است و می‌تواند انسان مسلمان را در تمام ابعاد حیات فردی و اجتماعی آموزش دهد و او را بالنده سازد. مسجد انسان عصر جدید را آماده ورود به جنجال‌های زندگی اجتماعی می‌کند و چنان او را با سلاح تقوی و ایمان مجهز می‌سازد که در هر شرایطی حقیقت را ببیند و از آن تبعیت نماید.

پایگاه تبلیغ دین و فرهنگ اسلام مساجد هستند. کسانی که اهل مسجد باشند رفتاری متفاوت خواهند داشت و در محیط خانه از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی کمتری رنج می‌برند. مسجد می‌تواند ارزش‌ها را به جامعه بازگرداند و امنیت روانی و اخلاقی را به مردم هدیه دهد. اگر کارکردهای مساجد تقلیل یابند و حضور این نهاد مقدس در جامعه کمرنگ شود، آثار ناگواری در پی خواهد داشت:

- پدید آمدن روحیه بی‌اعتمادی نسبت به دین و متولیان آن
- کاسته شدن از غیرت و حساسیت دینی
- کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی

- توسعه و ترویج بزه‌ها و انحرافات اجتماعی
- ترویج روحیه دنیاگروانه، راحت‌طلبی و رفاه‌زدگی
- ترویج ابتذال اخلاقی
- به سستی گراییدن مبانی اعتقادی
- ایجاد زمینه برای ترویج افکار غربی
- جدایی دین و مسجد از جامعه و سیاست
- کم‌رنگ‌شدن الگوهای دینی
- توسعه فرقه‌های انحرافی
- ورود هجمه فرهنگی به جامعه و خانه‌ها
- ترویج سبک زندگی غربی و شرقی

هفت | نقش مسجد در سبک‌دهی به زندگی

از مباحث پیشین به دست آمد که مسجد در صدر اسلام جایگاهی بس رفیع و بزرگ دارد. رسول خدا ﷺ این نهاد اسلامی را بنا کرد و آن را جایگزین معابد دیگر نمود. پیامبر اکرم ﷺ مسجد سازی را فرهنگ عمومی کرد و از تمام قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این الگوی دینی بهره جست. در زمان‌های دور مسجد تمام امور فردی و اجتماعی مسلمانان را اداره می‌کرد. امت اسلامی تعلّقی شدید با این نهاد مقدس داشتند. مسجد مطلوب در زمان نبی خاتم ﷺ شکل گرفت و تمام نقش‌ها و رسالت‌های خود را ایفا کرد.

امروزه هر چند بسیاری از نقش‌ها و شئون مساجد تقلیل یافته‌اند و گاه رو به افول گذارده‌اند امّا می‌توان کارکردهای مسجد را ارتقاء بخشید. پرواضح است که امروزه مسجد در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد و نیز آفتابی است که مسجد طراز، دارای بایسته‌ها و ویژگی‌هایی است که هم اکنون برخی از آنها موجود نیست. بر ما فرض است که با یک نگاه به وضعیت موجود و با نگاهی دیگر به وضعیت مطلوب، جهت انتقال از وضعیت موجود که مطلوب نیست، به سوی وضعیت مطلوب که موجود نیست، برنامه‌ریزی کنیم و طرحی نو دراندازیم.

جایگاه مسجد باید تا بدان پایه ارتقا یابد که بتواند برای تمام ابعاد زندگی ایرانیان الگوی دینی و سالم عرضه کند. تنها دراین‌صورت است که مسجد هویّت خویش را بازخواهد یافت و به پایگاه حکومت اسلامی تبدیل خواهد شد. اگر امروزه سبک زندگی غربی در جای جای فرهنگ ما رسوخ کرده است، بدون شک احیای جایگاه مسجد می‌تواند راهکاری بسیار تأثیرگذار در مقابل هجوم این پدیده بیگانه باشد، می‌توان از مسجد، دانشگاه، رسانه‌ای مؤثر و مبلّغی شوق‌آفرین ساخت. مسجد می‌تواند و باید بیشترین نقش را بر سبک‌دهی مسلمانان و ایرانیان داشته باشد.

یک) عبادی و الهی

هدف آفرینش براساس نگاه قرآن، عبادت است[1] و مسجد بهترین عبادتگاه و پرستشگاه روی زمین است. خالق زمین و آسمان به انسان‌ها فرمان داده است که مرا در مسجد پرستش کنید و تواضع و خشوع خویش را در مسجد نثار من نمایید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللهِ أَنْ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ وَسَعى فى خَرابِها أُولئِكَ ما كانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوها إِلاَّ خائِفينَ لَهُمْ فِى الدُّنْيا خِزْىٌ وَلَهُمْ فِى الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيمٌ؛[2] و چه کسانی ستمکارتر از کسانی می‌باشند که از بردن نام خدا در مساجد خدا جلوگیری کردند، و در خرابی آنها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن [مراکز عبادت] درآیند، جز در حال ترس [از عدالت و انتقام خدا]. برای آنان در دنیا خواری و زبونی است و در آخرت عذابی بزرگ است

وَأَنَّ الْمَساجِدَ لِلّهِ فَلاتَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً؛[3] و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید.

---

۱. ذاریات / ۵۶.
۲. بقره / ۱۱۴.
۳. جن / ۱۸.

قُلْ أَمَرَرَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَقيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ كَما بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ؛[1] بگو: پروردگارم به میانه‌روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده، و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او مُنقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می‌کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] بازمی‌گردید.

آیات مزبور با تأکید فراوان نسبت به امر یاد خدا، عنایتی ویژه نسبت به امر مسجد از خود نشان می‌دهند. مسجد شریف‌ترین مکان برای خضوع، خشوع و بندگی خداست. از آنجا که مهم‌ترین نمونه بندگی خدا در نماز متجلّی است، نماز پیوندی ناگسستنی با مسجد برقرار خواهد نمود و از آنجا که اسلام دینی اجتماعی است، برگزاری نماز را به جماعت توصیه نموده است. در این میان نماز جمعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

حضور در مسجد برای عبادت و گفتگو با خدا از چنان جایگاه و ارزشی برخوردار است که انتظار برای آن، عبادت تلقّی شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

نشستن در مسجد در انتظار نماز، عبادت است مادامی که حدثی از او سر نزند.

عده‌ای پرسیدند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.[2]

مساجدی که به نماز جماعت اهمیت نمی‌دهند از رونق کمتری برخوردارند و میزان تأثیرگذاری آنان تقلیل خواهد یافت. مطلوب است مساجد برای برگزاری نمازهای روزانه به صورت جماعت و با کیفیتی مناسب برنامه‌ریزی نمایند.

از دیگر اقدامات معنوی اسلام دعا و مناجات است. خوشبختانه امروزه برخی از دعاها هویّت اجتماعی پیدا کرده در مساجد به صورت دسته جمعی تلاوت می‌شوند. مناسب است اولاً این برنامه‌ها با کیفیت مطلوب انجام گیرد، ثانیاً تمام مساجد به مراسم دعا اهتمام ورزند و ثالثاً از ظرفیت تمام زیارات و ادعیه الهی نظیر

---

۱. اعراف / ۲۹.

۲. کلینی، **الکافی**، ج ۲، ص ۳۵۷؛ ابن شعبه حرانی، **تحف العقول**، ص ۴۷؛ صدوق، **امالی**، ص ۴۲۰.

مناجات شعبانیه، جامعه کبیره و خمسه عشر استفاده شود.

اعتکاف عبادت دیگری است که امروزه با شکوهی خاص در مساجد برگزار می‌شود. مناسب است از این ظرفیت جهت تقویت باورهای دینی جوانان و تهذیب نفس بیشترین بهره‌ها را برد.

جنبه عبادی مسجد می‌تواند شکل‌های دیگری هم داشته باشد. هم اکنون در کلیساها مراسم اعتراف یک فرد مسیحی نزد کشیش برگزار می‌شود و می‌دانیم که اعتراف یک بندهٔ خدا، نزد بنده‌ای دیگر نه اسلامی است و نه انسانی. بگذریم از این‌که در برخی از کلیساها برنامه فروش و خرید گناه برگزار می‌شود. امّا در اسلام پدیده‌ای جالب به چشم می‌خورد و آن اعتراف بنده به گناه، نزد خداست. مناسب است فعّالان مسجد برای برگزاری مراسم توبه همراه با راز و نیاز خدا تدبیری بیندیشند. البته امروزه مراسم توبه در قالب برنامه‌هایی نظیر اعتکاف، قرائت دعای کمیل، دعای ندبه و توسل انجام می‌شود.

دو) علمی و آموزشی

قرآن نسبت به فراگیری علم اهتمام ویژه‌ای از خود نشان داده است. آخرین کتاب آسمانی با «بخوان» آغاز شد[1] و به عنوان یک راهبرد کلی برای دانش اهمیتی فراوان قائل شده است.

أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً وَ قائِماً يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ؛[2] [آیا چنین انسان کفران‌کننده‌ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی‌بهره از معرفت و دانش‌اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکّر می‌شوند.

---

۱. علق/۱.

۲. زمر/۹.

سیره رسمی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز بر این منوال بود که مسجد را پایگاه علم و دانش سازد. با نگاهی باریک‌بین می‌توان گفت که مسجدالحرام و نیز مسجدالنبی نخستین دانشگاه‌های بزرگ اسلام بودند. بعد از آن طیّ قرون متمادی مساجد بزرگی در بلاد اسلامی پدید آمدند که وظیفه آموزش و گسترش دانش را به عهده گرفتند. ابن بطوطه می‌نویسد[1] که پانصد دانش‌آموز و طلبه در مسجد جامع اموی دمشق در حلقه‌های علمی و آموزشی شرکت می‌کردند و برنامه غذایی رایگان دریافت می‌نمودند. سیستم آموزشی مساجد بسیار ساده بود. چنانکه بیشتر دانش‌جویان خودجوش و صرفاً به بخاطر کسب علم به مرکز آموزش مسجد مراجعه می‌کردند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نشان داد که مسجد فقط مرکز پرستش نیست بلکه تمام معارف اسلامی را می‌توان در آن آموزش داد. این رویه چنان توسعه پیدا کرد که مساجد جهان اسلام در غیر اوقات نماز، مدرسه بود و حلقه‌های تدریس فراوان در آنجا تشکیل می‌شد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این گونه فرمود:

هر کس در بامدادان به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را یاد بگیرد یا به دیگری یاد بدهد، اجر به جای آورنده عمرهٔ کامل را دارد و کسی که در شب به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را فرا بگیرد یا به دیگری بیاموزد پاداش یک حج کامل را دارد.[2]

سه) فرهنگی و تربیتی

مسجد از مهم‌ترین عوامل توسعه و گسترش فرهنگ دینی است. مسجد عاملی اثربخش در تثبیت آرمان‌های اسلامی است فرهنگ اسلامی در تاریخ از طریق ارکانی مهم نظیر مسجد تا به امروز استمرار یافته است. شایسته است ما نیز نقش فرهنگی مسجد را تقویت کنیم و آن را به جایگاه اصلی ارتقا بخشیم.

بنیادی‌ترین لایه‌های وجود انسان اعتقادات، بینش‌ها و نگرش‌های

---

۱. مکّی السباعی، **نقش کتابخانه‌های مسجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**، ترجمه علی شکوئی، ص ۷۷.

۲. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۱، ص ۱۸۵.

اوست. مسجد می‌تواند از طریق خطابه‌ها، موعظه‌ها و سخنرانی‌ها در اصلاح اعتقادات مردم کوشا باشد، بینش‌های درست برای اهالی مسجد به ارمغان آورد و باورهایی مستحکم در اختیار جوانان قرار دهد.

ارزش‌ها از دیگر لایه‌های عمیق درون انسان‌هاست که مسجد می‌تواند در این بُعد نیز نقش‌آفرینی کند. ارزش‌هایی نظیر ایمان، آخرت‌گرایی، تقوی، اخلاص، هم‌گرایی، فداکاری، ظلم‌ستیزی، تواضع، عظمت امت اسلامی، دعا و عدل گستری از طریق مساجد توسعه یافته‌اند. بی‌تردید نقش مسجد در تثبیت ارزش‌های الهی و انسانی شاخص بوده است. مسجد می‌تواند با برنامه‌هایی متنوع نظام ارزشی مخاطبان خویش را اصلاح نماید و آن را به سمت هنجارها و الگوهای قرآنی سوق دهد.

یکی دیگر از ابعاد وجودی انسان رفتار اوست. تاریخ صدر اسلام و ادوار اسلامی حکایتی روشن از دخالت مسجد در اصلاح الگوهای رفتاری دارد. این مسجد بود که مسلمانان را اهل جهاد کرد، این مسجد بود که امت اسلامی را با خدا آشنا ساخت و این مسجد بود که با ارائه برنامه‌های متنوع رفتارها و فعالیت‌های مسلمانان را به سمت آرمان‌های مقدس اسلامی سوق داد.

از دیگر نقش‌های مسجد در حوزه فرهنگ، پدیده هویّت است. مسجد به عنوان مهم‌ترین نهاد اسلامی، بستری مناسب برای هویّت‌سازی شد. نگاهی گذرا به حوادث صدر اسلام نشان می‌دهد که مسجد عرب عصر جاهلیت را به فردی خداجو، فداکار، مجاهد و ظلم‌ستیز تبدیل نمود. این مسجد بود که مردمان دنیاپرست، تجمل‌طلب و خودخواه را تحویل گرفت و از آنان انسان‌هایی آرمان‌طلب، ایثارگر و خدادوست ساخت. مسجد به عنوان مهم‌ترین ارگان اسلامی، هویّت انسان عصر ظهور را تغییر داد، مسجد همبستگی، استکبارستیزی و بندگی خدا را برای مسلمانان معنا کرد و از آنها انسانی متفاوت ساخت.

بدون شک مسجد نقشی مؤثر در تربیت مخاطبان خویش دارد؛ مسجد میان مسلمانان برادری و هم‌گرایی را تقویت می‌کند، مسجد نمازگزاران را با

روحیه انفاق و ایثار آشنا می‌سازد، مسجد نقشی بازدارنده در ارتکاب جرائم و بزهکاری‌های اجتماعی ایفا می‌کند، مسجد الگوهای تربیتی و دینی به جوانان عرضه می‌کند، در مسجد اطلاعات مذهبی مخاطبان رشد می‌یابد، با مسجد ارزش‌های انقلابی استمرار می‌یابد، مسجد در بالندگی اخلاقی نمازگزاران نقشی مؤثر ایفا می‌کند، مسجد می‌تواند با تقویت عنصر عفّت در نوجوانان و جوانان غریزه جنسی را در آنها مهار کند، با فراخوانی مساجد جامعه منسجم شده نظم‌پذیر می‌شود، از طریق مساجد می‌توان بسیاری از هجمه‌های فرهنگی غرب را کنترل و تضعیف نمود، اعتقادات و باورهای دینی از طریق مساجد پاسخی شایسته دریافت می‌کنند، فرقه‌های نوظهور در مساجد با سدّی عظیم مواجه می‌گردند، مسجد می‌تواند ابزاری مهم برای تربیت انسان‌های شایسته برای حکومت اسلامی باشد، مسجد می‌تواند مهارت‌های اسلامی و هنری که در زندگی روزمره کارآیی مؤثر دارد ارائه دهد، تربیت هنری در مسجد قابل اجراست، می‌توان تمام نیازهای خانواده‌های اسلامی را از طریق مساجد تأمین نمود و در یک سخن خلاصه نقش مسجد این است که الگوهای تربیتی را در اختیار جوانان قرار داده و آنها را به انسانی متعالی و باتقوی تبدیل نماید. چه زیبا فرمود مرحوم امام رحمه‌الله‌علیه:

به نماز و مساجد اهمیت دهید که پرونده‌های دادگستری مال بی‌نمازهاست و نمازخوان‌های واقعی در دادگستری پرونده ندارند. شیطان‌ها از مساجد و نماز می‌ترسند، آنها می‌خواهند، از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی‌کردن سنگرها حمله کنند.[۱]

چهار) ارتباطاتی و رسانه‌ای

قرآن کریم مسجد را حاوی پیام‌های مهمی می‌داند. اصلی‌ترین پیام‌های

---

۱. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، **صحیفه نور**، ج ۱۸، ص ۹۳.

مسجد عبارتند از امنیّت[۱]، هدایت[۲] و ارتباط با خدا[۳]. پیامبر اکرم ﷺ با سخنرانی‌ها و خطبه‌های خویش افکار عمومی را اصلاح نمود و مردم را به سمت تشکیل جامعه آرمانی هدایت کرد. رسول خدا ﷺ نشان داد که مسجد یک رسانه دینی است و می‌توان از طریق آن پیام‌های قرآنی و الهی را به مسلمانان و حتّی جهانیان رساند. مسجد محل تبادل افکار و اندیشه‌ها در ارتباط با مسلمانهاست. مسجد برای همیشه پناهگاهی امن برای توده‌های مردم بوده است و مسجد این قابلیت بزرگ را دارد که همه انسان‌ها را به سمت خود جذب کند. مسجد حاوی یک پیام بزرگ برای جهانیان است: صلح جهانی.

ویژگی‌ها مسجد با نگاه رسانه‌ای عبارتند از:

- خطبا در مسجد می‌توانند با سخنرانی‌های جذاب، نقش هدایت‌گری مسجد را بر عهده گیرند.
- از جمله رسالت‌های مسجد ایجاد و تقویت انگیزه‌های دینی در مخاطبان است.
- مسجد با ایفای نقش افشاگری می‌تواند به سنگری مستحکم در برابر ظالمان و مستکبران جهان قرار گیرد.
- مسجد رسانه‌ای است که برای همگان قابل دسترسی است و دستیابی به آن برای عموم آسان است.
- مسجد با ایفای رسالت رسانه‌ای، نقشی مهم در استمرار فرهنگ اسلامی داشته است.
- از آنجا که مسجد فراجناحی است، ظرفیت شگرفی در ایجاد هماهنگی میان احزاب و طوایف اسلامی دارد.
- مسجد تشکیلات خودجوش برای ساماندهی فرهنگ اسلامی به

---

۱. بقره / ۱۲۵.
۲. آل عمران / ۹۶.
۳. بقره / ۱۱۴؛ حج / ۴۰.

حساب می‌آید.

- افکار و اندیشه‌های مسلمانان از طریق این رسانه اسلامی مستحکم و ناب می‌شود.
- مسجد رسانه‌ای بزرگ و باشکوه است که قادر است ارزش‌ها و الگوهای دینی را در ذهن مخاطبان خویش قرار دهد یا آنها را تقویت نماید.
- اگر در میان جوامع اسلامی در جستجوی تریبونی آزاد باشیم، مسجد بهترین پناهگاه امن و آزاد مسلمانان می‌باشد.
- با نگاهی دقیق به شرایط امروز جهان اسلام و کل جهان می‌توان گفت که در دو محور باید فعالیت کرد[1]: یکی مسجدی کردن رسانه‌های مدرن و دیگری رسانه‌ای کردن مساجد با استفاده از ابزارهای مدرن.

پنج) اوقات فراغت

الف) چیستی

فراغت در زبان انگلیسی معادل واژه Leisure و برگرفته از واژه لاتین Lic-ere به معنای «مجاز بودن» یا «آزاد بودن» است. در زبان فرانسه واژه Loisir به معنای وقت آزاد است و معنای آن تقریباً شبیه Liberty است که به انتخاب آزادانه و نبود اجبار اشاره دارد. در فرهنگ لاروس، اوقات فراغت، عبارت است از: سرگرمی‌ها، تفریحات و فعالیت‌هایی که افراد، هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آنها می‌پردازند. در فرهنگ جامع انگلیسی - فارسی حییم، واژه مذکور با معادل‌هایی همچون وقت آزاد از کار یا وظایف دیگر، وقت اضافی و یک رشته از فعالیت‌های اضافی آورده شده است.[2]

در زبان عربی، فراغت به معنای بی‌تابی و اضطراب است. در کتب و فرهنگ

---

۱. جهانگیری، **مسجد مجازی**، ص ۱۱۴.

۲. فراهانی، **مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی**، ص ۴.

چند معنا برای این لغت آمده است از جمله: تمام شدن، دست‌کشیدن از کار، هدر رفتن، به پایان رسیدن، خالی شدن، ریختن، بیکاری و تهی بودن.[۱]

درباره تعریف اصطلاحی اوقات فراغت در میان اندیشمندان علوم اجتماعی، توافق کلی وجود ندارد. اما انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، آن را چنین تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از اشتغالات فرد که کاملا به رضایت خاطر خود برای استراحت، تفریح یا به منظور توسعه اطلاعات یا آموزش غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی و داوطلبانه بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد.[۲]

سازمان ملی جوانان نیز بر اساس سه رویکرد مختلف، تعاریفی را از فراغت ارائه کرد:[۳]

فراغت به‌مثابه زمان: براین‌اساس، فراغت، زمانی است که آنچه را می‌توانیم، انتخاب می‌کنیم.

فراغت به‌منزله فعالیت: فراغت، فعالیتی است که سبب ابراز وجود و خودشکوفایی فردی است.

فراغت به‌مثابه تجربه‌ای درونی: توجه به وضع روحی، روانی، جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها، شرایط و تجربه در ارتباط با فراغت است.

با صرف نظر از بررسی تعریف‌های مختلف و متفاوتی که از اوقات فراغت وجود دارد می‌توان نکات مشترکی را از میان آنها استخراج نمود:

- اوقات فراغت مخصوص زمان آزاد افراد است.

---

۱. موظف رستمی، **اصول برنامه‌ریزی اوقات فراغت**، ص۲۰.

۲. حیدری و ساعی، **بررسی اثر مصرف فرهنگی فراغتی جوانان بر سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی آنان**، مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، مرداد ماه ۹۲، شیراز، ص۱۰۱؛ قهرمانی فرد و کاظمی، آسیب‌شناسی الگوهای نوین گذران اوقات فراغت جوانان و ارائهٔ راهبردهای مدیریتی. فرهنگی، مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، مرداد ماه ۹۲، شیراز، ص۶۸۱.

۳. ر.ک: اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، گروه اجتماعی. فرهنگی، تهران، سازمان ملی جوانان، ص۲۷-۳۱.

- نحوه گذران اوقات فراغت و فعالیت فراغتی، برای افراد، امری انتخابی و آزادانه است.
- در نتیجه گذران اوقات فراغت، احساس رضایت خاطر، آرامش و آسودگی در فرد ایجاد می‌شود.
- فرد در زمان فراغت از هرگونه تعهدات شغلی، اجتماعی و خانوادگی آزاد است.
- فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت با توجه به افراد مختلف، متفاوت است.

خلاصه آنکه فراغت، زمانی است که فرد از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعی رهاست و در آن به انجام فعالیت‌های فرح‌بخش و نشاط‌آور می‌پردازد. فراغت زمانی است که فرد آن را طبق سلایق، تمایلات و علایق خود برنامه‌ریزی می‌کند و این برنامه‌ریزی به نیازهای روحی، سن، موقعیت و پایگاه اجتماعی و توانایی‌های مالی وی نیز بستگی دارد. این فعالیت‌ها، به طور کلی سبب ابراز وجود و خودشکوفایی فرد می‌شود.

ب) کارکردهای اوقات فراغت

اوقات فراغت از طریق کارکردهای متفاوت، نقش مؤثری در ایجاد تعادل در زندگی افراد دارد. باید توجه داشت که انسان، موجودی مکانیکی نیست که تغذیه و کار بتواند سلامت، حیات و دوامش را تأمین کند. کیفیت زندگی افراد به نحوه استفاده از اوقات فراغتشان مربوط می‌شود. غفلت از نقش مؤثر اوقات فراغت در توسعه و جهت‌دهی به زندگی، باعث نادیده انگاشتن کانال ورود بسیاری از موفقیت‌ها و شکست‌هاست. فراغت سه کارکرد اصلی دارد: تفریح و سرگرمی، توسعه آزادی فردی و تجدید قوا. فعالیت‌های اوقات فراغت، این امکان را در اختیار افراد قرار می‌دهد که وضعیت اجتماعی دلخواه خود را برگزینند. این فعالیت‌ها، افزون بر جبران بخشی از ناراحتی‌ها، جنبه‌های ملال‌آور زندگی را

برطرف کرده، فرد را از خستگی ناشی از آن خارج می‌سازد.

کارکردهای عمده اوقات فراغت را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

- نیاز به استراحت و رفع خستگی: اشتغال مستمر و بدون وقفه، سبب خستگی جسمی و روانی می‌شود و به تدریج، نشاط و شادمانی را از افراد سلب می‌کند. یکی از آثار و نتایج اوقات فراغت، جبران صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجانات کاری و رهایی از کسالت ناشی از یکنواختی انجام وظایف روزانه است.
- نیاز به تفریح و سرگرمی: انسان از یکنواختی گریزان است و علاقه‌مند به تنوع و ارضای ذوقیات خویش است. این امر در جامعه شهری امروز، اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا افراد، مشاغل تکراری، خسته‌کننده و کسالت‌آوری دارند.
- پرورش و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها: معمولا آدمی تا زمانی که درگیر کار موظف و امور روزانه است، تمام انرژی خویش را صرف انجام آنها می‌کند و هرچه بیشتر غرق در این وظایف گردد امکان بروز بسیاری از خلاقیت‌ها کاهش می‌یابد. زمان فراغت، فرصت گرانبهایی است که انسان می‌تواند ابعاد دیگر وجود خویش را کشف کند و پرورش دهد.
- کسب اطلاع و تکمیل معلومات: در جامعه امروز که هم زمان فراغت، طولانی‌تر و هم امکانات کسب اطلاع و آموزش، بیشتر شده و همچنین نیاز به معلومات بیشتر فزونی یافته است، این کارکرد، اهمیت بیشتری یافته است.
- مشارکت اجتماعی: فراغت با فراهم‌کردن امکانات و فرصت برقراری روابط خانوادگی، دوستانه، گروهی و حرفه‌ای به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کند و زمینه را برای انجام فعالیت‌های مشارکتی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر فراغت‌های گروهی، فرصتی

برای تمرین مشارکت اجتماعی است و مسئولیت‌پذیری و احساس تعهد اجتماعی را افزایش می‌دهد.

ج) ویژگی‌های فراغت در عصر حاضر

تغییرات بسیار سریعِ اجتماعی و فناوری، رشد شهرنشینی و صنعت، پدیدآمدن وسایل ارتباط جمعی، جهانی‌شدن و همگانی‌شدن فراغت، از جمله عوامل مهمی به شمار می‌آیند که در عصر حاضر، زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در دوران جدید زندگی بشر، رشد شهرنشینی و مشکلات ناشی از آن به‌ویژه در شهرهای بزرگ، مسائلی مانند تنهایی انسان‌ها، کاهش صمیمت‌ها و برخوردهای عاطفی را سبب شده است.

افزون بر این، یکنواختی کارهای صنعتی و اداری، افسردگی، فشارهای عصبی و فرسودگی انسان‌ها، توجه به اوقات فراغت را افزوده است. همچنین اوقات فراغت، در حال حاضر با ساخت سیاسی جامعه نیز پیوند برقرار کرده است. برخلاف گذشته که فراغت، موضوعی شخصی بود، در دنیای امروز با دستگاه سیاسی، ارتباط مستقیم دارد. از یک طرف، دولت‌ها به شکل‌های مختلف و با کمک وسایل ارتباط جمعی در زمان فراغت مردم، نفوذ پیدا کرده، و در سوق دادن آنها به سمت اهداف خاص، نقش زیادی دارند. از طرف دیگر، مردم انتظار دارند که دولت، آنها را درباره پر کردن مناسب و متنوع اوقات فراغتشان یاری رساند.

افزون بر این، موضوع مهم دیگر درباره اوقات فراغت در دوران حاضر، ارتباط آن با وسایل ارتباط جمعی است. وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم، بزرگ‌ترین تحول را در ارتباط با زمان فراغت ایجاد کرده‌اند.

می‌توان مشخصات فراغت در عصر مدرن را به این شرح، دسته‌بندی کرد:

- کاهش تحرک فیزیکی: برخلاف گذشته که فعالیت‌های اوقات فراغت، اغلب با تحرک بدنی همراه بوده، امروزه سهم تماشاگری همراه با فعل‌پذیری (انفعال حرکتی) افزایش یافته و با وجود افزایش

سهم آن از لحاظ زمانی، میزان تحرک جسمی را کاهش داده است.

- رسانه‌ای شدن: استفاده از رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌ها و اتکای بیش از حد و تقریباً انحصاری به وسایل ارتباط جمعی در شکل‌های گوناگون و متنوع آن.
- تجاری شدن اوقات فراغت: امروزه بر خلاف گذشته که اوقات فراغت در چارچوب محیط خانه و میان خانواده صرف می‌شد، مؤسسات گوناگونی، کارکرد تنظیم اوقات فراغت را بر عهده گرفته‌اند.
- عمومیت یافتن اوقات فراغت: در گذشته اگر طبقات ممتاز، عمدتا امکان دسترسی به برخی جنبه‌های اوقات فراغت را داشتند، امروزه بهره‌مندی از این اوقات و فرصت‌های متناظر با آن به کل طبقات اجتماعی، تعمیم یافته است.
- اختیاری شدن اوقات فراغت: صرف نظر از تأثیر افراطی تبلیغات، امروزه با تنوعی که در امکانات و فرصت‌های گذران اوقات فراغت پدید آمده، نحوه گذران اوقات از کنترل فعالیت‌های اقتصادی و کاری رها و به سمت فعالیت‌های دلخواه و آزاد، معطوف شده است.

از اینرو، می‌توان اذعان داشت که اوقات فراغت از مسئله‌های صرفا اجتماعی، فراتر رفته و به مقوله‌ای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی حقوقی تبدیل شده است.

د) مبانی اسلامی اوقات فراغت

با مطالعه آموزه‌های اسلامی، درمی‌یابیم که دین اسلام نیز به اوقات فراغت، توجه زیادی دارد و این آموزه‌ها اهمیت، اصول و روش‌های ناظر به گذراندن اوقات فراغت را به دقت بیان کرده‌اند. شماری از مهم‌ترین اصولی که در این زمینه از آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید، از این قرار است:

- برنامه‌ریزی: برخی از افراد برای اوقات فراغت خود، برنامه‌ریزی

نمی‌کنند؛ در حالی که آموزه‌های دینی، ما را به غنیمت‌شمردن از وقت، موظف کرده‌اند. این مسئله، نیازمند برنامه‌ریزی درست برای بهره‌برداری از اوقات فراغت است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مقام توصیه به ابوذر چنین فرموده است: **اِغْتَنِمْ خَمْساً قَبْلَ خَمْسٍ؛ شَبابَکَ قَبْلَ هَرَمِکَ وَ صِحَّتَکَ قَبْلَ سُقْمِکَ وَ غِناکَ قَبْلَ فَقْرِکَ وَ فَراغَکَ قَبْلَ شُغْلِکَ وَ حَیوتِکَ قَبْلَ مَوْتِکَ**؛[1] پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی‌ات را پیش از پیری، سلامتت را پیش از بیماری، بی‌نیازی‌ات را پیش از تنگدستی، فراغتت را پیش از گرفتاری و حیاتت را پیش از مرگ.

■ جهت‌گیری الهی: یکی از مسائل مهم در رویکرد اسلامی به اوقات فراغت، آن است که آدمی نمی‌تواند هر عملی را که بخواهد، انجام دهد؛ بلکه جهت‌گیری اوقات فراغت نیز باید الهی باشد و به‌گونه‌ای انتخاب شود که در مسیر اطاعت و رضای الهی قرار گیرد. امام سجاد علیه‌السلام در یکی از مناجات‌های فرمود: «پس اگر برای ما آسودگی از کاری، مقدر فرموده‌ای، آن را آسایشی سالم قرار ده که پیامدی (گناه‌آلود) نداشته باشد و رنجی به ما نرسد.»[2]

در این زمینه از حضرت علی علیه‌السلام نیز در تفسیر آیه «**وَابْتَغِ فیما آتاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلا تَنْسَ نَصیبَكَ مِنَ الدُّنْیا**؛[3] و بجو در آنچه خدا به تو داده، خانه آخرتت را و بهره‌ات از دنیا را فراموش مکن.» چنین وارد شده است: تندرستی و قوّت و فراغت و جوانی و نشاطت را فراموش مکن و به وسیله این (پنج نعمت بزرگ) آخرت را بطلب.[4]

■ همراهی اوقات فراغت با کار: کار در نظام مبتنی بر ارزش‌های

---

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۵؛ طوسی، امالی، ص ۵۲۶.

۲. **صحیفه سجادیه**، دعای یازدهم.

۳. قصص / ۷۷.

۴. الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۳۹؛ صدوق، امالی، ص ۲۲۸. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۷ و ۲۶۷، ج ۷۰، ص ۷۳.

دینی، امری مقدس شمرده می‌شود و در چنین نظامی، انسان با کار و تلاش، بیگانه نیست. در این فرهنگ، فراغت به معنای بیکاری، بیهوده‌گذرانی و تنبلی نیست و تمام اوقات باید وقت کار و زمان فعالیت سالم و هدفدار باشد. فراغت شایسته و سالم در فرهنگ قرآن، تنبلی و بیکار نشستن نیست. قرآن کریم می‌فرماید: **فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَ إِلى رَبِّكَ فَارْغَب**؛[1] پس هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی، به مهم دیگری بپرداز و به سوی خدا و رضایت او رغبت کن.

جالب با توجه به این‌که در آیه موضوع «فراغ» معیّن نشده و «فانصب» از ماده «نصب» به معنای تعب و زحمت است، شریفه مزبور یک اصل کلی و فراگیر را مطرح می‌کند و آن این‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در مقامِ یک الگو، از استراحت‌کردن پس از پایان امری مهم بازدارد و تلاش پیگیر را در زندگی به او گوشزد کند. این آیه فراغت از هر مهمی و پرداختن به مهم دیگر را دربرمی‌گیرد و به طور کلی توصیه می‌نماید هرگز بیکار نمان و کوشش را کنار مگذار؛ بلکه پیوسته مشغول تلاش باش و پایان مهمی را آغاز مهم دیگر قرار ده.

■ منحصر نشدن در تفریح: در فرهنگ اسلامی، اوقات فراغت با تفریح هم‌معنا نیست و شیوه گذران آن منحصر به تفریح و سرگرمی نمی‌شود. برای گذران اوقات فراغت انسان، راه‌های گوناگونی معیّن شده است. در این فرهنگ، اوقات فراغت، بخشی از زمان زندگی و عمر و دارای ارزش و اهمیت است و نباید همه آن به تفریح سپری شود؛ بلکه باید برای آن برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد و در امور مختلفی صرف شود.

---

۱. انشراح / ۷ و ۸.

ه) الگوی تجویزی گذران اوقات فراغت در مسجد

عبادت

از نگاه قرآن کریم عبادت و بندگی خداوند، هدف اصلی آفرینش انسان است[۱] بنابراین انسانی که می‌خواهد براساس فلسفهٔ وجودی خود حرکت کند، باید همهٔ اوقاتش به عبادت خدا مشغول باشد. البته بندگی و عبادت لزوماً به معنای عبادت‌های مرسوم و شناخته‌شدهٔ فقهی نیست. انسان حتی می‌تواند خوردن، خوابیدن و تفریحات خود را عبادت الهی بداند؛ مشروط به آنکه به انگیزهٔ الهی و برای وصول به مقام قرب انجام گیرند. درعین حال، انجام عبادت‌های ویژه، مثل نمازهای مستحبی، خواندن اذکار و دعاهای ویژه، روزه‌گرفتن مستحبی، تمرکز و توجه بیشتر به آیات قرآنی می‌تواند یکی از شایسته‌ترین کارها در اوقات فراغت باشد.

حضرت زهرا علیهاالسلام در دعایی از خدای متعال چنین می‌خواهد: اللهم فَرِّغْنِی لِمَا خَلَقْتَنِی لَهُ؛[۲] خداوندا! برای دست‌یابی به آنچه مرا برایش آفریده‌ای، فراغتی به من عطا کن.

تفکر

برتری انسان بر حیوان در به‌کارگیری قوهٔ عاقله اوست. قرآن مجید، بارها به اندیشیدن در کارها و پدیده‌ها اشاره دارد. مفهوم عبادت به زیاد نماز گزاردن و یا بسیار روزه گرفتن تعریف نشده؛ بلکه در دایرهٔ تفکر در امر خداوند معرفی شده است؛ امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

«**لیست العبادة بکثرة الصلوة و الصیام و انما العبادة کثرة التفکر فی امرالله**»؛ عبادت آن نیست که انسان، نماز و روزه بسیار بجا آورد؛ بلکه عبادت، اندیشیدن بسیار درباره امور الهی است.[۳] اوقات فراغت می‌تواند بهترین زمان برای اندیشیدن در

---

۱. ذاریات / ۵۶.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۶.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۲.

خلقت الهی باشد.

یکی از شایسته‌ترین کارهایی که می‌توانیم با فراغ بالِ بیشتری در اوقات فراغت انجام دهیم، حسابرسی اعمال روزانه یا اعمال گذشته است. گاهی انسان، چنان درگیر فعالیت‌های شغلی و کارهای روزمره خود می‌شود که هدف اصلی زندگی را فراموش می‌کند؛ حتی ممکن است روزها بگذرد و سؤالات اساسیِ حیات انسانی برای او مطرح نشود؛ چه رسد به این‌که نوع مواجهه خود با آنها را تحلیل کند: سؤالاتی از این قبیل که از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ چرا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ چگونه باید این راه را طی کنیم؟ نیازها و توشهٔ این راه چیست؟ همراهان این راه کیست‌اند؟ راهزنان این راه چه کسانی و کجایند؟ اوقات فراغت، بهترین زمانی است که هر کسی می‌تواند بخشی از آن را برای تأمل درباره این پرسش‌ها اختصاص دهد؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«ما اَحَقَّ لِلاِنْسانِ اَنْ تکونَ لَهُ ساعةٌ لا یَشْغَلُهُ شاغِلٌ یُحاسِبُ فیها نَفْسَهُ، فَیَنْظُرَ فیما اَکْتَسَبَ لَها وَعَلَیْها فی لَیْلِها وَنَهارِها؛[1] چقدر شایسته است انسان، زمانی در اختیار داشته باشد که از مشغولیت‌های زندگی، چیزی او را سرگرم نسازد: ساعتی که از خودش حسابرسی کند و دربارهٔ آنچه در شبانه‌روز برای خود به دست آورده و یا از کف داده است، بیندیشد.»

همچنین در حدیث دیگری به تقسیم اوقات فرد دیندار اشاره دارند و از ساعت حسابرسی در کنار ساعت مناجات و ساعات مخصوص لذّت‌های حلال، یاد شده است: «إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلاثَ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ یُنَاجِی فِیهَا رَبَّهُ وَ ساعَةٌ یُخَلِّی بَیْنَ نَفْسِهِ وَبَیْنَ لَذَّتِها فِیمَا یَحِلُّ وَیَجْمُلُ![2] برای مؤمن سه ساعت است: ساعتی بخواند خدا را و ساعتی برای لذات حلال.

امام صادق علیه‌السلام هر مسلمانی دست کم باید یک روز در هفته، خود را از کارهای روزمره فارغ کند و به مسائل تربیتی و دینی خود توجه ویژه کرده، مسائل دینی

---

۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، شماره ۴۷۴۹، ص ۲۳۶.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۹۰.

خود را پی‌گیری و ابهامات خود را رفع کند:

«أُفٍّ لِلرَّجُلِ المُسلِمِ لایَفرُغُ نَفسَهُ فِی الأُسبُوعِ یَومَ الجُمُعَةِ لِأَمرِ دینِهِ فَیَسأَلَ عَنه؛[1] اف بر مسلمانی که برای کار دین خویش و پرسش دربارهٔ آن، دست‌کم روز جمعهٔ هر هفته، خود را از کارهای دیگر فارغ نمی‌سازد.»

دیدار با خویشان و دوستان

یکی دیگر از بهترین و ارزشمندترین راه‌های گذران اوقات فراغت، دید و بازدید از خویشاوندان و دوستان است. اسلام برای حفظ و تقویت بنیان‌های اجتماعی و روابط خویشاوندی، تأکید زیادی بر صله رحم و ارتباط با اقوام دارد. برکات مادی و معنویِ فراوانی برای آن برشمرده است. به طور طبیعی در زمان کار و فعالیت‌های شغلی و روزانه، فرصت و امکانی برای انجام این وظیفهٔ دینی و انسانی نیست. به همین دلیل، مناسب‌ترین اوقات برای انجام چنین کاری، اوقات فراغت است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّ لِأَهْلِ الدِّینِ عَلَامَاتٍ یُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِیثِ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ وَفَاءً بِالْعَهْدِ وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ و...؛[2] دینداران شاخصه‌هایی دارند که با آنها می‌شود آنان را شناخت: راستگویی، امانت‌داری، وفاداری، ارتباط با خویشاوندان و....»

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَکِّی الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِی الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَی وَ تُیَسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِئُ فِی الْأَجَلِ؛[3] ارتباط با خویشاوندان، سبب پاکی اعمال، رشد اموال، دفع بلاها، حسابرسی آسان و طول عمر می‌شود.»

امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

---

۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۳۹۳.
۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۹.
۳. همان، ص ۱۵۰.

«صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَتُسَمِّحُ الْكَفَّ وَتُطَيِّبُ النَّفْسَ وَتَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَتُنْسِئُ فِي الْأَجَلِ؛[1] ارتباط با خویشاوندان، اخلاقی نیکو، دست و دلی باز، جانی پاکیزه، رزقی فراوان و عمری طولانی را به ارمغان می‌آورد.»

دوست مؤمن به منزلهٔ پناهگاه آدمی است. به تعبیر امام صادق علیه‌السلام برای هر چیزی تکیه‌گاهی است که به وسیلهٔ آن، استراحت فراهم می‌شود؛ برای یک مؤمن، تکیه‌گاه و وسیلهٔ استراحت، دوست مؤمن اوست.[2] نکتهٔ مهم در اهمیت انتخاب دوست، این است که باید اوقات فراغت انسان با دوستانی شایسته و مایهٔ آبروی و عزت انسان، سپری شود.

همیاری

اوقات فراغت، فرصتی برای برآوردن نیازهای مؤمنان است. شاید بسیاری از مردم، خیر را در این بدانند که در ایام فراغت، به دور از مشغولیت‌های افراد گوناگون به استراحت بپردازند؛ اما بسیاری هم با فراگیری از تعالیم مکتب وحی با برآوردن نیازهای دیگران، نه تنها خسته نمی‌شوند؛ بلکه برای ادامهٔ کار، انرژی گرفته و شادمان توشه‌ای را برای سرانجام خود فراهم می‌سازد. به فرمودهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگامی که خدا برای بنده‌ای ارادهٔ نیکی کند، نیازهای مردم را در دست او قرار می‌دهد.

کتابخوانی

کتاب، وسیلهٔ خوبی برای گذرانِ بهینهٔ اوقات فراغت نوجوانان و جوانان است. وجود کتابخانه‌ها عامل مؤثری در جلب جوانان به مطالعهٔ کتاب خواهد بود و داشتن امکانات مطالعه، دریچه‌ای به سوی دنیای شگفت‌انگیز علم و معرفت، و راهی بسیار ساده و عملی برای پرورش استعدادهای خدادادی است؛

---

۱. همان، ص۱۵۱.

۲. مفید، الاختصاص، ص۳۰.

چه نیکو است اگر بتوانیم مطالعه را در نوجوانان و جوانان به صورت عادت درآوریم؛ زیرا در آن صورت، ارتباط آنها با جهان دانش، مشکل نخواهد بود و بدون هیچ زحمتی خواهند توانست، ضمن استفاده بهینه از اوقات فراغت، از راه مطالعه، میزان درک و اندیشهٔ خود را به جهان هستی رشد دهند.

رابطهٔ معکوسی بین افزایش بزهکاری با رشد فرهنگ کتابخوانی در جامعه وجود دارد. یکی از جلوه‌های تعلیم و تعلم، سرگرمی با کتاب‌های مفید است. اوقات فراغت، فرصتی است تا با مطالعه به آگاهی‌ها و تجربیات زندگی بیفزاییم.

رایانه و اینترنت

امروزه رشد چشمگیر فناوری اطلاعات در سطح جهان باعث شده که در زمان کمی، بتوان از اطلاعات وسیع برخوردار شد. بنابراین رایانه و اینترنت اگر در جهت مطلوب و ارزش‌های اخلاقی قرار گیرد، یکی از بهترین گزینه‌ها برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان جامعه خواهد بود؛ ازاین‌رو استفاده بهینه از این منابع مورد توجه مربیان تربیتی است. البته اگر این وسیله در جهت نامطلوب قرار گیرد، بیشترین ضربه را به جامعه وارد خواهد ساخت؛ ازآن‌رو که دشمنان از طریق تهاجم فرهنگی و برنامه‌های نامناسب درصدد تحقق اهداف نادرست خود می‌باشند. لازم است که مکانی مناسب نظیر مسجد برای هدایت و کنترل برنامه‌ها مد نظر قرار گیرد.

فعالیت‌های هنری

خلق و ایجاد، اصولاً لذت‌بخش و تحریک‌کنندهٔ ذوق انسان است. لذتی که از پدیدآمدن یک اثر هنری و یا حتی از تهیه و تکمیل یا تعمیر وسایل مورد نیاز زندگی با کوشش شخص به انسان دست می‌دهد، در اصل، نوعی تغذیه روان و تقویت استعدادهای نهفته انسانی را به همراه دارد و به سبب همین انگیزه درونی، مشغول شدن به این‌گونه فعالیت‌ها در اوقات فراغت، جنبهٔ سازنده و

آموزنده دارد و تقویت و تلطیف مهارت‌های دستی و نیرومندی هنری انسان را سبب می‌شود. غنی‌ساختنِ اوقات فراغت از طریق فعالیت‌های هنری، کاربردی فراوان دارد.

شرکت در برنامه‌های کانون‌های فرهنگی و تربیتی

یکی دیگر از برنامه‌های گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در مساجد خصوصاً در فصل تابستان، کانون‌های فرهنگی و تربیتی است. عمدهٔ کار آنها را فعالیت‌های هنری، آموزشی، ورزشی، کلاس‌های قرآن، اردوهای مختلف و کلاس‌های تقویتی تشکیل می‌دهد.

فعالیت‌های اوقات فراغت در نهایت، سبب رشد و توسعهٔ فرهنگی در جامعه خواهد شد و بر اثر فعالیت‌های سالم، از جمله شرکت در اردوهای جمعی، پدیدهٔ برنامه ارزشمند راهیان نور نه‌تنها از فرصت‌های بیکاری و بعضاً بزهکاری اجتماعی کاسته می‌شود؛ بلکه اشاعه فرهنگ عمومی و توسعهٔ فرهنگی و نشاط و سرزندگی در جامعه، افزایش خواهد یافت.

فعالیت‌های علمی

کسب علوم مختلف، سن خاصی را می‌طلبد؛ ازاین‌رو شاید این بخش از راه‌کارها بیشتر برای جوانان، مفید باشد. با پیشرفت علم در روزگار ما، اوقات فراغت، فرصتی برای افراد هر جامعه، مخصوصا جوانان است تا از آخرین دستاوردهای علمی، آگاهی یابند.

امام صادق علیه‌السلام با تأکید بر تلاش در جهت سهم و استفادهٔ بهینه از دوران زندگی می‌فرماید: **لَسْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِياً فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَّطَ، فَإِنْ فَرَّطَ ضَيَّعَ، وَ إِنْ ضَيَّعَ أَثِمَ، وَ إِنْ أَثِمَ سَكَنَ النَّارَ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالْحَقِّ**؛[1] سوگند به کسی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به حق برگزید! دوست

---

۱. طوسی، **امالی**، ص ۳۰۳.

ندارم جوانی از شما را مگر در یکی از این دو حالت ببینم: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلّم و آموزنده. پس اگر در هیچ‌کدام از این دو حال نبود، کم‌کاری و کوتاهی کرده و در آن صورت، عمر خود را ضایع نموده، گناهکار است و نتیجه آن عذاب الهی خواهد بود.»

ورزش

در اولویت فعالیت‌های نوجوانان و جوانان برای استفاده از اوقات فراغت ورزش قرار دارد؛ از این‌رو باید ایجاد و توسعهٔ فرهنگ ورزش را با مسجد پیوند زد.

شش) مدیریت شهری

رسول گرامی اسلام ﷺ درسی بزرگ به جامعه اسلامی داد و آن این‌که می‌توان امور مسلمین را از طریق مسجد مدیریت نمود. در فرهنگ اسلامی شهر به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که در آنجا جمعه و جماعت وجود داشته باشد با این نگاه مسلمانان بسیاری از شهرهای بزرگ اسلامی را بنا کرده‌اند و از مأذنه‌های مساجد امور شهری را مدیریت نمودند شهر کوفه، به دست مسلمانان نباشد و مسجد، اولین بنای این شهر اسلامی بود.

از مهم‌ترین نقش‌های مسجد، کارکرد مدنیّت آن است مسجد می‌تواند پایه و اساس شهرسازی باشد چناکه این ظرفیت را دارد که شهر را مدیریت نموده سامان دهد یکی از قابلیت‌های مساجد این است که رفتار شهروندان را تنظیم نماید و آنان را به انسان‌هایی شرافتمند و با گذشت تبدیل کند، مسجد می‌تواند در کاهش بزهکاری‌های شهری نظیر حاشیه‌نشینی، کارتن خوابی، تکدی‌گری، مشکلات بهداشتی و اعتیاد نقش مؤثری ایفا کند. مسجد می‌تواند مرکز شورای شهر اسلامی باشد و در آنجا سازمان مدیریت شهری شکل گیرد.

مسجد بیش از آن که پناهگاه مسلمانان و نیازمندان باشد، ارائه دهنده شیوه‌های مناسب برای ساماندهی شهری و سبک مدیریت دینی است از آنجا

که اجتماعات مسلمانان هر روز در مساجد برگزار می‌شود، مدیران می‌توانند از این طریق با توده‌های میلیونی مردم تماس مستقیم برقرار کنند و افکار عمومی را هدایت نمایند.

هفت) اجتماعی و سیاسی

سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که هر گاه مشکلات فکری و ناهنجاری‌های اجتماعی پیش می‌آمد با حضور در مسجد و ایراد سخنرانی، افکار عمومی را روشن می‌نمود و پرده از رخسار حقیت برمی‌داشت این سخنرانی‌ها معمولاً بعد از نماز جماعت انجام می‌شد در این هنگام مردم با ندای «الصلاه جماعه» در مسجد گرد می‌آمدند و به فرمایشات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با تمام وجود گوش فرا می‌دادند و از فرامین آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله تبعیت می‌نمودند.

الف) تقویّت اخوّت اسلامی

زنان و مردان با حضور در مساجد از روابط اجتماعی ساده بهره‌مند می‌شوند، مسجد به کانون انس، الفت و همبستگی تبدیل شده بود، مردم هر محله یا منطقه چندین بار در روز برای برگزاری نماز جماعات کنار یکدیگر مجتمع می‌شدند و پیوند زمینی خویش را تجدید می‌نمودند.

پیوند عاطفی با نماز و مسجد گره خورده بود با تجدید حضور در مسجد دوستی‌ها و محبت‌ها تقویت می‌شد و حتّی گاهی رفاقت در مسجد آغاز می‌شود اگر صمیمیّت و رفاقت از مسجد آغاز شود و با عبادتگاه خدا پیوند برقرار کند، طبعاً جنبه الهی و آسمانی خواهد داشت این دوستی برقرار بوده، واقعی است و با معیارهای دینی هدایت می‌شود.

ب) ایجاد همبستگی دینی

مسجد مؤمنین را کنار یکدیگر قرار می‌دهد و آنان را چونان دست واحدی مقابل دشمنی‌ها و آسیب‌ها و اکسینه می‌کند. مسجد به مثابه سیستم کنترلی

و نظارتی عمل می‌کند و مسلمانان را برای مقابله با انحرافات و فسادها مهیّا می‌سازد.

مسجد از بزرگترین عوامل نیرومندی است که همبستگی و اتحاد را در میان مسلمانان پدید می‌آورد مسجد به صورت پایگاه جنبش امت اسلامی و مرکز تربیت دینی بیشترین نقش‌ها را برای همبستگی مسلمانان ایفا می‌کند بدون شک کارکرد مسجد منحصر در نماز و عبادت نیست اقامه نماز و نیز نماز جمعه وسیله‌ای است برای گردهمایی امت اسلامی چه در روزهای کاری و چه در ایام تعطیل تا همبستگی، اتحاد و جماعت را تجربه کنند و از این طریق نیروی لازم را برای ایستادگی در مقابل ستمگران و سلطه جویان بدست آورند.

ج) مقابله با فساد و انحراف

از مهم‌ترین کارکردهای نماز این است که نمازگزار را از ارتکاب زشتی‌ها و پلیدی‌ها باز می‌دارد و او را با بدی و منکر بیگانه می‌سازد:

اتْلُ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتابِ وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللهِ أَكْبَرُ وَ اللهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ؛[1] آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می‌دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است، و خدا آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند.

مسجد که جایگاه عبادت و نماز است، آدمی را با انحرافها و فسادها آشنا می‌سازد و با تقویت ایمان قلبی وی را برای مقابله با امراض اجتماعی و ناهنجاری‌های اخلاق مهیّا می‌کند مسجد یعنی دشمن شناسی، منکرشناسی و شیطان‌شناسی.

گردهمایی جماعات و جمعه در ممالک اسلامی نه تنها از پراکندگی‌ها می‌کاهد بلکه وحدت‌ها و همدلی‌ها را افزایش داده مسلمانان را با ارکان ظلم آشنا می‌سازد مسجد می‌تواند به صورت ریشه‌ای جوانان مسلمان را با ارزش‌ها و طرازهای

---

۱. عنکبوت / ۴۵.

دینی آشنا کند و آنها را در برابر ابتلائات و فتنه های زمان مصون سازد.

جرم و جنایت کمتر به مسجد راه پیدا می‌کند بندگی خدا آدمی را به سمت صلح و صفا پیش می برد پیوند عاطفی مسجدیان موجب می شود عزّت نفس درونی تقویت یافته فرهنگ زیبای اسلامی اشاعه یابد مسجد محیط سالمی است که درون هر مسلمانی ارزش ها را نهادینه کرده او را در برابر ضد ارزش ها مصونیّت بخشی می‌کند و مسجد یعنی مرکز واکسیناسیون در برابر ناهنجاری ها و پلیدی ها.

د) مرکز قانون گرایی و نظم پذیری

مسجد می‌تواند نقشی مؤثر در قانون‌گرایی مردم مسلمان داشته باشد بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در قانون گریزی دارد. قانون‌گریزی دو گونه است؛ گاهی شخصی از قانون فرار می‌کند امّا خود را سرزنش نموده خود را تقبیح می نماید. امّا ناهنجاری زمانی آغاز می‌شود که فردی قانون را زیر پا گذارد و آن را یک ارزش تلقّی کند مثلاً اگر به دور از چشم پلیس قوانین راهنمایی را نقض نماید و خودش را به عنوان شخصی باهوش و زیرک تلقّی کند یا به دور از چشم دیگران رشوه بدهد یا بگیرد تا خواسته‌اش محقّق گردد و در خود احساسی مثبت داشته باشد.

قانون گریزی ریشه در منفعت جویی شخصی دارد هرگاه انسانی سودجو و منفعت طلب شود برای نیل به هدف و خواسته، دست به هر کاری خواهد زد. از نظر او هدف وسیله را توجیه می‌کند که اگر این بیماری اجتماعی توسعه یابد به صورت فرهنگ عمومی درآمده جامعه را فلج خواهد نمود مسجد می تواند نقشی روشنگرانه در قانون‌گرایی و نظم پذیری داشته باشد. حضرت علی علیه‌السلام در واپسین روزهای عمر مبارک خویش پیروان خود را این گونه نصیحت فرمود: اُوصِیکُما وَ جَمیعَ وَلَدِی و أَهْلِی و مَنْ بَلَغَهُ کتابی بِتَقْوَی اللهِ و نَظْمِ اَمْرِکُم؛[1] شما و همه

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آرستن کارها.

هـ) رعایت حقوق دیگران

یکی از نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی که در میان مسلمانان تا حدّی رواج دارد، کم توجهی یا بی‌توجهی به حقوق دیگران است. البته ریشه آن را می‌توان در خودخواهی و منفعت‌جویی شخصی پیگری کرد. اگر حاضریم در رانندگی دیگران معطّل شوند تا ما عبور کنیم، اگر از پرتاب کردن آشغالها در معابر گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربابیم و اگر در میادین مسابقات حاضریم به هر قیمتی برنده باشیم، همه و همه حاکی از عدم رعایت حقوق دیگران و خودمحوری است.

یکی از ابعاد فرهنگ ایرانیان که می‌توان آن را تا حدّی در برخی از کشورهای اسلامی نیز دید، فردگرایی است. ما پیش از آن که جمع‌گرا باشیم تک‌روی می‌کنیم. شاید بتوان گفت خودخواهی صفت غالب ماست و به همین دلیل نه تنها یکدیگر را تحمّل نمی‌کنیم بلکه به هنگام تعارضات نفع خود را برداشته خودخواهی را به اوج می‌رسانیم.

یکی از بهترین دوره‌های تاریخ ایران که در آن همگرایی و فداکاری به اوج رسید، در جنگ تحمیلی بود. ایرانیان نشان دادند که در شرایط سخت یکدیگر را رها نکرده پشتیبان همدیگرند. در این میان مسجد نقشی ویژه ایفا کرد و به پایگاه و کانون همفکری و همدلی تبدیل شد. مسجد نشان داد که می‌تواند مرکز آموزش حقوق باشد و از این طریق اهالی مسجد با رعایت حقوق دیگران الگو باشند.

و) ترویج فرهنگ مطالعه

اهمیّت دانش‌آموزی و کسب علم در اسلام بر کسی پوشیده نیست. اسلام فراگیری علم را در هر زمان، در هر مکان، برای هر فرد و بدون هیچ قید و

محدودیتی روا داشته آن را تجویز نموده است. روایات بیان می‌کنند که گمشده مؤمن حکمت و دانش است و می‌توان آن را از کافر و منافق نیز دریافت نمود:

الحِکْمَة ضَالة المؤمِن فَخُذْ الحِکْمَةَ و لَو من اهل النِّفاق؛[1] حکمت، گمشده مؤمن است پس آن را فراگیرید هر چند در دست منافق باشد.

امّا پدیده شومی که با آن روبرو هستیم فرهنگ ضعیف مطالعه است. ازیک سو نرخ مطالعه عمومی به شدّت پایین است و از سوی دیگر کتاب در سبد کالای خانوار جایگاهی ندارد. دراین صورت، میزان آگاهی عمومی کاهش یافته زمینه برای بروز شایعات و خرافات به خوبی فراهم می‌شود. مسجد می‌تواند نقشی مؤثر در هدایت نسل جوان به سمت کتابخوانی و بهره‌برداری از کتب مناسب داشته باشد.

ز) رشد آگاهی‌های سیاسی

تاریخ صدر اسلام به روشنی نشان می‌دهد که مسجد پایگاه حکومت اسلامی و مقرّ فرماندهی حاکمیت بوده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان شیعه علیهم‌السلام مسجد را بهترین مکان برای ارائه آگاهی‌های سیاسی و رشد آن می‌دانستند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه و نیز مدینه گفتمان سیاسی را با مسجد پیوند داد و جهان اسلام این نقش بارز مسجد را استمرار بخشیدند.

خوشبختانه در چند دهه اخیر و بعد از پیروزی انقلاب باشکوه اسلامی، مساجد به لحاظ سیاسی احیا شده‌اند و در میان ملت جایگاه مطلوبی یافته‌اند. حضور سیاسی ملت ایران در نماز جماعات و به ویژه جمعه نشان از شعور سیاسی و اجتماعی بی‌همتای مردمان این سرزمین دارد.

مسجد پایگاه دشمن‌شناسی است، مسجد مکان بصیرت‌افزایی است و در مسجد نقشه‌های دشمن خنثی می‌شود. بسیاری از حوادث مهم سیاسی نظیر انتخابات با مسجد پیوند می‌خورند. مدیریت سیاسی حکومت دینی، پایگاهی

---

۱. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۲، ص ۹۹.

جز مسجد ندارد. مسجد جایگاهی است که با آن می‌توان نظارت سیاسی را توسعه داد و نیز بر رفتار حاکمان مسلمان نظارت نمود.

هشت) امور اقتصادی

خداوند مسجد را مایه برکت جهانیان قرار داد. مسجدالحرام اولین عبادتگاه مسلمانان است که خداوند آن را وسیله برکت‌بخشی برای امت اسلامی قرار داد:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذى بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِين؛[1] یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است

اگر امت اسلامی ایمان خویش را افزایش دهند و پارسایی پیشه سازند، خداوند شهرها و روستاهای آنان را آباد می‌سازد و درهای برکت خیز آسمان و زمین را به روی آنها می‌گشاید. با مسجد می‌توان به آسایش عمومی و آبادی بلاد دست یافت:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُون؛[2] و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهایِ] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم.

الف) مرکز پخش کمک‌های مردمی

خداوند خود را در اول کتابش، بخشنده (رحمان) معرفی کرد و از مسلمانان خواسته است تا همانند او شوند و بخشندگی پیشه سازند. اسلام دینی و قرآن کتابی است که در آن انفاق، زکات، خمس، صدقه و اطعام بسیار برجسته شده و مسلمانان به سمت آن فراخوانده شده‌اند.

---

۱. آل عمران / ۹۶.
۲. اعراف / ۹۶.

یکی از خدماتی که در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد انجام می‌داد این بود که کمک‌های مالی برای دستگیری از مستمندان و تهیدستان در آنجا گردآوری و فراهم و میان فقرا توزیع می‌شد.

ب) حفظ خزانه مملکت اسلامی

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسجد مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود. در مسجد محلی به نام «قبّه بیت المال» طراحی می‌شد که حاکمان، ثروت عمومی بیت‌المال را در آنجا گردآوری می‌نمودند. زکات، مالیات و غنائم جنگی در محلی خاص در مساجد نگهداری می‌شد. مقریزی می‌نویسد که بیت المال مسلمانان در بالای فوّاره‌ای در مسجد جامع حفظ می‌شد.[۱]

ابن رسته از علمای قرن سوم بیان می‌کند که اموال عمومی و مالیات اسلامی در مکانی شبیه قبّه که درهای آهنین داشت قرار می‌گرفت و در سمت جلوی منابر از آن نگهداری می‌شد.[۲]

اینگونه گزارشها نشان می‌دهند که از یک سو مساجد با حکومت پیوند داشته و از سوی دیگر مساجد محلی امن برای نگهداری ثروت ملی بوده است.

ج) رشد تولید ملی

یکی از آسیب‌های مهمی که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، رشد مصرف‌گرایی است. اگر روحیه مصرف‌گرایی در ملتی رشد کند منابع هدر می‌روند، سرمایه ضایع می‌شود و چرخ تولید از حرکت بازمی‌ایستد مقام معظم رهبری بارها از آفت‌ها و تهدیدهای روحیه مصرف‌گرایی سخن گفته‌اند و نسبت به آن هشدار داده‌اند:

وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست... ما باید اعتراف کنیم به این مسئله، عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف... اسراف هم لطمهٔ

---

۱. مقریزی، **المواعظ والاعتبار**، ج ۴، ص ۱۰.

۲. ابن رسته، **الأعلاق النفیسه**، ص ۱۱۶.

اقتصادی می‌زند، هم لطمه فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم برروی او تأثیرهای منفی می‌گذارد.[۱]

بدون شک ایرانیان دارای الگو مصرف مناسبی نیستند. از یک سو در کشور با مصرف بی‌رویه آب، برق، گاز و بنزین مواجهیم و از سوی دیگر خوی مصرف‌گرایی در ما برجسته است. مسجد می‌تواند با اصلاح الگوی مصرف، فرهنگ اسلامی را حاکم کند. قرآن کریم مصرف‌گرایی، اسراف و تبذیر را ناروا دانسته مسلمانان را از آنها پرهیز داده است:

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطِينِ وَ كانَ الشَّيْطانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً؛[۲] بی‌تردید اسراف کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین‌اند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است.

آدمی به صورتِ فطری زیباطلب است امّا اگر این غریزه خدادادی از تعادل گذشت و جانب افراط گرفت، تجمل‌پرستی پدید می‌آید و به دنبال آن فسادها و ناهنجاری‌ها شکل می‌گیرد. مدگرایی و ثروت اندوزی نتیجه طبیعی اشراف‌پرستی و تجمل‌گرایی افراطی است. اگر در ایران مصرف کالای لوکس بسیار بالاست، اگر در ایران مصرف لوازم آرایشی به افراط رسیده است و اگر بازار فروش کالاهای تقلّبی پررونق است، همه حاکی از روحیه مصرف‌گرایی کشور ماست. مسجد می‌تواند با تعدیل روحیه مصرف‌گرایی به رشد تولید ملی در کشور کمک کند.

د) آموزش حلال و حرام

در اسلام تأکید فراوانی در یادگیری حلال و حرام و فاصله گرفتن از حرام خواری شده است. حرام خواری پیامدهای مهلکی دارد که در احادیث به آن با صراحت به آن پرداخته شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

---

۱. بیانات رهبر انقلاب: ۸۸/۱/۱.

۲. اسراء / ۲۷.

الجَنَّة مُحَرَّمَةٌ علی جَسَدٍ غُذِّیَ بالحَرَام؛[1] بهشت بر جسدی که از حرام تغذیه کرده باشد، حرام است.

مسلمانان اگر بدانند که حرام خدا کدام است، طبعاً به دنبال آن نخواهند رفت. هیچ مسلمانی آگاهانه لقمه حرام نمی‌خورد و به سادگی مال حرام برنمی‌دارد. یکی از نقش‌های مهم امامان جماعت این است که حرام و حلال و حدود آن را برای مستعمین واضح سازند و احکام نورانی اسلام را در این زمینه برای همگان بیان نمایند. دقیقاً به همین دلیل است که مساجد در بازار شکل می‌گرفت و جایگاهی مهم می‌یافت. این مساجد رسالتی عظیم بر دوش داشتند و آن این‌که نسبت به امر حلال و حرام ذهن اهالی بازار را آگاه سازند.

هـ) بیان اصول اقتصاد مقاومتی

مساجد جایگاهی مهم در حماسه اقتصادی دارند. اصول اقتصاد مقاومتی در مسجد تبیین می‌شود. بدون شک اسلام دارای مبانی و اصول اقتصادی است. امامان جماعت و جمعه می‌توانند با بهره‌گیری از آموزه‌های اقتصادی اسلام، اصول اقتصاد مقاومتی را برای توده مردم تبیین نمایند. بسترسازی فرهنگی برای مقاومت اقتصادی در مسجد صورت می‌پذیرد.

رویه این گونه بوده است که بازاریان و کاسب‌کاران نگرش‌های اقتصاد و مالی را از مسجد دریافت می‌کردند. بر متولیان مساجد فرض است اصول اقتصاد مقاومتی را براساس آموزه‌های دینی فرا گیرند و آن را با زبانی زیبا برای مخاطبین خود بازگویند.

و) ارائه خدمات مالی و اقتصادی

چه زیباست که مسجد خدمات اقتصادی دهد و از این طریق ثروت و مال با مسجد پیوند الهی و آسمانی پیدا کند. امامان جماعت می‌توانند با خلاقیّت و اتخاذ تدابیر مناسب در مسجد نهادهای اقتصادی کوچک و خرد ایجاد نمایند،

---

۱. دیلمی، **ارشاد القلوب الی الصواب**، ج۱، ص۶۹.

بخش‌های نظیر صندوق قرض الحسنه، صندوق کمک به ازدواج جوانان، جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای آبادانی روستاها و گردآوری کمک‌های مردمی برای نیازمندان و مستمندان را می‌توان در مسجد راه‌اندازی نمود و از این طریق به بهبود اقتصاد کشور کمک مؤثر کرد.

اگر در اسلام اموری نظیر صدقه، وقف، خمس، زکات، اطعام، انفاق، هبه، وصیّت و ارث وجود دارد، این بدین معناست که احکام مالی و تجاری اسلام در مهم‌ترین عبادتگاه اسلامی قابل اجرا است.

نه) تحکیم نهاد خانواده

مسجد جهت استحکام کیان خانواده کارکرد مهمی دارد. اگر خانواده اصیل اسلامی به صورت مطلوب در جریان باشد، تربیت دینی محقّق شده استحکام درونی این نهاد مقدس تضمین شده است. یکی از پدیده‌های شومی که امروزه با آن روبرو شده‌ایم، افزایش آمار طلاق است. آن چه بیشتر تأسف برانگیز است طلاق عاطفی است. اگر اختلاف‌ها و چالش‌های درون خانه افزایش یابند و قلب‌ها از هم فاصله گیرند، طلاق عاطفی رخ داده است.

نهاد مقدس مسجد می‌تواند با تبیین جایگاه والدین و فرزندان، به استحکام درونی خانه و خانواده کمک شایانی کند و از این طریق از رشد طلاق رسمی و نیز عاطفی بکاهد. از آنجا که امروزه رسانه‌های ارتباط جمعی بویژه تلویزیون، فیلم و شبکه‌های اجتماعی نسبت به خانواده‌ها تأثیرگذار شده‌اند، مناسب است متولیان فرهنگی مساجد خصوصاً امامان جماعت با شناخت دقیق از تکنولوژی مدرن، مخاطبان جوان خود را رهبری نموده الگوی سبک زندگی دینی را به آنان بنمایانند.

ده) حلّ دعاوی و اختلافات

در صدر اسلام و در زمان حیات نبی مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز اهل بیت علیهم‌السلام، خصومت‌ها و اختلافات در مسجد مطرح می‌شد و فیصله پیدا می‌کرد. در حقیقت مسجد نقش دادگاه‌ها و دادگستری‌های امروزی را ایفا می‌کرد. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز

حضرت امیر علیه‌السلام محلی خاص را در مسجد برای مشکل‌گشایی از امور مردم و محل دعاوی اختصاص دادند. این رویه در ادوار بعدی توسط حاکمان مسلمان استمرار یافت و حکّام اسلامی درون مسجد یا در کنار آن، جایگاهی را برای قضاوت طراحی می‌نمودند و عملاً قضاوت‌ها با مسجد قرین بود.

اسلام دینی عدالتخواه به شمار می‌آید. یکی از بهترین نمونه‌های عدالت به هنگام بروز اختلافات و دعاوی شکل می‌گیرد. اولیاء اسلام دشمنی‌ها و ناسازگاری‌ها را در مسجد فیصله می‌دادند و از این طریق، مجرمان را محکوم و بزهکاران را مطرود می‌نمودند.

قضاوت به عنوان یکی از ارکان حکومت اسلامی با محوریّت مساجد خصوصاً مساجد جامع و بزرگ انجام می‌شد. اصولاً حکمت اجرای عدالت در اسلام این است که همگان آن را ببینند و از آن باخبر باشند و این امر تنها در مسجدِ مرکزی شهر امکان‌پذیر بود. نگاهی به تاریخ اسلام به ما نشان می‌دهد که مسجد، عدالت‌خانه بوده است.

یازده) امور دفاعی و جنگ

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان تشکیل حکومت در مدینه پیوسته در حال مبارزه و جنگ بود. این جنگ‌ها گاهی داخلی و زمانی خارجی و گاهی کوچک و زمانی بزرگ بود. به شهادت تاریخ، مسجد مهم‌ترین نقش را در حوزه نظامی و دفاعی ایفا کرد. سپاه اسلام از طریق مسجد فراخوان می‌شد. مجاهدان در مسجد گرد یکدیگر می‌آمدند و جهاد و اعزام به سوی جبهه‌ها از مسجد آغاز می‌شد. بسیاری از طرح‌های نظامی در مسجد ردّ و بدل شده به مباحثه گذاشته می‌شد. سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی در این مکان مقدس ساماندهی می‌گشت. بعد از اتمام جنگ، پایان نبرد در مسجد اعلام می‌شد و مسجد جایگاهی برای تقسیم غنائم بود.

نقش مسجد در مسائل دفاعی منحصر به زمان جنگ نبود بلکه مسجد در

زمان صلح نیز جایگاهی مهم داشت. جامعه اسلامی در هنگام صلح از مسجد بی‌نیاز نیست و از این مکان مقدس می‌تواند به صورت بهینه بهره‌برداری نماید.

در آغاز انقلاب اسلامی و به هنگام بروز جنگ تحمیلی، مسجد نقش خود را بازیافت. مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی در سپاه، بسیج و ارتش در مسجد بود. مداوای مجروحان در مسجد انجام می‌شد و مساجد مهم‌ترین محل برای پشتیبانی در زمان جنگ به حساب می‌آمدند.

دوازده) امور مخاطبان، نمازگزاران و فعّالان

مسجد پایگاه مهم عبادی و اجتماعی است. یکی از ارکان اصلی مسجد، مخاطبان و فعالان این مکان مقدس می‌باشد. نسبت به امور مساجد، نمازگزاران، بانیان، برنامه‌ریزان، کانون‌ها و اهالی مسجد باید اهتمام داشته باشیم. در مسجد به میزانی که امام جماعت تأثیر دارد، نمازگزاران نیز نقش‌آفرینند. در ارتباط با مسجد همانگونه که متولّیان رسالت خود را انجام می‌دهند خادمان نیز می‌توانند وظایفی درخور داشته باشند.

مخاطبان مسجد طیف وسیعی را شامل می‌شوند؛ نمازگزاری که بخشی از اوقات خویش را در مسجد سپری می‌نماید مخاطب مسجد است، خادمی که تقریباً تمام اوقات خود را با مسجد همراه نموده مخاطب محسوب می‌شود و دامنه مخاطبان شامل کودکان، اصناف، کانون‌های فرهنگی و حتّی خانواده‌های اهل مسجد می‌باشد.

واقعیت این است که مخاطبان مسجد یک دست نیستند و از تفاوت‌های مختلفی برخوردارند. ناهمگونی مخاطبان مسجد می‌تواند یک فرصت تلقّی شود و برنامه‌ریزان را برای طراحی طرح‌ها و فعالیت‌های متنوع دستگیری نماید.

الف) کودکان

بی‌تردید اصلی‌ترین و شاید مهم‌ترین گروه مخطابان مسجد، کودکان هستند. مهم‌ترین خصیصه کودکان این است که به شدت سبک‌پذیر و

تربیت پذیرند. میزان تأثیرپذیری آنان از دیگر گروه های مخاطب به مراتب بیشتر است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حضور کودکان در مسجد ممانعت نمی نمود بلکه بر حضور پرشکوه آنها عنایت داشت.

شواهد ذیل نشان از حقیقت مزبور دارد؛[1] ایجاد روضه رضوان در مسجد برای کودکان، کوتاه کردن نماز جماعت به جهت گریه نوزاد، طولانی کردن سجده به خاطر سوارشدن حسنین علیهماالسلام بر پشت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، قطع خطبه توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و درآغوش کشیدن حسنین علیهماالسلام، قطع سخنرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دلیل زمین خوردن امام حسن علیه‌السلام و امر کردن نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای کوتاه کردن نماز جماعت به دلیل بازی کردن کودکان در حیات مسجد.

از سوی دیگر با نگاهی تربیتی می توان به دست آورد که حضور کودکان در مسجد امری ضروری است. البته ممکن است از حضور آنها در صف اول جماعت نهی نمود امّا تدبیر امام باقر علیه‌السلام نمونه‌ای جالب است. روزی جابر از آن امام همام علیه‌السلام درباره کودکانی که در نماز حضور می یابند سؤال کرد، آن حضرت پاسخ داد:

لاتُؤَخِّرُوهُم عَنِ الصّلاة المکتوبةِ و فرِّقُوا بَینهم؛[2] آنان را در آخر صف ها جماعت با هم نگذارید؛ بلکه جداگانه در بین بزرگ سالان پراکنده سازند.

ب) نوجوانان و جوانان

از مهم ترین مخاطبان مسجد، نسل نوجوان و جوان است. دوران جوانی مرحله مستقلی از حیات به حساب می آید. به دلیل پدیدآمدن تغییرات اساسی در جسم و روان، می توان این مرحله را از مبهم ترین و اصلی ترین دوران زندگی به حساب آورد. دوران جوانی همزمان با دوران بلوغ شکل می گیرد که می توان آن را تولدی تازه ذکر کرد.

---

۱. قادری، **دورالمسجد فی التربیة**، ص ۱۲۸–۱۳۲.

۲. کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۴۰۹.

در این دوره رابطه انسان با خودش و نیز رابطه او با محیط دچار تحولاتی می‌شود. این روابط جدید و تحولات تازه به‌گونه‌ای است که گویا رابطه‌ای بین فرد و دنیای گذشته وجود ندارد. در این زمان تجربه‌هایی جدید شکل می‌گیرد و حوادثی نو به وقوع می‌پیوندد؛ تجربه‌هایی نظیر خواسته‌های جدید، غرائزی نو، به شگفت آمدن، طرد و گاهی تمکین، نفی و افکار، حمله و سرکوب، تلاش و مبارزه، خودنمایی و غرور، بلندپروازی، استقلال طلبی، هیجانات و بی‌قراری‌ها، افراط و تندروی، سرفرود آوردن و خودشناسی و به خود آمدن.

مرحله جوانی فرصتی بزرگ و طلایی است که اگر نیکو پرورش یابد و مشکلات تربیتی از بین برود، جوان می‌تواند به نیروهایی شگرف دست یابد و در میان شرایط گوناگون، مسیر خویش را بیابد. در این دوران نقش هدایت‌گران بسیار مهم است و اگر مسجد و اهالی آن به‌گونه‌ای شایسته و بایسته رفتار کنند، می‌توان به تربیت سالم نسل جدید و مسلمان امید داشت.

ج) زنان

زنان مانند مردان قشر مهمی از جامعه را شکل می‌دهند. در اسلام هر چند برای حضور زن در مسجد الزام و تکلیف نشده است امّا زنان می‌توانند در مساجد حضور یابند و به اعمال عبادی و سیاسی بپردازند. حضور بانوان در مساجد ابعاد مختلفی دارد؛ از یک سو نیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و حضور آنان در این مکان مقدس می‌تواند در رشد و تهذیب آنان نقش مؤثری داشته باشد. از سوی دیگر زنان با حضور خود در مساجد، مسایل تربیتی و اخلاقی را فراگرفته آنها را به درون خانه منتقل می‌سازند و از این طریق فرزندانی دینی و امروزی تربیت خواهند نمود.

بررسی روایات حاوی نکات جالبی است؛ اولاً روایات اندکی بهترین مساجد زنان را خانه‌هایشان معرفی کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

خَیْرُمَساجِدِ نِساءِکُم البیوتُ؛[1] بهترین مسجد زنان شما خانه ها هستند.

ولی با توجه به روایات دیگر بدست می آید که حدیث مزبور به معنای نهی از رفتن به مسجد نیست بلکه بیان اولویت است. بدین معنا که برای زنان به دلیل مشغله های فراوان نمازگزاردن در منزل بهتر است.

ثانیاً رسول خدا صلی الله علیه و آله با صراحت سخن از جواز رفتن زن به مسجد به میان آورده است:

لاتَمنَعُوانِساءَکُم المَساجِدَ وبیوتَهنَّ خَیرٌلَهُنَّ؛[2] زنانتان را از رفتن به مسجد جلوگیری نکنید و خانه هایشان برای آنها بهتر است.

ثالثاً رفتن زنان به مسجد همراه با شرایطی است که احادیث آنها را برای ما بیان می کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لاتَمنَعُوا إِماءَ اللهِ مَساجِدَ الله ولَکِنْ لِیَخرُجنَ وهُنَّ تَفِلاتٌ؛[3] کنیزان خدا [زنان] را از مساجد خدا منع نکنید ولی زنان هم باید بدون استفاده از بوی خوش از خانه خارج شوند.

همچنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پیشنهاد دیگری را مطرح فرمود:

لَوتَرَکْنا هذَاالبَابَ لِلنِّسَاء؛[4] خوب است این در را برای زنان بگذاریم (مردان از آن تردد نکنند).

گفتنی این که اگر در سوره احزاب محدودیتی برای زنان معین شده است، این حکم به دلیل شرایط خاصی است که در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش آمد/ حدیث معروف این شرایط را توضیح می دهد:

زنان از خانه بیرون و به مسجد می رفتند و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواندند. آنان شب هنگام برای نماز مغرب و عشا و بامدادان از خانه خارج

---

۱. طوسی، **التهذیب**، ج ۳، ص ۲۵۲؛ حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۵، ص ۲۳۷.

۲. ابی داود، **سنن ابی داود**، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. همان.

۴. همان.

می‌شدند، اما از آن جا که جوانان در مسیرشان می‌نشستند و آنها را اذیّت می‌کردند و متعرضشان می‌شدند، خداوند این آیه را نازل نمود؛[1] ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشتن را در چادر فروپوشند. این کار مناسب‌تر است تا به پاکدامنی شناخته شوند و آزار نبینند و خداوند آمرزنده مهربان است.[2]

د) بزرگسالان

گسترده‌ترین و عمومی‌ترین مخاطبان مسجد، میانسالان و بزرگسالان می‌باشند. آنان کودکان و جوانان را به مسجد دعوت کرده با آموزه‌های دینی آشنا می‌سازند. حضور این قشر وقار و شکوهی خاص در میان اهل مسجد پدید می‌آورد. تجربه‌های بزرگسالان ظرفیت و فرصتی مغتنم است که می‌تواند در اختیار اهل مسجد قرار گیرد. کودکان و جوانان در ارتباط با بزرگ‌ترها ادب ورزی و احترام‌گذاری را تمرین می‌کنند. شایسته است متولیان هر مسجدی از نصایح و تجربه‌های سالخوردگان و پیشکسوتان مسجد بهره برند و از آموخته‌ها و اندیشه‌های آنان در مدیریت امور مسجد استفاده کنند.

هـ) اصناف

مسجد با بازاریان ارتباطی تنگاتنگ داشته و دارد. این ارتباط می‌تواند دو سویه باشد؛ از یک سو اصناف و بازاریان از مسجد بهره می‌برند و آموزه‌های دینی نظیر شناخت حلال و حرام، ترغیب به انفاق و رعایت اصول اخلاقی در کسب و کار را فرا می‌گیرند و از سوی دیگر می‌توانند با بذل کمک‌های مالی از فقرا دستگیری کرده به آبادانی مسجد و محله یاری رسانند.

به جز بازاریان، اصناف دیگری نیز با مسجد در ارتباطند. گروه‌های دیگری نظیر کارمندان، کارگران، کشاورزان، پزشکان، معلمان و دانشگاهیان می‌توانند با مسجد پیوندی مستحکم برقرار نمایند و از این طریق برنامه‌های مساجد را با

---

۱. احزاب / ۵۹.

۲. مجلسی، **بحارالانوار**، ج ۱۰۱، ص ۳۳.

نشاط‌تر نمایند و خود نیز بهره‌هایشان را از این مکان آسمانی ببرند.

و) نمازگزاران

نمازگزاران در مسجد جایگاه ویژه‌ای دارند. اهل مسجد نقشی مهم در سبک‌دهی کودکان و نوجوانان دارند. حضور آنها در مدیریت مسجد تأثیرگذار است. مسجدیان می‌توانند آبادکنندگان واقعی مساجد باشند و با حضور خود، مساجد را پررونق کرده بازار آنها را گرم نگه دارند. آیات و احادیث برای نمازگزاران و اهالی مسجد ویژگی‌هایی را بیان می‌کنند.

- اهل مسجد اهل غرور و تکبّر نیستند.[۱]
- در چهره‌های آنها نشانه بندگی خدا مشهود است.[۲]
- مساجد مسلمانان نیمه شب‌ها پررونق است.[۳]
- سجده‌های نمازگزاران طولانی است.[۴]
- نمازگزاران باید در پاکی و پاکیزگی مساجد کوشا باشند.[۵]
- امید، مهم‌ترین رکن نماز و نمازگزار است.[۶]
- نمازگزار اهل کینه و دشمنی نیست.[۷]
- نمازگزاران باید اخلاص را وجهه همّت خود قرار دهند.[۸]
- مسجد مکانی برای نمایش دادن زیورآلات نیست.[۹]
- مأمومین باید در آبادانی مساجد بکوشند.[۱۰]

---

۱. اعراف / ۲۰۶.
۲. فتح / ۲۹.
۳. زمر / ۹.
۴. فتح / ۲۹.
۵. بقره / ۱۲۵.
۶. بقره / ۱۴۴.
۷. مائده / ۲.
۸. اعراف / ۲۹.
۹. اعراف / ۳۱.
۱۰. توبه / ۱۹.

- نمازگزاران مردمانی هستند که دوست دارند خداوند آنها را از گناهان پاک سازد.[۱]
- مسجد، عروج‌گاه اهل نماز است.[۲]
- یاد خدا در دل نمازگزاران موج می‌زند.[۳]

خداوند آسایش روحی و روانی را برای اهل مسجد ضمانت کرده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

مَنْ کانَت المَساجِدُ بَیْتُهُ ضَمِنَ اللهُ لَهُ بالرَّوح و الرَّاحَهِ و الجوازِ علی الصراطِ؛[۴] هرکس خانه‌اش مسجد باشد خداوند آسایش و آرامش و عبور از پل صراط را برای او ضمانت می‌کند.

زمین برای مسجدیان تسبیح می‌کند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَنْ مَشَی الی المَسْجِدِ لَمْ یَضَعِ رِجْلاً عَلَی رَطْبٍ و لایَأبِسٍ الاّ یُسَبِّحُ لَهُ اِلی الأرضینَ السَّابعةِ؛[۵] هرکس گامی به سوی مسجد برمی‌دارد، بر هیچ تر و خشکی پا نمی‌نهد، مگر این‌که از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می‌کنند.

نمازگزاران را شرایطی است که می‌توان آن را در ادامه دید:[۶]

شایستگی‌های مأمومین

» سرمایه ایمانی - اخلاقی

- خلق نیکو
- الفت میان قلبها
- قصد کسب ثواب و مغفرت
- رسیدن به عبودیت از رهگذر عبادت

---

۱. توبه / ۱۰۸.
۲. اسراء / ۱.
۳. بقره / ۱۱۴.
۴. نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۳۶۲.
۵. طوسی، **التهذیب**، ج ۳، ص ۲۵۵؛ ابن طاووس، **فلاح السائل و نجاح السائل**، ص ۹۱.
۶. عباسی، **الگوی مدیریت اثربخش مسجد**، ص ۱۸۰.

» سرمایه اجتماعی

- مشارکت‌پذیری و روحیه کارهای جمعی
- اعتماد به یکدیگر
- بخشندگی مالی

» آگاهی به آداب حضور

- آشنایی با احکام مسجد و آداب حضور
- آشنایی با فضیلت، جایگاه و تقدس مسجد
- آشنایی با احکام و آداب نماز جماعت

» رعایت آداب حضور

- ترک محرمات و مکروهات
- زینت در مسجد
- رعایت مستحبات
- جبران مافات

شایستگی‌های امام جماعت مسجد

» هدفداری

- عبودیت از راه عبادت و مردم‌داری
- انگیزه خودسازی و تهذیب نفس
- انگیزه هدایت دیگران

» فضایل اخلاقی و رفتاری

- اخلاص
- خلق نیکو و حسن معاشرت
- سعه صدر و مدارا
- صداقت و وفای به عهد
- عدالت فقهی و تقوا

- عدالت در رفتار با مردم
- امانتداری و مسئولیت‌پذیری
- نظم و وقت‌شناسی
- تواضع و تکبرستیزی
- ساده‌زیستی و دوری از تجملات
- ولایت‌پذیری و تبعیت از ولی‌فقیه
- وقار و ثبات شخصیت
- شجاعت و استقلال رأی
- آراستگی و جذابیت ظاهری
- خودباوری و قاطعیت
- حسن شهرت

» تمایل انگیزشی

- اهتمام به حل مشکلات مردم
- تلاش و پشتکار در مسجد

» دانش و مهارت

- پیشگامی در ارتباطات
- مخاطب‌شناسی
- شنیدن مؤثر
- ارتباطات مؤثر
- فن خطابه
- هوش عاطفی و هیجانی
- دید کلان و تفکر راهبردی
- تفکر تحلیلی و توانایی درک و تشریح اهداف و ارزش‌های مسجد
- تفکر خلاق
- آگاهی، بصیرت و بینش سیاسی

- دانش دینی
- دانش روز
- دانش مدیریت، مشاوره و روان‌شناسی
- شناخت خرده فرهنگ‌ها
- قرائت صحیح نماز و قرآن و تأکید به تدبر در آن

ز) امام جماعت

تردیدی نیست که امام جماعت نقش بسیار مهمی در ساماندهی امور مسجد به عهده دارد. در ارتباط با امامان جماعت دو گونه می‌توان داوری کرد.

گونه نخست) وظائف اهل مسجد

درست است که امام جماعت باید شرایطی داشته باشد امّا اگر برخی از آن شرایط موجود نبود، مأمومین نباید از حضور خود در مسجد بکاهند یا به امام جماعت توهین کنند. شاید برخی از آنان به دلیل کهنسالی و فرتوتی نتوانسته باشند به نحو شایسته حضور یابند یا تدبیر امور کنند. در این صورت، نمازگزاران و متولیان باید حرمت نگه دارند و با حضور کمرنگ خود، ضعف‌های امام جماعت را جبران نکنند.

همچنین اهالی مسجد نباید انتظارات بالا و نابجا از امام جماعت داشته باشند. طبیعی است که انسان‌ها متفاوتند و هر کدام از سلایق خاصی برخوردار. انتظارات از مسجد و اهالی مسجد باید متناسب با موقعیّت و شرایط مسجد باشد. روا نیست زحمات ائمه جماعات نادیده انگاشته شود و سپاسگزاری نگردد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در غیاب خود کسانی را عهده‌دار نماز و اداره مسجد می‌نمود. آنان هرگز نمی‌توانستند همانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به وظایف خود عمل کنند امّا مورد احترام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند.

گونه دوم) بایسته‌های امام جماعت

امام جماعت پیشوا، راهنما و مقتدای مسجد و مسجدیان است. او نه تنها به اقامه نماز اقدام می‌کند بلکه سیاست‌ها و راهبردهای اصلی تدبیر مسجد را برعهده دارد. به دلیل جایگاه والای امام جماعت شرایطی برای او می‌توان در نظر گرفت؛ امام جماعت باید عدل و انصاف را رعایت نماید، از خودمحوری و خودنمایی پرهیز کند، حل مشکلات دیگران را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد، گشاده‌رو و خوش‌رفتار باشد، به حلّ مشکلات مردم اهتمام ورزد، نظم را پیشه سازد، مخاطب‌شناس باشد، به جریان‌ها و نحله‌های موجود در جامعه آگاه باشد و بتواند مسجد و اهل مسجد را در راستای اهداف نظام اسلامی تربیت سازد. تحقیقی بایسته‌های امام جماعت را در چهار بخش بررسی کرده است.[۱]

ح) بانیان

یکی از عناصر دخیل در امور مسجد، بانیان مساجد هستند. با مراجعه به متون دینی می‌توان گفت که در ارتباط با احداث مسجد مهم‌ترین عنصر نیّت است. در قرآن به جز این‌که بر مسجدسازی تأکید شده بر نیّت بانی مسجد تأکید شده است. روح مسجد را نیّت سازنده تشکیل می‌دهد. قرآن کریم به ما دو مسجد را نشان می‌دهد و از یکدیگر تفکیک می‌کند؛ یکی مسجدی که براساس تقوی شکل گرفته و اهالی آن دوستان پاکی و پاکانند[۲] و دیگری مسجد ضرار است که به دلیل سوء نیت سازندگان، پیامبر دستور تخریب آنان را صادر نمود و آنجا را به زباله‌دان تبدیل کرد.[۳]

آیاتی از سوره توبه به ما نشان می‌دهد که آبادسازی مسجد مرهون شرایطی است. آن شرایط عبارتند از ایمان به خدا، اقامه صلاة، پرداخت زکات و جز از خدا

---

۱. همان، ص ۱۷۵.
۲. توبه / ۱۰۸.
۳. توبه / ۱۰۷.

نهراسیدن.[۱]

بدست می‌آید که بانیان مساجد باید از میان پاک‌ترین افراد باشند. دست‌های ناپاک نباید به ساختن محل پاک مسجد اشتغال یابد. کسانی که مال و نیتشان آلوده است یا به خاطر حفظ مقام دست به این عمل می‌زنند، حقّ دست‌اندازی به امور مسجد را ندارند. مسجد را با زمام‌داران ناپاک و ثروتمندان آلوده چه کار!

عمران و نگهداری مساجد باید به دست افراد مؤمن، با شهامت و شجاع صورت پذیرد. هنگامی مساجد می‌توانند به کانون‌های انسان‌ساز و کلاسهای عالی تربیت تبدیل شوند که بنیان‌گذاران و متولیان آن افرادی شجاع و مؤمن باشند.[۲]

ط) متولّیان

امروزه بیشترین سهم را در مدیریت امور مساجد هیئت امناء دارند. آنان می‌توانند کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کنند، به ساخت یا بازسازی مسجد بپردازند، در برنامه‌های فرهنگی دخالت داشته باشند و مدیریت مالی مسجد را در دست گیرند.

با توجه به این‌که در هیچکدام از متون دینی اعم از آیه و حدیث، سخنی از هیئت امناء به میان نیامده است، ولی با التفات به این‌که در احادیث برای امام جماعت نقش مؤثری دیده شده، می‌توان گفت هیئت امنا به دو صورت می‌تواند فعالیّت کند؛ یکی این‌که توسط امام جماعت تعیین شود و در امور مشورت دهند. گونه دیگر این‌که هیئت امنا توسط حکومت اسلامی تعیین و به عنوان بازوی امام جماعت به او مشورت دهند و در اختیار مدیریت امور مسجد قرار گیرند.

اعضا هیئت امناء دارای شرایطی هستند. اهم شرایط عبارتند از سلامت جسمی و روحی، آشنایی با امور مسجد، حسن سابقه، حضور جدّی در برنامه‌های

---

۱. توبه / ۱۷ و ۱۸.

۲. مکارم شیرازی، **تفسیرنمونه**، ج ۷، ص ۳۱۷؛ طباطبائی، **المیزان**، ج ۹، ص ۵۳۱؛ قرائتی، **تفسیرنور**، ج ۵۰، ص ۱۴۳.

مسجد، حسن اخلاق و تعهد به نظام اسلامی.

مهم‌ترین نقش تولیت مسجد، آبادانی و پویایی مسجد است. متولیان امور مسجد موظفند به عمران مسجد بپردازند. قرآن کریم آبادانی مسجد را برای اهل ایمان و مجاهدان شایسته می‌داند.[۱] عمارت یا آبادانی مساجد دارای ابعاد مختلفی است.

یکی از جنبه‌های عمارت مسجد، تعمیر، مرمّت و نگهداری مسجد است. متولیان باید در سلامت کالبدی مسجد کوشا باشند. مسجد باید مکانی پاکیزه و زیبا برای نمازگزاران و کاربران باشد.

بعد دیگری از عمران مسجد وجود دارد. مدیریت مالی یکی از رسالت‌ها و وظایف متولیان امور مساجد است. از آنجا که رونق بخشی به مسجد، نیازمند تأمین منابع مالی است مدیران مسجد باید در این جهت کوشا باشند. آنان می‌توانند از طریق زکات،[۲] خمس،[۳] وقف[۴] و انفاق[۵] به صورتی شایسته مخارج مسجد را تأمین و این مکان مقدس را برای عبادت خدا آماده نمایند.

مهم‌ترین بعد مدیریت مسجد، مدیریت نیروی انسانی می‌باشد. راهبران امور مساجد باید بیشترین نقش را به نمازگزاران، امام جماعت و کاربران مسجد بدهند. بر آنان لازم است تمام همت خویش را صرف کنند تا مردم از این مکان مقدس بیشترین بهره‌ها را ببرند و در آنجا با آسودگی و راحتی بندگی خدا کرده معارف و ارزش‌های اسلامی را فرا گیرند.

ی) خادمان

نقش خادمان در تربیت اهل مسجد و فرهنگ‌سازی کمتر از دیگران نیست.

---

۱. توبه / ۱۹.
۲. توبه / ۶۰.
۳. انفال / ۴۱.
۴. مریم / ۷۶.
۵. بقره / ۲۶۱.

این پست یکی از نقش‌های کلیدی در مسجد است. خادم با تمام اجزاء و عناصر مسجد در ارتباط است و با تلاش و کوشش اوست که مسجد برای ایفای تمام نقش‌های خود آماده می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله جایگاه خدمتگزاران به مسجد را اینگونه توصیف کرد:

إنَّ اللهَ عزّوجَلّ إذا أحَبَّ عَبْداً جَعَلَهُ قَيِّمَ مَسجِدٍ؛[1] خدای عزوجل هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد، او را برآورنده نیازهای مسجدی قرار می‌دهد.

به گواهی قرآن کریم دو پیامبر خدا یعنی ابراهیم علیه‌السلام و اسماعیل علیه‌السلام خادم مسجد بودند:

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ؛[2] و [یاد کنید] هنگامی که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گردهمایی و جای امن وامان قرار دادیم، و [فرمان دادیم:] از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید. و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که: خانه‌ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع کنندگان وسجده‌گذاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید.

ک) کانون‌ها

کانون‌های فرهنگی نقشی مهم در مسجد برعهده دارند. این مراکز که عمدتاً با همت قشر جوان شکل می‌گیرد جایگاه مهم برای تربیت نسل جوان و سبک‌دهی به نسل جدید است. خوشبختانه بعد از انقلاب اسلامی کانون‌های فرهنگی داخل مساجد فعّال شده‌اند و از این طریق تلاش‌های شایسته‌ای رخ داده است.

گفتنی این‌که هماهنگی میان کانون‌های فرهنگی از یک سو و عناصر دیگر

---

۱. متقی هندی، کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۵۳.

۲. بقره / ۱۲۵.

مسجد نظیر هیئت امنا و امامان جماعت امری ضروری است و در این زمینه لازم است ائمه جماعت پیش قدم باشند. همچنین شایسته است مراکز بالادستی فرصتی مناسب را برای مدیریت امور مساجد به امامان جماعت بدهند و آنان را در هدایت نسل جوان حمایت کنند. رهبر معظم انقلاب خطاب به روحانیون فرمودند:

من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد را فراموش نکنید؛ البته با همکاری مسجد، این کانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد را مؤثر کنید، برایش کار کنید.[1]

سیزده) معماری و زیباسازی

اولین طرّاح و معمار مسجد رسول خداست. آن حضرت ﷺ هر چند معابد دیگر ملل را دیده بود و با اهل کتاب ارتباط داشت امّا هرگز مسجد را به شکل کلیساها و دیرها طرّاحی نکرد. بعد از رحلت پیامبر ﷺ و در عصر خلفای اموی و عباسی، طرح و شکل معابد مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان در ساختمان مساجد تا حدّی تأثیرگذار بود. البته مسلمانان هرگز به زور معابد دیگر ملل را تصاحب نکردند امّا به تدریج از برخی نمادهای معماری دیگران استفاده کردند.

مساجد اوّلیه صحن بزرگ مستطیل شکلی داشت که در سه ضلع آن شبستان‌ها و دالان‌های درازی بود که روی ستون‌ها قرار گرفته بودند و در ضلع چهارم بنای وسیع و محکمی قرار داشت که محل خواندن نماز به حساب می‌آمد. معمولاً در مساجد نخستین سقف وجود نداشت. در وسط مسجد صحن قرار داشت و در زوایای آن چندین مناره. معمولاً در مساجد مکان‌هایی برای فقرا، مساکین، غربا و مسافران وجود داشت؛ گویا مسجد به عنوان مسافرخانه یا هتل نیز عمل می‌کرد.

از آنجا که طرّاحی و معماری مسجد می‌تواند در سبک‌دهی زندگی فردی

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۱/۷/۱۹.

و اجتماعی نقش داشته باشد، مناسب است به ابعاد مختلف معماری مسجد توجه داشت.

الف) اصول معماری

معماری مسجد از اصولی تبعیت می‌کند و مساجد اسلامی باید براساس قواعد و اصول اسلامی بنا شوند.

اول) دسترسی آسان

از دیرباز مساجد در شهرها به‌گونه‌ای احداث می‌شدند که دسترسی مؤمنین به آنها آسان بود. مسلمانان به راحتی به مساجد می‌رفتند و به سمت آن گام برمی‌داشتند. مسجد نمی‌تواند به یک گروه یا طبقه خاصی تعلّق داشته باشد. مسجد برای نمازگزاردن عموم مسلمانان است. براین‌اساس، موقعیت احداث مسجد باید به‌گونه‌ای باشد که دسترسی به آن برای همگان به راحتی امکان‌پذیر باشد.

مسجد یکی نهاد دولتی نیست و هیچ‌گونه وابستگی به دولت‌ها را ندارد. البته لازم است مدیران مساجد در راستای اهداف و منافع عالی اسلام و حکومت دینی فعالیت کنند امّا به لحاظ سازمانی هیچ مسجدی زیر مجموعه نهادهای دولتی و رسمی به حساب نمی‌آید. همچنین بانیان باید بدانند که مالکان مساجد نیستند. مسجد برای استفاده عموم مسلمانان و مؤمنان است لذا باید به‌گونه‌ای احداث گردد که برای همگان در دسترس بوده قابل استفاده باشد.

دوم) سادگی

سادگی ویژگی مهمی است که باید در طرّاحی، معماری و چیدمان تمام اجزا و مسجد مدّ نظر قرار گیرد. به هر میزان که مسجد دور از تجملات و تشریفات باشد، بهتر می‌تواند به نمازگزاران آرامش و تمرکز دهد.

البته بسیاری از ویژگی‌های مسجد با توجه به شرایط زمان و مکان، متفاوت است. امّا می‌توان به هنگام ساختن یک مسجد در معماری و طرّاحی به اصل بی‌پیرایگی، بی‌تکلّفی و سادگی توجه نمود مسجد می‌تواند در عین شکوه و عظمت ساده باشد. مسجد باید از پیرایه‌های دنیویِ تکلّف‌آفرین پاک باشد.

مساجد صدر اسلام از سادگی فوق العاده‌ای برخوردار بودند. آنها هرگز با زینت‌های فاخر تزیین نمی‌شدند و همانند کلیساها آذین‌بندی نمی‌گشتند. امام صادق علیه‌السلام در رابطه با سادگی مسجد عهد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین می‌فرماید:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دیوار مسجد خود را با پهنای یک خشت بالا برد، مدّتی گذشت و شمار نمازگزاران افزون شد و گفتند: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کاش می‌فرمودید تا مسجد را وسیع کنند. رسول خد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بلی، بعد فرمود تا به صحن مسجد افزودند و دیوار مسجد را با یک خشت و نیم بالا بردند. بعد از مدتی، باز به شمار مسلمانان افزوده شد، گفتند: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کاش می‌فرمودید تا بر وسعت مسجد بیفزایند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بلی و دستور داد تا به وسعت مسجد افزودند و دیوار مسجد را با دو خشت نر و ماده بنا کردند. گرمای تابستان شدید شد. گفتند: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کاش می‌فرمودید تا مسجد را سایه کنند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آری تا از تیرهای درخت خرما شمع زدند و سقفی برافراشتند و با شاخه درخت خرما و بوته‌های گورگیاه سایه‌بان ساختند. هنگام بارش شدید باران آب از لابه‌لای شاخه‌ها سرازیر شد، گفتند: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کاش می‌فرمودید تا سقف مسجد را با گل بپوشانند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان فرمود: نه. فقط سایبان، همانند سایبان موسی بن عمران صلی‌الله‌علیه‌وآله و تا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زنده بود، ساختمان مسجد به همان صورت باقی بود.[1]

سوم) استحکام

خداوند جهان هستی را متقن و مستحکم بنا کرد و این شیوه را به آدمیان

---

۱. کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۲۹۵.

آموخت:

وَتَرَى الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللهِ الَّذى أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبيرٌ بِما تَفْعَلُونَ؛[1] و کوه‌ها را می‌بینی [و] آنها را [در جای خود] بی‌حرکت می‌پنداری، در حالی که آنها مانند ابر گذر می‌کنند. آفرینش خداست که [آفرینش] هر چیزی را محکم و استوار کرده است؛ یقیناً او به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

آنگاه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند خود ابراهیم را از دست داد بر قبر او حاضر شد و ناهمواری‌های قبر را صاف نمود آنگاه فرمود:

هر گاه کسی کاری را بر عهده گرفت باید آن را متقن و محکم انجام دهد.[2]

رعایت استحکام در بنای مسجد اهمیّت ویژه‌ای دارد. مساجد از این طریق به نسلهای آینده منتقل می‌شوند و دیگران از آنها بهره‌مند خواهند شد. اگر اصل استحکام در مساجد توسط معماران رعایت گردد این اماکن مقدس عمری دراز در قرون متوالی خواهند داشت.

چهارم) تناسب جمعیّتی

از آنجا که مساجد در محله‌ها و منطقه‌های مختلف بنا می‌شوند و مکان عمومی محسوب می‌گردند، لازم است مساحت مساجد با میزان جمعیت آن منطقه تناسب داشته باشد. اگر مسجدی بزرگ در منطقه کم جمعیّت یا مسجدی کوچک در منطقه‌ای پرازدحام احداث گردد، تناسب رعایت نشده بهره‌برداری از آن با مشکلاتی رو برو خواهد شد.

روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گروهی را دید که مشغول ساختن مسجد بودند. آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله از آنان خواست مسجد را وسیع بسازند تا از جمعیت پر شود.[3]

---

۱. نمل / ۸۸.

۲. حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۲، ص ۸۸۳.

۳. بیهقی، **سنن الکبری**، ج ۲، ص ۴۳۹.

پنجم) زیبایی و آراستگی

مساجد باید به‌گونه‌ای طراحی گردند که زیبا و آراسته باشند. سادگی نباید بهانه‌ای برای نازیبایی مسجد گردد. ساختمان مسجد در عین حال که باید ساده و بی‌تکلّف باشد، لازم است از زیبایی و نظم ویژه‌ای برخوردار گردد. قرآن کریم دستور می‌دهد که مسلمانان با زینت وارد مسجد شوند:

یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفینَ؛[1] ای فرزندان آدم! [هنگام هر نماز و] در هر مسجدی، آرایش و زینتِ [مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان] همراه خود برگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

مراد از زینت در شریفه مزبور موارد ذیل است؛ پوشیدن لباس پاک و پاکیزه، شانه زدن به موها، استفاده از عطر و داشتن انگشتر فاخر. خداوند می‌خواهد مسلمانان و مکان‌های مذهبی آنان در برابر کفّار و مشرکان با شکوه باشد.[2]

زیبایی مساجد دوگونه است؛ ظاهری و معنوی. مسجد و اهالی آن به جز این‌که باید به ظاهر زیبا و آراسته باشند، لازم است از زیبایی معنوی نیز برخوردار گردند. یک مسلمان نمازگزار شایسته است از رذائل اخلاقی به دور و فضائل اخلاقی را واجد باشد.[3]

ب) فنون معماری

ساخت و معماری مسجد در سبک زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی، نقش بسزایی دارد. می‌توان فنون معماری مسجد را در سه محور بررسی کرد.[4]

---

۱. اعراف / ۳۱.

۲. مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، ج ۶، ص ۱۴۸؛ طباطبائی، **المیزان**، ج ۸، ص ۷۹؛ طبرسی، **مجمع البیان**، ج ۴، ص ۶۳۷؛ قرائتی، **تفسیر نور**، ج ۴، ص ۵۲؛ حویزی، **تفسیر نور الثقلین**، ج ۲، ص ۱۸ و ۱۹.

۳. طباطبائی، **المیزان**، ج ۸، ص ۹۹.

۴. قربانی و همکاران، **شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی**، ص ۱۰۱ – ۱۳۶؛ نوبهار، **کوی دوست**، ص ۷۹ – ۹۷؛ محرّمی، **نقش مسجد در جامعه اسلامی**، ص ۴۵ – ۶۸؛ ری شهری، **فرهنگ‌نامه مسجد**، ص ۳۱ – ۴۳.

اول) موقعیت در بافت شهری

موقعیت بیرونی مسجد در ساختن شهرها باید اصالت داشته باشد. در صدر اسلام رویه این بود که نخست مسجد بنا می‌شد و سپس گرداگرد آن شهری شکل گرفته توسعه می‌یافت. شهرهای اسلامی مسجدمحور بودند. براین اساس، لازم است نخست مکان و ابعاد بنایی مسجد با توجه به فضای شهر یا منطقه بررسی و سپس طراحی مطلوب نسبت به مسجد صورت گیرد.

با در نظر گرفتن مرکزیت مسجد، ضروری است دانشگاهها، مراکز علمی، بانک‌ها، دستگاههای دولتی، نهادهای قضائی و بازار بنا شوند. همچنین مناسب است ورودی‌ها و خروجی‌ها مسجد متناسب با مرکزیت آن پدید آید.

دوم) ابعاد کالبدی

مسجد از جهت نوع معماری باید تمایزی آشکار با سایر ابنیه داشته باشد. می‌توان ویژگی‌هایی را برای مسجد لحاظ کرد که این مکان مقدس را از دیگر بناها جدا سازد.

- عریش بودن (سایبان به جای سقف، در شرایط اقلیمی مناسب)
- داشتن قبّه (گنبد، در صورت نیاز به سقف، ترجیحاً به رنگ سبز یا آبی آسمانی)
- ساده و بی‌آلایش بودن
- دیواره‌ها و شبستان‌ها بدون کنگره و دندانه‌دار باشند.
- مسجدها بر روی قبور بنا نشوند.
- قبرستان در سمت قبله مسجد نباشد.
- ابعاد مسجد باید متعادل و متوازن بوده برای توسعه احتمالی آماده باشد.
- مطلوب است بنای مسجد به صورت چهارضلعی اعم از مربع یا مستطیل باشد تا تناسبی با نماد و ندای بزرگ اسلام داشته باشد:

«سَبْحانَ اللهِ وَ الحَمْدُ لله و لا اِلَه الاّ الله و الله اَکْبر»

- ضروری است در ساخت مسجد استحکام و امنیت در نظر گرفته شود.
- کاربری مسجد نباید تغییر کند.

سوم) فضای مسجد

هر مسجدی دارای اجزائی است که باید در معماری و طراحی مسجد از جهات مختلف مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که مسجد عبادتگاه مسلمانان است، لازم است مکانی امن و آرام بخش برای نمازگزاران باشد. براین اساس، ورودی ها، خروجی ها، سایبان، کفشداری ها، آشپزخانه، آبدارخانه، بخاری، چراغ و وضوخانه باید به‌گونه‌ای طراحی گردد که مانعی برای حضور قلب اهالی مسجد نباشد.

صفّه؛ تعبیه فضایی در کنار در ورودی مسجد که در جهت خلاف قبله باشد، برای اموری نظیر آموزش، مدیریت، کانون های فرهنگی و نیز اسکان فقرا مناسب است.

صحن؛ ایجاد صحن های بدون سقف به جهت انجام اعمال عبادی نظیر نماز عید فطر، نماز عید قربان و نماز جمعه در زیر آسمان آبی، نمایان‌گر معماری اسلامی خواهد بود.

دیوار؛ بنای دیوار مسجد باید کمتر از ۸ ذراع (تقریباً ۳ متر و ۷۵ سانتیمتر) باشد و در صورتی که دیوارها بلندتر بود مناسب است در بالای آن آیة‌الکرسی با خطی زیبا نگاشته شود. همچنین عدم اشراف به همسایه ها و عدم اضرار به آنها از ضرورت های معماری بنای این مکان مقدس است.

مناره؛ در ساخت مناره ها باید سعی شود که بلند نباشند. همچنین مناره ها باید در کنار دیوار مسجد نه درون آن تعبیه شوند. مناره تنها یک نماد و راهنماست. لذا باید حدود آن رعایت گردد.

محراب؛ محراب نباید در داخل دیوار قرار گیرد. همچنین نباید برای آن حصاری (مقصوره) در نظر گرفته شود. مکان محراب نباید بلندتر از محل نمازگزاران باشد و اگر تا حدّی پایین‌تر باشد، مطلوب است.

شبستان؛ در مساجد قسمتی مسقف بوده است که در سمت قبله قرار می‌گرفت. زمانی که شرایط جوی نامساعد بود از آن برای انجام مراسم عبادی استفاده می‌شد.

منبر؛ منبر در سمت قبله و متناسب با اندازه مسجد و جمعیت ساخته می‌شود. منبر نباید مانع اتصال صفوف یا رؤیت امام جماعت توسط صف اول باشد. منبر برای هدایت، ارشاد و موعظه مردم استفاده می‌شود.

طلاکاری؛ آراستن مسجد با طلا روا نیست. مسجد محل انقطاع از دنیاست. لذا شایسته نیست آن را با فلزی گران‌بها تزیین نماییم.

نقاشی؛ آراستن مسجد با نقاشی موجودات دارای روح مناسب نیست. همچنین نقاشی موجودات فاقد روح نظیر گل و درخت در مساجد مکروه است.

عکس؛ نصب عکس روی دیوارهایی که رو به قبله نباشند مانعی ندارد. البته لازم است عکس‌ها به‌گونه‌ای نصب شوند که آرامش و حضور قلب نمازگزاران را برهم نزنند.

درِ ورودی؛ مناسب است برای ورود بانوان دری اختصاص یابد. البته این امر در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رایج نبوده است امّا در پسندیده بودن آن تردید نیست.

وضوخانه؛ مناسب است وضوخانه و دستشویی در کنار مسجد قرار گیرد. این کار سبب می‌شود مسجد کمتر در معرض نجاست قرار گیرد و قداست آن حفظ شود.

کتابخانه؛ بسیار به جاست که در کنار مسجد بخشی برای کتابخانه و مراکز فرهنگی بنا شود تا پاسخ‌گوی نیازهای امروز جوانان و توده مردم باشد.

پارکینگ؛ مستحب است انسان پیاده به مسجد برود. امّا با توجه به شرایط امروز، مناسب است بخشی به عنوان پارکینگ ماشین و موتور در کنار مسجد احداث شود تا هم مایه آرامش نمازگزاران گردد و هم برای همسایگان موجب

آزار نباشد.

ضروری است بخش‌های دیگری نظیر پاشویی، کفش‌کنی، شبستان زنانه و انباری برای مساجد در نظر گرفته شوند. همچنین مناسب از هرگونه نوآوری در طراحی و بنای مسجد استقبال شود تا معابد مسلمانان با شکوه و عظمت باشد. تاریخ اسلام از حقیقتی زیبا پرده برمی‌دارد و آن این‌که مسلمانان نسبت به روشنایی مساجد اهتمام داشته‌اند.[1]

چهارده) مدیریت مسجد

مسجد می‌تواند مرکزی اثربخش باشد و از رخوت خارج گردد. جایگاه مسجد در سبک‌دهی رفیع و بلند است. به منظور تقویت مدیریت اثربخش مسجد و ارتقاء نقش‌آفرینی آن در سبک زندگی اسلامی در دو محور می‌توان سخن گفت.

الف) مدیریت پیام

مدیریت پیام در مسجد توسط امام جماعت و در سطح دوم به کمک دیگر عناصر مسجد صورت می‌پذیرد. مسجد و منبر برای مخاطبین پیامی دارد. این پیام باید مدیریت شود و اثربخشی آن مضاعف گردد.

پیام یکی از عناصر محوری ارتباطات است. پیام به محتوا، قالب و شیوه‌های مختلفی اطلاق می‌گردد که از سوی فرستنده به سمت مخاطب هدایت می‌شود. اگر فرستنده‌ای بخواهد به صورت هوشمند، مفهومی را از طریق کانال خاص برای گیرنده‌ای ارسال نماید و از این طریق او را متأثر کند، پیام‌دهی محقّق شده است. پیام می‌تواند بینش، نگرش، احساسات و ارزش‌های دیگران را متأثر نماید و آنها را در جهت برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و آینده‌پژوهی هدایت کند. در پیام عوامل متعددی نقش دارند.

---

۱. سمهوری، **وفاء الوفاء**، ج ۲، ص ۶۷۰؛ ناصرخسرو، **سفرنامه**، ص ۶۸.

اول) عوامل جذابیّت پیام

ایجاد جاذبه در پیام جایگاه مهمی در مدیریت پیام دارد. برای این‌که فرستنده یا یک مبلّغ بتواند پیامی را تولید کند و آن را به بهترین شکل مدیریت نماید، لازم است به ابعاد جذابیّت پیام توجه کافی مبذول نماید. عواملی که موجب جذاب شدن پیام می‌شوند، دارای ابعاد مختلفی می‌باشند.

عامل نخست) بعد محتوایی

عوامل محتوایی، به ابعادی اطلاق می‌شود که به محتوا، معنا یا منظوری که در پیام وجود دارد، ارتباط پیدا می‌کند گاهی خود پیام با قطع نظر از فرستنده، گیرنده، قالب و نحوه ارسال، جذابیّت دارد. در این صورت، ذات پیام جذّاب بوده اثربخش می‌باشد.

می‌توان نمونه‌هایی از آن را در آیات قرآن کریم مشاهده نمود؛ انطباق پیام با فطرت انسان،[۱] پاسخ‌گو بودن پیام نسبت به غریزه‌های بشری.[۲] ناظر بودن پیام نسبت به وجدانیات درونی،[۳] سازگاری محتوا با عقل سلیم،[۴] و مطابقت پیام با واقعیت.[۵]

عامل دوم) بعد قالبی

قالب‌های پیام همواره مورد استفاده ارتباط‌گران بوده‌اند. قالب‌ها همانند بسته‌های کالا عمل می‌کنند که پیام را در نظر گیرنده، جذّاب یا ناجذّاب جلوه می‌دهند. اگر قالب پیام با محتوای آن تناسب داشته باشد، پیام را جذّاب نموده در غیر این صورت پیام نازیباست. قرآن کریم از قالب‌های شگفت‌انگیزی برای

---

۱. روم / ۳۰.
۲. بقره / ۲۰۵.
۳. انعام / ۴۶.
۴. نحل / ۱۲.
۵. اعراف / ۱۰۵.

جذّاب نمودن پیام استفاده کرده است؛ قصّه و تاریخ، شعائر، صور هنری، سجع، حالت موسیقایی، تمثیل، الگودهی و مجاز.

عامل سوم) بعد پیرامونی

عوامل پیرامونی یا زمینه‌ای به بعدی از پیام اطلاق می‌گردد که خارج از آن باشد وبا افزودن آن بتوان پیام را جذّاب نمود. بعد پیرامونی می‌تواند در اقناع مخاطب نقش شایانی داشته باشد. بعد زمینه‌ای دستاویزی در دست برنامه‌ریزان پیام است تا آنها بتوانند از ادراک پیام توسط گیرنده یقین حاصل نمایند. بعد پیرامونی جنبه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد.

گونه نخست) مربوط به فرستنده

منزلت و موقعیت پیام دهنده عاملی تأثیرگذار در پیام است. این بعد را می‌توان در قرآن به صورت آشکار دید؛ شخصیت‌هایی که در قرآن مطرح می‌شوند، کلام شیوایی که قرآن بکار می‌برد، عدم تعصب در قصص قرآنی، تخصص فرستنده و سعه صدر.

گونه دوم: مربوط به گیرنده

پیام‌ها نسبت به مخاطبین اثر یکسانی ندارند بلکه نسبت به نوع شخصیت، درجه اعتقاد و شرایط فرهنگی وی متفاوت خواهند بود. در این جهت قرآن عواملی را برمی‌شمارد؛ منافع مخاطب،[۱] نیاز مخاطب،[۲] شخصیت مخاطب،[۳] سطح فهم مخاطب،[۴] گرایش مخاطب[۵] و شرایط روحی گیرنده.[۶]

---

۱. تغابن/ ۹.
۲. اعراف/ ۱۶۰.
۳. شمس/ ۸.
۴. انعام/ ۱۰۴.
۵. انفال/ ۱۲.
۶. غافر/ ۸۳.

گونه سوم) مربوط به زمینه‌های محیطی

موقعیت‌ها و زمینه‌های ارسال پیام نسبت به جذّاب بودن می‌توانند اثر بخش باشند. محیطی که پیام در آن ارسال می‌شود قادر است اثرات آن را تغییر دهد. بدون شک شرایط ارسال پیام بر انسان تأثیرگذار است و او را رشد می‌دهد یا به انحطاط می‌کشاند.

شرایط بسته به موقعیت فرستنده و گیرنده دارای حالت‌های مختلفی است. امّا بدون شک بهترین حالت این است که هم فرستنده و هم گیرنده در موقعیت مناسبی قرار گیرند. بدون تردید بهترین شرایط برای ارتباط‌گیری فرستنده با مخاطب در مکان مقدسی به نام مسجد شکل می‌گیرد؛ زیرا در آنجا ارتباط با خدا برقرار شده حضور خالق هستی محسوس است.

عامل چهارم) بعد روشی

پیام را می‌توان با روش‌ها و شیوه‌های مختلفی ارسال نمود. اگر شیوه انتقال پیام درست نباشد، ارسال‌کننده به هدف مورد نظر نخواهد رسید.

در قرآن با شیوه‌های جذّابی روبرو می‌شویم که تمام آنها پیام‌های قرآنی را فعّال و اثرگذار نموده‌اند؛ استفاده از استدلال،[1] ارسال تدریجی پیام (تکرارها در قرآن)، استفاده از شیوه تلقین، آسان جلوه دادن پیام،[2] بدیع و نوبودن،[3] ایجاز،[4] استفاده از شیوه سؤال،[5] بهره‌گیری از شعار،[6] استفاده از روش نفی و اثبات (پرمحصولی و قحطی زمان یوسف) و ارتباط چهره به چهره.[7]

---

۱. انعام / ۱۴۹.
۲. کهف / ۸۸.
۳. طه / ۴۷.
۴. مؤمنون / ۲.
۵. انعام / ۱۹.
۶. اعراف / ۱۲۷.
۷. یوسف / ۳۹.

دوم) کارکردهای پیام

پیام دارای کارکردهای متنوعی است. پیامهای دینی می‌تواند دارای اثرات سازنده و مفیدی باشند. اگر پیام در مسیر درست بکار بسته شود و تقوای الهی در آن رعایت گردد، می‌تواند آثار فراوانی داشته باشد.

قرآن کریم نمونه‌هایی از اثربخشی پیام را مطرح می‌کند و آن را پیشاروی ما قرار می‌دهد؛ پیام الهی آرام بخش بوده حاوی همدلی و صلح است،[۱] معنویت بخشی انسان‌ها حول محور توحید از دیگر کارکردهای پیام قرآنی است،[۲] ادیان الهی برای رفع تفرقه‌ها و ایجاد همبستگی و وحدت نازل شده‌اند،[۳] پیام‌های قرآنی آدمی را به سعادت و کمال می‌رسانند،[۴] در منطق قرآن پیام‌های دینی آگاهی بخش بوده مخاطب را بصیر می‌نماید،[۵] امیدبخشی و شورآفرینی از دیگر ویژگی‌های پیام الهی است،[۶] یکی از کارکردهای مورد انتظار پیام این است که مخاطب را توانمند و مسئولیت‌پذیر می‌سازد[۷] و پیام‌های قرآنی در دل مخاطبین ایمان و آرامش برمی‌انگیزد.[۸]

ب) مدیریت تشکیلات

مسجد، در جهان اسلام محور سبک زندگی مسلمانان است. تمام ابعاد زندگی امت اسلامی از مسجد تأثیر می‌پذیرد. آموزه‌های اسلامی با ساختار مسجد گره خورده است. آرمان‌های بلند مسجد و اسلام با یکدیگر در ارتباطند. اهل مسجد از این مکان مقدس نقش می‌پذیرند و نسبت به دیگران تأثیرگذارند. در این صورت،

---

۱. فتح / ۲۶.
۲. انفال / ۲۴.
۳. زخرف / ۶۳.
۴. مائده / ۳۲.
۵. توبه / ۹۷.
۶. ابراهیم / ۳۱.
۷. انفال / ۶۶.
۸. فرقان / ۲۰.

مدیریت تشکیلات و سازمان مسجد می‌تواند نقشی مؤثر در هدایت مؤمنان و مسلمانان داشته باشد.

مدیریت مسجد می‌تواند صمیمیت و یکدلی را باعث شود، دلخوری‌ها و اختلافات را به حداقل رساند، تیرگی‌ها و کدورت‌ها را تقلیل دهد، بدگمانی‌ها و قهرها را به آشتی بدل سازد، نیکی‌ها و مهربانی‌ها را توسعه بخشد و آرمان‌های قرآنی و اسلامی را عینیت دهد. مدیریت سازمانی به نام مسجد دارای ابعاد مختلفی می‌باشد.

اول) جذب جوانان

مسجد جایگاه عبادت و پایگاه هدایت است. در مسجد باید جاذبه‌های خاصی باشد تا افراد به سوی خدا جذب بشوند و روح ایمان در وجودشان تازگی یابد. رونق و شکوفائی مسجد به مدیریت آن ارتباط نزدیک دارد. اگر در اداره مسجد عوامل جذابیت‌آفرین برای نسل جوان استفاده شود، مسجد به کانونی پویا، پرتحرّک و کارا تبدیل خواهد شد.

جذب کودکان و جوانان باید سرلوحه مدیران مسجد باشد. مسجد به دلیل بهره‌مندی از ظرفیت بالا، نقش بسزایی در سازندگی معنوی جوان خواهد داشت. ذهن جوانان سرشار از سؤالها، ابهام‌ها و شبهه‌هاست. حضور روحانیون و علماء دین در مسجد پاسخی به این مطالبه جدّی جوانان است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

عَلَیکَ بالإحداثِ، فَإِنَّهُم اسرع الی کُلّ الخَیرِ؛[1] جوانان را دریابید، زیرا که آنان سریع‌تر به کارهای خیر روی می‌آورند.

ضروری است مساجد الگوهای رفتاری در تمام ابعاد زندگی را به جوانان

---

۱. کلینی، **الکافی**، ج ۸، ص ۹۳؛ حمیری، **قرب الاسناد**، ص ۱۲۸، حرّعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۱۶، ص ۱۸۷. مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۲۳، ص ۲۳۶؛ فیض کاشانی، **الوافی**، ج ۳، ص ۹۰۳؛ بحرانی، **البرهان فی تفسیر القرآن**، ج ۴، ص ۸۵.

عرضه کنند تا بتوان رفتارهای فردی و اجتماعی آنان را در قالب‌های دینی ریخت و از آنان جوانی دیندار، خداخواه و مؤمن تربیت نمود. از وظایف اصلی مدیران مسجد این است که سبک زندگی اسلامی را به‌گونه‌ای شایسته در اختیار جوانان قرار دهند در این رابطه بیشترین نقش را امام جماعت دارد. او می‌تواند با ارتباط‌گیری مناسب با گروه‌های سنی کودک و جوان، شخصیت آنان را شکل دهد. در این رابطه امام جماعت باید اصولی را رعایت نماید.

- با جوان با ابزار عاطفه و احساسات برخورد نماید و با او از در دوستی درآید. امام جماعت باید همیشه خود را در کنار جوان ببیند نه در مقابل او.
- مدیران مساجد باید با نیازها، روحیات و اقتضائات این نسل آشنا باشند. امام جماعت فردی است که با شناخت درست از جوان بتواند او را از آسیب‌ها برهاند.
- برگزاری جلسات و برنامه‌های مختلف با نسل جوان نیازمند یادگیری مهارت‌های مختلفی است که باید آن را آموخت.

دوم) بهره‌گیری از نخبگان

انقلاب اسلامی در تمام زمینه‌ها کارایی خود را به اثبات رساند. یکی از ابعاد برجسته انقلاب بزرگ شیعی این بود که مدل‌های جدید به جهانیان عرضه نمود. مسجد در این جنبش عظیم کانونی برجسته و مرکزی هدایت‌گر بود. این مرکز توانست با استفاده از دانش نخبگان و اندیشه فرهیختگان مدیریت شود.

متولیان امور مساجد باید فرهیختگان محله‌ها را شناسایی کنند و ضمن تأمین نیازهای مالی و معنوی مسجد از طریق آنان، در برنامه‌ریزی جذّاب برای مخاطبان از دانش نخبگان استفاده کنند. بهره‌گیری از فکر و خلاقیّت فرهیختگان می‌تواند در پیشرفت نسل امروز نقش بسزایی ایفا کند. خرد جمعیِ برآمده از مشارکت نیروهای متخصص در راه‌گشایی طرح‌های نو و بالندگی

مساجد نقشی بی‌بدیل دارد.

نخبگان دین‌مدار و الگوساز برای نسل جوان جذابند. استفاده از فرهیختگان جوان و پرتوان در نشاط و پویایی اهل مسجد و همانندسازی آنان اثرگذار است. امروزه جهان اسلام و از جمله ایران با جنگ نرم روبروست. این امر لزوم استفاده از قشر فرهیخته و نخبه را ضرورتی دوچندان می‌بخشد.

سوم) مدیریت برنامه‌ها

اگر مساجد بخواهند نقش تاریخی خود را در تربیت دینی و اجتماعی مخاطبان ایفا کنند، لازم است از برنامه‌های مطلوب و بهینه برخوردار باشند. پاکیزگی مسجد از لحاظ ظاهری ضروری است امّا ضروری‌تر از آن اصلاح برنامه‌های مساجد است. برنامه‌های مساجد باید دارای ابعاد مختلفی باشند.

- استفاده از مسابقات
- بیان لطایف و ظرایف عبادات
- بهره‌گیری از روش قصه‌گویی و رمان
- استفاده از کانون‌های فرهنگی مسجد
- بهره‌گیری از برنامه‌های احساسی و عاطفی
- امکاناتی نظیر کتابخانه، رایانه و شیوه‌های جدید مطالعه می‌تواند مؤثر باشد.
- تشکیل گروه‌های سرود، تواشیح و هم‌خوانی
- استفاده از برنامه‌های عرفانی مبتنی بر آیات، احادیث و ادعیه
- بیان اصول عقائد به صورت ساده و استدلالی
- پاسخ منطقی به سؤالات ذهنی جوانان و اقناع آنها
- ایجاد ارتباط بین مسجد و مراکز تفریحی و ورزشی
- تشکیل بانک اطلاعات و مرکز اطلاع‌رسانی
- تنوع بخشی به برنامه‌های فرهنگی مساجد

- داشتن مدیریت زمان
- بهره‌گیری از وجود اساتید و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی
- اجرای برنامه‌های هنری و علمی
- استفاده از ابزار تحسین و تشویق به ویژه نسبت به نسل جوان

چهارم) پیشگیری از تعارضات

گاهی درون مسجد اختلافات سطحی رخ می‌دهد و این اختلاف‌ها اگر در ابتدا مهار نشوند و به سرانجام خوشی نرساند، آهسته‌آهسته عمق پیدا می‌کنند و به تعارضات شدید تبدیل می‌شوند. نفوذ کینه و کدورت در دل مؤمنان، مسجد را از رونق انداخته، معنویت را از این مکان مقدس می‌برد. مطلوب است جهت پیشگیری از اختلاف‌ها و تعارضات به امور ذیل توجه شود:

- معرفی اهداف مشترک و تأکید بر آنها
- شفاف‌سازی نسبت به اهداف، تصمیم‌ها، مأموریت‌ها و برنامه‌ها
- آگاهی‌بخشی نسبت به پیامدهای منفی تعارضات
- نشر و توسعه ارزش‌های اخلاقی نظیر محبّت، رفاقت، انصاف و وفای به عهد
- تشویق و تأکید به همگرایی و همکاری
- تنبیه نیروهای تنش‌زا و تفرقه‌افکن

در جریان فتح مکه سعد بن عباده پرچمدار نیروهای مدینه بود. او با شعار «امروز، روز انتقام است» به صحنه آمد و عواطف دشمنان را تحریک کرد. بدین ترتیب، تعارض میان مهاجرین و انصار بالا گرفت. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با عزل وی این شعار را مطرح نمود: امروز، روز رحمت است. سپس امیر مؤمنان علیه‌السلام به عنوان فرماندهی نصب شد.[1]

---

۱. طبری، **تاریخ الطبری**، ج ۳، ص ۵۶؛ ابن هشام، **السیرة النبویة**، ج ۲، ص ۴۰۶.

پنجم) ارتباط با مسئولین منطقه

متولیان مسجد باید ارتباط سازنده با مسئولین محلی، منطقه‌ای و شهری داشته باشند. مسئولان به عنوان حلقه وصل میان مردم و حاکمیت عمل می‌کنند. آنها با شناختی درست از نیازها و مشکلات مسجد و اهالی آن سعی می‌کنند از حداکثر تلاش خویش در این راستا استفاده کنند. چه زیباست که مسئولان خود را جزئی از مسجد دانسته از تنگ نظری‌ها دست بکشند و نقش خویش را نسبت به تقویت مسجد ایفا کنند. و چه زیباست که اهالی مسجد با ایجاد ارتباطی مناسب از مسئولان در راستای ارتقا همبستگی و مشارکت‌های مردمی بهره برند.

نتیجه‌گیری

تاریخ جهان اسلام خصوصاً صدر اسلام به ما نشان می‌دهد که مهمترین عنصرسبک‌ساز در زندگی مسلمانان، مسجد بوده است. براساس آیات قرآن، احادیث معتبر و سیرهٔ عملی پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام، هیچ مکانی منزلت و رفعت مسجد را نداشته و ندارد. مسجد پایگاه ساجدان، جایگاه ذاکران و نور دل عارفان است. مسجد جایگاه نشر معارف اسلامی و تربیت مؤمنان و پرهیزگاران است. کانون اتحاد و انسجام مسلمانان، مسجد است. دفاع از تمام ارزش‌های دینی و اسلامی در مسجد محقّق می‌شود. خداوند به مسجد و اهل آن نظر دارد. مسجد بارگاه کبریایی خداوند بزرگ است. برکت‌های زمین از مسجد به دیگر سرزمین‌ها سرازیر می‌شود و حیات اسلام با مسجد پیوند خورده است.

مساجدی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنا نمود و در صدر اسلام شکل گرفتند نقش‌ها و کارکردهای مختلفی داشتند؛ مساجد سجده‌گاه و عبادتگاه مسلمانان بودند، مساجد به مثابهٔ دانشگاه عمل می‌کردند، مبلّغان از مساجد اعزام می‌شدند، مسجدها دارای کتابخانه‌های بزرگ و کوچک بودند، در مساجد جشن‌ها برگزار می‌شد، مساجد عامل وحدت‌بخش جامعه اسلامی بودند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

هیئت‌های سیاسی را در مسجد برای دیدار می‌پذیرفت، مساجد اردوگاه سپاه مسلمانان بود و حلّ دعاوی و اختلاف‌ها در مسجد فیصله پیدا می‌کرد.

اسلام در آغاز ظهور نهادی اجتماعی و سیاسی را شکل داد. این نهاد در رشد معنوی انسان‌ها نقش‌آفرین بود. فرهنگ‌سازی و تربیت انسان‌ها از طریق مسجد هدایت می‌شد. آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در مساجد عرضه می‌شدند و مسجد محل دادخواهی مظلومان تلقّی می‌شد.

امروزه هرچند بسیاری از نقش‌ها و شئون مساجد تقلیل یافته‌اند و گاه رو به افول گذارده‌اند امّا می‌توان کارکردهای مسجد را ارتقاء بخشید. پرواضح است که امروزه مسجد در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد و نیز آفتابی است که مسجد طراز دارای بایسته‌ها و ویژگی‌هایی است که هم اکنون برخی از آنها موجود نیست. بر ما فرض است که با یک نگاه به وضعیت موجود و با نگاهی دیگر به وضعیت مطلوب، جهت انتقال از وضعیت موجود که مطلوب نیست، به سوی وضعیت مطلوب که موجود نیست، برنامه‌ریزی کنیم و طرحی نو دراندازیم.

جایگاه مسجد باید تا بدان پایه ارتقا یابد که بتواند برای تمام ابعاد زندگی ایرانیان الگوی دینی و سالم عرضه کند. تنها در این صورت، است که مسجد هویّت خویش را بازخواهد یافت و به پایگاه حکومت اسلامی تبدیل خواهد شد. اگر امروزه سبک زندگی غربی در جای جای فرهنگ ما رسوخ کرده است، بدون شک احیای جایگاه مسجد می‌تواند راهکاری بسیار تأثیرگذار در مقابل هجوم این پدیده بیگانه باشد، می‌توان از مسجد، دانشگاه، رسانه‌ای مؤثر و مبلّغی شوق‌آفرین ساخت. مسجد می‌تواند و باید بیشترین نقش را بر سبک‌دهی مسلمانان و ایرانیان داشته باشد.

نوشتار حاضر در نظر دارد ضمن بررسی نقش کلیدی و سرنوشت‌ساز مسجد در صدر اسلام و نیز بررسی علل و عوامل کاهش نقش مزبور در جهان امروز، برنامه‌ای ارائه دهد تا جایگاه مسجد رفعت و ارتقاء یابد. مسجد می‌تواند در عین حال که بعد عبادی و آموزشی داشته باشد، اوقات فراغت نسل جدید را پر کند، شهر اسلامی

را مدیریت نماید، با خرافات و انحرافات مقابله کند، مسلمانان را قانون‌گرا و نظم‌پذیر سازد، به محلی برای حمایت مستمندان و نیازمندان درآید، عاملی برای تحکیم نهاد خانواده باشد، با جذب حداکثری مخاطبان نسل جدید را هدایت کند، پیام‌ها و ارزش‌های اسلامی را در جامعه و جهان منتشر سازد و مدیریت امور مسلمانان را برعهده گیرد.

مسجد می‌تواند مقرّ اصلی حکومت اسلامی باشد. مسجد می‌تواند مسلمانان را احیا کند. در مسجد ظرفیتی است که آن را برای بیشترین تأثیرگذاری‌ها مهیّا کرده است و این مرکز مقدس قادر است مشکلات جهان اسلام را کاهش دهد و از آلام مسلمانان بکاهد. به امید روزی که مسجد جایگاه آغازین خود را بازیابد.

مسجد می‌تواند نقشی بی‌بدیل در سبک‌دهی به زندگی مسلمانان و ایرانیان داشته باشد. نقش‌آفرینی مسجد ابعاد بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد که بخشی از آنها عبارتند از: علمی و آموزشی، فرهنگی تربیتی، ارتباط رسانه‌ای، اوقات فراغت، مدیریت شهری، اجتماعی سیاسی، امور اقتصادی، تحکیم نهاد خانواده، حل دعاوی و اختلافات، امور دفاعی و جنگ، امور مخاطبان، معماری و زیباسازی، مدیریت پیام و مدیریت تشکیلات.

پر واضح است که تمامی نقش‌ها و رسالت‌ها در مسجد در ابتدا بر دوش امام جماعت است. او جایگاهی والا در حوزه سبک زندگی دارد. ائمه جماعات باید با توسعهٔ دانش دینی و مهارتی در راستای ترویج فرهنگ اسلامی و توسعهٔ اهداف متعالی انقلاب اسلامی کوشا باشند.

کتابنامه

کتب

۱. به جزقرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه.

۲. ابراهیم حسن، حسن (۱۳۷۶) **تاریخ سیاسی اسلام**، مترجم: ابوالقاسم پاینده. بی جا. سازمان انتشارات جاویدان. چاپ نهم.

۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ ه.ق) **شرح نهج البلاغة**. قم. منشورات مکتبة آیت الله مرعشی النجفی. چاپ دوم.

۴. ابن اثیر، علی بن ابی الکرام محمد الشیبانی (۱۴۱۵ ه.ق) **أسد الغابة فی معرفة الصحابة**. بیروت. دارالکتب العلمیة. چاپ اول.

۵. ابن اخوه (بی تا) **معالم القربة فی احکام الحسبة**. مترجم: جعفرشعار. بی جا. بی نا.

۶. ابن ادریس حلّی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق) **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی** (والمستطرفات). تحقق: حسن بن احمد الموسوی و ابوالحسن ابن

مسیح، . قم. دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.

۷. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۳۸۶ ه.ق) **الوفاء بأحوال المصطفی**. تحقیق: مصطفی عبدالواحد. مصر. دارالکتب الحدیثة.

۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ ق) **ثواب الأعمال وعقاب الأعمال**. قم. دار الشریف الرضی للنشر. چاپ دوم.

۹. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ه.ق) **عیون أخبار الرضا علیه السلام**. تحقیق: مهدی لاجوردی. تهران. نشرجهان. چاپ اول.

۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق) **معانی الأخبار**. قم. دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.

۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق) **من لا یحضره الفقیه**. تحقیق: علی اکبرغفاری. قم. دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.

۱۲. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷ ه.ق) **رحلة ابن بطوطة**. تحقیق: عبد الهادی تازی. ریاض. اکادیمیة المملکة المغربیة. چاپ اول.

۱۳. ابن جبیر، محمد بن احمد (بی تا) **سفرنامه**. ترجمه: پرویزاتابکی. مشهد. آستان قدس رضوی.

۱۴. ابن حنبل، احمد بن محمد الشیبانی (۱۴۱۴ ه.ق) **مسند ابن حنبل**، تحقیق: عبدالله محمد الدرویش. بیروت. دارالفکر. چاپ دوم.

۱۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (بی تا) **مقدمه**. بی جا. بی نا.

۱۶. ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲ م) **الأعلاق النفیسة**. بیروت. دار صادر. چاپ اول.

۱۷. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (۱۴۱۰ ه.ق/۱۹۹۰م) **الطبقات الکبری**. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت. دار الکتب العلمیة، چاپ اول.

۱۸. ابن شبه نمیری، عمربن شبه (۱۴۱۰ ه. ق) **تاریخ المدینة المنورة**. تحقیق: فهیم محمد شلتوت. دار الفکر. قم. چاپ اول.

۱۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ه.ق) **تحف العقول**. تحقیق: علی اکبرغفاری. قم. جامعه مدرسین. چاپ دوم.

۲۰. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق) **مناقب آل أبی طالب** علیهم‌السلام. قم. علامه. چاپ اول.

۲۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ ه.ق) **فلاح السائل و نجاح المسائل**. قم. بوستان کتاب. چاپ اول.

۲۲. ابن فقیه، (بی تا) **مختصرالبدان**. ترجمه: ح مسعود. ایران. انتشارات بنیاد فرهنگ.

۲۳. ابن ماجة، محمد بن یزید القزوینی (۱۳۹۵ ه.ق) **سنن ابن ماجة**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت. دار احیاء التراث. چاپ اول.

۲۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ ه. ق) **المزار الکبیر**. تحقیق: جواد قیومی اصفهانی. قم. دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.

۲۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم المصری (۱۴۱۰ ه.ق) **لسان العرب**. بیروت. دارصادر. چاپ اول.

۲۶. ابن هشام، عبدالملك بن هشام الحمیری المعافری (بی تا) **السیرة النبویة**.

تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی. بیروت. دار المعرفة.
۲۷. ابی داود، سلیمان بن اشعث السجستانی (بی تا) **سنن ابی داود**. تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید. بیروت. دار احیاء السنة النبویة.
۲۸. ابونعیم اصفهانی، حافظ (۱۳۷۶) **ذکر اخبار اصفهان**. مترجم: سید نورالله کسایی. تهران. سروش. چاپ اول.
۲۹. أحسائی، محمد بن زین الدین (ابن أبی جمهور) (۱۴۰۵ه.ق) **عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة**. تحقیق: مجتبی عراقی. قم. دار سید الشهداء للنشر. چاپ اول.
۳۰. أشعث کوفی، محمد بن محمد ابن اشعث (بی تا) **الجعفریات** (الأشعثیات). تهران. مکتبة النینوی الحدیثة. چاپ اول.
۳۱. الول ساتن، ال پی (۱۳۳۵) **رضا شاه کبیر یا ایران نو**. ترجمه: عبدالعظیم صبوری. بی جا. بی نا.
۳۲. امام خمینی، روح الله (بی تا) **تحریر الوسیلة**. قم. مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم. چاپ اول.
۳۳. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸) **چهل حدیث**. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
۳۴. امام خمینی، سید روح الله (بی تا) **صحیفه امام**. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
۳۵. امام خمینی، روح الله (بی تا) **صحیفه نور**. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
۳۶. انصاری، عبدالله (بی تا) **شرح منازل السائرین**. شارح: ملا عبدالرزاق کاشانی. بی جا. بی نا.

۳۷. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۵) **غررالحکم و دررالکلم** (کلمات قصار امیرالمؤمنین). قم. امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. چاپ چهارم.

۳۸. آموزگار، محمد (۱۳۹۰) **پژوهش راهبردی تعالی مسجد**. اصفهان. شهید حسین فهمیده.

۳۹. باهنر، ناصر (۱۳۸۵) **رسانه‌ها و دین**. تهران. مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم.

۴۰. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ه.ق) **البرهان فی تفسیرالقرآن**. تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة موسسة البعثة. قم. بنیاد بعثت. چاپ اول.

۴۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ ه.ق) **صحیح البخاری** (الجامع الصحیح). تحقیق: مصطفی دیب البقا. بیروت. دار ابن کثیر. چاپ چهارم.

۴۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ه.ق) **المحاسن**. تحقق: جلال الدین محدث. قم. دار الکتب الإسلامیة. چاپ دوم.

۴۳. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ه.ق/۱۹۹۶م) **انساب الأشراف**. تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت. دار الفکر. چاپ ول.

۴۴. بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۸۶) **حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر**. قم. حکمت.

۴۵. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۱۴ ه.ق) **السنن الکبری**. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت. دارالکتب العلمیة. چاپ اول.

۴۶. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (۱۳۷۸) **دایرةالمعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی** (مساجد تاریخی ایران). بی جا. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۷. تِرمذی، محمد بن عیسی (بی تا) **سُنَن التِّرمذی** (الجامع الصحیح). تحقیق: احمد محمد شاکر. بیروت. دار احیاء التراث.

۴۸. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق) **تفسیرروان جاوید**. تهران. برهان. چاپ سوم.
۴۹. جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۰۸ه.ق) **کشف الأسرار فی شرح الإستبصار**. تحقیق: طیّب موسوی جزائری. قم. مؤسسة دار الکتاب. چاپ اول.
۵۰. جعفری، یعقوب (بی تا) **تفسیرکوثر**. بی جا. بی نا.
۵۱. جعفری، یعقوب (بی تا) **مسلمانان دربسترتاریخ**، بی جا. دفترنشرفرهنگ اسلامی.
۵۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۶) **آثاراسلامی مکه ومدینه**. تهران. مشعر. چاپ هشتم.
۵۳. جعفریان، رسول (۱۳۶۶) **تاریخ سیاسی اسلام**. قم. چاپخانه سلمان فارسی. چاپ اول.
۵۴. جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۱) **مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی**. تهران. دانشگاه تهران. چاپ هفتم.
۵۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۶) **جلوه‌های هنردراصفهان**. تهران. جانزاده.
۵۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳) **تفسیرتسنیم**. قم. اسراء.
۵۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) **مفاتیح الحیات**. قم. اسراء. چاپ سی وسوم.
۵۸. جهانگیری سهرودی، یحیی (۱۳۸۸) **مسجد مجازی**. قم. ثقلین. چاپ اول.
۵۹. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ه.ق) **وسائل الشیعة**. تحقق: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام. قم. مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام. چاپ اول.
۶۰. حسینی پاکدهی، علی (۱۳۸۱) **مبانی اقناع و تبلیغ**. تهران. نشرآن و مرکز برنامه ریزی وآموزش نیروی انسانی.

۶۱. حلبی، علی بن برهان الدین (بی تا) **السیرة الحلبیة**. بیروت. دار احیاء التراث العربی.

۶۲. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ه.ق) **قرب الاسناد**. تحقیق مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام. قم. مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام. چاپ اول.

۶۳. حیدر، اسد (۱۳۹۲ه.ق) **الامام الصادق و المذاهب الاربعة**. بیروت. دارالکتاب العربی. چاپ دوم.

۶۴. خطیب بغدادی (بی تا) **تاریخ بغداد**. بیروت. دار الکتب.

۶۵. خلیفه نیشابوری (بی تا) **تاریخ نیشابور**. تهران. کتابخانه ابن سینا.

۶۶. دادگران، سید محمد (۱۳۸۹) **مبانی ارتباط جمعی**. تهران. فیروزه. چاپ پانزدهم.

۶۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق) **إرشاد القلوب إلی الصواب**. قم. الشریف الرضی. چاپ اول.

۶۸. ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان (۱۴۱۹ه.ق/ ۱۹۹۸م) **تذکرة الحفاظ**. تحقیق: زکریا عمیرات. بیروت. دار الکتب العلمیة. چاپ اول.

۶۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق/بیروت. دارالعلم و الدار الشامیة. چاپ اول.

۷۰. رزاقی، ابوالقاسم (۱۳۶۲) **مسجد پایگاه توحیدی و تقوی**. بی جا. حزب جمهوری اسلامی.

۷۱. رستگار، مرتضی (۱۳۸۷) **مسجد در روایات و اخبار**. قم. ثقلین. چاپ اول.

۷۲. رضایی، علی (۱۳۸۲) **جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی**. قم. ثقلین.

۷۳. زاهری، احسان (۱۳۸۵) **مسجد با محوریت پیامبراعظم** صلی‌الله‌علیه‌وآله. قم. الطیار.

۷۴. زینالی، سیدحسین (۱۳۷۳) **چهل حدیث مسجد**. تهران. انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۷۵. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) **اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان**، گروه اجتماعی ـ فرهنگی. تهران. سازمان ملی جوانان. چاپ اول.

۷۶. سبحانی، جعفر (۱۳۸۱) **فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام**. تهران. مشعر. چاپ سیزدهم.

۷۷. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۷۲) **بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی**. مشهد. آستان قدس.

۷۸. سمهودی، علی بن احمد (۲۰۰۶ م) **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی**. تحقیق: خالد عبدالغنی محفوظ. بیروت. دار الکتب العلمیة. چاپ اول.

۷۹. سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ ه.ق) **فی ظلال القرآن**. بیروت – قاهره. دارالشروق. چاپ هفدهم.

۸۰. شایگان، فریبا (۱۳۸۹) **تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد**. تهران. جامعه‌شناسان.

۸۱. شرّاب، محمد محمد حسن (بی تا) **المدینة النبویة فی فجر الإسلام وعصر الراشدین**. دمشق. دار القلم.

۸۲. شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۲) **سبک زندگی اسلامی ایرانی**. آفتاب توسعه. چاپ اول.

۸۳. شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا) **جامع الاخبار**. نجف. مطبعة حیدریة. چاپ اول.

۸۴. شیرازی، محمد (۱۳۸۰) **جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها**. بی جا. دبیرخانه همایش علمی بررسی نقش تبلیغات در جنگ.

۸۵. صادقی، حسن (۱۳۸۸) **مساجد و روحانیت در نظام اسلامی و حقوق بین‌المللی**. قم. سلسله.

۸۶. صادقی، عبدالمجید (۱۳۸۴) **اصول مخاطب‌شناسی تبلیغی**. قم. زمزم هدایت. چاپ دوم.

۸۷. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۶) **الأمالی**. تهران. چاپ ششم.

۸۸. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۶۲) **الخصال**. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم. جامعه مدرسین. چاپ اول.

۸۹. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲) **پرتوی از قرآن**. تهران. شرکت سهامی انتشار. چاپ چهارم.

۹۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴) **المیزان فی تفسیرالقرآن**. ترجمه: محمدباقرموسوی همدانی. قم. دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.

۹۱. طبرسی، ابومنصوراحمد بن علی (۱۴۰۳ه.ق) **الإحتجاج علی أهل اللجاج**. تحقیق: محمد باقرخرسان. مشهد. نشرمرتضی. چاپ اول.

۹۲. طبرسی، ابی‌علی فضل بن حسن (۱۳۶۰) **مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن**. ترجمه: مترجمان. تحقیق: رضا ستوده. تهران. فراهانی. چاپ اول.

۹۳. طبرسی، ابی‌علی فضل بن حسن (۱۳۷۷) **تفسیرجوامع الجامع**. ترجمه: مترجمان. مشهد. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ دوم.

۹۴. طبرسی، أبی‌نصرحسن بن فضل (۱۴۱۲ه.ق / ۱۳۷۰ش) **مکارم الأخلاق**. قم. الشریف الرضی. چاپ چهارم.

۹۵. طبری، أبوجعفرمحمد بن جریر(۱۳۸۷ه.ق / ۱۹۶۷م) **تاریخ الأمم والملوك**

(تاریخ الطبری). تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم. بیروت. دار التراث. چاپ دوم.

۹۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵) **مجمع البحرین**. تحقیق: سید احمد حسینی. تهران. کتابفروشی مرتضوی. چاپ

۹۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ه.ق) **تهذیب الأحکام**. تحقیق: حسن الموسوی خرسان. تهران. دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم.

۹۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ه.ق) **الأمالی**. تحقیق: مؤسسة البعثة. قم. دار الثقافة. چاپ اول.

۹۹. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸) **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**. تهران. انتشارات اسلام. چاپ دوم.

۱۰۰. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰) **تفسیر عاملی**. تحقیق: علی اکبر غفاری. تهران. صدوق.

۱۰۱. عباسی، رسول، (۱۳۹۱) **الگوی مدیریت اثربخش مسجد**. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. اول.

۱۰۲. عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ه.ق) **تفسیر نور الثقلین**. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی. قم. انتشارات اسماعیلیان. چاپ چهارم.

۱۰۳. عصیانی، علیرضا (۱۳۸۶) **تفسیر موضوعی تربیت دینی از منظر قرآن**. قم. بوستان دانش.

۱۰۴. علمی، محمدجواد (۱۳۷۱) **تبلیغات مساجد**. مشهد. امامت. چاپ اول.

۱۰۵. غزالی، أبوحامد محمد بن محمد (بی تا) **إحیاء علوم الدین**. بیروت. دار االمعرفة.

۱۰۶. غنیمه، عبدالرحیم (بی تا) **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی**. ترجمه: نورا

کسائی. بی جا. انتشارات یزدان.

۱۰۷. فارسی، عبد الغافربن اسماعیل (۱۴۰۳ ه.ق) **تاریخ نیسابور: المنتخب من السیاق**. قم. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.

۱۰۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵) **روضة الواعظین و بصیرة المتعظین**. قم. انتشارات رضی. چاپ اول.

۱۰۹. فتحی، اصغر (۱۳۵۸) **منبریک رسانه عمومی در اسلام**. ترجمه: قاسم هاشمی‌نژاد. تهران. پژوهشکده علوم و توسعه.

۱۱۰. فراهتی، عباسعلی (۱۳۸۵) **مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی**. قم. فلاح. چاپ دوم.

۱۱۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ه.ق) **کتاب العین**. قم. نشر هجرت. چاپ دوم.

۱۱۲. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۷) **درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران**. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها. چاپ دوم.

۱۱۳. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق) **تفسیر من وحی القرآن**. بیروت. دارالملاك للطباعة و النشر. چاپ دوم.

۱۱۴. فعالی، محمد تقی (۱۳۸۹) **تجربه دینی و مکاشفه عرفانی**. تهران. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ چهارم.

۱۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ه.ق) **الوافی**. اصفهان. کتابخانه امام أمیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. چاپ اول.

۱۱۶. قادری الأهدَل، عبدالله احمد (۱۴۱۱ هـق / ۱۹۹۱ م) **دور المسجد فی التربیه**. جدّة. دار المجتمع للنشر و التوزیع.

۱۱۷. قانعیان، محمدتقی؛ فلاح‌زاده، رضاعلی و مروّتی، پوران (۱۳۹۲) **بهداشت و ایمنی مساجد و اماکن مذهبی**. تهران. آثار سبحان.

۱۱۸. قرائتی، تقی (۱۳۸۴) **مدیریت مسجد**. از کتاب بایسته‌های تبلیغ: خلاصه مباحث مطرح‌شده در گردهمایی روحانیون مستقر. قم. پرهیب.

۱۱۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳) **تفسیرنور**. تهران. مرکزفرهنگی درسهایی از قرآن. چاپ یازدهم.

۱۲۰. قربانی، رحیم و همکاران (بی‌تا) **شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی**. تهران. مرکزبررسی‌های راهبردی و پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.

۱۲۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷) **تفسیراحسن الحدیث**. تهران. بنیاد بعثت. چاپ سوم.

۱۲۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱) **قاموس قرآن**. تهران. دارالکتب الإسلامیة. چاپ ششم.

۱۲۳. قشیری، عبدالکریم (۱۹۸۳م) **لطائف الاشارات**. مصر. مرکزتحقیق التراث.

۱۲۴. کاویانی، محمد (۱۳۹۱) **سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن**. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.

۱۲۵. کتّانی، عبدالحیّ (بی‌تا) **التراتیب الإداریه**. بیروت. داراحیاء التراث العربی.

۱۲۶. کریمیان، احمد (۱۳۹۰) **سیره آموزشی رسول خدا** صلی‌الله‌علیه‌وآله. قم. بوستان کتاب. چاپ اول.

۱۲۷. کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۷۸) **تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران**. تهران. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۱۲۸. کیا، علی اصغر و سعیدی، رحمان (۱۳۸۳) **مبانی ارتباط، تبلیغ و اقناع**. تهران. مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران. چاپ اول.

۱۲۹. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۱۸ه.ق) **البلد الأمین والدرع الحصین**. بیروت. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. چاپ اول.

۱۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ه.ق) **الکافی**. تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران. دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم.

۱۳۱. گروه پژوهش های کابردی مرکز رسیدگی به امور مساجد (۱۳۸۸) **سیمای مسجد در قرآن**. قم. ثقلین. چاپ اول.

۱۳۲. گروه پژوهش های کابردی مرکز رسیدگی به امور مساجد (۱۳۸۶) **مدیریت مسجد**. قم. ثقلین. چاپ اول.

۱۳۳. متز، آدام (۱۳۶۲) **تمدن اسلامی در قرن چهارم**. مترجم: علیرضا ذکاوتی. تهران. امیرکبیر.

۱۳۴. متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۳۹۷ ه.ق) **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**. بیروت. مکتبة التراث الإسلامی. چاپ اول.

۱۳۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق) **بحار الأنوار**. تحقیق: جمعی از محققان. بیروت. دار إحیاء التراث العربی. چاپ دوم.

۱۳۶. محرّمی، غلامحسن (۱۳۷۹) **نقش مسجد در جامعه اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان**. قم. یمین. چاپ اول.

۱۳۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹) **اخلاق مدیریت در اسلام**. قم. دارالحدیث. چاپ ششم.

۱۳۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷) **فرهنگ نامه مسجد**. قم. دارالحدیث. چاپ اول.

۱۳۹. مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷) **تفسیر هدایت**. ترجمه: مترجمان.

مشهد. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ اول.
۱۴۰. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳) **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**. تهران. زوار.
۱۴۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰) **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) **خدمات متقابل اسلام و ایران**. تهران. صدرا. چاپ بیست و یکم.
۱۴۳. معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم (۱۳۸۵) **مساجد، مشکلات و راهکارها**. قم. انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۴۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق) **الإختصاص**. تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی. قم. الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید. چاپ اول.
۱۴۵. مقدسی، محمد بن احمد (بی تا) **أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم**. بیروت. دار صادر. چاپ دوم.
۱۴۶. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ه.ق) **المواعظ و الإعتبار بذکر الخطط و الآثار**. بیروت. دار الکتب العلمیة. چاپ اول.
۱۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) **تفسیر نمونه**. تهران. دارالکتب الإسلامیة. چاپ اول.
۱۴۸. مکّی السّباعی، محمد (۱۳۷۳) **نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی**. ترجمه علی شکوئی. تهران. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. چاپ اول.
۱۴۹. موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۸۰) **اصول برنامه ریزی اوقات فراغت**. گویه. چاپ اول.

۱۵۰. موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۸۱) **آیین مسجد**. تهران. گویه.

۱۵۱. مونس، حسین (۱۴۰۱) **المساجد**. کویت. عالم المعرفة.

۱۵۲. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷) **دین وسبک زندگی**. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. چاپ دوم.

۱۵۳. مهدوی، مصلح الدین (۱۳۶۷) **تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر**. قم. نشرالهدایة.

۱۵۴. ناجی، (بی تا) **المدخل فی تاریخ الحضارة العربیة**. بغداد. مطبعة العانی.

۱۵۵. ناصرخسرو (بی تا) **سفرنامه**. بی جا. امیرکبیر.

۱۵۶. نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (بی تا) **تاریخ بخارا**. ترجمه: ابونصر القباوی. بی جا. انتشارات توس.

۱۵۷. نوبهار، رحیم (۱۳۷۳) **سیمای مسجد ج ۱ و ۲**. قم. مؤلف.

۱۵۸. نوبهار، رحیم (۱۳۷۶) **کوی دوست**. قم. دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱۵۹. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ه.ق) **مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل**. تحقیق: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام. قم. مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام. چاپ اول.

۱۶۰. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ه.ق/۱۹۸۹م) **المغازی**. تحقیق: مارسدن جونس. بیروت. مؤسسة الأعلمی. چاپ سوم.

۱۶۱. ولی، طه (۱۴۰۹ه.ق) **المساجد فی الاسلام**. بیروت لبنان. دارالعلم للملایین.

۱۶۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (بی تا) **تفسیر راهنما**. بی جا. بی نا.

۱۶۳. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۹۹ ه.ق) **کشف المحجوب**. تهران. کتابخانه طهوری.

۱۶۴. هدایت، رضاقلی خان (بی تا) **روضة الصفای ناصری**. تهران. بی نا.
۱۶۵. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۰۹ ه.ق) **العروة الوثقی فیما تعم بها البلوی**. بیروت. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. چاپ دوم.
۱۶۶. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفربن وهب واضح الکاتب العباسی (بی تا) **تاریخ الیعقوبی**. بیروت. دار صادر.
۱۶۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲ه. ق) **البلدان**. تحقیق: محمد امین ضناوی. بیروت. دار الکتب العلمیة. چاپ اول.

مقالات

۱. اسدی، سعید (۱۳۸۶) **نقش مساجد در مدیریت توسعه محله‌ای**. فروغ مسجد (۵): مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید (سخنرانی ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامیداشت مساجد). قم. ثقلین.
۲. آزاد ارمکی، تقی و شالچی، وحید (پاییز و زمستان ۱۳۸۴) **دوجهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ**. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۴.
۳. بادپا، عبیدالله (بهار و تابستان ۱۳۹۱) **مسجد جایگاه و کارکردهای آن**. فصلنامه ندای اسلام. ش۴۹ و ۵۰.
۴. بختیاری، حسن (اسفند ۱۳۸۹) **بررسی میزان تأثیر معنویت برتوانمندسازی مدیران**. مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی (مدیریت اسلامی). سال هجدهم. شماره پیاپی ۸۱.
۵. حسنی، علی (بهار و تابستان ۱۳۹۰) **سیره تبلیغی پیامبر اعظم ﷺ در قرآن**. دو

فصلنامه تخصصی تبلیغ. قم. جامعة المصطفی العالمیة. سال چهارم. شماره ششم.
۶. حسینی، سید حمید (۱۳۸۵) **آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد**. فروغ مسجد (۴) مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش بین المللی هفته جهانی گرامیداشت مساجد. قم. ثقلین.
۷. حیدری، حسین؛ ساعی، منصور و احمد (مرداد ماه ۱۳۹۲) **بررسی اثر مصرف فرهنگی فراغتی جوانان بر سبک زندگی و ارزش های اجتماعی آنان** (مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان). شیراز.
۸. ذکایی، محمدسعید (تابستان ۱۳۸۶) تحوّل الگوی گذران اوقات فراغت در جوامع غربی و ایران. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. دوره‌ی دهم. شماره ۴.
۹. صادقی نژاد، امیر (۱۳۹۲) **معماری مساجد از دیدگاه علمای فقه شیعه**. از مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی. بوشهر. سفیران فرهنگی مبین. ج ۴.
۱۰. ضرابی، عبدالرضا (۱۳۷۹) **نقش و عملکرد مسجد در تربیت**. مجله معرفت. شماره ۳۳.
۱۱. عابدی جعفری، حسن و همکاران (آذر و دی ۱۳۸۴) **طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی**. مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام. سال چهاردهم. شماره ۶۰.
۱۲. عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۲) **بررسی نقش مساجد به عنوان ابزار مهندسی فرهنگی در سرمایه اجتماعی**. از مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی. بوشهر. سفیران فرهنگی مبین. ج ۴.
۱۳. فروشی، نرگس (۱۳۹۲) **تأثیر معماری بر تربیت کودک با استناد به آیات قرآن**

و ارایه راهکارهای معماری مؤثر. از مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. بوشهر. سفیران فرهنگی مبین. ج ۴.

۱۴. فروغی، نعمت‌الله (پاییز ۱۳۸۳) **اوقات فراغت در سیره و سنت**. مجله فرهنگ کوثر. شماره ۵۸.

۱۵. فصیحی، امان‌الله (بهار ۱۳۸۹) **بررسی کارآمدی نظریه کارکرد گرایی**. مجله فرهنگی اجتماعی. سال اول. شماره دوم.

۱۶. قهرمانی فرد، کامیار و کاظمی، اباذر (۱۳۹۲) **آسیب‌شناسی الگوهای نوین گذران اوقات فراغت جوانان و ارائهٔ راهبردهای مدیریتی**. فرهنگی (مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان). شیراز.

۱۷. کرم‌اللهی، نعمت‌الله و کاشانی‌زاده، مسلم (تابستان ۱۳۹۱) **تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی وضعیت مسجد در ایران**. مجله علمی-پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی. سال سوم. شماره سوم.

۱۸. مافروخی، مفضل بن سعد (۱۳۲۸) **محاسن اصفهان**. ترجمه: ابی‌الرضا آوی. به اهتمام عباس اقبال. ضمیمه ماهنامه یادگار.

۱۹. وزارت ارشاد اسلامی (تابستان ۱۳۸۲) **فضاهای فرهنگی ایران**: آمارنامه محصولات فرهنگی، طرح‌های ملی وزارت ارشاد اسلامی.

پایان‌نامه‌ها

۱. انجمن شعاع، آذر (۱۳۸۷) **نقش مساجد ایران پس از انقلاب اسلامی در گسترش فرهنگ دینی و انقلابی**. پایان نامه سطح ۳. قم. مرکزمدیریت حوزه‌های علمیه خواهران.

۲. عربی سرخه‌ای، حسینعلی (۱۳۸۶) **بررسی کارکردهای اجتماعی مسجد در صدر اسلامی (تا سال ۴۰ ه.ق) و مقایسه آن با پنجاه سال اخیر (۱۳۳۵-۱۳۸۵) در ایران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به شماره ۵۶۳ در کتابخانه مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.

۳. علیزاده، فرهاد (الف: ۱۳۹۲) **بررسی مدیریت تعارض در سیره پیامبر اعظم** صلی‌الله‌علیه‌وآله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.

۴. کدخدایی، سمیه (۱۳۹۰) **جایگاه مسجد در گسترش فرهنگ اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات در قرن اول و دوم هجری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران-پردیس قم.